

تفسیر روشن

برای عموم طبقات

با بیان قاطع از جهت لغات و تفسیر و حقائق

مجلد پانزدهم

نوشته
محقق مفسر
علامه مصطفوی

سوره روم
سوره ۳۰ عدد آیات ۶۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَلَمْ - ۱ - غُلِبَتِ الرُّومُ . ۲ - فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ
 سَيَغْلِبُونَ . ۳ - فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ
 الْمُؤْمِنُونَ . ۴ - بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . ۵ - وَ عَدَّ اللَّهُ لَا
 يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ . ۶ - يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ . ۷ - أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ
 السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ إِن كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ
 بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُونَ . ۸ - أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَثَارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا
 عَمَرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
 يَظْلِمُونَ . ۹ .

آلم: از حروف مقطعه قرآن مجید - الله ، لقاء ، محمد که نماینده الهی است .
 و روم: در زمان رسول اکرم (ص) أهل روم از أهل کتاب بودند ، و مغلوب
 شدند .

و أدنى أرض: در سرزمین نزدیکتر به اراضی مسلمین که حجاز بود زندگی
 داشتند .

و بضع: قطعه محدود ، از سه تا نه است .

و یخلف: عوض قرار دادن ، تمام نکردن است .

ظاهر حیوة دنیا: که جهان ماده است ، و باطنش عالم روحانیست .

الْآخِرَةَ : متأخر از عالم ماده و دنیا ، و باطن آنست .

می‌فرماید : مغلوب شد روم . - ۲ در نزدیکترین زمین و آنها پس از این مغلوب شدن ، غلبه پیدا خواهند کرد . - ۳ در چند سال محدود ، و برای خداوند متعال است حکم و فرمان از پیش از این و از پس از این ، و در این زمان شاد و مسرور گردند مؤمنین . - ۴ بیاری خداوند متعال ، و یاری می‌کند خداوند بهر کسی که میخواهد ، و او صاحب عزت و رحمت است . - ۵ این وعده خداوند است ، و تخلف نمی‌کند خداوند در وعده خود ، ولیکن بسیاری از مردم نمیدانند . - ۶ میدانند ظاهری از زندگی دنیوی را ، و آنها از جهان آخرت غافلند . - ۷ آیا پیش خودشان فکر نمودند که خداوند متعال نیافریده است آسمانها و زمین و آنچه را که در میان زمین و آسمان است مگر روی حقیقت و وقت معین ، و بسیاری از مردم کافر هستند از لقای پروردگار خودشان . - ۸ آیا سیر نکردند در روی زمین تا ببینند چگونه شده است عاقبت زندگی آنانکه پیش از آنها بودند ، در صورتیکه از قدرت و نیرومندی برتر از اینها بودند ، و پیش از اینها در روی زمین آبادانیها کرده و زراعت و عمل کردند ، و آمد برای آنها رسولان الهی ، که دلائل و آیاتی داشتند ، و خداوند هرگز بآنها ظلمی نکرد ، بلکه آنها بودند که بخودشان ظلم کردند . - ۹ .

نتیجه :

غُلِبَتِ الرُّومُ : جنگ در میان ایرانیها که در آنزمان زردشتی بودند ، و رومیها که ساکن در سرزمین ترکیه و حوالی آن بودند ، بنفع ایرانیها تمام شد .
و چنانکه در جمله پس از آن فرموده است (وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ) که پس از چند سال ، جنگ دیگری واقع شده ، و در این جنگ دوم رومیها که از اهل کتاب بودند به ایرانیها غلبه پیدا کردند .

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّؤْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا
يَسْتَهْزِءُونَ . - ۱۰ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . - ۱۱ وَ يَوْمَ تَقُومُ
السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ . - ۱۲ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءٌ وَكَانُوا
بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ . - ۱۳ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِئِدِ يَتَفَرَّقُونَ . - ۱۴ فَأَمَّا الَّذِينَ
آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ . - ۱۵ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَ
كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ . - ۱۶ فَسُبْحَانَ اللَّهِ
حِينَ تُمَسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ . - ۱۷ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا
وَ حِينَ تُظْهِرُونَ . - ۱۸ .

أَسَاءُوا السُّؤْأَىٰ : بد کردند - بدی را .

يُبْلِسُ : کم خیر بودن ، تحیر ، و انکسار است .

السَّاعَةُ : وقت معین است .

يُحْبَرُونَ : سرور ، ابتهاج است .

تُظْهِرُونَ : داخل در نصف النهار و ظهر شدن .

تُمَسُونَ : داخل در مساء شدن است .

تُصْبِحُونَ : داخل در صبح شدن ، و صبح کردنست .

عَشِيًّا : آخر روز که شروع بتاریکی می شود .

می فرماید : سپس بود عاقبت آنها یکه بدکاره بودند اینکه تکذیب کردند آیات
إلهی را و بودند بآنها استهزاء می کردند . - ۱۰ و خداوند ابتداء میکند آفرینش را و
سپس برمیگرداند آنها را ، و پس از آن بسوی او برگردانیده می شوید . - ۱۱ و
روزیکه ساعت قیامت برپا شود و در آنروز متحیر گردد اشخاصیکه منقطع باشند از
مبدء نور و رحمت . - ۱۲ و نباشد در آنروز از شرکای آنها افرادی که شفاعت کننده

باشند ، و باشند در آنروز منکر و مخالف شرکای خودشان . - ۱۳ و روزیکه برپا می‌شود روز قیامت ، در آنروز مردم متفرّق و پراکنده گردند . - ۱۴ پس اَمَّا اَنانکه ایمان آورده و اَعْمال صالح بجا آوردند : پس آنها در روضه و باغیکه جالب است ، دلشاد و مسرور گردند . - ۱۵ و اَمَّا کسانیکه کافر شده و تکذیب کردند آیات ما را و عقیده به ملاقات آخرت خدا ندارند پس آنها در محیط عذاب حاضر خواهند شد . - ۱۶ پس منزّه باشد خداوند زمانیکه شب میکنید و وقتیکه صبح میکنید . - ۱۷ و برای او است حمد در آسمانها و زمین و هنگام عشاء که آخر روز است ، و هنگام ظهر که موقع نصف النهار است . - ۱۸ .

نتیجه :

اینکه تکذیب کردند : اعمال خلاف و قبیح بجزریان طبیعی موجب کدورت و ظلمت قلب گشته ، و در نتیجه افکار آلوده و باطل تولید می‌شود .
چنانکه طاعات و عبادات و اعمال پسندیده قلب را منور و روشن کرده ، و سبب افزایش معرفت و نورانیت باطن خواهد گشت .
يُبْلِسُ الْمَجْرَمُونَ : مبدء همه رقم از خیرات مادی و معنوی ، پروردگار متعال است ، و کسیکه از آنجا منقطع گردید : در حقیقت از همه خیرات و منافع محروم خواهد شد ، و محروم بودن بدرجه‌ای شدید میشود که موجب یأس کلی از بدست آوردن خیرات و منافع گردد .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ . - ۱۹ و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ . - ۲۰ و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ . - ۲۱ و مِنْ آيَاتِهِ

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتَلَفُ السِّنَّتِكُمْ و أَلْوَانِكُمْ انَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ
لِّلْعَالَمِينَ . - ۲۲ و مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ و ابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ انَّ فِي
ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ . - ۲۳ .

حَيٌّ : زنده بودن ، زندگی کردن ، مقابل میّت است .

مَيِّتٌ : چیزیکه زنده نیست ، و مرده است ، مطابق حال خود .

أَزْوَاجٌ : جمع زَوْج بمعنی مقارن از جنس خودش .

مَنَامٌ : خوابیدن است .

ابْتِغَاءٌ : طلب کردن است .

می‌فرماید : بیرون می‌آورد موجود زنده را از موجود مرده ، و موجود مرده را از زنده ، و حیات می‌بخشد زمین را پس از آنکه مرده است ، و اینچنین شماها زنده خواهید شد . - ۱۹ و از آیات خداوند است که آفریده است شما را از خاک ، و سپس بصورت بشر آمده و منتشر می‌شوید . - ۲۰ و از آیات خداوند است که آفریده است از جنس خودتان همسرهایی ، تا تکیه کنید بآنها ، و قرار داده است در میان شما دوستی و رحمت که شاید شما از این امور تفکر داشته باشید . - ۲۱ و از آیات اوست آفریدن آسمانها و زمین ، و مختلف بودن زبانها و رنگهای شما ، و در این امر آیاتی باشد برای اهل عوالم . - ۲۲ و از آیات خداوند خوابیدن شما است در شب و روز ، و طلب کردن شما است منافی را از فضل و لطف او ، و در این جریان آیاتی باشد برای افرادی که می‌شنوند . - ۲۳ .

نتیجه :

یخرج الحیّ : از علائم و آثار حیات ، تحرّک و احساس داشتن و فعّالیّت در ادامه

زندگی است ، البته هر موجودی بتناسب شأن خود ، احساس و تحرّکی دارد .
 اختلاف اَلسِّنْتِکُمْ و اَلْوَانِکُمْ : در صورتیکه هر نوعی از لحاظ کلی خصوصیات
 واحدی دارند ، ولی افراد از لحاظ اَلْوَان و شکل و زبان ، با همدیگر اختلاف پیدا
 می‌کنند ، و اینمعنی یکی از آیات اِلَهی باشد .
 منامکم : نوم برای استراحت و تجدید قوّت و قدرت است ، و اگر نوم نباشد ، در
 پشت سر آن فعالیت بدنی و روحی صورت نمیگیرد ، و از این جهت است که نبودن
 نوم از علائم مرض سخت باشد .

و مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ
 الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ . - ۲۴ و مِنْ آيَاتِهِ اَنْ تَقُومَ
 السَّمَاءُ وَ الْاَرْضُ بِاَمْرِهِ ثُمَّ اِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْاَرْضِ اِذَا اَنْتُمْ تَخْرُجُونَ . - ۲۵ وَ
 لَهٗ مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ كُلٌّ لَهٗ قَانِتُونَ . - ۲۶ وَ هُوَ الَّذِي يَبْدُو الْخَلْقَ ثُمَّ
 يُعِيْدُهٗ وَ هُوَ اَهْوَنُ عَلَيْهِ وَ لَهٗ الْمَثَلُ الْاَعْلٰى فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيْزُ
 الْحَكِيْمُ . - ۲۷ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ اَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ مِّنْ
 شُرَكَاءَ فَيَمَا رَزَقْنٰكُمْ فَاَنْتُمْ فِيْهِ سَوَآءٌ تَخَافُوْنَهُمْ كَخِيفْتُمْ اَنْفُسَكُمْ كَذٰلِكَ نَفِصِّلُ
 الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُوْنَ . - ۲۸ .

بَرْق : روشنائی ، ظهور ، برق زدن است .

تقوم : اعتدال ، انتصاب است .

قانت : مطیع ، خاضع دائمی .

أهون : آسانتر و نرمتر .

مَثَل : تشبیه ، تصویر است .

سواء : برابر ، معتدل ، متوسط است .

خيفة: ضد أمن، ترسیدن، فزع است.

می فرماید: و از آیات خداوند متعال است که نشان می دهد بشما برق را که ظاهر میشود در آسمان و برخورد ابرها، که موجب خوف و طمع می شود، و نازل میکند از آسمان ابرا که احياء میکند با آن زمین را پس از مردن آن، و در این جریان آیات الهی است برای افرادی که عاقلند و متوجه میشوند. - ۲۴ و از آیات او است اینکه برپا است آسمانها و زمین بفرمان او، و سپس هر زمانیکه بخواهد دعوت کند شماها را از زمین، در آنهنگام خارج می شوید. - ۲۵ و برای او است آنکه در آسمانها و در زمین است، و همه در مقابل او خاضع و فرمانبردارند. - ۲۶ و او است که آغاز میکند آفرینش را و سپس عود میدهد آنها را، و آن آسانتر و سستتر است بر او، و برای او است مثل و شبیه بالا در آسمانها و زمین، و او با عزت و با حکمت است. - ۲۷ زده است خداوند متعال برای شماها مثلی که از خودتان است: آیا برای شماها از آنانکه مملوک شماها و در زیر دست شما هستند، شرکائی باشند که در آنچه ما بشما داده ایم شریک باشند که از هر جهت برابر شوند با شما، می ترسید از آنها مانند ترسیدن شما در میان خودتان، اینچنین شرح میدهیم آیات خودمانرا برای کسانی که می فهمند و عاقلند. - ۲۸.

نتیجه:

خوفاً و طمعاً: برق نیرویی است که قوی و ترس آور که میتواند اگر اصابت کند بمواردیکه مقتضی است بسوزاند، و یا آب و باران بمقدار مختلف بیاورد که رحمت و یا عذاب باشد.

أن تقوم السماء و الأرض: برپا شدن زمین و آسمانها بواسطه قوای جاذبه و دافعه است که خداوند متعال در کرات ایجاد کرده است. و این کرات بدون تکیه

بچیزی متوقف و یا متحرک میشوند .

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَ هُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ . - ۲۹ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ . - ۳۰ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا تَكُونُوا مُشْرِكِينَ . - ۳۱ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ . - ۳۲ وَ إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ . - ۳۳ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ . - ۳۴ .

أهواء : جمع هوی بمعنی تمایل نفسانی است .

حَنِيف : متمایل ، فرد پاک .

فِطْرَت : شق کردن ، طلوع و ظهور است .

قَيِّم : معتدل ، مستقیم است .

إِنَابَة : توبه ، در مقام دیگری بودن .

تَفْرِيق : فصل و جدا کردن .

شِيع : جمع شیعه بمعنی تابع ، موافق است .

حِزْب : جماعتیکه برنامه و فکر واحدی داشته باشند .

لَدَى : ظرف زمان و مکان است ، بمعنی عند ، و نزدیکتر است .

می فرماید : بلکه تبعیت کرده است آنانکه ستمکار بودند ، از تمایلات خود بدون اینکه تحقیق کرده و علم پیدا کنند پس کیست که هدایت کند کسی را که خداوند او را بضالت برده است ، و نباشد برای آنان هدایت کننده و یاری دهنده ای . - ۲۹

پس متوجه کن صورتت را بسوی دین پاک که دین حق و پاکی است که خداوند مردم را روی آن آفریده است ، و عوض کردنی نباشد برای برنامه الهی ، و اینست دین معتدل و حق ، ولیکن بسیاری از مردم نمی دانند . - ۳۰ برگردید و توبه کنید بسوی او و تقوی و پرهیزکاری داشته باشید ، و برپا دارید نماز را و نباشید از کسانی که در مقابل خداوند شرک میورزند . - ۳۱ از آنها بیکه دین خودشانرا به تفرقه و جدایی میرسانند ، و باشند گروههای مختلف ، و هر گروهی آنچه خود دارند مسرور و خوشحال گردند . - ۳۲ و زمانیکه برسد بمردم ضرری میخوانند پروردگار را توبه کننده بسوی او ، و چون بچشاند خداوند بآنها رحمتی از جانب خود ، در این هنگام جمعی از آنها به پروردگار متعال شریک قرار میدهند . - ۳۳ تا کفران بورزند بآنچه داده ایم بآنها ، پس لذت ببرید در زندگی دنیا که متوجه خواهید شد . - ۳۴ .

نتیجه :

۱- مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ : إضلال خداوند بر دو وجه است : ۱- در جهت تکوین است که در اثر انحرافات و اعمال سوء ابوبین و یا خود انسان صورت میگیرد .
 ۲- در جهت منقطع شدن توفیق و توجه خاص الهی که از کثرت معاصی حاصل میگردد . و بهر صورت : آنچه از جانب خداوند متعال پیش آمد کند ، هدایت باشد و یا ضلالت ، شخص دیگر نتواند آنرا نسخ کند .
 و لازم است توجه دقیق شود که : انسان مغضوب پروردگار متعال قرار نگیرد که اینمعنی بزرگترین محرومیت و گمراهی انسان باشد .

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ . - ۳۵ و إِذَا أَدْقْنَا
 النَّاسَ رَحْمَةً فَرَحُوا بِهَا وَ إِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ إِذَا هُمْ

يَقْنَطُونَ . - ۳۶ أو لم يروا أن الله يبسط الرزق لمن يشاء و يقدر إن في ذلك
 لآيات لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ . - ۳۷ فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ و الْمِسْكِينَ و ابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكْ
 خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجَهَ اللَّهِ و أَوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ . - ۳۸ و ما آتيتم من رباً
 لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ و ما آتيتم من زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجَهَ اللَّهِ
 فَأَوْلَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ . - ۳۹ .

سُلْطَان : تسلط ، حجت ، قدرت است .

يَقْنَطُونَ : یأس ، منع است .

يَقْدِرُ : قدرت ، ضبط ، جمع و امساک است .

يَرْبُوا : زیاد شدن ، نمو کردن است .

ذَا الْقُرْبَىٰ : صاحب نزدیکی ، أرحام نزدیک .

رَباً : زیادی ، ربح ، فائده است .

الْمُضْعِفُونَ : زیاد کردن ، مضاعف کردنست .

می فرماید : آیا نازل کردیم بآنها حجت و دلیلی که او سخن گوید بآنچه بودند بآن
 شرک قرار میدادند . - ۳۵ و زمانیکه بچشانیم بمردم رحمتی دلشاد میشوند بآن ، و
 اگر برسد آنانرا پیش آمد سوئی بسبب آنچه عمل کرده اند : در این هنگام آنها حالت
 یأس پیدا می کنند . - ۳۶ آیا ندیدند که خداوند توسعه میدهد روزی را بهر کسی که
 بخواهد ، و تنگ میگیرد برای هر کسی که خواست ، و در این جریان آیاتی باشد
 برای جمعیکه ایمان آورده اند . - ۳۷ پس بده برای صاحبان نزدیکی حق او را ، و
 برای مسکین ، و افرادی که در سفرند ، و این جریان خیر و نیکو است برای کسانی که
 رضایت پروردگار را میخواهند ، و آنان رستگارند . - ۳۸ و آنچه دادید شما از زیادی
 برای اینکه زیاد بشود در میان اموال مردم پس زیاد نمی شود نزد خدا و آنچه دادید
 از زکوة مالتان که قصد کنید خدا را پس آنان آنها هستند زیاد کننده . - ۳۹ .

نتیجه :

آری اینمعنی به تجربه رسیده است که افراد ربا خوار هر چه بدست آورند ، در نتیجه با نهایت گرفتاری و ابتلاءات مختلف از این زندگانی دست میکشند . و هرگز زندگی خوش و موفقیت آمیزی بدست نمیآورند .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ . - ۴۰ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ . - ۴۱ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ . - ۴۲ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدِّعُونَ . - ۴۳ مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَهُ يَمْهَدُونَ . - ۴۴ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ . - ۴۵ .

قَيِّم : متولی ، قیمتدار است .

مَرَدَّ : ارجاع ، صرف .

يَصَدِّعُونَ : تفرّق ، تمایل ، است .

مَهْد : بسط ، تسهیل ، استواء .

می فرماید : پروردگاریکه آفریده است شما را ، و سپس روزی داده است شما را ، پس می میراند شما را ، و پس از آن زنده میکند شما را ، آیا از شرکای شما که شریک قرار میدهید آنها را در آفرینش ، کسی هست که از چنین اعمالی داشته باشد ، منزّه است خداوند متعال از آنچه شریک قرار میدهند . - ۴۰ ظاهر شده

است فساد در محیط بیابان و دریا ، بسبب آنچه کسب کرده است دستهای مردم ، تا بچشاند آنها را آثار برخی از اعمال آنها ، شاید که برگردند بسوی خداوند متعال . - ۴۱ بگوی که سیر کنید در زمین و به بینید که چه شده است عاقبت آنانکه گذشته بودند ، و اکثر آنها مشرک بودند . - ۴۲ پس برپا بدار صورتت را برای دینی که محکم و ارزش دارد پیش از آنکه برسد روزیکه برگشتی برای آن نباشد ، و در آنروز متفرق خواهند شد . - ۴۳ کسیکه مخالف و کافر شده است : و آثار کفر او ظاهر خواهد شد ، و آنکه صاحب اعمال شایسته و صالح است : برای خودش آماده کرده است . - ۴۴ تا جزاء بدهد خداوند افرادی را که ایمان داشته و اعمال شایسته و نیکو آوردند از لطف و فضل خودش ، و خداوند دوست نمیدارد کافرین را . - ۴۵ .

نتیجه :

خلقکم : در مرتبه ابتدائی آفرینش . ثم رزقکم : برای ابقاء و ادامه حیات . ثم یمیتکم : برای تحویل و تبدیل حیات و زندگی ثم یحییکم : برای ایجاد حیات ثانوی که ما بین زندگی دنیوی مادی ، و زندگی اخروی لطیفتر باشد .

و مِن آيَاتِهِ أَن يُرْسِلَ الرِّيحَ مَبْشُرَاتٍ وَّ لِيُذِيقَكُمْ مِن رَّحْمَتِهِ وَّ لَتَجْزِيَ
الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَّ لَتُبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَّ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . - ۴۶ و لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن
قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاذْتَمَنَّا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَّ كَانَ
حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ . - ۴۷ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ
فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَّ يَجْعَلُهُ كَسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِن خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ
بِهِ مَن يَشَاءُ مِن عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ . - ۴۸ و إِنْ كَانُوا مِن قَبْلِ أَنْ يُنزَلَ
عَلَيْهِمْ مِن قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ . - ۴۹ .

- مبشّراتٍ : مفرّحات ، مسرور کننده‌ها .
 فُلک : کشتی و در مفرد و جمع و مذکر و مؤنث استعمال میشود .
 بیّنات : دلیل ، حجّت‌ها ، جمع بیّنه است .
 انتقمنا : عقوبت ، طعن است .
 أجْرَموا : اذْنا ب ، از جُرْم است .
 تُثیر : از اثاره بمعنی هیجان ، ارتفاع است .
 کِسْف : جمع کِسْفَة بمعنی قطع است .
 وَدَق : باران .
 مُبْلِسین : محزون کنندگان ، مأیوس کنندگان .
 استبشار : فرحناک کردن ، شاد کردن است .

می‌فرماید : و از آیات او است که می‌فرستد باده‌ها را که مژده دهنده هستند ، و تا بچشاند بشما از رحمت خود ، و کشتیها جریان پیدا کنند بفرمان او ، و طلب کنید از فضل او ، و شاید شما سپاسگزار باشید . - ۴۶ و بتحقیق فرستادیم پیش از تو رسولانی برای قومهای خودشان و آوردند برای آنها دلیلهای و حجّتهایی ، و عقوبت دادیم آنهايي را که مخالفت کردند ، و سزاوار بود که ما یاری کنیم مؤمنانرا . - ۴۷ خداوندیکه می‌فرستد باده‌ها را پس برمی‌انگیزاند ابرها را ، و بسط میدهد آنها را در آسمان بهر طوریکه بخواهد ، و قرار میدهد آنها را قطعه‌هایی ، پس می‌بینی که باران از وسط آنها خارج شده و می‌ریزد ، و چون برسد ببعضی از مردم که خداوند می‌خواهد در آنها ننگام مسرور گردند . - ۴۸ اگرچه پیش از رسیدن آن محزون و گرفته بودند . - ۴۹ .

نتیجه :

مُبَشِّرَات : وزیدن باد هوای محیط را تصفیه میکند ، و درختها را از توقف و سکوت بیدار میکند ، و کشتی و ماشینهای بادپرا بحرکت وا میدارد ، و ابرها را در آسمان مطابق خواسته خود حرکت میدهد ، و در هر جانبی که میخواهد باریدن میگیرد .

فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . - ۵۰ وَ لَنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ . - ۵۱ فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ . - ۵۲ وَ مَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَى عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ . - ۵۳ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ . - ۵۴ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ . - ۵۵ .

مُصْفَرًّا : زرد شده است .

الصُّمَّ : جمع أصم است بمعنی کر ، که گوشش گرفته باشد .

الدُّعَاءَ : طلب کردن ، خواندن است .

وَلَّوْا : بر می گردند .

العُمَى : کوری چشم یا قلب است ، جمع أعمى .

شَيْبَةً : پیری که موهایش سفید باشد .

يُقْسِمُ : اقسام بمعنی سوگند یاد کردن است .

يُؤْفَكُونَ : دروغ ، انصراف است .

المجرمون : قطع کنندگان ، انقطاع از خداوند .

می‌فرماید: پس نظر کن به آثار رحمت خداوند که چگونه زنده میکند زمین را پس از مردن آن. بتحقیق که او هر آینه زنده کننده مردگانست، و او بهر چیزی قادر است. - ۵۰ و اگر بفرستیم بادیرا که قرار بدهد آنرا (آن آیت رحمت را) پژمرده و زرد شده، برمیگردند پس از آن کفر میورزند. - ۵۱ بتحقیق تو نمیتوانی که بشنوانی مردگانرا، و نمیتوانی به اشخاص گر خواندن و دعوت را بشنوانی، زمانیکه پشت میکنند بتو. - ۵۲ و نیستی تو که بتوانی هدایت کنی کسی را که کوردل است از گمراهی او، و نمی‌توانی هدایت کنی شخصی را که گمراه است مگر آنکه ایمان آورده و در مقابل حقیقت خضوع کرده باشد. - ۵۳ خداوندیکه آفریده است شما را از ماده ضعیفی، و سپس قرار داده است ضعف شما را در حال قوت و قدرت، و پس از آن برگردانیده آنرا به ضعف و ناتوانی و پیری، خلق میکند آنچه را که بخواهد، و او عالم و قادر است بهمه امور. - ۵۴ و روزیکه ساعت قیامت برپا گردد، سوگند یاد میکنند آنها که مجرم و خطاکارند: که تأخیر و توقف نداشتند در دنیا مگر ساعتی را، اینچنین دروغ گفته میشوند. - ۵۵.

نتیجه:

ما لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ: البتّه در روز قیامت که زمان معین و مخصوصی است، آثار رحمتِ اِلهی و امور خیر دیده میشود، و افراد معمولی که از دیدن حقایق نورانی و اعمال روحانی محروم هستند: زمان ماورای عالم بنظر آنها ماده بسیار کوتاه و محدود تصوّر خواهد شد.

آری افراد معمولی از زمان بآن مقداری توجّه و علاقه پیدا میکنند که مورد استفاده و منشأ خیر باشد، و غافلند از اینکه خیر و فائده بوسیله خود انسان بدست می‌آید، و زمان و مکان هرگز از علل خیرات نخواهد بود.

و قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ . - ۵۶ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مُعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ . - ۵۷ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولُنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ . - ۵۸ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ . - ۵۹ فَاصْبِرْ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَا يَسْتَخْفِنُكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ . - ۶۰ .

لَبِثَ : تأخیر و درنگ کردن است .

يُسْتَعْتَبُونَ : از عتاب بمعنی انکار عمل مخصوص ، و ملامت است .

مَثَلٌ : شبه ، نظیر ، و جمع آن أمثال است .

مُضِلُّونَ : کسیکه عمل باطل کند ، و فاسد .

يَوْمُ الْبَعْثِ : اقامه ، اِثَارَه ، تهییج است .

يَطْبَعُ : ختم ، تصویر است .

إِسْتَخْفَانُ : خَفَّتْ ، رَقَّتْ ، قَلَّتْ است .

می فرماید : گفتند افرادی که علم و ایمان بآنها دادیم ، بتحقیق تأخیر کردید در مورد جریان امور خودتان تا روز مبعوث شدن ، پس امروز روز مبعوث شدن است ، ولیکن شما نمیدانید . - ۵۶ و در این روز سود نمیدهد برای افرادی که ظلم میکردند ، عذرخواهی آنان و نه ملامت و عتاب میشوند . - ۵۷ و بتحقیق زدیم در این قرآن از هر مثلی ، و اگر بیاریم برای آنها نشانی و آیتی ، میگویند آنها یکه کافرنند : نیستید شما مگر اعمال باطل بجا آورنده . - ۵۸ اینچنین ختم میکنیم بر دلهای آنانکه جاهل بوده و نمیدانند . - ۵۹ پس صبر کن که وعده خداوند حق است ، و سبک نشمارد تو را آنانکه یقین و ایمان ندارند . - ۶۰ .

نتیجه :

لا ینفع الذین ظلموا : آری عذرخواهی و توبه کردن موقعی مفید است که وقتی برای اصلاح عمل باقی باشد ، تا صددرصد خود را آماده کند برای اصلاح و توبه ، و اگر نه قول تنها کافی نیست ، و در هر مقامی عمل است که نتیجه مثبت داده ، و ثواب و عقاب آورد .

و در اینجا ترجمه و تفسیر این سوره مبارکه - روم - پایان رسید ، و با توجه خداوند متعال شروع میشود به سوره لقمان .

سوره لقمان

سوره - ۳۱ عدد آیات ۳۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آلَمْ . - ۱ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ . - ۲ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ . - ۳
 الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ . - ۴ أُولَئِكَ
 عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ . - ۵ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ
 الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
 مُّهِينٌ . - ۶ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَوَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنَيْهِ
 وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ . - ۷ .

آیات : مظاهری از مقامات و صفات خداوند .

حکیم : حکمت دار ، متّصف با حکمت ، جدا کننده حقّ .

مُحْسِنِينَ : نیکوکاران که از خلاف دوری میکنند .

لَهْوَ الْحَدِيثِ : غفلت ، بیفائده ، بازی .

هُزُوًا : سُخْرَه .

مُهِينٌ : خوار کننده .

وَلَّى : پشت کردن .

مُسْتَكْبِرًا : خود را بزرگ شمردن است .

أُذُنَيْنِ : دو گوش که استماع میکنند .

وَقْرًا : سختی ، سنگینی .

می فرماید : رمز سه حرف - آلَمْ ، اشاره است بسه موضوع - آللّه ، و لقاء ، و

رسول اکرم (ص) که محمد (ص) میباشد .

این کلمات آیات نوشته از خداوند متعال ، و حکیم است که حقایق را جدا و روشن میکند . - ۲ و هدایت و رحمت است برای نیکوکاران . - ۳ کسانی که نماز را برپا داشته ، و زکوة را از مالشان تأدیه میکنند و آنها بآخرت ایمان دارند . - ۴ آنان روی هدایت هستند از جانب پروردگار متعال ، و آنها رستگارانند . - ۵ و از مردم کسی هست که میخرد حدیث لهُو و بیهوده را ، تا گمراه کند آنانرا بی آنکه علم داشته باشد ، و بگیرد احادیث را به سُخره ، آنان برای آنها است عذاب دردناک و خوار کننده . - ۶ و زمانیکه خوانده شود به آنها آیات ما ، پشت میکند بحالت خودبینی ، گویا که نشنیده است آن آیاترا ، و مثل کسی که در گوش او سنگینی هست ، پس بشارت بده او را بعذابی دردناک . - ۷ .

نتیجه :

رمز - آلم : همه جهان و جهانیان از این سه موضوع متشکل میشود - مبدء ، ملائکه که وسائط ایجادند ، مخلوق و موجودات .
و آیه پس از این متناسب است که نماز ، و تأدیه زکوة ، و ایمان باشد .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ . - ۸ خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . - ۹ خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ . - ۱۰ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ . - ۱۱ وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ . - ۱۲ .

نعیم : فراوانی عیش ، الدعة .

عمد : ستون .

رواسی : جبال ، چیزهای ثابت .

تمید : اضطراب ، تحرک است .

بث : هیجان ، تفریق است .

می فرماید : بتحقیق آنانکه ایمان آورده و أعمال صالح و نیکو بجا آوردند : برای آنها باشد باغهای نعمت . - ۸ و همیشگی هستند در آنجا که وعده حق پروردگار است ، و او عزیز و حکیم است . - ۹ و آفریده است آسمانها را بدون ستونیکه به بینید آنها ، و در آورده است در زمین کوههایی از جهت اینکه مضطرب نکند و حرکت ندهد شما را ، و متفرق کرده است در روی زمین از هر رقم حیواناتی ، و نازل کردیم از آسمان آبی را و رویاندیم در آن از هرگونه نباتاتی که زوج هستند ، و گرمی باشند . - ۱۰ این آفرینش خداوند است ، پس نشان بدهید بمن که چه آفریده است دیگران از غیر خداوند ، و افرادی که ستمکارند در گمراهی بزرگی باشند . - ۱۱ و بتحقیق دادیم لقمان را حکمت که سپاسگزار باش خداوند را ، و کسیکه سپاسگزار باشد ، بتحقیق سپاسگزاری کرده است بنفس خودش ، و اگر کسی کفران بورزد : البتّه خداوند بی نیاز و پسندیده باشد . - ۱۲ .

نتیجه :

جنّات النعیم : جنّات تجلیات أعمال صالح است . و نعیم که عیش فراوان است ، جلوه ایمان خالص است .
 بغیر عمد ترونها : در آیه ۲۵ سوره روم گفته شد که قوام و نظم کواکب در اثر دو قوه - جاذبه و دافعه ، صورت میگیرد .

لقمان الحكمة : در اسلام و پیش از آن با حکمت و أمثال ، مشهور است ، و حالات او در کتب أخلاق است .

- و حکمت : قضاء ، علم ، بصیرت ، فصل حق و باطل است .
- و حکمت بر چهار نوع باشد : اول - در موضوع طبیعیات است .
- دوم - در موضوع تزکیه نفس و تهذیب اخلاق است .
- سوم - در موضوع سیر بسوی الله متعال است .
- چهارم - در معرفت مقام الوهیت است .

وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ . - ۱۳ وَ صَيَّنَا الْإِنْسَانَ بوالدیه حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ هُنَا عَلَيَّ وَ هُنَّ وَ فِصَالُهُ فِي عَامِينَ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لوالدیک إِلَيَّ الْمَصِيرُ . - ۱۴ وَ إِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَ اتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . - ۱۵ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنْ اللَّهُ لَطِيفٌ خَبِيرٌ . - ۱۶ .

- بُنَيَّ : مصغّر از ابن است ، و أصل آن بنو باشد .
- وَهُنَّ : ضعف مطلق است ، در عمل یا در مزاج .
- فِصَالٌ : جدا کردن بچه شیرخوار از شیر .
- عام : یکسال تمام که چهار فصل است .
- أَنَابَ : برگشت و توبه کردن .
- أُنَبِّئُ : خبر دادن است . خبر میدهم .
- خَرْدَلٌ : دانه‌های کوچکی از بعضی از نباتات است .

صخرة: سنگ بزرگ محکم است .

می‌فرماید: و زمانیکه گفت لقمان بفرزندش که او را پند میداد: ای فرزند کوچک من، شریک قرار مده خدا را که شرک ظلم بزرگی است. - ۱۳ و توصیه کردیم انسانرا بوالدینش که حمل کرده است آنرا مادرش بزحمت و روی زحمت، و سپس دو سال شیر داده است، که سپاسگزاری کن برای خداوند و برای پدر و مادرت، و بسوی منست برگشتن شما. - ۱۴ و اگر کوشش کنند که تو شریک قرار بدهی او را بچیزیکه علم نداری بآن: پس اطاعت مکن آنها را، و با آنها بخوبی و ملاطفت رفتار بکن، و پیروی کن از راه کسی که حرکت میکند بسوی من، و بسوی منست برگشت شما، پس خبر میدهم شما را بآنچه هستید عمل میکنید. - ۱۵ ای فرزند کوچک من، اگر باشد بسنگینی خردلی، و باشد در میان سنگ محکم بزرگی، پس در میان آسمان و یا در میان زمین باشد: می‌آورد خداوند آنرا، و خداوند لطیف و آگاه است. - ۱۶.

نتیجه:

إِنَّ الشَّرْكَ لَظْلَمٌ عَظِيمٌ: آری برگشت شرک به محدود کردن عظمت و قدرت پروردگار متعال است، و خداوند را خالق و قادر مطلق ندیده و دیگریرا شریک در اعمال او قرار بدهد، و از این لحاظ بزرگترین ظلم است که انسان خداوند متعال را در صفاتش محدود کند.

و خداوند لطیف و قادر است: لطف بمعنی مهربانی و إحسان و خیرخواهی است. و از لوازم لطف: إحسان و نیکوکاری و خیراندیشی و سائر صفات ثبوتیه است.

يا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ
 اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ . - ۱۷ و لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَا لَا تَمْشِ فِي الْاَرْضِ
 مَرَحًا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ . - ۱۸ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ
 صَوْتِكَ اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ . - ۱۹ اَلَمْ تَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا
 فِي السَّمٰوٰتِ وَا مَا فِي الْاَرْضِ وَاَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَا بَاطِنَةً وَا مِنَ النَّاسِ
 مَنْ يُّجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَا لَا هُدٰى وَا لَا كِتٰبٍ مُّنِيرٍ . - ۲۰ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ
 اتَّبِعُوا مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَاٰجَدْنَا عَلَيْهِ اٰبَاءَنَا اَوْ لَوْ كَانِ الشَّيْطٰنُ
 يَدْعُوهُمْ اِلٰى عَذَابِ السَّعِيرِ . - ۲۱ .

مُنْكَر : أمر شدید که شناخته شده نیست .

عَزْم : تصمیم گرفتن ، اراده قوی بفعل .

تصعیر : صورت را برگردانیدن .

مَرَح : نشاط ، فرح شدید ، تبختر است .

مختال : خدعه زنده است .

إسباغ : اتمام نعمت است ، و توسعه .

سَعِير : مشتعل است .

حَمِير : جمع جمار و حیوان معروف است .

می فرماید : ای فرزندک من برپا بدار نماز را ، و امر کن بمعروف ، و نهی کن از
 عمل انکار شده ، و صبر کن بر آنچه بتو میرسد ، بتحقیق این از جدی بودن در
 انجام امور است ، و هم در مقابل پیش آمدها متحمل و صابر باش . - ۱۷ و برنگردان
 صورتت را برای مردم ، و راه نرو در روی زمین با تبختر و شادی ، و خداوند دوست
 نمیدارد هر کسی را که فخر کننده و خدعه میکند . - ۱۸ و متواضع باش در راه

رفتن ، و پایین بیار صدای خود را ، که نامطلوبترین صداها صدای حمارها (خرها) است . - ۱۹ آیا ندیدند که خداوند مسخر ساخته است برای شماها آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است ، و کامل کرده است برای شما نعمتهای خود را که ظاهری باشد و یا باطنی ، و برخی از مردم هستند که مجادله و خصومت میکنند درباره الوهیت ، بدون علم و هدایت و داشتن نوشته روشن کننده . - ۲۰ و زمانیکه گفته شود بآنها که پیروی کنید از آنچه خداوند نازل کرده است ، گویند : ما پیروی میکنیم از آنچه پدران ما عمل میکردند آیا شیطان نمیخواند آنها را بسوی آتش شعله ور شده . - ۲۱ .

نتیجه :

نماز : برای حفظ و تحکیم ارتباط با خداوند متعال است . و امر بمعروف و نهی از منکر : برای تقویت جانب خلقی است . و تحمل و صبر : اشاره بلزوم استقامت و پایداری در عمل به برنامه باشد ، و هم برای حفظ سلامتی محیط باشد .

و مَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ . - ۲۲ و مَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ . - ۲۳ نَمَتَّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ . - ۲۴ و لئن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . - ۲۵ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ . - ۲۶ و لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٍ وَالْبَحْرِ يَمْدُهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أُوحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ . - ۲۷ مَا خَلَقَكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنْكُمْ الْإِلَهَ كُنُفُسٍ وَاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ . - ۲۸ .

- يُسَلِّمُ : انقياد ، اتباع از دين .
 اِسْتِمْسَاك : نگهداری کردن است .
 عُرُوهُ : مَقْبِضُ الشَّيْءِ ، دستگیره .
 اِضْطِرَار : پناه بردن ، احتیاج پیدا کردن است .
 حَمِيد : پسندیده .
 اَقْلَام : جمع قلم که وسیله عملی است .

می فرماید: کسیکه تسلیم کند و اسلام آورد بخداوند متعال ، و او نیکوکار است ، پس بتحقیق خود را حفظ کرده است بوسیله محکمی و بسوی خداوند است نتیجه کارها . - ۲۲ و کسیکه کافر شد : پس تو را محزون نکند کافر شدن او ، بسوی ما باشد برگشت آنها ، پس خبر میدهیم آنها را بآنچه بودند عمل میکردند ، بتحقیق خداوند محیط است بآنچه در سینه‌های آنها است . - ۲۳ ما لذت و خوشی میدهیم آنها را و سپس سوق میدهیم آنها را بعدابی که غلیظ و محکم است . - ۲۴ و اگر بررسی از آنان که کیست که آسمانها و زمین را خلق کرده است ؟ هر آینه گویند که خداوند است ، بگوی که ستایش برای خداوند است ، و اکثر مردم نمیدانند . - ۲۵ برای خداوند است آنچه در آسمانها و زمین است ، و خداوند بی نیاز و پسندیده است . - ۲۶ و هرگاه که بتحقیق اگر آنچه در زمین است از درختها قلم باشند ، و دریاها مرگب باشند ! هر آینه کلمات خداوند با آنها تمام نمیشود ، و خداوند عزیز و حکیم است . - ۲۷ و نیست خلق همه شماها و مبعوث کردن شما مگر مانند خلق و بعث یک فرد از شماها ، و خداوند شنونده و بینا است . - ۲۸ .

نتیجه :

کلمات خداوند تمام نمیشود : آری وجود خداوند متعال محدود نیست ، و از هر

جهت نامحدود است ، و همچنین صفات و اعمال و کلمات او بتبع ذات او نامحدود باشد ، زیرا کلمات مظاهر صفات است ، و صفات نشان دهنده مقامات ذات باشد .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ . - ۲۹ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَاطِلُ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ . - ۳۰ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ . - ۳۱ وَ إِذَا غَشِيَهم مَوْجٌ كَالظَّلْلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيهم إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهم مُّقْتَصِدٌ وَ مَا يَحْجَدُّ بِآيَاتِنَا إِلَّا كَلَّ خَتَّارٍ كَفُورٍ . - ۳۲ .

ایلاج : وارد و داخل کردن چیز است .

مُسَمًّى : معلوم ، معین شده .

الْبَاطِلُ : مقابل حق ، غیر ثابت است .

فُلْكَ : کشتی است ، مذکر و مؤنث باشد .

غَشِيَان : پوشانیدن ، و بر او واقع شدن .

ظُلُلٌ : جمع ظُلَّة ، چیز بسته که سایه داشته باشد .

مُقتَصِدٌ : معتدل ، متوسط الحال .

خَتَّارٌ : کسی که زیاد غدر و حيله کن باشد .

كُفُورٌ : پوشنده .

آیا ندیدی که بتحقیق خداوند وارد میکند شب را در روز ، و وارد می کند روز را در شب ، و مسخر کرده است آفتاب و ماه را برای شما که هر کدام جریان پیدا

میکنند تا وقت معین ، و بتحقیق خداوند بآنچه عمل می‌کنید آگاه است . - ۲۹ این معنی باینست که خداوند حق و ثابت است ، و آنچه که شما میخوانید باطل است ، و خداوند در مقام بالا و بلند بوده و بزرگ است . - ۳۰ آیا ندیدی که کشتی جاری می‌شود در روی دریا به نعمت و بعنوان لطف و رحمت خداوند ، تا نشان بدهد بشما از آیات خودش ، و در همین جریان آیتی است از آیات الهی برای هر صبر کننده و سپاسگزار . - ۳۱ و زمانیکه بپوشاند و احاطه کند آنها را موجی مانند سایه‌ها میخوانند خدا را بحالت خلوص نیت ، و چون نجات داد آنها را بعضی از آنها مقتصد و میانه رو باشند ، و انکار نمیکنند آیات الهی را مگر هر حيله‌گر و کفران کننده . - ۳۲ .

و حيله‌گر کسی است که در مقابل یک واقعیتی که روشن است ، راههای مخفی و پنهانی بسازد ، و حقیقت را بپوشاند .

و کفران : از همان ماده کفر بمعنی ستر و پوشانیدن است ، و در مقابل کفر و پوشانیدن نعمت استعمال می‌شود ، و الف و نون در آخر دلالت میکند به ادامه کفر ، و ادامه پوشانیدن که مخصوص می‌شود بنعمت .

يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَ اخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَ لَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ . - ۳۳ اِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يَنْزِلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْاَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ اَرْضٍ تَمُوتُ اِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ . - ۳۴ .

خبیر : آگاه ، مطلع است .

اِخْشَوْا : خوف و اتقاء است .

جاز : کفایت کننده ، جزاء دهنده است .
 غُرور : غفلت ، خدعه کردن است .
 غَیث : باران که می بارد .
 تَدْرِی : دانستن ، نمیداند فردی که در کجا .

می فرماید : ای مردم خودداری کنید از مخالفت پروردگارتان ، و بترسید از آمدن روزیکه کفایت نمیکند پدری از فرزندش ، و نه فرزندی که او کفایت کند از پدرش چیزها ، و وعده خداوند حق است ، پس فریب ندهد شماها را زندگی مادی ، و فریب ندهد شما را درباره خداوند فریب دهنده ای . - ۳۳ و بتحقیق خداوند نزد او است علم و آگاهی از ساعت قیامت ، و نازل میکند بارانرا ، و میداند آنچه را که در رحمها باشد ، و کسی نمیداند که چه بدست میآورد فردا ، و نمیداند نفسی که در کدام نقطه ای از زمین میمیرد ، و خداوند عالم و آگاه است . - ۳۴ .

نتیجه :

- در آخر این سوره مبارکه بکلیاتی اشاره میفرماید :
- ۱- علم و آگاهی از ساعت قیامت که پایان این زندگیست مخصوص است بخداوند متعال و کسان دیگر آگاهی ندارند .
 - ۲- و در ساعت قیامت ، پدر و فرزند با اینکه مهربانترین افراد هستند نسبت بهم دیگر نمیتوانند حوائج یکدیگر را کفایت کنند .
 - ۳- و بدانید که وعده های الهی حق و واقعیت دار است .
 - ۳- و نباید فریب زندگی دنیوی را خورده و از آخرت غفلت کرد .
 - ۴- دو عامل مهم در دنیا (باران ، توالد) بدست خداوند است . که باران عامل اساسی نباتات است ، و توالد عامل ادامه نسل باشد .
 - ۵- کسی نمیتواند بفهمد که چه چیزی بدست میآورد ، و کی فوت میکند .

سوره السجدة

سوره - ۳۲ عدد آیات ۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آلم . - ۱ تنزیلِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۲ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ
 بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَيْهِمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ
 يَهْتَدُونَ . - ۳ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ
 اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ . - ۴ يُدَبِّرُ
 الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا
 تَعُدُّونَ . - ۵ .

آلم : در سوره گذشته گفتیم که این رمز اشاره باشد بسه عنوان - مبدء - ملائکه
 - مخلوقات - که تشکل جهان از این سه موضوع باشد .
 الف : بصورت مجرد و مستقیم نوشته و تلفظ می شود .
 ل : برای وساطت استعمال میشود .
 م : رمز مخلوق بودن است .
 می فرماید : این آیات نوشته الهی است ، که زمینه ای برای شک و تردید نباشد ،
 و از جانب خداوند متعال است .
 ریب : توهم و تخیل که شک آور باشد .
 افتراء : ساختن برخلاف حق است .
 ریب : توهم و تخیل است .
 عرش : سطحی که محیط و بالا باشد .
 ولی : کسی که متولی اموری باشد .

شفیع : کسی که وساطت در امری داشته باشد .

می‌فرماید : نازل کردن کتاب آسمانی است ، و هیچگونه توهّم و شکّی در آن نیست ، و از جانب پروردگار جهانیانست . - ۲ آیا میگویند که رسول اکرم آنرا ساخته است ؟ بلکه آن حقّ است از جانب پروردگار تو ، تا بترسانی قومیرا که پیش از تو برای آنها نذیر و ترساننده‌ای نیامده است ، شاید آنها هدایت شوند . - ۳ خداوندیکه آفریده است آسمانها و زمین را در شش روز ، و سپس برقرار شده است بر عرش ، و نیست برای شما غیر از خداوند ولیّ و متولّی امور و نه شفیع ، آیا متوجّه نمیشوید . - ۴ تدبیر و تنظیم میکند امر خودش را از آسمان بزمین ، و سپس عروج میکند بسوی او در روزیکه مقدار آن هزار سال است از آنچه میشمارید . - ۵ .

نتیجه :

کان مقداره الف سنة : یکروز از عالم ماورای ماده در نسبت به عالم مادّی و ماده مطابق هزار است بحساب عالم طبیعی .

آری در عالم ماده مضیقه و فشار و سختی هست ، ولی در عوالم ماوراء طبیعت : گشایش و وسعت دارد ، و تدبیر امر و امور دیگر که از افعال خداوند حساب میشود : از عوالم روحانی حساب شده و از عوالم ماوراء طبیعی باشد .

ألف سنة : یعنی در هر مرتبه‌ای که تدبیر میشود ، چون آن تدبیر روحانی به عالم طبیعی منطبق گردد ، در هر مرتبه بهزار سال مادّی شامل میشود .

آری در عالم ماوراء ماده بنحو کلی مورد توجه قرار میگیرد و نه جزئی و شخصی .

ثمّ يعرج الیه : معلوم شد که تدبیر و تنظیم إلهی از افعال و صفات او حساب میشود ، و هر فعل و صفتی قائم بذات و وجود شخصی است . و تا زمان معینی ادامه پیدا میکند .

ذَٰلِكَ عَالَمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . - ۶ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ
وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ . - ۷ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ . - ۸ ثُمَّ
سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا
تَشْكُرُونَ . - ۹ وَ قَالُوا أءِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَءِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ
رَبِّهِمْ كَافِرُونَ . - ۱۰ قُلْ يَتَوَفَّيْكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ
تُرْجَعُونَ . - ۱۱ وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا
وَ سَمِعْنَا فَآرَجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ . - ۱۲ .

نَسْلٌ : اولاد زیاد ، توالد زیاد است .

سُلَالَةٌ : آنچه از چیزی خارج می‌شود .

مَهِينٌ : از ماده مهین که بمعنی ضعف و حقارت است .

تَوَفَّيٌّ : أخذ کردن ، حق را بتمام گرفتن است .

نَاكِسٌ : قلب أسفل باعلا و مقدم بمؤخر است .

مُوقِنٌ : از ماده یقین که یاء بمناسبت ضمّه قلب بواو شده است .

می‌فرماید : او عالم بغيب و حضور است ، و صاحب عزّت و رحمت است . - ۶
خداوندیکه آفرینش همه موجودات را نیکو و پسندیده کرده ، و آغاز کرده است
خلق انسانرا از خاک و گل . - ۷ و سپس قرار داده است خلق نسل او را از آب سست
و خوار . - ۸ و پس از آن تنظیم کرده و معتدل نموده و قرار داد برای او نیروی
شنوایی و بینایی ، و قلبی ، که کمتر سپاسگزار میشوند . - ۹ و گفتند که آیا ما پس
از آنکه در زمین می‌خوابیم دوباره زنده خواهیم شد ، بلکه آنها به ملاقات پروردگار
کافرند . - ۱۰ بگویی که أخذ میکند شما را ملک موت آنکه موکل است برای شماها و
سپس بسوی پروردگارتان برمیگردید . - ۱۱ و هرگاه به بینی که گنهکاران بسپین

آید سرهای آنها در مقابل پروردگارشان ، و اظهار میکنند که پروردگارا ما بینا شدیم و شنوا گشتیم ، پس برگردان ما را که اعمال صالح بجا آوریم بتحقیق ما یقین کننده هستیم . - ۱۲ .

نتیجه :

إِنَّا مَوْقِنُونَ : بینایی و شنوائی و ایمان و یقین پیدا کردن ، بطور مطلق از جهت روحی و معنوی است ، و این معنی در ماورای ماده و عالم آخرت صددرصد روشن و تفاهم میشود .

و از این لحاظ آنها پس از موت و مشاهده احوال برزخ و مقدمات قیامت ، گویند : ما شنوا و بینا شده و یقین بعوالم بعد موت پیدا کردیم ، و امروز همه عوالم بعد موت را با چشم باطنی و روحی مشاهده کرده و یقین پیدا کردیم .

من طین : تکون بسیاری از جنبنندگان را می بینیم که از خاک و گل بوجود می آیند ، و هیچگونه اشکالی نیست اگر تکون انسان نیز در مرتبه اول بوسیله گل باشد ، البته گل ماده مادی است ، و اما تکوین حقیقی آن از امر الهی ناشی گشته و طبق خواسته او متکون میشود .

و لَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى و لَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ . - ۱۳ فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا إنا نسيناكم و ذوقوا عذاب الخلد بما كنتم تعملون . - ۱۴ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا و سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ و هم لا يستكبرون . - ۱۵ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا و طَمَعًا و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ . - ۱۶ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . - ۱۷ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ . - ۱۸ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا و عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ

جَنَاتِ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . - ۱۹ .

حَقٌّ : ثبوت ، سزاوار است .

أَمْثَلًا : پر کردن است .

جَنَّةٌ : مخلوق ما بین انس و ارواح است .

خُلْدٌ : دوام ، بقاء ، بَطُوٌّ است .

خَرَّوْا : سقوط ، صدا دادنست .

تَتَجَافَى : دور شدن از محلّ استراحت است .

مَضَاجِعٌ : جمع مضجع ، موضع سقوط و استراحت است .

قَرَّةٌ أَعْيُنٌ : ثبوت ، و روشن شدن چشمها .

مَأْوَى : محلّ نزول است .

می فرماید : و هرگاه می خواستیم می آوردیم برای هر نفسی هدایت او را ، ولی ثابت است گفته من که هر آینه پر خواهم کرد جهنّم را از جنّ و انس همگی . - ۱۳ - پس بچشید بسبب آنچه فراموش کردید ملاقات اینچنین روزیرا ، و ما فراموش کردیم شما را آنچنانکه فراموش کردید شما ملاقات چنین روزیرا ، و بچشید عذاب همیشگی را در نتیجه اعمالیکه داشتید و عمل میکردید . - ۱۴ - اینست که کسی ایمان می آورد بآیات یا که چون تذکر داده شوند بآن آیات می افتند بزمین بحال سجده کردن ، و تسبیح میکنند خداوند را ، بصورت حمد و ستایش کردن ، و آنها خودستایی نمیکنند . - ۱۵ - دور میشود پهلوهای آنها از محلّ استراحت ، و میخوانند خدا را از روی خوف و طمع ، و از آنچه روزی میدهیم آنانرا انفاق میکنند . - ۱۶ - پس نمیداند کسی آنچه را که پنهان شده است برای او از آنچه موجب روشنایی چشم است . - ۱۷ - آیا کسیکه مؤمن است مثل کسی باشد که فاسق

باشد ، هرگز برابر نمیشوند . - ۱۸ أما آنانکه ایمان آورده و اعمال صالح داشته باشند : پس برای آنها باشد باغهای سکنی و نازل شدن ، بسبب آنچه عمل میکردند . - ۱۹ .

نتیجه :

کلّ نفس هُدیها : در اینصورت مانند ملائکه بودند که ملازم هدایت و صلاح عمل باشند و خلقت انسان برای استعداد هدایت و ضلالت باشد .

و أما الذین فسقوا فمأویهم النارُ کلّما أرادوا أن یخرجوا منها أُعیدوا فیها و قیل لهم ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تُکذّبون . - ۲۰ و لنذیقنهم من العذاب الأذنی دون العذاب الأكبر لعلهم یرجعون . - ۲۱ و من أظلم ممّن ذُکرَ بآیاتِ ربّه ثمّ أعرّضَ عنها إنّما من المجرمین مُنتقمون . - ۲۲ و لقد آتینا موسی الکتابَ فلا تُکن فی مریة من لقائه و جعلناه هُدی لبنی اسرائیل . - ۲۳ و جعلنا منهم أئمة یرهدون بأمرنا لما صبروا و کانوا بآیاتنا یوقنون . - ۲۴ .

فسق : خارج شدن از طریق حقّ و صواب .

مأوی : محلّ نزول ، جایگاه .

إذاقه : چشاندن .

أذنی : نزدیکتر ، اقرب .

دون : ضعیف ، حقیر .

مُجرّم : قطع کننده رابطه ، گنهگار .

انتقام : عقاب کردن ، انکار نمودن ، کراهت .

می‌فرماید : و أمّا آنانکه خارج شدند از مقرّرات اسلامی : پس جایگاه آنها آتش است ، و هرگاه که بخواهند که خارج شوند از آنجا برگردانیده میشوند بهمان محلّ و گفته میشود بآنان که بچشید عذاب آتسیرا که بودید آنها تکذیب میکردید . - ۲۰ و می‌چشانیم آنانرا از عذاب نزدیکتر که ضعیفتر است از عذاب بزرگتر ، شاید آنها برگردند بسوی حقّ . - ۲۱ و کیست که ظالمتر باشد از کسیکه تذکّر داده شود باو آیات پروردگارش ، و سپس اعراض کند از آن ، و ما از مجرمین که قطع رابطه میکنند از ما ، انتقام میجوئیم . - ۲۲ و بتحقیق آوردیم موسی را کتاب ، پس هرگز مباش در شکّ و تردید از پیش آمد ملاقات او ، و قرار دادیم او را وسیله هدایت پیدا کردن قوم اسرائیل . - ۲۳ و قرار دادیم از آنها پیشوایانیکه دیگرانرا مطابق دستور ما هدایت میکنند ، زمانیکه صبر و تحمل میکنند ، و هستند یقین دارند بآیات ما . - ۲۴ .

نتیجه :

کَلِّمًا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا : زندگی دنیا آئینه و نشان دهنده عالم آخرت است ، و حالات و اعمال دنیوی در آخرت باطن آنها جلوه کرده و ظاهر گردد ، توجّه و تمایل پیدا کردن بمعاصی : از مصادیق همین جمله - کَلِّمًا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا - باشد ، که اگر لطف و توجّه او نباشد انسان محجوب ، ادامه میدهد فسق خود را ، و همچنین است دستگیری و توفیقِ الهی درباره مؤمنین که از برنامه خود متزلزل شده و میخواهند که از رشته حقّ خود بیرون رفته و تجاوز کنند .

إِنَّ رَبِّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ . - ۲۵ أَوْلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ . - ۲۶ أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ

زَرَعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ . - ۲۷ و يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . - ۲۸ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ
 يُنظَرُونَ . - ۲۹ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرِ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ . - ۳۰ .

فصل : جدایی دادن .

سوق : کشیدن ، راه دادن .

جُرُز : محلّ مرده (موات)

زَرَع : زراعت ، بذرکاری .

می فرماید : بتحقیق خداوند تو جدایی میدهد در میان آنها ، روز قیامت در
 مواردیکه بودند اختلاف میکردند . - ۲۵ آیا هدایت نکرد آنها را که چقدر بهلاکت
 رسانیدیم پیش از آنها از مردم گذشته که راه میرفتند در محلّ سکونت خود ، و
 بتحقیق در این جریانها آیاتی باشد ، آیا متوجّه نمیشوند . - ۲۶ آیا ندیدند که ما
 سوق داده و می کشیم آبرا بسرزمین مرده ، پس خارج میکنیم از آن زراعتی که
 میخورد از آن خودشان و چهارپایان آنان ، آیا نمی بینند . - ۲۷ و میگویند که این
 فتح کی صورت می گیرد ؟ اگر هستید از راستگویان . - ۲۸ بگوی که روز فتح سود
 نمیدهد مخالفین و منکرین را ایمان آوردن آنها ، و آنها انتظار کشیده
 نمیشوند . - ۲۹ پس اعراض کن از آنها ، و منتظر باش که آنها منتظر
 شوندگانند . - ۳۰ .

نتیجه :

یوم الفتح لا ینفع : آری هر چیزی پیش از رسیدن به نتیجه ، و قبل از منتهی
 شدن به عاقبت ، ممکن است چاره پذیر باشد ، و اما پس از حصول نتیجه و رسیدن

به عاقبت أمر ، نمیشود راه دیگری اندیشه کرده ، و نقشه دیگری کشید .

و در اینجا سوره مبارکه سجده بانجام رسیده ، و با توفیق و توجه و لطف پروردگار متعال شروع می‌کنیم به تفسیر سوره احزاب .

محرم از سال ۱۴۱۹ = ۱۳۷۷/۲/۸

سوره احزاب

سوره - ۳۳ عدد آیات ۷۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
 حَكِيمًا . ۱ - وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ
 خَبِيرًا . ۲ - وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا . ۳ - مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ
 قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَ مَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَ مَا جَعَلَ
 أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَ اللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي
 السَّبِيلَ . ۴ - ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ
 فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا
 تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا . ۵ .

اتَّقَ : از وقایه بمعنی حفظ و صیانت و ستر است .

تَوَكَّلَ : وکیل اخذ کردن که رسیدگی بامور او کند .

وکیل : کسیکه واگذار باو میکنند امور را .

جَوْفَ : باطن و داخل چیز است .

مُظَاهَرَهُ : معاونت ، کمک گرفتن .

أَدْعِيَاءَ : جمع دَعَى بمعنی خوانده شده به فرزندی .

أَقْسَطَ : از قِسْط بمعنی عدالت است .

مَوَالِيَ : جمع مَوْلَى بمعنی مالک ، سیّد ، مُعْتِق ، مُعْتَق ، عبد ، است .

جُنَاحَ : اِثْم ، گناه است .

می‌فرماید: ای رسول اکرم تقوی و خودداری داشته باش در مقابل خداوند متعال، و اطاعت نکن از کافرین و منافقین، بتحقیق خداوند بآنچه عمل میکنید آگاه و عالم و حکیم است. - ۱ و پیروی کن از آنچه وحی می‌شود بتو از جانب پروردگارت، که او آگاه است بآنچه عمل میکنید. - ۲ و توکل کن بخداوند که وکیل بودن او کافی است برای شما. - ۳ قرار نداده است برای مردی دو قلب در سینه او، و قرار نداده است همسرهای شما را که از آنها کمک می‌گیرید در زندگی، مادرهای شما، و قرار نداده است فرزند خوانده‌های شما را، اولاد شماها، این گفتاریست از شما که در دهنهای شما است، و خداوند حق را گوید، و او هدایت میکند براه راست. - ۴ بخوانید آنها را بنام پدرهایشان که آن از روی عدل است، و اگر پدرهای آنها را نمیدانید، پس آنها برادرهای شما هستند، و وابسته بشما باشند، و در صورتیکه خطا کنید محذوری برای شما نیست، و شما بآنچه با قصد و توجه عمل میکنید مسئولیت دارید، و خداوند بخشنده و مهربانست. - ۵.

نتیجه:

سوره احزاب: بمناسبت ذکر احزاب در چند آیه شریفه، چون آیه - ۲۰
 يَحْسِبُونَ الْاِحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا - و ۲۲ - و لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْاِحْزَابَ: این سوره مبارکه، باین اسم نامیده شده است.

تقوی داشته باش: و نتیجه تقوی در مقابل خداوند متعال اینستکه: انسان هیچگونه تمایل و اطاعت از منافقین و کافرین نکند، زیرا برنامه آنها صددرصد برخلاف راه و برنامه الهی است.

و رفاقت با آنها قهراً قبول کردن افکار و روش آنها باشد، پس در اینجهت لازم است بسیار دقیق و روشن گشته، و بطوریکه در ابتدای سوره فرموده است، در نتیجه تقوای الهی لازم است که از پیروی منافقین و کفار برحذر باشد.

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ مِنْهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا . - ۶ و إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا . - ۷ لَيْسَ لَ الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا . - ۸ .

معروف : چیز شناخته شده و مطلوب .

مَسْطُور : ضبط شده ، ثبت شده .

مِيثَاق : وسیله وثوق و اطمینان .

می‌فرماید : پیغمبر بزرگوار اولویت و آحق است بمؤمنین از خود آنان ، و ازواج و همسرهای آنان چون مادرهای آنها باشند که مورد احترام بوده و چون محرم هستند ، و صاحبان ارحام و محارم بعضی از آنها نزدیکتر و اولولیت دارند از بعضی دیگر ، مگر آنکه شما بخاطر جهاتی نیکی کنید به بعضی از آنها ، و اینمعنی در نوشته الهی مضبوط است . - ۶ و چون اخذ کردیم از انبیاء پیمان آنها را و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ابن مریم ، و گرفتیم از آنها پیمان محکمی را . - ۷ تا سؤال کند صادقین را از صدقشان ، و آماده سازد برای کافرین عذابی دردناک . - ۸ .

نتیجه :

أولى بالمؤمنين : آری در صورتیکه خطری مواجه باشد ، لازم است مؤمنین اول از وجود مبارک رسول خدا دفع کنند ، و سپس از وجود خودشان . و ازواج امهاتهم : و لازمست مسلمین رعایت احترام و تجلیل کنند از ازواج

انبیاء ، و اینمعنی یک عمل طبیعی و فطری است در مقام احترام و حفظ مقام .

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا . - ۹ إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبِ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا . - ۱۰ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا . - ۱۱ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا . - ۱۲ وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا . - ۱۳ .

مِن فَوْقِكُمْ : از طرف شرق و شمال است .

و مِّنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ : از طرف جنوب که طرف دریا و آب است .

زَيْغٌ : تمایل کردن ، جذب ، اضطراب است .

حَنَاجِرٌ : جمع حنجر بمعنی حلقوم است .

يَثْرِبٌ : نام مدینه منوره است .

عَوْرَةٌ : آنچه پوشانیده میشود .

غُرُورٌ : خدعه ، غفلت .

می فرماید : ای کسانی که ایمان آوردند ، یاد کنید نعمت خدا را بر شما زمانیکه آمد شما را لشگرهایی که فرستادیم برای آنها بادی تند و لشگرهایی که شما نمی دیدید آنها را ، و هست خداوند بآنچه عمل میکنید بینا . - ۹ زمانیکه آمدند بطرف شما لشگرهایی از جانب بلندتر از زمین شما ، و از سرزمین پائین تر از زمین

شما ، و زمانیکه متمایل گشت چشمها ، و رسید قلبها به حلقومها ، و ظنّ و خیال کردید درباره پروردگار متعال ، خیالهایی را . - ۱۰ در آنوقت مبتلاگشت مؤمنون ، و سخت تکان خوردند . - ۱۱ و منافقین گفتند ، و همچنین افرادی که در دلهای آنها مرض بود که وعده نکرده است خداوند و رسول او برای ماها مگر به خدعه و غفلت کردن . - ۱۲ و زمانیکه گفتند جماعتی که : ای اهل یثرب اقامت شما در این محلّ جایز نیست ، پس برگردید بمدینه ، و جماعتی اجازه میخواستند و اظهار میکردند که خانه‌های ما پوشانیده است ، در صورتیکه پوشانیده نبود ، و قصدی نداشتند مگر فرار کردن از جبهه را . - ۱۳ .

نتیجه :

پوشانیده است : منظور محدود بودن و ارتباط نداشتن است .

و لَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَفْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا وَ مَا تَلَبَّتْوَ إِلَّا يَسِيرًا . - ۱۴ و لقد كانوا عاهدوا الله من قبل لا يولون الأدبارَ و كان عهدُ الله مسؤلاً . - ۱۵ قل لئن ينفَعكم الفرارُ إن فررتم من الموتِ أو القتلِ و إذا لا تُمتعونَ إلا قليلاً . - ۱۶ قل من ذا الذي يعصمكم من الله إن أراد بكم سوءاً أو أراد بكم رحمةً و لا يجدون لهم من دون الله ولياً و لا نصيراً . - ۱۷ قد يعلمُ الله المعوقين منكم و القائلين لإخوانهم هلمَّ إلينا و لا يأتونَ البأسَ إلا قليلاً . - ۱۸ .

أفطار : جمع قُطر که بمعنی جانب و شِقّ ، ناحیه است .

فِتْنَة : اختلاف ، ضلال ، تمایل ، فضیحت .

تَلَبَّتْ : مکث ، اقامت .

تمتّع : لذت بردن ، طولانی داشتن زندگی .
 تعویق : تأخیر ، انصراف دادن است .
 هَلُمَّ : دعوت کردن ، خواندنست ، اسم فعل است .
 بأس : ضرر ، شدت ، حزن .

می‌فرماید : و هرگاه داخل شوند بر او از اطراف و جوانب آن محلّ ، و درخواست کنند یک امر اختلافی و انحرافی : هر آینه قبول کرده و بسوی آن حرکت میکنند ، و در این برنامه درنگ و تأخیر نمیکنند مگر بمقدار سهلی . - ۱۴ و بتحقیق پیمان بسته بودند با خداوند پیش از این که در انجام وظایف و خدمات خود سستی نکرده و پشت نکنند ، و عهد خدا هر آینه از شما بازپرسی خواهد شد . - ۱۵ بگوی که سود نمیدهد شما را اگر فرار کنید از مرگ و یا قتل ، و در اینصورت تأخیر نشده و لذت نمیبیرید مگر کمی . - ۱۶ و کیست که شما را نگهداری کند از ضرری اگر خداوند بخواهد که بشما ضرری برسد ، و یا از سود و خیری اگر خواسته باشد که بشما خیری برساند ، و نمی‌یابید بجز خداوند کسی را که متولّی امور شما ویاری کننده بشما باشد . - ۱۷ و خداوند آگاهست از کسانی که گویند به دوستان خود که بیائید بسوی ما ، و بتأخیر میاندازند دعوت رسول خدا را ، و نمی‌آیند بسوی میدان جنگ مگر کمی . - ۱۸ .

نتیجه :

البته امتحان افراد در موارد گرفتاری و پیش آمدهای مخالف ، صورت میگیرد ، و درجه صبر و تحمل اشخاص معلوم می‌گردد .

أَشْحَةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي

يُعْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشْحَةً عَلَى الْخَيْرِ
 أَوْلَيْتَكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا . - ۱۹
 يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي
 الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا . - ۲۰ لَقَدْ كَانَ
 لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ
 كَثِيرًا . - ۲۱ .

أَشْحَةً : جمع شحیح که بخیل و حریص است .

سَلَقُوكُمْ : ایذاء ، طعن .

حِدَادٍ : جمع حُدَادِ بمعنی قاطع .

إِحْبَاطٌ : إبطال ، إفساد ، ذهاب .

بَادُونَ : جمع بادی بمعنی ظاهر است .

أُسْوَةٌ : مورد اقتداء است .

يُعْشَى عَلَيْهِ : بمعنی پوشانیدن و نازل شدن است .

می فرماید : حریص هستند بر شماها ، و چون خوف و اضطراب منتفی گشت :
 طعن میکنند بشماها با زبان تند ، بلحاظ حرص بر خیر ، و آنان ایمان پیدا
 نکرده اند ، پس محو و باطل کرده است خداوند اعمال آنها را ، و این جریان نزد
 خداوند آسانست ، و آنها چون خوف پیدا کردند : دوران میکند چشمهای آنها مانند
 کسانیکه پوشانیده میکند آنها را مرگ . - ۱۹ و خیال میکنند گروههای دشمن را که
 حاضرند و نرفته اند ، و اگر احزاب برگردند برای جنگ دوست دارند که در میان
 اعراب بادیه نشین بوده ، و از جنگ برکنار باشند ، و پیوسته از جریان امور شما
 میپرسند ، و اگر در میان شما بودند ، هرگز آماده جنگ نبودند ، و بسیار کم از شما

یاری میکردند . - ۲۰ و هر آینه بتحقیق رسول خدا برای شما پیشوا و الگوی خوبی است ، البتّه برای کسانیکه امید دارند لقای خداوند و رسیدن به روز آخرت را ، و آنانکه پیوسته در یاد خداوند هستند . - ۲۱ .

نتیجه :

البتّه اگر انسان معتقد بلقای پروردگار ، و به روز آخرت که درک نتایج اعمال و افکار است ، باشد : قهراً خداوند متعال جریان امور او را اصلاح فرموده ، و موفق خواهد شد .

و لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا . - ۲۲ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالَ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا . - ۲۳ لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا . - ۲۴ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا . - ۲۵ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا . - ۲۶ .

نَحْبٌ : بکاء بلند ، صدای بلند ، سرعت ، سیر سریع .

لَمْ يَنَالُوا : اصابه ، درک ، نزدیک شدن .

غَيْظٌ : اول غضب ، تندى آن .

مُظَاهَرَهُ : معاونت ، یاری کردن .

صَيَاصِيٌّ : جمع صَيْصَه بمعنی آلت دفاع ، محلّ محافظت .

قَذَف : رمی ، نسبت دادن .

رُعب : ترسیدن ، فزع .

أَسْر : قبض ، اخذ ، حبس .

می‌فرماید : و زمانیکه دیدند مؤمنین احزاب را ، گفتند : این چیز است که وعده داده است خداوند و رسول او بما ، و زیاد نمیکند آنانرا مگر ایمان و تسلیم شدنرا . - ۲۲ و از مؤمنین افرادی هستند که راست کردند آنچه را که با خدا عهد بسته‌اند روی آن ، پس از آنها برخی هستند که گذشتند ، و بعضی دیگر منتظرند ، و تبدیل نکرده‌اند پیمان خودشانرا عوض کردنی . - ۲۳ و جزاء میدهد راستگویانرا بسبب صدق آنها ، و عذاب میکند منافقین را اگر بخواهد ، و یا برمیگردد بآنها ، و خداوند بخشنده و مهربانست . - ۲۴ و رَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا : بسبب تندی غضب آنان که نرسیده‌اند بخیری ، و کفایت میکند از مؤمنین قتال و جنگ را ، و خداوند هست صاحب توانایی و عزّت . - ۲۵ و پایین آورده است آنها را که یاری آنها میکردند از ساختمانهایشان ، و انداخت در قلوبشان ترس را که جمعی را می‌کشید ، و بعضی را اسیر میکنید . - ۲۶ .

نتیجه :

و قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمْ : یکی از جنودِ اِلَهِی ، رُعب و وحشت است ، و موجب اضطراب و تزلزل میشود .

و أَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَرْضاً لَمْ تَطَّوُّوها وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا . - ۲۷ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُمُ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعِكُمْ وَ أُسَرِّحَكُمُ سَرَاحًا جَمِيلًا . - ۲۸ وَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَ

رسوله و الدار الآخرة فإن الله أعد للمحسنات منكن أجراً عظيماً . - ۲۹ یا نساء النبي من يأت منكن بفاحشة مبينة يضاعف لها العذاب ضعفين و كان ذلك على الله يسيراً . - ۳۰ و من يقنت منكن لله و رسوله و تعمل صالحاً نُوتها أجرها مرتين و أعدنا لها رزقاً كريماً . - ۳۱ .

ایراث : دیگریرا وارث خود کردن ، و مالشرا باو منتقل کردن .

دیار : جمع دار بمعنی خانه ، مسکن ، محلّ .

لَمْ تَطَّوْهَا : از وطأ بمعنی لگد و قدم گذاشتن .

تَعَالَيْنَ : جمع از صیغه تعال است ، بوزن تَبَاكَيْنَ .

سَراحاً : آزاد کردن .

مَبِينَةً : آشکار کننده .

قُنُوت : تواضع ، اطاعت است .

می فرماید : و وارث کرد شما را به زمین آنها و خانه های آنها و اموال آنها و بسرزمینهایی که هنوز بدست نگرفته و تصرف نکرده اند ، و هست خداوند بهر چیزی توانا . - ۲۷ ای پیامبر بگوی به ازواج خود که اگر زندگی دنیا و زینت آنرا می خواهید : پس بیائید که من شما را تزویج کرده و سپس آزاد کنم آزاد کردن نیکو . - ۲۸ و اگر باشید بخواید خدا و رسول او را و منزل آخرت را : پس خداوند آماده کرده است برای نیکوکاران از شماها اجر بزرگی را . - ۲۹ ای زنهای پیامبر کسیکه بیارد از شماها عمل زشت آشکاریرا : پس اضافه میشود برای او عذاب بدو برابر ، و اینمعنی برای خداوند متعال آسانست . - ۳۰ و کسیکه خضوع و اطاعت کند خداوند و رسول او را ، و اعمال نیکو بجای آورد : میدهد خداوند اجر او را بدو مقابل ، و آماده میکنیم برای او روزی گرامی . - ۳۱

نتیجه :

أُمَّتِّعَنَّ : تمتیع بمعنی انتفاع و التذاذ بزمان طولانی است ، و تمتیع أعمّ است از جهت مادی و روحانی .

البتّه وصلت بانبیاء از هر جهت ، و هم از جهات دنیوی و اخروی مورد استفاده است .

و همینطوریکه وصلت با انبیاء موجب مضاعف بودن أجر و ثواب میشود ، سبب چند برابر شدن عقاب گردد ، اگر رعایت مقام نشود .

يا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا . - ۳۲ و قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا . - ۳۳ و اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا . - ۳۴ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا . - ۳۵ .

إِتِّقَاء : برحذر داشتن ، و خود را حفظ کردن است .

فَلَا تَخْضَعْنَ : انقیاد و سکون و تواضع است .

قَرْنَ : بمعنی أقررن باشد .

تَبَرُّج : ظاهر شدن و ارتفاع است .

لَطِيف : مهربان ، دقیق است .

القانتین : خضوع و اطاعت کنندگان .
 الخاشعین : تطامن و ذلت و خضوع است .
 متصدِّق : کسیکه عطیّه بدهد .

می‌فرماید : ای زنهای پیغمبر اگر تقوی داشته باشید ، پس نرمی نکنید در گفتار ، و شما نباید چون زنهای دیگر باشید ، که طمع کنند در شما کسانیکه در دل‌های آنها مرض هست ، و سخن بگویند بمعروف و پسندیده بودن . - ۳۲ و قرار بگیری در خانه‌های خودتان ، و مانند اهل جاهلیت خودنمایی نکنید ، و خود را آرایش ندهید ، و مراقب نماز بوده ، و زکوة اموال را بفقراء بدهید ، و اطاعت کنید از خداوند و از رسول او - که : خداوند اراده میکند که از وجود شما ناپاکی را برده و شما را تطهیر و پاک کند . - ۳۳ و یاد کنید آنچه را که خوانده میشود از آیات و حکمت ، بتحقیق خداوند باشد مهربان و آگاه . - ۳۴ بتحقیق مردهای مسلم و زنهای اسلام آورنده ، و مردهای مؤمن و زنهای ایمان آورنده ، و مردهای اطاعت کننده و زنهای اطاعت کننده ، و راست کردار از مردها و از زنها ، و صبر کنندگان از مردها و از زنها ، و خشوع کنندگان از مردها و از زنها ، و بخشش کنندگان از مردها و از زنها ، و روزه داران از مردها و از زنها ، و حفظ کنندگان از مردها و از زنها دامنه‌های خودشانرا ، و یاد کنندگان خداوند از مردها و زنها در ساعات شب و روز : آماده کرده است پروردگار برای آنها آمرزش و مزد بزرگ . - ۳۵ .

نتیجه :

در اینجا خداوند متعال برای زنهای رسول اکرم صفاتیرا تذکر داده است که از لحاظ تقوی داشتن ، رعایت آنها لازم است - ایمان و طمأنینه داشتن ، و در گفتار و رفتار بنرمی عمل کردن ، و در امور خود صابر و متحمل بودن ، و خشوع و اطاعت

کردن ، و عبادت و روزه دار بودن ، و رعایت عفت و پاکدامنی ، و پیوسته خداوند متعال را در نظر داشتن ، و توجه داشتن به افراد فقیر و نیازمند .

و ما كان لمؤمن و لا مؤمنة إذا قضى الله و رسوله أمراً أن يكون لهم الخيرة من أمرهم و من يعص الله و رسوله فقد ضلّ ضللاً مبيناً . - ۳۶ و إذ نقول للذي أنعم الله عليه و أنعمت عليه أمسك عليك زوجك و اتق الله و تخفي في نفسك ما الله مبديه و تخشى الناس و الله أحق أن تخشيه فلما قضى زيد منها وطراً زوجناكها لكي لا يكون على المؤمنين حرج في أزواج أدعيائهم إذا قضوا منهنّ وطراً و كان أمر الله مفعولاً . - ۳۷ .

قَضَى : حکم نمود . تمام کرد .

الخَيْرَةُ : اختیار داشتن .

إِمْسَاك : خودداری کردن .

إِبْدَاء : ظاهر کردن .

وَطَرَ : حاجت ، مطلوب .

حَرْج : اِثْم ، مَضِيقَه .

می فرماید : نباشد برای مؤمنی و یا مؤمنه‌ای که چون حکم قطعی کرد خداوند و رسول او در مورد امری ، اینکه باشد برای آنها اختیاری در آنمورد ، و کسیکه عصیان و تخلف کند و مخالفت دستور خداوند و رسول او نماید : بتحقیق گمراه شده است گمراهی آشکاری . - ۳۶ و زمانیکه میگفتی برای کسیکه خداوند او را احسان نموده و هم تو او را انعام نمودی که خودداری کن از قرابت زوجه خود ، و تقوی داشته باش ، و إخفاء و پوشیده میکنی در نفس خود آنچه را که خداوند آنرا

آشکار میکند ، و او سزاوارتر است اینکه رعایت نظر او را داشته باشی . پس زمانیکه زید احتیاجش را از او برطرف کرد ، تزویج کردیم آنها برای تو ، تا مانعی نباشد از تزویج فرزندهای خوانده شده (یعنی ازواج آنها) پس از برطرف شدن احتیاج آنها ، و هست دستور خداوند انجام شده . - ۳۷ .

نتیجه :

فرزند خوانده شده (ادعیاء = مردهای خوانده شده به فرزندى) چون زید که فرزند خوانده شده رسول اکرم بود ، و چون او زن خود را طلاق داد ، آنزن به زوجیت پیغمبر خدا درآمد ، و در این جهت معلوم شد که تزویج زن فرزند خوانده شده (دعتی) پس از جدا شدن از همدیگر مانعی ندارد .
و فرزند خوانده شده : فرزند حقیقی نیست که تمام احکام فرزندى درباره او جاری گردد .

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ
وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مَقْدُورًا . - ۳۸ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا
يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا . - ۳۹ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ
رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا . - ۴۰ يَا
أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا . - ۴۱ وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أُصِيلاً . - ۴۲
هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا . - ۴۳ .

حَرَجٌ : مَضِيْقَه ، اِثْمٌ اسْت .

سُنَّةٌ : طَرِيْقَه ، سِيْرَه ، جِهْت ، اسْت .

- خَلُوا : فراغت ، گذشتن است .
 مَقْدُور : تمکّن و قدرت داشتن است .
 حَسِيب : کافی ، محاسب است .
 أَصِيل : زمان عصر است .

می‌فرماید : نباشد بر نبی اکرم از مضیقه و گرفتگی در مواردیکه خداوند متعال موظف کرده است او را ، روش و راه خداوند درباره گذشتگان . و هست امورِ اَلْهٰی بمقتضای طاقت و قدرت و طاقت . - ۳۸ آنان که ابلاغ میکنند برنامه‌های اَلْهٰی را و می‌ترسند از خداوند ، و از غیر او ترسی ندارند ، و کفایت است خداوند را از لحاظ بررسی کردن . - ۳۹ و نیست محمّد (ص) پدر یکی از مردان شما ، ولیکن رسول خدا است ، و خاتم پیغمبران است ، و هست خداوند بهر چیزی عالم و محیط . - ۴۰ ای آنانکه ایمان دارید یاد کنید خداوند را بیاد کردن بسیار زیاد . - ۴۱ و تسبیح و تنزیه کنید او را هر صبح و شام (عصر) . - ۴۲ او خداوندیست که رحمت و لطف خود را برای شما می‌فرستد ، و همچنین ملائکه او تا خارج کند شما را از تاریکیها بسوی نور ، و باشد برای مؤمنین رحم کننده و مهربان . - ۴۳ .

نتیجه :

و خاتم النبیین : نبوّت عبارتست از خبر دادن از مقامات غیبی ، و در رسالت لازم است که ابلاغ دستورها و احکامی از جانب خداوند متعال باشد ، و مقام رسالت بالاتر میشود از نبوّت .
 و آنحضرت آخرین نبی مبعوث از جانب خداوند متعال بوده ، و در عین حال ، صاحب کتاب و احکام جدیدی هم بوده است .

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَّ أَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا . - ۴۴ يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَّ مُبَشِّرًا وَّ نَذِيرًا . - ۴۵ وَّ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَّ سِرَاجًا مُنِيرًا . - ۴۶ وَّ بَشِيرٍ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا . - ۴۷ وَّ لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَّ الْمُنَافِقِينَ وَّ دَعْ أَذْيَهُمْ وَّ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَّ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا . - ۴۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِن عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَّ سَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا . - ۴۹ .

تَحِيَّةٌ : اِطَالَهُ عَمْرٌ ، اِبْقَاءُ زَنْدَگِی ، دَعَا بِخَيْرٍ .

شَاهِدٌ : حَاضِرٌ وَّ آگَاهٌ .

تَسْرِيحٌ : اَزَادَ كَرْدَن ، رَفَعَ قَبُوْد .

أَفَاءٌ : رَجُوعَ دَادَن اِسْت .

إِعْتِدَادٌ : اِخْتِيَارَ كَرْدَن عِدَدِ اِسْت .

عِدَّةٌ : يَكْنُوعَ شِمَارِشِ اِسْت .

می‌فرماید : درود گفتن آنها در روز ملاقات سلام دادن است ، و خداوند آماده میکند برای آنها اجر مخصوص گرامی را . - ۴۴ ای پیامبر بتحقیق ما فرستادیم تو را که شاهد و گواه باشی و بشارت دهنده و ترساننده شوی . - ۴۵ و دعوت کننده باشی مردم را بسوی خداوند باذن او ، و تو را چراغ روشنایی دهنده قرار دادیم . - ۴۶ و مژده بده مؤمنین را که برای آنها از جانب خداوند افزونی بزرگی باشد . - ۴۷ و اطاعت نکن از کافرین و از منافقین ، و صرف نظر کن از آزار آنها ، و توکل کن بر خداوند متعال ، و او کافی است از جهت وکیل بودن . - ۴۸ ای آنانکه ایمان آوردند زمانیکه بنکاح آوردید زنهای مؤمنه را و سپس طلاق داده و آنها را از قید زناشویی آزاد کردید : پس اگر پیش از تماس با آنها باشد : برای آنها مدت عده

معین نگهداری ، لازم نیست ، و میتوانند با دیگری مزاجت کنند . - ۴۹ .

نتیجه :

و داعياً إلى الله باذنه : این دعوت و مهمانی برای خانه و قرب خداوند متعال باجازه و دستور او صورت میگیرد ، نه اینکه مهمانی نخوانده باشند .
مدت معین و عده : نگهداری عده در مزاجت در زندگی دنیوی بخاطر حصول حالت طهارت و رفع آلودگی است ، و در عالم ماورای ماده چنین آلودگی نخواهد بود که محتاج بصبر و حصول حالت طهارت باشد .
و از این لحاظ این حکم مخصوص مؤمنین باشد ، نه منافقین و کافرین .

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ اجُورَهُنَّ وَ مَا مَلَكَتْ
يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ بَنَاتِ عَمَّكَ وَ بَنَاتِ خَالَكَ وَ
بَنَاتِ خَالَاتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَ امْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ
أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا
عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَ كَانَ اللَّهُ
عَفُورًا رَحِيمًا . - ۵۰ . تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ تُتَوَى إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ مَنْ
ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَ لَا يَحْزَنَ
يَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا
حَلِيمًا . - ۵۱ .

أُجُور : جمع أجر و بمعنی مزد ، اجرت .

يَمِين : جانب راست که مقابل یسار است ، برکت .

استنکاح : طلب ازدواج کردن .

تُرْجَى : امیددار بودن ، تأخیر .

تُوًى : نازل کردن ، مکان دادن ، و الیک یعنی بنزد خود .

أَدْنَى : نزدیکتر است .

جُنَاح : اِثْم ، میل کردن .

اِبْتِغَاء : طلب کردن ، خواستن .

تَقَرَّرَ : برودت ، خوشی ، سکونت .

می‌فرماید : ای پیامبر من ، بتحقیق ما حلال کردیم برای تو ازواج تو را که اجرت و مزدهای آنها را دادی ، و آنانکه آنها را خریداری کردی و خداوند آنها را بسوی تو برگردانیده است ، و همچنین دخترهای عمو و یا خاله باشند برای تو ، که همراه تو هجرت نمودند ، و یا آنانکه خودشانرا به بخشند به رسول خدا و او بخواهد آنها را تزویج نماید ، البتّه این حکم مخصوص است به رسول اکرم ، و شامل مؤمنین نباشد ، و ما توجّه داریم بآنچه لازم کردیم برای آنها در خصوص ازواج آنها و بآنچه در زیر مالکیت آنها بوده است ، تا نباشد برای تو مضیقه و ناراحتی ، و باشد خداوند آمرزنده و مهربان . - ۵۰ بتأخیر می‌اندازی هر کدام را که بخواهی ، و جا میدهی و نزدیک میکنی آنکه را که خواستی ، و کسیرا که خواستی از آنها ییکه برکنار کرده بودی ، گناهی برای تو نیست ، این نزدیکتر بصواب است که چشمهای آنها روشن شده و خوشحال گشته و از تو راضی باشند و محزون و غمناک نگردند ، و خداوند محیط است و میدانند به آنچه در قلوب شما است ، و او عالم و حلیم است . - ۵۱ .

نتیجه :

خوشحال گردند : خداوند متعال خوشحالی و مسرور شدن بندگان خود را

میخواهد اگر چه آنها مؤمن نباشند ، زیرا مؤمن و غیرمؤمن همه مخلوق و بنده او هستند و او همه را آفریده ، و با لطف و احسان زندگی آنها را اداره و تأمین میفرماید .

لَاتَحُلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَاقِبًا . - ۵۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ غَيْرَ نَاطِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا . - ۵۳ .

تَبَدَّلَ : با حرف باء متعدی شده و بمعنی تبدیل کردن است .

رَاقِب : مراقب .

إِنَاء : ظرف غذا .

استیناس : انس طلبیدن .

می فرماید : حلال نمیشود برای تو زنها ، و نه تبدیل کردن آنها بزنها دیگر ، اگرچه بشگفت آرد تو را زیبایی آنها ، مگر آنها بیکیه دست تو مالک شده باشد ، و هست خداوند بهر چیزی مراقب . - ۵۲ ای کسانی که ایمان آوردید داخل نشوید بخانه های رسول خدا مگر اینکه اذن داده شوید ، و پس از وارد شدن دقت نکنید در ظرفیکه آنجا استعمال میشوند ، و زمانیکه دعوت شدید پس داخل شوید ، و چون غذا خوردید ، متفرق گردید ، و خودتانرا مشغول نکنید بذكر اخبار و احادیث

که اینمعنی موجب ایدای پیغمبر خدا گردد ، پس او شرمنده میشود که جلسه را بهمزند ، و خداوند از ذکر حق خجل نخواهد شد ، و چون متاعی و چیزی از او درخواست کنید : پس از پشت پرده بخواهید ، و این عمل پاکیزه‌تر است برای قلوب شما و ایشان ، و نباید کاری کنید که موجب آزار او گردد ، و هرگز ازواج او را تزویج نکنید ، و اینمعنی نزد خدا عمل بسیار بدی باشد . - ۵۳ .

نتیجه :

تزویج نکنید : خصوصیات ازواج آنحضرت از اسرار زندگی مادی و طبیعی او و هر کسی است ، و آگاهی دیگران از آنها موجب ناراحتی سختی باشد .
و نباید راضی شد که آنحضرت آزرده دل و متأثر گردد .
و دقت در اثاثیه و زندگی و ظروف مستعمله در خانه و اندرون او هم نمونه‌ای از اسرار زندگی داخلی است که بررسی و دقت و تحقیق از آنها نیز موجب ناراحتی او خواهد شد .
و در خصوص دیگران و دقت در زندگی داخلی آنان نیز بهمین جهت نامطلوب باشد ، و هر کسی راضی از آگاهی افراد دیگر نمیشود .

إِنْ تُبَدُّوا شَيْئًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا . - ۵۴ لا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَ لَا أَبْنَائِهِنَّ وَ لَا إِخْوَانِهِنَّ وَ لَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَ لَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَ لَا نِسَائِهِنَّ وَ لَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَ اتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا . - ۵۵ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا . - ۵۶ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا . - ۵۷ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا . - ۵۸ .

جُنَاح : تمایل ، اثم .

مُهِين : خوار کننده .

أَيْمَان : جمع یمین که بمعنی طرف راست ، دست .

بُهْتَان : تحیّر ، دِهْشَة ، کذب ، افتراء .

می‌فرماید : اگر آشکار کنید چیزها و یا مخفی بدارید آنرا پس بتحقیق خداوند باشد بهر چیزی آگاه و عالم . - ۵۴ تمایل و گناهی نیست بر آنها در خصوص پدرانشان و نه فرزندانشان و نه برادرهایشان و نه فرزندان برادرها و نه فرزندان خواهرها و نه زنهای آنها و نه آنها بیکه مالک شده است دستهای آنها ، و شما در مقابل پروردگار تقوی داشته باشید ، بتحقیق خداوند بهر چیزی شاهد و آگاه است . - ۵۵ و بتحقیق خداوند و ملائکه او صلوات و دعاء میفرستند بر رسول خدا ، ای آنانکه ایمان دارید صلوات و دعاء و سلام بفرستید بر او ، و در مقابل او تسلیم باشید . - ۵۶ و صلوات بگویید ، بتحقیق آنانکه اذیت میکنند رسول خدا را و خداوند را ، لعنت میکند خداوند آنانرا در دنیا و آخرت و آماده کرده است برای آنها عذاب خوار کننده‌ایرا . - ۵۷ و کسانی که اذیت میکنند مؤمنین و زنهای مؤمنه را بدون اینکه آنها استحقاقی داشته باشند : پس بتحقیق حمل کرده‌اند افتراء و گناه خوار کننده‌ایرا . - ۵۸ .

نتیجه :

أَوْ تُخْفَوُه : مخفی و مستور شدن در مورد غیر خداوند متعال صدق میکند ، و أمّا وجود نامحدود او که نور محض و نامحدود است ، هرگز بواسطه چیزهای دیگر محدود و محجوب نمیشود ، و مفهوم مخفی شدن و محدود و مستور گشتن درباره او غلط است ، و درباره او پنهانی و پوشیده شدن نامفهوم است . و بواطن اشیاء و

ظواهر آنها در مقابل او یکسان باشد .

امروز بوسیله آلات مخصوص عکسبرداری از اعضای داخلی انسان عکسبرداری کرده و خصوصیات و نقاط ضعف آنها را مشاهده میکنند ، و با این وسیله امراض داخلی را معالجه میکنند .

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا . - ۵۹ لئن لم ينته المنافقون والذين في قلوبهم مرض و المرجفون في المدينة لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها الا قليلا . - ۶۰ ملعونين اينما تقفوا اخذوا وقتلوا تقتيلا . - ۶۱ سنة الله في الذين خلوا من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلا . - ۶۲ يسألک الناس عن الساعة قل انما علمها عند الله و ما يدريك لعل الساعة تكون قريبا . - ۶۳ ان الله لعن الكافرين و اعد لهم سعيرا . - ۶۴ .

يُدْنِينَ : تقريب ، نزديک کردن .

جَلَابِيبٍ : جمع جلاباب بمعنی پيراهن و لباس واسع است .

أَدْنَى : نزديکتر است .

لَمْ يَنْتَه : کف ، خودداری کردن .

الْمُرْجِفُونَ : تحريک ، اضطراب ، اظهار اخبار سوء .

نُغْرِينَ : القاء ، إصاق ، لزوم .

تُقَفُّوا : ظفر یافتن ، ادراک ، و غلبه کردن .

خَلُّوا : ترک کردن ، گذشتن .

سَعِيرٍ : اشتعال ، الحرارة الشديدة .

السَّاعَةِ : وقت معین ، وقت قیامت .

اعداد : آماده کردن ، شمردن .

می‌فرماید : ای پیامبر من بگو بازواج خود و دخترهای خود و بزنهاي مؤمنین که نزدیک کنند بخودشان لباسهای وسیع (چادرها) خودشانرا ، و این عمل نزدیکتر است بحق از اینکه شناخته گشته و در مورد آزار قرار بگیرند ، و خداوند آمرزنده و مهربانست . - ۵۹ و اگر خودداری نکنند افراد منافق ، و آنهايیکه در قلوبشان بیماری هست ، و کسانیکه خبرهای ناراحت کننده منتشر میکنند : هر آینه متصل و مرتبط میکنیم شما را بآنها و سپس با شما مجاورت نمیکنند مگر زمان کمی . - ۶۰ آنها ملعونند در هرکجایی که پیدا شوند ، گرفته شده و کشته میشوند کشته شدنی . - ۶۱ این روش الهی است که جاری بود در گذشتگان ، و نمی‌بینی در سنت خدا عوض کردنی . - ۶۲ می‌پرسند از تو از موضوع ساعت قیامت ؟ بگوی که علم آن نزد خداوند است ، و چه میدانی که شاید آن نزدیک باشد . - ۶۳ بتحقیق خداوند لعن کرده است کافرین را و آماده کرده برای آنها سعیر و شعله آتش . - ۶۴ .

نتیجه :

أعدّ سعيراً : لعن طرد کردن از رحمت و محروم کردن از عالم نور است ، و کسیکه از توجهات و الطاف و مراحم الهی محروم میشود : قهراً بغضب و آتش شعله‌ور که جهنّم است مبتلا خواهد شد .

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا . - ۶۵ يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَاَطَعْنَا الرَّسُولَ . - ۶۶ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَاكْبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا . - ۶۷ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَاَلْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرَا . - ۶۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا

قالوا و كانَ عندَ اللَّهِ وِجِيهاً . - ۶۹ يا أَيُّها الَّذينَ آمَنوا اتَّقُوا اللَّهَ و قولوا قولاً
سَدِيداً . - ۷۰ .

- تَقْلِب : برگردانیدن .
- ضِعْفَيْن : دو مقابل .
- لَعْن : دور کردن .
- تَبْرَأه : پاک کردن .
- سَدِيد : محکم .

می فرماید : همیشگی باشند در آن آتش بدوام ، نمیتوانند پیدا کنند متولّی امور
و نه یاری کننده ای . - ۶۵ روزیکه برگرداننده میشود صورتهای آنها در آتش ، و
گویند ای کاش که ما اطاعت میکردیم خدا را و اطاعت میکردیم رسول خدا
را . - ۶۶ و گفتند پروردگارا ما اطاعت کردیم بزرگان ما را ، پس گمراه کردند ما را از
راه مستقیم . - ۶۷ پروردگارا بیاور برای آنها دو برابر از عذاب و لعن کن آنها را لعن
بزرگ . - ۶۸ ای آنانکه ایمان آوردند ، نباشید از آنها یکه اذیت کردند موسی را ،
پس پاک کرد موسی را خداوند از گفته های آنها ، و بود نزد خداوند پسندیده . - ۶۹
ای آنانکه ایمان آوردند تقوی داشته باشید در مقابل پروردگار ، و بگویید سخن
محکم . - ۷۰ .

نتیجه :

ضِعْفَيْن : یکی در برابر عمل خلاف خود ، و دیگری از جهت سبب شدن او
انحراف دیگرپرا که او را گمراه کرده است .
اذیت کردند موسی را : بخاطر انکار کردن دعوت های او ، و مخالفت با آیات و

إظهارات و معجزات آنحضرت .

قول سدید : سخن محکم و واقعیت دار اینستکه حق و درست بوده ، و برخلاف واقع نباشد .

ساده و کُبراء : سادۀ جمع سیّد ، و کُبراء جمع کبیر است ، و سیادت : در مورد بزرگی عنوانی و معنوی اطلاق می شود ، و کبیر در مورد ظاهری .

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا . - ۷۱ إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها وحملها الإنسان إنه كان ظلوماً جهولاً . - ۷۲ ليعذب الله المنافقين والمنافقات والمشركين والمشركات ويتوب الله على المؤمنين والمؤمنات وكان الله غفوراً رحيماً . - ۷۳ .

فوز : ظفر و غلبه ، و نجات یافتن است .

عرض : اظهار ، نشان دادن .

إباء : امتناع ، منع کردن .

إشفاق منه : خوف و اعراض .

می فرماید : چون در گفتار خودتان مراقب باشید : اصلاح میکند برای شما اعمال شما را ، و می آمرزد گناههای شما را ، و کسیکه اطاعت کند خداوند و رسول او را : بتحقیق نجات یافته است نجات بزرگ . - ۷۱ بتحقیق ما امانت را عرضه کردیم به آسمانها و زمین و کوهها : پس امتناع کردند از قبول آن که حمل کنند آنرا و اعراض نمودند از آن ، ولی انسان آنرا قبول کرده و حمل نموده و او در عین حال ستمکار و جاهل است . - ۷۲ تا عذاب کند خداوند منافقین و زنه‌های منافق را و

مشرکین و زنه‌های مشرک را ، و برگردد بسوی مؤمنین و مؤمنات و خداوند آمرزنده و مهربانست . - ۷۳ .

نتیجه :

و حملها الانسان : تحمّل در مرتبه اوّل و بدون سابقه و بدون دقّت و رسیدگی به نتیجه حمل ، و از این لحاظ است که فرمود : **إِنَّهٗ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا** یعنی بخصوصیّات حمل خود ، و بدون آزمایش به قدرت و استعداد خود از جهت توانائی و نگهداری این حمل بزرگ ، و از این لحاظ او را جاهل و ظالم معرّفی فرمود ، زیرا نتوانست آنطوریکه لازمست از آن امانت قدردانی کرده و استفاده کند .
و امانت : عبارتست از مقام طمأنینه و اطمینان در مقابل وظائف عبودیّت و تکالیف اِلَهِی ، که چون جبل راسخ ثابت گردد .
آری بزرگترین وظیفه آدمی راسخ بودن و ثابت شدن در مقابل وظائف عبودیّت است که کوچکترین تزلزل در باطن او پیدا نگیرد .

سوره سبأ
سوره - ۳۴ آیات ۵۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ . - ۱ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ . - ۲ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ . - ۳ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ . - ۴ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ . - ۵ .

يَعْرُجُ : صعود ، بالا رفتن .

يَلِجُ : داخل شدن ، ورود .

لَا يَعْزُبُ : غائب شدن ، مفقود شدن .

رَجْزٍ : اثم ، عذاب ، ذنب .

أَلِيمٍ : درد سخت ، دردآور .

می فرماید : ستایش برای پروردگاریست که برای او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و برای او است ستایش در عالم آخرت ، و او صاحب حکمت و آگاهی است . - ۱ می داند آنچه را که داخل میشود بزمین و آنچه خارج میشود از آن ، و آنچه را که نازل می شود از آسمان ، و آنچه بالا می رود در آن ، و او مهربان و آمرزنده است . - ۲ و گفتند آنهاييکه کافرند نمی آید ما را ساعت موعود ، بگویی که

آری خواهد آمد ، و او عالم غیب است ، و غائب نشود از او بمقدار ذره‌ای در آسمانها و زمین ، و نباشد چیزی کوچکتر از آن و یا بزرگتر مگر آنکه مضبوط و نوشته شده است . - ۳ تا جزاء بدهد افرادی که ایمان آورده و اعمال شایسته بجا می‌آورند ، که برای آنها آمرزش و روزی نیکو ذخیره می‌گردد . - ۴ و آنها بیکه کوشش میکنند مربوط بآیات ما که آنها را ضعیف قرار بدهند : برای آنها باشد عذابی سخت و دردناک . - ۵ .

نتیجه :

فی الآخرة : آسمان و زمین در عرض همدیگرند ، ولی عالم آخرت در طول آنها و در باطن و نتیجه آنها باشد .
 يعلم : و علم الهی محیط و مافوق همه عوالم باشد . و نتیجه همین علم محیط است که برای طبقات خوب و بد ، جزاء داده میشود .

و يَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ . - ۶ و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنْبِئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي حَلْقٍ جَدِيدٍ . - ۷ أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ . - ۸ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ نَشَأَ نَحْسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ . - ۹ و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَ الطَّيْرَ وَ النَّأ لَه الْحَدِيدَ . - ۱۰ .

تمزيق : تفریق ، شق کردن .

أفترى : أصل آن أفترى است ، همزه دوم وصل است .

- جَنَّةٌ : جنون ، زوال عقل است .
 كِسْفٌ : جمع کشفه که بمعنی قطعه ایست که حاجب میشود .
 مُنِيبٌ : از نوب بمعنی رجوع مکرر است .
 أُوبِيٌّ : رجوع کردن است . مفرد مؤنث از تأویب است .
 وَالطَّيْرَ : جمع طائر که بمعنی پرنده است .
 أَلْتَا : از مادّه لینت است یعنی نرم کردیم .

می فرماید : و می بینند آنانکه داده شده اند علم و معرفت که آنچه از جانب خداوند برای تو نازل شده است ، آن حقّ است ، و هدایت میکند بسوی خداوندیکه صاحب عزّت و پسندیده است . - ۶ و گفتند آنانکه کافر شده اند آیا خبر بدهم شما را از مردیکه خبر بدهد شما را که چون اعضای شما متفرّق شد ، و شما پراکنده گشتید : هر آینه شماها آفرینش تازه ای پیدا میکنید . - ۷ آیا دروغ و افتراء گفته است بر خداوند ، و یا او مرض جنون دارد ؟ بلکه آنانکه ایمان پیدا نکرده اند به عالم آخرت در عذاب و گمراهی عمیقی باشند . - ۸ آیا نظر نکردند به پیشروی خودشان ، و یا به پشت سر خودشان ، از آسمانها و زمین ، که اگر بخواهیم زمین را برای آنها می شکافیم ، و یا می افکنیم برای آنها قطعه هایی را از آسمان ! بتحقیق در این جریان آیتی باشد برای بنده ایکه بسوی خداوند رجوع میکند . - ۹ و بتحقیق دادیم داوود را از جانب ما فضیلتی ، که ای کوهها توجه کنید بسوی خداوند و برگردید بسوی او همراه کوهها و پرنده ها ! و نرم کردیم برای او آهن را . - ۱۰ .

نتیجه :

یا جِبَالُ : خطاب میشود بکوهها که با داوود هم آهنگ باشد در ذکر اِلَهِی ، و هم نرم شده است آهنهای محکم بدست او برای ساختن لباس زرهی و غیره .

أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاَعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ
بَصِيرٌ . - ۱۱ ولسليمانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ و رَواحُها شَهْرٌ و أَسَلنا له عَيْنَ القِطْرِ
و مِنَ الجِنَّ مَنْ يَعمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ و مَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَن أَمْرنا نُذِقْهُ مِنْ
عَذابِ السَّعِيرِ . - ۱۲ يَعمَلونَ لَهُ ما يَشاءُ مِنَ مَحاَريِبٍ و تَماثِيلٍ و جِفاَنِ
كَالجَوابِ و قُدورِ رَاسِياتٍ اَعْمَلوا آلَ داوودَ شَكرًا و قَليلٌ مِنَ عِبادِي
الشُّكُورِ . - ۱۳ فَلَمَّا قَضينا عَلَيْهِ المَوتَ ما دَلَّهمُ عَلى مَوتِهِ إِلا دَابَّةُ الأَرْضِ تَأْكُلُ
مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الجِنَّ أَنَّ لَو كانوا يَعمَلونَ الغَيبَ ما لَبِثوا فِي العَذابِ
المُهِينِ . - ۱۴ .

سابِغات : اتساع و طولانی بودن .

قَدِّرْ : بمقدار معین اندازه گرفتن است .

فِي السَّرْدِ : ساختن ، بافتن .

رَواح : ذهاب ، رفتن .

عَيْنَ القِطْرِ : چشمه و مَجْرى - نُحاس و مس .

يَزِغُ : متفرق شدن .

سَعِيرِ : اشتعال ، حرارت شدید .

مَحاَريِبِ : جمع مِحْراب - آلات حرب است .

و تَماثِيلِ : مثلها و شبیهها .

جِفاَنِ : جمع جَفْتِه - ظرف بزرگ است .

جَوابِ : حوضچه‌های آب برای آنعام .

قُدورِ : جمع قِدْر بمعنی دیگ بزرگ طبخ است .

راسِياتِ : ثوابت ، محکم .

مِنْسَأَةٌ : عصا که تکیه میشود ، و تأخیر .

خَرَّ : سقوط ، افتادن .

می‌فرماید : اینکه عمل کن بوسعت و آزادی ، و اندازه‌گیری کن در ساختن و بافتن ، و روی صلاح و دقت عمل کنید ، و من بآنچه عمل میکنید بینا و محیط هستم . - ۱۱ و برای سلیمان باد را صبحش یک ماه و عصرش یک ماه بود و سیلان دادیم برای او مجرای فلز مس را ، و از طائفه جنّ افرادی بودند که در مقابل او کار میکردند ، با اذن پروردگار متعال ، و اگر کسی از آنها منحرف گردد می‌چشانیم برای او عذاب شعله آتش را . - ۱۲ انجام میدادند برای او آنچه را که میخواست از وسائل و آلات جنگ ، و مجسمه‌ها و ظرفهای بزرگ منصوب از کاسه و دیک ، عمل کنید ای فرزندان داؤود به شکر پروردگار ، و کم است در میان بندگان من آنهاييکه شاکر و سپاسگزار باشند . - ۱۳ و زمانیکه مقدر کردیم برای او موت را نشان نداد موت او را مگر حیوان کوچکی که عصای او را میخورد ، و چون فوت کرد : روشن شد که اگر جنّ از غیب آگاهی داشتند صبر و تأخیر نمیکردند مدت طولانی را که در عذاب باقی باشند . - ۱۴ .

نتیجه :

جنّ : خلقتی است فیما بین انسان و ملائکه ، و از لحاظ لطافت روح از انسان لطیفتر است ، و از این لحاظ علم و عمل او قویتر باشد از انسان ، و روی اینجهت است که قدرت حمل و آگاهی او بسیار قویتر خواهد بود .
البتّه قوّت و قدرت او در محدوده و اندازه لطافت جسم او باشد ، و انسان بجایی ممکن است برسد که افراد جنّ از عوامل او قرار گیرند ، مانند انبیاء که حاکم بر جنّ و انس میشوند .

لَقَدْ كَانَ لِسَبَأٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ

و اشکروا له بلدة طيبة و ربُّ غفور . - ۱۵ فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلناهم بجننتهم جننتين ذواتي أكلٍ خمطٍ و أثلٍ و شئٍ من سدرٍ قليلٍ . - ۱۶ ذلك جزينا هم بما كفروا و هل نجازي إلا الكفور . - ۱۷ و جعلنا بينهم و بين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرةً و قدرنا فيها السير سيروا فيها ليالي و أياماً آمين . - ۱۸ فقالوا ربنا باعد بين أسفارنا و ظلموا أنفسهم فجعلناهم أحاديث و مزقناهم كل ممزق إن في ذلك لآياتٍ لكل صبارٍ شكور . - ۱۸ .

سَبَأُ : بلادیست در جنوب غربی جزیره عربی از سرزمین یمن .

عَرِمٌ : شدید و خارج از حدّ و متجاوز .

خَمَطٌ : تند ، غضبناک .

أَثَلٌ : وسائل زندگی خانه ، درخت مخصوص .

أَكُلٌ : میوه ، ماکول .

تمزیق : تفریق ، شقّ کردن .

أَحَادِيثٌ : جمع حدیث که بمعنی خبر است .

می‌فرماید : هر آینه بتحقیق بود برای قوم سَبَأُ در محلّ سکناى آنها دو حدیقه‌ای از جانب راست و چپ ایشان ، بخورید از روزی پروردگار خودتان و سپاسگزاری کنید برای او ، شهر پاک و خداوند آمرزنده است . - ۱۵ پس إعراض کردند ، و فرستادیم برای آنها سیلی تند و تجاوز کننده ، و تبدیل کردیم دو حدیقه سبرسبز آنها را به سبزی تند و سبزیهای مختلف و مقداری کم سبزی سدر . - ۱۶ اینمعنی جزاء میدهیم آنها را بسبب آنچه کفران کردند ، و جزاء نمیدهیم مگر افرادی را که کفران می‌ورزند . - ۱۷ و قرار دادیم در میان آنها و قریه‌هایی که با برکت

بودند ، آبادیهایی که ظاهر بودند ، و گفتیم که سیر کنید در آنجاها شبها و روزها که در حال امن خواهید بود . - ۱۸ پس گفتند پروردگارا فاصله زیاد بده برای سفرهای ما و ظلم کردند بر خودشان ، پس قرار دادیم خبرهای آنها را ماندگار در میان مردم ، و قرار دادیم آنها را از همدیگر جدا گشته و پراکنده ، و در این جریان هر آینه آیاتی است برای افراد صابر و شاکر . - ۱۹ .

نتیجه :

فجعلناهم أحادیثَ : یعنی آثاری از آنها باقی نماند مگر کلماتی که در نوشته‌ها و یا زبانها از حالات آنها در میان مردم باقی مانده است ، و این خصوصیت در همه اقوام و ملل جریان دارد که تنها اثری که از آنها دیده میشود : ذکر تاریخچه و حالات آنها است که ضبط شده است ، آری خواندن و شنیدن جریان زندگی و نتایج امور آنها عبرت بزرگی باشد برای دیگران اگر بتوانند عبرت بگیرند .

و لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . - ۲۰ وَ مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَ رَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ . - ۲۱ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَ مَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ . - ۲۲ وَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ . - ۲۳ قُلِ مَنْ يَرْزُقْكُمْ مِنَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . - ۲۴ قُلِ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَ لَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ . - ۲۵ .

إِبْلِيسُ : از مادهٔ إبلاس بمعنی یأس شدید و حزن است .

تصدیق : واقعیت دادن .

ظہیر : معین ، مساعد است .

فُرْعَ : زوال خوف و وحشت است .

إِجْرَام : قطع کننده ، و مُجْرَم و مُذْنَب است .

مِثْقَال : مقدار سنگینی است .

می فرماید : و بتحقیق راست کرد ابلیس درباره آنها ظنّ و گمان خود را ، پس پیروی کردند از او مگر جمعی از مؤمنین . - ۲۰ و نبود ابلیس را بر آنها تسلّطی ، مگر اینکه بدانیم و جدا کنیم آنها را که ایمان دارند بآخرت ، از افرادی که در شکّ هستند از آن ، و خداوند بهمه موجودات محیط و حفظ کننده است . - ۲۱ بگوی که بخوانید آنها را که گمان کرده‌اید خدایان بغیر خداوند ، که مالک نمی‌شوند بسنگینی مقدار ذره‌ای از آسمانها و زمین را ، و نباشد برای آنها شرکت و تأثیری در آنها . - ۲۲ و سود نمیدهد شفاعت کردن در نزد او مگر آنچه اذن داده شود او را ، تا وقتی که فرع و وحشت از آنها برطرف گردد ، گویند که چه گفته است پروردگار شما ؟ گفته می‌شود که : حقّ باشد ، و او بلند مقام و بزرگوار است . - ۲۳ بگوی که کیست که روزی میدهد شما را از آسمانها و زمین ؟ بگو که خداوند ، و ما و یا شماها بر هدایت هستیم ، و یا بر گمراهی آشکاری باشیم . - ۲۴ بگوی که سؤال نمیشوید از آنچه ما جرم کنیم ، و ما هم سؤال نمیشویم از آنچه شما جرمی را مرتکب شوید و یا عملی را بجای آورید . - ۲۵ .

نتیجه :

و إِنَّا أَوْ إِپَاكُم لَعَلّی هَدّی : این یک قاعده عقلی و فکری صحیحی است ، که هرگز نباید در موارد اختلاف خود را در حقّ و طرف را در باطل دید .

و حقّ و باطل را در هر یک از دو طرف احتمال داده ، و لازمست با کمال بی طرفی هر دو طرف را بدقت بررسی کرده ، و جانب حق را بدست آورد .
و مخصوصاً که در مسائل دینی و اجتماعی ، کمال دقت را بجا آورد .
و لا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ : درباره مخالفین بعنوان - تَعْمَلُونَ - تعبیر شده است ، نه تَجْرَمُونَ ، برای اینکه اعمال آنها هم خالی از توجّه و توحید است ، و احتیاجی به اجرام نیست .
آری همه اعمال مخالفین لازم است در مورد بازرسی و پرسش قرار بگیرد ، زیرا از حقّ و حقیقت و إخلاص و توجّه خالی باشد .
و لا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ : اختیار و حکم تمام در موارد تزلزل و نیازمندی بحکم قاطع پروردگار متعال است ، مگر شفاعت با تصویب او باشد .

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ هُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ . - ۲۶ قل
أَرْوَى الَّذِينَ أَحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كُلًّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . - ۲۷ و ما
أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ . - ۲۸ و
يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ . - ۲۹ قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ
عَنْهُ سَاعَةً وَ لَا تَسْتَقْدِمُونَ . - ۳۰ و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَ لَا
بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ
الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ . - ۳۱ .

يَفْتَحُ : گشایش میدهد .

كَافَّةً : جمعاً ، همگی ، بعموم .

مَوْقُوفُونَ : متوقف شوندگان ، ایستادگان .

اسْتَضَعَفُوا : ضعیف شدند .

می‌فرماید: بگوی که جمع میکند پروردگار ما میان ما را بجزریان حق و او گشایش و فتح کننده و عالم است. - ۲۶ بگوی که نشان بدهید مرا آنهایی را که ملحق ساختید به پروردگار متعال بعنوان شریک، نه چنین است، بلکه او با عزت و حکمت است. - ۲۷ و نفرستادیم تو را مگر بهمه مردم که بشارت دهنده برحمت الٰهی و ترساننده از عقاب او باشی ولکن اکثر مردم نمیدانند. - ۲۸ و گویند که این وعده قیامت کی محقق میشود؟ - ۲۹ بگوی که برای شما وعده روزیست که ساعتی از آنروز جلوتر و ساعتی عقب‌تر نمیشود. - ۳۰ و گفتند آنها بیکه کافرند هرگز ایمان نمی‌آریم باین قرآن و نه بآنچه در پیشروی آنست، و هرگاه به بینی که ظالمین متوقفند در پیشگاه پروردگار متعال، و هر کدام مراجعه میکند بدیگری در گفتار خود، و گویند ضعفاء به آنانکه خودشانرا بزرگ و توانمند می‌شمارند: اگر شما نبودید ما ایمان می‌آوردیم. - ۳۱.

نتیجه:

اگر شما نبودید: آری افراد ثروتمند و متشخص همیشه و در همه امور مادی پیشرو دیگران بوده، و افکار خودشانرا بآنها تحمیل میکنند. و در صورتیکه در امور و برنامه‌های اجتماعی مردم نظر خاصی داشته باشند، خواه و نخواه افراد ضعیف از آنها پیروی میکنند. لَوْ لَا اَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ: آری افراد ضعیف در همه امور از اشخاص ثروتمند پیروی میکنند، و خودشان نمیتوانند صاحب نظر و فکر باشند.

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا اَنْحَنَّا صَدَدْنَا كَمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ اِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ. - ۳۲ و قَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِذْ تَأْمُرُونَنَا اَنْ نَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهُ اَنْدَادًا وَاَسْرُوا

النَّامَةِ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَ جَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ آلَا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . - ۳۳ و ما أرسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انما بما اُرسِلتم به کافرون . - ۳۴ و قالوا نحنُ اکثرُ اموالاً و اولاداً و ما نحنُ بمعذبین . - ۳۵ قل ان ربی یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر و لکن اکثر الناس لا یعلمون . - ۳۶ .

استکبار : بزرگی طلبیدن .

استضعفوا : ضعیف گردانیده شده‌اند .

مُجرمین : قطع کنندگان رابطه با خداوند .

مکر : خدعه ، حيله است .

مُتفرِّفون : طغیان کرده ، فاسد شده ، متنعم .

می‌فرماید : گفتند افرادی که مستکبر بوده و بزرگی و بلندی می‌خواستند : بکسانیکه ضعیف شده بودند ، آیا ما مانع شدیم شما را از هدایت پیدا کردن ؟ گفتند : بلکه طغیان و حيله گری روزگار و شب و روز بود که شما دستور میدادید ما را که کافر گردیم بخداوند و برای او شرکایی قرار بدهیم ! و پنهان کردند پشیمانی خودشانرا زمانیکه مشاهده کردند عذاب را ، و قرار دادیم زنجیرها را در گردنهای افرادی که کافر شدند ، آیا جزا داده میشوند مگر بآنچه عمل کرده‌اند . - ۳۳ و نفرستادیم در یک قریه و آبادی از رسولی مگر آنکه افراد طغیان‌گر آنها گفتند که ما بآنچه شما مأموریت دارید کافر هستیم . - ۳۴ و گفتند که ما بیشتر دارنده هستیم از جهت اموال و اولاد ، و هرگز ما در عذاب نخواهیم بود . - ۳۵ بگوی که خداوند گشایش میدهد روزی را برای هر کسی که می‌خواهد و یا تنگ میگیرد ، ولیکن بسیاری از مردم نمیدانند . - ۳۶ .

نتیجه :

در محیط مادی دنیوی مال و اولاد و املاک را از وسائل قدرت و قوت و عظمت می‌شمارند ، و تصور میکنند که این وسائل برای همیشه آنها را از ابتلائات و گرفتاری‌ها نجات بخشیده ، و در عوالم دیگر نیز دست آنها را خواهد گرفت . و آنها غفلت دارند که در عالم ماورای ماده از هرگونه از عمل و مال و دارائی پرسش شده ، و از تمام آنچه بدست آورده شده است : محاسبه و رسیدگی میشود .
و در حقیقت خود آن تعلقات بزرگترین وسیله گرفتاری خواهد شد .

و ما أموالکم و لا اولادکم بالّتی تُقربکم عندنا زُلْفی اِلّا من آمن و عمل صالحاً فاولئک لهم جزاء الضعف بما عملوا و هم فی الغرفات آمنون . - ۳۷ و الذین یسعون فی آیاتنا معجزین اولئک فی العذاب مُحضرون . - ۳۸ قل ان ربی یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین . - ۳۹ و یوم یحشرهم جمیعاً ثم یقول للملائکة أهؤلاء ایاکم کانوا یعبدون . - ۴۰ قالوا سبحانک أنت ولینا من دونهم بل کانوا یعبدون الجنّ اکثرهم بهم مؤمنون . - ۴۱ .

زُلْفی : قربت ، درجت ، منزلت .

ضعف : مثل الشیء با زیادی .

یسعون : دویدن ، اهتمام ، تمامی کردن .

معجزین : ادامه پیدا کردن در عجز .

یقدر : تنگ میگیرد ، مقابل بسط است .

جنّ : موجود پوشیده از نظر است .

می‌فرماید : و نباشد أموال و نه فرزندان شما آن چنانکه نزدیک کند شما را به نزد ما از جهت منزلت و مقام ، مگر کسیکه ایمان آورده و عمل صالح بجای آورد ، پس برای آنها باشد جزای مضاعف (دو برابر) در مقابل آنچه عمل کردند ، و آنها در غرفه‌ها در امن باشند . - ۳۷ و آنانکه کوشش میکنند در خصوص آیات ما در حالت عاجز کردن و مغلوب کردن آنها : آنها در عذاب معنوی حاضر خواهند شد . - ۳۸ بگوی که پروردگار من گشایش میدهد روزی را برای کسیکه میخواهد از بندگانش و تنگ میگیرد برای کسیکه میخواهد ، و آنچه شما انفاق کنید از چیزی پس خداوند آنرا عوض میدهد ، و او بهترین روزی دهندگانست . - ۳۹ و روزیکه جمع میکند همه آنها را ، و سپس خطاب میکند بآنها که آیا شما بودید که آنها از شما پرستش میکردند . - ۴۰ ملائکه گویند که پروردگارا منزّه هستی تو ، و تو ولیّ و متولیّ امور ما هستی ، بلکه آنها پرستش و عبادت میکردند از جنّ ، و اکثر مردم از آنها عبادت میکردند . - ۴۱ .

نتیجه :

تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا : مال و اولاد داشتن موجب ایجاد مسئولیت و مزید بر تکلیف است که باید رعایت حقوق را داشته ، و هم وظائف مربوط بآنها را بآنطوریکه لازم است انجام بدهد .

بل یعبدون الجنّ : چون طوائف جنّ از لحاظ وجود قویتر و مقتدرتر باشند : افراد محجوب در مقابل آنها خضوع و پرستش کرده ، و آنها را معبود قرار میدهند .

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَ نَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ . - ۴۲ و إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ آبَاءَكُمْ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ

مُفْتَرَىٰ و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ . - ۴۳ و مَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كِتَابٍ يَدْرُسُونَهَا و مَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ . - ۴۴ و كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ و مَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٍ . - ۴۵ قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي و فُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ . - ۴۶ .

صدّ : مانع شدن .

إِفْكَ : دروغ سازی ، و سخن را قلب کردن است .

افتراء : ساختن ، جدا کردنست .

سحر مُّبِين : خدعه ، چیزیکه با حيله عمل شود . و مُّبِين : آشکار .

يَدْرُسُونَ : ضبط و حفظ کردن .

مِعْشَار : جزئی است از ده و عشره ، ده یک .

نکیر : جاهل ، مخادع .

مِثْلِي : مقابل فرد ، منعطف با دیگری باشد .

می فرماید : پس امروز مالک نمیشود شخصی دیگری را سود و نه ضرری ، و میگوییم بأفراد ظالم که بچشید عذاب آتشر که بآن تکذیب و انکار می کردید . - ۴۲ و زمانیکه خوانده میشود بآنها آیات ما که روشن بود ، میگفتند : نباشد این جریان مگر بوسیله مردیکه میخواهد شما را مانع باشد از آنچه عبادت میکردند پدران شما ، و میگفتند که نباشد سخنان او مگر دروغ بافته شده ، و کافرین میگفتند که این سخنها نیست مگر سحر آشکار . - ۴۳ و نفرستاده ایم برای آنها کتابی که بخوانند آنرا و نیامده است پیش از تو از جانب ما رسولی که ترساننده باشد . - ۴۴ و تکذیب کردند آنهایکه پیش از آنها بودند ، و نرسیده اند بده یک آنچه

بأنها داده‌ایم ، پس تکذیب کردند رسولان ما را ، پس چگونه باشد انکار و خدعه آنها . - ۴۵ بگوی که من پند میدهم شما را که قیام کنید در مقابل خداوند بصورت تنهایی و یا با دیگری ، و سپس فکر کنید و متوجه باشید که نباشد برای مصاحب شما از جنون و ضعف عقل ، و نیست او مگر ترساننده‌ای در پیشروی عذاب شدید . - ۴۶ .

نتیجه :

السَّحَرُ : از باب مَنَعَ يَمْنَعُ ، بمعنی نشان دادن باطل بصورت حق ، و خدعه کردنست ، و همچنین است سِحْرٌ بِكسْرٍ أَوَّلٍ .

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ . - ۴۷ قُلْ إِنْ رَبِّي يَذْفُ بِالْحَقِّ عِلْمَ الْغُيُوبِ . - ۴۸ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ مَا يُبْدِي الْبَاطِلُ وَ مَا يُعِيدُ . - ۴۹ قُلْ إِنْ ظَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ . - ۵۰ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ . - ۵۱ وَ قَالُوا آمَنَّا بِهِ وَ أَنَّى لَهُمُ التَّنَاطُوشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ . - ۵۲ وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ . - ۵۳ وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ . - ۵۴ .

قَذْفٌ : انداختن ، نسبت دادن ، سخن بی تدبیر .

يُبْدِيٌّ : انشاء و ابتداء کردنست .

فَزَعُوا : خوف ، وحشت .

تَنَاوُشٌ : أخذ و تناول .

أشیاع : جمع شیعه ، بمعنی اتباع و انصار است .
مُریب : متحیر کننده ، سست کننده است .

می‌فرماید : آنچه درخواست کردیم از شما از اجر و مُزدی پس آن برای خود شما باشد ، و نیست اجر من مگر بعهده خداوند ، و او بر هر چیزی شاهد و محیط است . - ۴۷ بگوی که خدای من می‌اندازد و إلقاء میکند حق را بقلوب مردم ، و او عالم بغیبها باشد . - ۴۸ بگوی که حق آمد ، و اظهار نمیکند باطل را ، و آنرا عود نمیدهد . - ۴۹ بگوی که اگر من گمراه گردم ، پس برای خودم گمراه میشوم ، و اگر هدایت را دریابم پس بواسطه آنچه‌یست که خدای من فهمانیده است ، و بتحقیق او شنونده و محیط است . - ۵۰ و هرگاه به بینی آنزمانیکه خوف و وحشت پیدا کردند ، و البته چیزی در آنزمان فوت نمیشود ، و آنها گرفته میشوند از محلّ دور . - ۵۳ و حائل میشود در میان آنها و میان آنچه میخواهند ، بآنطوریکه حائل شد به پیروان آنها از پیش ، بتحقیق آنها در شکّ حیرت آوری بودند . - ۵۴ .

نتیجه :

فهو لکم : می‌فهماند که شما چقدر علاقه دارید برای درک حقّ .
و در این راه چه مقدار گذشت از خود نشان میدهید .

با تمام شدن سوره مبارکه سبأ ، دفتر اوّل از جلد پانزدهم از تفسیر روشن بآخر رسید .

و پس از این شروع می‌کنیم بدفتر دوّم از جلد پانزدهم ، و از خداوند متعال توفیق میخواهیم که ما را یاری بدهد .

خاتمه

سوره فاطر

سوره - ۳۵ عدد آیات ۴۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ
و ثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . - ۱ ما يَفْتَحِ
اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . - ۲ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ
اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ . - ۳ وَإِنْ يَكْذِبُوكَ
فَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ . - ۴ .

فاطر : شق و جدا کننده ، خارج کننده .

جاعل : قرار دهنده .

أجنحه : جمع جناح ، آنچه بوسیله آن پیران صورت میگیرد .

مثنی : دو تا دو تا باشد .

ثلاث : سه تا سه تا باشد .

إمساك : نگهداشتن ، مانع شدن .

تؤفكون : دروغ شمرده شدن ، و صرف شدن از رأی .

كذبت : تکذیب کرده شد .

می فرماید : ستایش برای خداوندیست که جدا سازنده آسمانها و زمین است ، و
قرار دهنده ملائکه است رسولان که صاحب بالهای دو تا دو تا و سه تا سه تا و چهار
تا چهار تا باشند ، که زیاد می کند در مقام خلقت آنچه را که بخواهد ، بتحقیق

خداوند بهر چیزی قادر است . - ۱ آنچه گشایش و فتح میدهد برای مردم و کسی نتواند از آن جلوگیری کند ، و آنچه جلوگیری میکند از رحمت کسی نتواند آنرا آزاد کند ، و او صاحب عزت و حکمت است . - ۲ ای مردم یاد کنید نعمتهای خداوند را برای شماها ، آیا کسی غیر از او هست که روزی بدهد شماها را از آسمان و زمین ، و معبودی نیست مگر او ، پس بکجا برمیگردید . - ۳ و اگر این مردم شما را تکذیب کنند ، پس تکذیب شده‌اند رسولانی پیش از تو ، و بسوی خداوند باشد جریان امور و برگشت کارها . - ۴ .

نتیجه :

جَنَاح : باختلاف عوالمی است که در آن محیط عمل و فعالیت میکنند ، و در روایت است که برای جبرئیل هزاران جناح است ، و عدد مثنی و ثلاث و رباع بحسب تعدد عوالم ، و نوع آنها است ، و برای هر عالم هزاران جناح باشد که باقتضای هر عالم و موردی مناسب آن مورد جناح خواهد بود ، و جناح در حقیقت بمعنی نیرو باشد که باختلاف موارد عمل میشود .

يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ
الْغُرُورُ . - ۵ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنَ
أَصْحَابِ السَّعِيرِ . - ۶ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ . - ۷ أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ
اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ
عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ . - ۸ .

غُرُور : فریب خوردن .

حِزْب : گروه مخصوص .
 سَعِير : آتش شعله ور ، مشتعل .
 حَسْرَات : جمع حَسْرَت بمعنی ندامت ، و تعب .
 غَرور : فریب دهنده ، صفت است .

می‌فرماید : ای مردم بتحقیق وعده خداوند حقّ است ، پس فریب ندهد شما را زندگی دنیا ، و فریب ندهد شما را فریب دهنده . - ۵ بتحقیق که شیطان دشمن شماها است ، پس أخذ کنید او را دشمن که بتحقیق دعوت میکند گروه خود را تا باشد از أصحاب آتش . - ۶ آنانکه کافر شدند برای آنها است عذاب شدید ، و آنانکه ایمان آوردند و أعمال صالح داشتند : برای آنها باشد آمرزش و مزد بزرگ . - ۷ آیا پس کسیکه زینت داده شد برای او اعمالش و دید آنها را پسندیده و نیکو ، پس بدرستی که خداوند گمراه میکند کسیرا که بخواهد و هدایت میکند کسیرا که بخواهد ، پس نرود نفس تو بر آنها حسرت برنده ، و خداوند دانا است بآنچه عمل میکنید . - ۸ .

نتیجه :

إِنَّ الشَّيْطَانَ : بمعنی دور از رحمت ، و روح شریر است که از رحمت خداوند دور باشد . و شیطان بمناسبت خلقت ذاتش با انسان که روح معتدل و ذات خوبی دارد ، دشمنی کرده ، و پیوسته میخواهد که او را از مقام اعتدال و طهارت منحرف بسازد . و گاهی اینمعنی در افراد انسان نیز تحقّق پیدا میکند ، و از این لحاظ شیاطین از جنّ و هم از انس پیدا میشوند .

و مخصوصاً شیاطین انس بیشتر در إضلال افراد انسانها مؤثّرند و لازم است که ماها پیوسته در مقام معاشرت مراقبت کرده و از رفاقت با افراد منحرف دوری

نمائیم .

و اللّٰهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسْقِنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ
 الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ . - ۹ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ
 يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ
 شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ . - ۱۰ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ
 جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا
 يُنْقَضُ مِنْ عُمرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ . - ۱۱ .

يَسِيرٌ : آسان و سهل است = يسير .

تُثِيرُ : هیجان ، ارتفاع .

نُّشُورُ : بسط کردن ، و متفرق شدن .

الْكَلِمُ : جمع کلمه ، قول ، لفظه ، حدیث .

يَمْكُرُونَ : خدعه ، حيله کردن .

يَبُورُ : کساد ، هلاکت .

لَا تَضَعُ : تولید ، وضع حمل است .

يُعَمَّرُ : عمر زیاد کردن ، و معمر : کسی است که عمر زیاد میکند .

می فرماید : خداوندیکه میفرستد بادهای را پس هیجان میدهد و بلند میکند ابر
 را ، و سوق میدهد آنرا به سرزمینی که مرده است ، پس زنده میکنیم بآن آنجا را
 پس از مردنش ، و اینچنین است نشر و زنده شدن اموات انسانها . - ۹ و کسیکه
 میخواهد عزت داشته باشد : پس برای خدا باشد عزت همگی ، و بسوی او بالا
 میرود کلمه پاک و خالص ، و عمل صالح آنرا بلند میکند ، و افرادی که عمل صالح

دارند : میتوانند آن کلمات را بلند کنند ، و آنهائیکه بوسیله اعمال سوء میخواهند پیشرفت کنند : برای آنها باشد عذاب شدید ، و مکر و حيله آنها موجب هلاکت آنها گردد . - ۱۰ و خداوند آفریده است شما را از خاک ، و پس از آن از نطفه ، و سپس قرار داده است شماها را جفتها ، و حمل نمیکند او از فرزندى دختر و وضع حمل نمیکند مگر با علم و آگاهی او ، و کسی عمر زیاد نمیکند و یا از مدت عمر او کم نمیشود مگر آنکه ثبت بشود در کتابی که دقیق است ، و این جریان در نزد خداوند سهل و آسانست . - ۱۱ .

نتیجه :

کذلک النشور : در مرحله نشر اموات انسانها نیز ، اول باد رحمت مخصوصی از جانب خداوند متعال وزیدن میگیرد ، و همه اجساد اموات بحرکت میآیند ، و سپس آب حیات و رحمت آن اجسام را درک کرده ، و در همین حالت هر کسی در نقطه وجود خود ، روح زنده شدن و حیات پیدا کرده ، و حیات برزخی و آخرتی پیدا میکنند ، البته با آن بدن موجود .

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شراؤه و هذا ملح أجاج و من کل تأکلون لحماً طریاً و تستخرجون حلیة تلبسونها و ترى الفلک فیہ مواخر لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون . - ۱۲ یولج اللیل فی النهار و یولج النهار فی اللیل و سحر الشمس و القمر کل یجرى لأجل مسمى ذلکم الله ربکم له الملک و الذین تدعون من دونه ما یملکون من قظیمیر . - ۱۳ إن تدعوهم لا یسمعوا دعائکم و لو سمعوا ما استجابوا لکم و یوم القیامة یکفرون بشرکم و لا ینبئک مثل خبیر . - ۱۴ یا ایها الناس أنتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید . - ۱۵ .

عَذْبُ : شیرین ، طیب ، پاکیزه .
 فُرَاتُ : نهر بزرگ شیرین .
 سَائِعُ : گوارا ، سهل .
 أُجَاجُ : شور ، ملتهب .
 طَرِيٌّ : تازه ، نرم .
 مَوَاحِرُ : جمع ماخر ، کشتی که آب را شقّ کند .
 قَطْمِيرُ : پوست نازکی که در میان هسته و خرما باشد .
 مِلْحُ : ضدّ عَذْبُ ، بمعنی شور است .
 لَا يَنْبِيءُ : از تَنْبِأهُ بمعنی خبر دادن از محلی دیگر است .

می‌فرماید: برابر نمیشود دو دریای پهلوی هم، که این شیرین گوارا است آبش و دیگری شور و تلخ است، و شما از هر کدام می‌گیرید گوشت تازه خوش طعم، و بدست می‌آورید زینتی که می‌پوشید آنرا، و می‌بینید کشتی‌ها را که جریان پیدا میکند در آب، تا بدست آورید منافی را از فضل خداوند، و شاید که شماها سپاسگزار باشید. - ۱۲ وارد میکند شب را در محیط روز، و روز را در محیط شب، و مسخر کرده است آفتاب و ماه را که هر کدام جریان پیدا میکند در مسیر معین، و برای مدت معین شده، این خدای شما است، و برای او است ملک آسمان و زمین، و آنهاييکه میخوانید آنانرا از غیر خداوند مالک نمیشوند باندازه پرده داخلی خرما را. - ۱۳ هرگاه که آنها را بخوانی نمیشوند دعوت را، و اگر بشنوند نمیتوانند جواب بدهند، و روز قیامت انکار میکنند به مشرک بودن شما، و نمیتوانند تو را خبر بدهد چون کسیکه این خبر دهنده است. - ۱۴ ای مردم شماها نیازمند بخداوند هستید، و خداوند بی‌نیاز و پسندیده است. - ۱۵.

نتیجه :

و الَّذِينَ تَدْعُونَ : یعنی در مقابل پروردگار متعال آنها را توجّه داشته و آنها را بعنوان الوهیت خوانده ، و تواضع و عبودیت و پرستش می‌کنید .
و تصوّر میکنید که آنها میتوانند امور دنیوی و معنوی شما را تأمین و اداره نمایند ، غفلتاً از اینکه آنها اختیار کوچکترین موجودی را ندارند .

إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ . - ۱۶ و مَا ذَكَرَ عَلَى اللَّهِ
بِعَزِيزٍ . - ۱۷ و لَا تَزُرُ وَاذْرَةَ وَزَرَ أُخْرَى و إِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلُ
مِنْهُ شَيْءٌ و لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ، إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ و أَقَامُوا
الصَّلَاةَ و مَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ و إِلَىٰ اللَّهِ الْمَصِيرُ . - ۱۸ و مَا يَسْتَوِي
الْأَعْمَىٰ و الْبَصِيرُ . - ۱۹ و لَا الظُّلُمَاتُ و لَا النُّورُ . - ۲۰ و لَا الظُّلُّ و لَا الْحَرُورُ . -
۲۱ و مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ و لَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ و مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ
مَّن فِي الْقُبُورِ . - ۲۲ إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ . - ۲۳ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا و نَذِيرًا و
إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ . - ۲۴ .

عَزِيزٌ : شریف ، قوی ، صعب .

وَزَرَ : حمل چیز سنگین ، چیز سنگین ، اثم .

تَزَكَّىٰ : نمو و ازدیاد ، و طیب بودن .

حَرُورٌ : باد گرم ، هوای گرم .

قُبُورٌ : جمع قبر که بمعنی محلّ پوشیدن و دفن است .

أُمَّةٌ : طریقه ، جماعت جنّ و انس .

خَلَا : مَضَىٰ ، ترک .

مُسْمِعٌ : شنونده .

می فرماید: اگر بخواهیم شما را میبیریم، و خلق دیگری میآوریم. - ۱۶ و این کار برای خداوند آسانست. - ۱۷ و حمل نمیکند حمل کننده‌ای حمل سنگین دیگر را، و اگر دعوت کند شخص باردار سنگین، برای حمل آن بار، برداشته نمیشود از او اگرچه بمقدار کمی باشد، و یا طرف از اقارب انسان باشد، اینست که شما انذار میکنی افرادی را که بغیب و بدون شهود، خداوند را ایمان داشته و در مقابل عظمت او خشیت دارند، و برپا میدارند نماز را، و کسیکه خود را پاکیزه کرده و نمو داد: پس برای خود عمل کرده است، و بسوی او است برگشت. - ۱۸ و برابر نمیشود شخص نابینا با شخص بینا. - ۱۹ و یا تاریکی با نور. - ۲۰ و نه سایه با محیط گرم و مقابل آفتاب. - ۲۱ و برابر نمیشود افراد زنده با مردگان، و خداوند می‌شنوید هر کسی را که بخواهد، و نیستی تو که بشنوانی افرادی را که در محیط‌های قبورند. - ۲۲ و نباشی تو مگر ترساننده. - ۲۳ و بتحقیق ما فرستادیم تو را بعنوان بشارت دهنده و ترساننده، و هرگز امتی نبوده است که برای آنها ترساننده‌ای نیامده باشد. - ۲۴.

نتیجه:

قبور: اعم است از قبور اجساد که بدن‌ها را می‌پوشاند، و قبور ارواح که افکار انسانرا پوشانیده و محدود می‌سازد، و کسیکه افکارش محدود شده، و آزاد فکر نمیکند: هرگز قابل هدایت نباشد.

و بعث رسل از لوازم خلقت است، زیرا خلق بدون هدایت بی‌نتیجه باشد، و بلکه لغو و بی‌فائده خواهد بود.

و انْ يُكذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ و بِالزُّبُرِ و بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ. - ۲۵ ثمَّ اخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ. - ۲۶ ألم تر ان

اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ
 بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٍ . - ۲۷ و مِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَ
 الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
 غَفُورٌ . - ۲۸ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
 سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ . - ۲۹ .

بیّنات : جمع بیّن و بیّنه بمعنی دلیل و حجّة است .
 زُبُرُ : جمع زبور بمعنی کتاب و مکتوب است .
 نَکیر : جاهل ، مخادع ، شدید .
 جُدَدٌ : جمع جُدّه بمعنی علامت ، طریقه است .
 غَرَابِيبُ : جمع غراب که بمعنی کلاغ است .
 تَبُورُ : از بُور بمعنی هلاک و فساد است .

می‌فرماید : و اگر تکذیب کنند تو را ، بتحقیق تکذیب کرده‌اند آنها بیکه از پیش
 بودند که آوردند رسولان آنها دلیلها و کتابهای آسمانی و کتاب روشن کننده . - ۲۵
 سپس گرفتیم افرادی را که کافر شدند ، پس چگونه شد مخالفت و حيله آنها . - ۲۶
 آیا ندیدی که خداوند نازل کرد از آسمان آبیرا ، پس بیرون آوردیم بآن میوه‌هایی را
 باختلاف رنگ و شکل ، و از کوهها راههایی که سفید و سرخ باشد ، و کلاغهای سیاه
 رنگ . - ۲۷ و از مردم و از چهارپایان و از حیوانات جنبنده که مختلف باشد رنگهای
 آنها اینچنین ، اینست که بیم دارند از خداوند افرادی که عالمند ، بتحقیق خدا عزیز
 و بخشنده است . - ۲۸ بتحقیق آنها بیکه تلاوت میکنند کتاب خدا را ، و برپا
 میدارند نماز را ، و انفاق میکنند از آنچه بآنها داده‌ایم در پنهانی و آشکار ، و امید
 دارند تجارتی را که پایدار و ثابت است . - ۲۹ .

نتیجه :

جُدَد : جمع جُدّه و بمعنی طریقه و برنامه است ، و اینمعنی در برنامه‌های انواع حیوانات أنعام و طیور که برنگهای مختلف زائیده میشوند ، بخوبی صدق میکند .
و مخصوصاً پرندگان که در کوهها بانواع مختلف سکنی پیدا میکنند ، صادق باشد .

لِيُؤْفِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ . - ۳۰ و الَّذِي
أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ
بَصِيرٌ . - ۳۱ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ
مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنُ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ . - ۳۲
جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا
حَرِيرٌ . - ۳۳ وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ
شَكُورٌ . - ۳۴ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا
فِيهَا نُغُوبٌ . - ۳۵ .

تَوْفِيهِ : تمام کردن وعده ، محافظت عهد است .

مُصَدِّقٌ : حکم کننده بیک جریان .

أَوْرَثْنَا : چیزها برای دیگری قرار دادن .

مُقْتَصِدٌ : معتدل ، توسط بین افراط و تفریط .

عَدْنٌ : اقامت ، توطّن .

يُحَلَّوْنَ : تزین ، تلبّس بقصد زینت .

أَسَاوِرٌ : جمع أسوار ، زینتی که برای بازو میکنند .

نَصَبٌ : زحمت ، و مرض ، درد .

لُغوب : تعب ، ضعف ، حُمق .

می‌فرماید : تا انجام بدهد مزدهای آنها را و از فضل خود زیاد کند آنها را و بتحقیق خداوند آمرزنده و سپاسگزار است . - ۳۰ و آنچه وحی کردیم تو را از کتاب ، آن حقّ است ، و تصدیق کننده باشد آنچه را که در مقابل او است ، بتحقیق خداوند هر آینه آگاه و بینا است . - ۳۱ و سپس باقی گذاشتیم کتاب را برای آنها یکه برگزیدیم از میان بندگانم ، پس از آنها برخی هستند که بخودشان ظلم کرده‌اند ، و از آنها برخی میانه رو باشند ، و از آنها بعضی پیشی میگیرند بامور خیریه ، باذن و توجّه خداوند متعال ، و اینمعنی فضل بزرگی است از جانب خداوند متعال . - ۳۲ این فضل اِلهی بهشتهای همیشگی است که وارد میشوند بآن ، و زینت میشوند در آنجا با بازوبندهائی از طلا و با لؤلؤ ، و لباس آنها از حریر خواهد بود . - ۳۳ و گویند که ستایش خداوند را که از ما غصّه و اندوه را برده است ، و بتحقیق خدای ما هر آینه بخشنده و سپاسگزار باشد . - ۳۴ خداوند یکه جای داده است ما را در منزل اقامت ، از فضل و احسان خود که مسّ نمیکند در آنجا ما را زحمت و نمیرسد ما را ناراحتی . - ۳۵ .

نتیجه :

آری در زندگی دنیوی در اثر تراحم و برخوردهای مخالف ، ناراحتی و غصّه و رنج و اندوه حاصل میشود ، و در صورت فوت منافع اندوه و غصّه پیدا گردد ، و چون از دیگران ظلم و آزاری برسد : قهراً متأثر شود ، و این امور در زندگی مادّی محدود پیش آمد میکند ، و در آخرت این امور پیش آمد نخواهد کرد .

و الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَموتُوا وَلَا يُخَفَّفَ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ . - ۳۶ و هم یصطرخون فیها ربنا اخرجنا نعمل صالحاً غیر الذی کنا نعمل ، او لم نُعمِّرکم ما یتذکر فیہ من تذکر و جاءکم النذیر فذوقوا فما للظالمین من نصیر . - ۳۷ ان اللہ عالم غیب السموات و الارض انه علیم بذات الصدور . - ۳۸ هو الذی جعلکم خلایف فی الارض فمن کفر فعلیه کفره و لا یزید الکافرین کفرهم عند ربهم الا مقْتاً و لا یزید الکافرین کفرهم الا خساراً . - ۳۹ قل اراءیتم شرکاءکم الذین تدعون من دون اللہ ارونی ماذا خلَقوا من الارض ام لهم شرک فی السموات ام آتیناهم کتاباً فهم علی بینه منه بل ان یعد الظالمون بعضهم بعضاً الا غروراً . - ۴۰ .

یُقْضَىٰ عَلَیْهِمْ : اتمام ، و حکم کردن بر آنها .

کَفَرٍ : منکر نعمتهای الهی است .

یَصْطَرَّخُونَ : صدا زدن ، صیحه ، استغاثه .

نُعمِّرُ : زندگی طولانی ، عمر بلند .

خَلَائِفَ : جمع خلیفه ، کسی که در مقام دیگری باشد .

مَقْتٌ : بغض شدید است .

غُرُورٌ : خدعه کردن ، بغفلت بردن .

می فرماید : و آنانکه کافر شدند ، حکم نمیشود درباره آنها که زندگی آنها پایان برسد ، و تخفیف نمیشود از عذاب آنها ، و اینچنین جزاء میدهیم هر کفران کننده را . - ۳۶ و آنها صیحه میزنند در آنجا که پروردگارا ما را از اینجا بیرون کن که اعمال صالح و نیکو بجای آوریم ، غیر از آنچه در گذشته عمل میکردیم ! آیا آنها را طول عمر ندادیم که در آن مدت توجه و تنبه پیدا کند هر کسیکه متنبه میشود ، و هم

نیامد شما را بیم کننده‌ای ، پس بچشید عذاب را ، و نباشد برای ستمکاران از یاری کننده‌ای . - ۳۷ بتحقیق که خداوند عالم است بغیب آسمانها و زمین ، و او محیط است به آنچه در سینه‌ها است . - ۳۸ و او کسی است که قرار داده است شماها را خلیفه‌ها در روی زمین ، پس کسیکه کفر بورزد : بر او است کفر او و زیاد نمیکند برای کافرین کفرشان مگر بغض و دشمنی شدید ، و نمی‌افزاید برای آنها کفرشان مگر خسارت و ضرر . - ۳۹ آیا دیدید شرکای شما را که میخواندند آنها را بجز خداوند ، نشان بدهید که چه آفریده‌اند از زمین ، و یا برای آنها شرکت بوده است در آفرینش آسمانها ؟ و یا برای آنها کتابی داده‌ایم ! که برنامه آنها روی حساب و دلیل است بلکه وعده نمیدهد ستمکاران بهمدیگر مگر فریب را . - ۴۰ .

نتیجه :

لهم نار جهنم : آتش سوزنده‌ای نباشد که تندتر باشد از محبوب بودن و دور بودن از لطف و رحمت و مهربانی او ، و اینمعنی در حق کسی محقق گردد که با برنامه‌های الهی مخالفت کرده ، و برخلاف راه حق سلوک کند .
و از این لحاظ فرمود : و لا یزیدُ الکافرین کفرهم الا مقتاً و خساراً .

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا . - ۴۱ و أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لِيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنَ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَازَادَهُمْ إِلَّا نَفُورًا . - ۴۲
إِسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا . - ۴۳
أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ

إِنَّه كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا . - ۴۴ و لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا . - ۴۵ .

إِمْسَاك : مانع شدن ، نگهداری کردن .

نَفُور : دور شدن ، رمیدن .

إِحْدَى الْأُمَم : کدامیک از امتها .

جَهْدُ أَيْمَان : کوشش سوگندها .

مَكْرٌ سَيِّئٌ : حيله بد است .

يَحِيقُ : برخورد کردن ، تماس .

سُنَّتٌ : طریقه ، روش .

أَجَلٌ مُّسَمًّى : وقت معین شده .

دَابَّةٌ : هر حیوان جنبنده است .

می فرماید : خداوند نگهداری میکند آسمانها و زمین را که زائل نشوند ، و اگر زائل شوند : کسی نتواند آنها را نگهداری کند از پس از آن ، و بتحقیق او صاحب حلم و ملایمت و بخشنده باشد . - ۴۱ و سوگند یاد میکنند بخداوند بسوگند محکم که اگر از جانب خداوند رسول ترساننده‌ای آید : هر آینه خواهند بود مهتدی تر از امتهای دیگر ، و چون آمد آنها را رسول ترساننده‌ای ، اثر نمیکند در وجود آنها مگر إِعْرَاضٌ و دور شدن را . - ۴۲ بخاطر بزرگ‌طلبی در محیط مادی و بعنوان حيله ناپسند و زشت ، و برخورد نمیکند حيله بد مگر بأهل آن ، پس آیا متوجه میشوند بروشی که در گذشتگان بوده است ، و نمی‌یابی در سنت إلهی عوض شدن ، و نمی‌یابی در آن تحوّل و برگردانیدنرا . - ۴۳ آیا سیر نمیکند در روی

زمین ، پس به بینند که چگونه بود عاقبت آنها بیکه پیش از آنها بودند ، و بودند قویتر و تواناتر از اینها ، و نباشد خداوند که عاجز کند او را چیزی از آسمان و زمین ، و او هست عالم و توانا . - ۴۴ و هرگاه بگیرد خداوند مردم را در اثر آنچه عمل کرده اند : باقی نمی ماند در روی زمین کسی ، ولیکن تأخیر میکند تا وقتیکه معین است ، و چون آنوقت فرا رسید : خداوند بصیر و بینا است به بندگان خود . - ۴۵ .

نتیجه :

بصیر و بینا است : اکثر موارد ظلم و تجاوز بدیگران از لحاظ جهالت و غفلت بحقوق دیگران است ، و اگر انسان علم و معرفت به حقوق لازم دیگران (و مخصوصاً به مؤمنین) داشته باشد ، هرگز در اینجهت مسامحه و بی‌مبالاتی نخواهد کرد .

سوره یس

سوره - ۳۶ عدد آیات ۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یس . - ۱ و القرآن الحکیم . - ۲ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ . - ۳ عَلَي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . - ۴ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ . - ۵ لِنُنذِرَ قَوْمًا مَا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ . - ۶ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ . - ۷ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ . - ۸ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ . - ۹ وَسَاءَ عَلَيْهِمْ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ . - ۱۰ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فُبَشِّرُهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ . - ۱۱ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ . - ۱۲ .

یس :

أعناق : جمع عنق که بمعنی گردنست .

أغلال : جمع غلّ که بمعنی زنجیر است .

أذقان : جمع ذقن : که چانه است .

مقْمَحُونَ : بلند کردن سر و بستن چشم است .

سَدٌّ : حاجز در میان دو چیز ، بستن مقابل فتح .

می فرماید : قسم بقرآن حکیم . - ۲ که بتحقیق تو از رسولان ما هستی . - ۳ بر صراط و راه مستقیم . - ۴ نازل کردن خداوند با عزّت و حکمت است . - ۵ تا بترسانی از عقوبت آخرت بآن طوریکه پدران آنها ترسانیده شده اند ، پس آنها در

غفلت بسر می‌برند . - ۶ و هر آینه بتحقیق ثابت شده است حکم ما که اکثر آنها ایمان نمی‌آورند . - ۷ و بتحقیق ما قرار دادیم در گردنهای آنها زنجیرها و آن زنجیرها تا چانه‌های آنها باشد ، پس سر و گردنهای آنها بلند و صاف باشد . - ۸ و قرار داده‌ایم در پیشروی آنها سدّ حاجزی ، و از پشت آنها سدّی ، پس می‌پوشانیم آنها را از هر طرف و آنها چیزی نخواهند دید . - ۹ و برابر است برای آنها که بترسانی و یا نترسانی ، آنها ایمان نخواهد آورد . - ۱۰ اینست که می‌ترسانی کسی را که پیروی کرد است از ذکرِ الهی و خشیت دارد در مقابل پروردگار متعال بغیب ، پس بشارت بده به آمرزش و اجر با کرامت . - ۱۱ بتحقیق ما زنده می‌سازیم ، و ضبط میکنیم آنچه را که عمل کرده‌اند و آثاریرا که از آنها باقی مانده است ، و هر چیز را ثبت کرده‌ایم در وجود پیشوای روشن کننده . - ۱۲ .

نتیجه :

کلمه - یس - ون : در قرآن مجید : برسول اکرم (ص) اطلاق شده است ، و در روایات شریفه وارد شده است که این دو کلمه شریفه از اسماء رسول خدا است .
البته خصوصیتی برای این دو کلمه در کتب تفاسیر ذکر شده است .
و أنت الكتاب المبین الذی بأخرفه یظهر المضمّر .

و اضرب لهم مثلاً أصحاب القرية إذ جاءها المرسلون . - ۱۳ إذ أرسلنا إليهم اثنين فكذبوهما فعززنا بثالث فقالوا إنا إليكم مرسلون . - ۱۴ قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا و ما أنزل الرحمن من شيء إن أنتم إلا تكذبون . - ۱۵ قالوا ربنا يعلم إنا إليكم لمرسلون . - ۱۶ و ما علينا إلا البلاغ المبین . - ۱۷ قالوا إنا تطيرنا بكم لئن لم تنتهوا لنرجمنكم و ليمسنكم منا عذاب أليم . - ۱۸ قالوا طائرکم معکم إن ذکرتم بل أنتم قوم مسرفون . - ۱۹ و جاء من أقصا المدينة رجل

يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ . - ۲۰ .

إِضْرِبْ : بیان کردن ، نصب کردن .

مَثَلًا : تصویر ، تشبیه ، بیان .

قریه : محلیکه مردم یا دیگری اجتماع کنند .

تعزیز : تعظیم ، تکریم ، تقویت .

تَطْيِيرٌ : تشأم .

طائر : منتشر ، طولانی ، مُسْرِع .

می فرماید : و بزنی و بیان کن برای آنها مثلی که شبیه باشد بأصحاب قریه ایکه رسولان ما آمدند ، زمانیکه فرستادیم برای آنان دو فرد رسول ، پس گفتند ما فرستاده شده ایم برای هدایت شما ، پس تکذیب کردند آندو رسول را ، پس تقویت کردیم آنها را با رسول سوّم ، و گفتند که ما برای هدایت شما مبعوث شده ایم ! مردم گفتند که شما هم بشری هستید بمانند ما ، و این ادّعی شما دروغ باشند . - ۱۵ رسولان گفتند که پروردگار ما میداند که ما برای رسالت مبعوث شده ایم . - ۱۶ و ما بجز ابلاغ رسالت وظیفه دیگری نداریم . - ۱۷ مردم گفتند که ما شما و اظهارات شما را بشومی میگیریم ، و اگر از برنامه خودتان منصرف نگردید : هر آینه شما را سنگباران کرده ، و از طرف ما بعداب سختی برخوردار میکنید . - ۱۸ فرستادگان گفتند : گفتار شوم شما بخود شما برمیگردد ، و شما قومی هستید که از حدود وظیفه بیرون رفته اید ، اگر توجّه پیدا کنید ، بلکه قوم مسرفی باشید . - ۱۹ و آمد از آخر شهر مردی که شتاب میکرد و گفت : ای قوم من پیروی کنید از رسولان خداوندی . - ۲۰ .

نتیجه :

ما أنتم الّا بشر مثلنا : زمانیکه توجّه آنها فقط بجهت ظاهری مادی باشد : فرقی در میان خود و رسولان ندیده ، و آنها را نیز مانند خود یک موجود مادی تصوّر میکند ، و قهراً رسالت آنها را از عالم روحانی و غیب انکار میکند .

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ . - ۲۱ و مَالِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي
و إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . - ۲۲ ء اتَّخَذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرَدِّنِ الرَّحْمَنُ بَضْرًا لَا تُغْنِي عَنِّي
شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَ لَا يُنْقِدُونَ . - ۲۳ إِنِّي إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ مُّبِينٍ . - ۲۴ إِنِّي آمَنْتُ
بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونَ . - ۲۵ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ . - ۲۶ بما
غَفَرْتُ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ . - ۲۷ و ما أَنْزَلْنَا عَلَي قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ
جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا كُنَّا مُنْزِلِينَ . - ۲۸ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ
خَامِدُونَ . - ۲۹ .

فَطَّر : شقّ ، إخراج ، طلوع .

إِنْقَاذ : نجات دادن ، خلاص کردنست .

جُنْد : لشکر ، عسکر .

خَامِدُونَ : ساکن شدن شعله آتش است ، و سکون فوران .

می فرماید : پیروی کنید از کسیکه نمیخواهد از شما مزدی ، و آنها در هدایت هستند . - ۲۱ و چه شده است برای من که عبادت نمیکنم کسی را که آفریده است مرا ، و بسوی او برمیگردید . - ۲۲ آیا بگیرم بغیر از خداوند متعال خدایانی ، که اگر خداوند بخواهد ضرری برساند : هرگز فائده نمیدهد شفاعت و وساطت آنها چیزیرا ، و نمیتوانند مرا نجات بدهند از آن گرفتاری . - ۲۳ و بتحقیق من در آنصورت در

گمراهی آشکاری خواهیم بود . - ۲۴ بتحقیق من ایمان آوردم به پروردگار پس شما شاهد باشید . - ۲۵ گفته میشود که داخل شوید به بهشت ، و گوید که آی کاش که قوم من آگاه می شدند از جریان کار من . - ۲۶ و میدانستند آنچه را که آمرزیده است مرا خدایم ، و قرار داده است مرا از رسولان خود . - ۲۷ و نازل نکردیم برای آنها پس از آن لشکری از آسمان ، و نباشیم ما از نازل کنندگان . - ۲۸ و نبوده است مگر صیحه تنها و واحد که آنها بی حرکت و افتاده شدند . - ۲۹ .

نتیجه :

نمیخواهد از شما مزدی : اینمعنی یکی از براهین و شواهد محکمی است که برای انبیاء و روحانیین ، بودن آن لازم است ، و در صورتیکه این شرط وجود نداشته و شخص روحانی توقع استفاده مادی داشته باشد : مقام روحانی او از نظر دیگران ساقط شده و دعوت او هم مؤثر نخواهد شد . پس کسیکه میخواهد مقام روحانیت حقیقی را داشته باشد : لازمست این معنی را در خود ایجاد کند .

یا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ . - ۳۰ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ . - ۲۱ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ . - ۳۲ وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ . - ۳۳ وَ جَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَ فَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ . - ۳۴ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَ مَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ . - ۳۵ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ . - ۳۶ وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ . - ۳۷ .

حَسْرَة : تعب ، ندامت ، سقوط .

قرون : مدت زمان صد ساله است که پهلوی هم قرار میگیرند .
 أزواج : پهلوی همدیگر بودن دو چیز است .
 نسلخُ : نزع ، تجرید از قشر است .

می فرماید : ای حسرت و ندامت باد بر بندگان که نیامد برای آنها رسولی از جانب خداوند ، مگر آنکه بآن استهزاء نمودند . - ۳۰ آیا ندیدند که ما چقدر از زمانهای گذشته ، بهلاکت رسانیدیم پیش از زمان آنها که نتوانند آنها برگشتی داشته باشند . - ۳۱ و نباشند آنها مگر اینکه همگی در نزد ما حاضر خواهند شد . - ۳۲ و آیتی است برای آنها که زمین خشک مرده را زنده میکنیم و بیرون میآوریم از آن دانه‌هایی ، پس از آنها میخورید . - ۳۳ و قرار دادیم در آن زمین باغهایی از درختهای خرما و انگور ، و شکافتیم در آنزمین چشمه‌هایی از آب . - ۳۴ تا بخورید از میوه‌های آنزمین ، و از آنچه دستهای شما عمل کرده است آیا پس سپاسگزاری نمیکنید . - ۳۵ و منزّه است خداوندیکه آفریده است همه انواع أزواج را ، از آنچه می‌رویند زمین ، و از نفسهای شماها و از آنهایکه نمی‌دانید . - ۳۶ و آیه است برای شما زمان شب که می‌کنیم از آن لباس روز را ، پس در این زمان در تاریکی قرار میگیرید . - ۳۷ .

نتیجه :

به یستهزؤن : انبیاء بطور کلی با حالت روحانیت و نورانیت مقرون بوده ، و کسیکه چنین حالتی نداشته باشد : هرگز نمیتواند واسطه در میان خلق و خالق باشد ، و یا مردم را بسوی حقایق و معارف الهی دعوت نماید .
 أزواج : جفت بودن و جفتها است و اینمعنی منشأ زاد و توالد است ، و اینمعنی در وجود انسان و حیوانات برای ما محسوس است .

و گاهی در بعضی از نباتات شناخته میشود ، و تفصیل و خصوصیات آنها محتاج به علوم طبیعی و گیاهشناسی است .

و الشمسُ تجرى لمُستَقَرِّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ . - ۳۸ و الْقَمَرُ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ . - ۳۹ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ . - ۴۰ و آية لَهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ . - ۴۱ وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ . - ۴۲ وَ إِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَ لَا هُمْ يُنْقَدُونَ . - ۴۳ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ . - ۴۴ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ مَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ . - ۴۵ وَ مَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ . - ۴۶ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ . - ۴۷ .

مستقرّ: محلّ سکون ، ثبوت .

عرجون: عُصْن و شاخه خشک .

یسبحون: جریان ، سیر .

فلك: مدار النجوم ، استدارة .

مشحون: پر شده ، امتلاء .

صريح: نداء ، صیحه زدن .

ینقدون: نجات و خلاص کردن .

قدرنا: تعیین ، تعیین مقدار و اندازه .

می فرماید: و آفتاب جریان پیدا میکند برای رسیدن بمحلّ برقراری آن ، این

تعیین و تقدیر است از جانب خداوند عزیز و علیم . - ۳۸ و ماه را مقدر و معین کردیم برای او منزلهایی تا وقتی که برگردد مانند شاخه خشک قدیمی . - ۳۹ نه آفتاب را سزاوار است که برسد بماه ، و نه شبرا جایز است که سبقت بگیرد به روز و هر کدام از اینها در دایره معین خود جریان دارند . - ۴۰ و آیتی است برای شما که ما حمل میکنیم فرزندان شما را در کشتیهای پر شده . - ۴۱ و آفریدیم برای آنها از مثل کشتی آنچه را که سوار میشوند . - ۴۲ و اگر خواستیم آنها را غرق میکنیم که ندا و صیحه‌ای از آنها شنیده نشده ، و نجاتی برای آنها نخواهد بود . - ۴۳ مگر رحمتی از جانب ما و لذتی تا مدت معین شده . - ۴۴ و چون گفته شود بآنها که تقوی داشته باشید درباره آنچه در پیشروی شما است ، و آنچه در پشت سر شما است که شاید شما در مورد لطف و رحمت پروردگار قرار بگیرید . - ۴۵ و در نتیجه نمی‌آید آیتی از آیات خداوند متعال مگر اینکه آنها اعراض میکنند . - ۴۶ و زمانیکه گفته شود بآنها که انفاق کنید از آنچه خداوند بشما داده است ، گویند : آیا ما انفاق کنیم بأفرادیکه اگر خداوند لازم بود بآنها انفاق میکرد ، و نیستند آنها مگر در گمراهی آشکار . - ۴۷ .

نتیجه :

يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ : انفاق و إعطای پروردگار در هر عالمی ، قهراً لازمست که باقتضای آن عالم و بوسائل موجود و مناسب آن محیط صورت بگیرد ، و این معنی کمال قدرتست که بتواند ارزاق هر موجودی را بتناسب وجود او برساند .

و يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ . - ۴۸ ما يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ . - ۴۹ فلا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ . - ۵۰ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ . - ۵۱

قالوا يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون . - ۵۲
 ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون . - ۵۳ فاليوم لا تظلم
 نفس شيئا و لا تجزون الا ما كنتم تعملون . - ۵۴ ان اصحاب الجنة اليوم في
 شغل فاكهون . - ۵۵ هم و ازواجهم في ظلال على الارائك متكئون . - ۵۶ لهم
 فيها فاكهة و لهم ما يدعون . - ۵۷ سلام قولاً من رب رحيم . - ۵۸ .

يَخَصِّمون : أصل أن يختصون است .

أجدات : جمع جَدَث ، بمعنی قبر است .

يَنسِلون : سرعت کردنست .

مَرَقَد : محلّ خواب ، از رُقود بمعنی خوابیدن است .

لَدَينا : نزد ما ، متصل ، ملازم است .

فاكهون : تلذذ ، تمتع .

ظلال : جمع ظل که بمعنی سایه است .

أرائك : جمع أَرَك ، شجر خاردار است .

فاكهه : میوه است ، و جمع آن فواکه است .

يَدَّعون : تمتی کردن ، خواستن است .

و میگویند که : در چه وقتی باشد وعده او اگر باشید راستگویان . - ۴۸ و نظر
 نمیکنند مگر بیک صیحه ای که میگیرد آنها را در حالیکه آنها خصومت
 میکنند . - ۴۹ پس استطاعت پیدا نمیکنند که وصایای خود را اظهار کنند و نه
 اینکه برگردند بسوی خانواده‌های خودشان . - ۵۰ و دمیده شود در صورتها ، پس در
 اینهنگام آنها از قبرها بسوی پروردگارشان سرعت حرکت میکنند . - ۵۱ و گویند که
 ای وای بر ما که ما را چگونه و کی از قبرها بلند کرد ! البته خداوند ما را بلند کرد از

قبرها ، و راست گفته است رسولانِ الهی . - ۵۲ و نباشد مگر یک صیحه‌ای که همگی در پیشگاه ما حضور بهم‌رسانند . - ۵۳ پس در اینروز ظلم نمیشود بکسی و هر کسی مطابق اعمال خود جزاء داده میشود . - ۵۴ و بتحقیق أصحاب بهشت در آنروز در اشتغال و متنعم خواهند بود . - ۵۵ و همسرهای آنها در محیطهای معتدل و سایه و روی تختها تکیه میکنند . - ۵۶ و برای آنها میوه‌هایی آماده شده و آنچه میخواهند . - ۵۷ و سلامتی باد از طرف خداوند مهربان . - ۵۸ .

نتیجه :

خصومت میکنند : خصومت اثر قطعی حبّ نفس و خودخواهی است ، و تا انسان از خودخواهی نگذشته ، و در نور حقّ فانی نگشته است : این خصومت باقی و اختلاف ثابت خواهد بود - و من آیاته اختلاف ألوانکم و ألستکم .

و امتازوا الیومَ ایُّها المجرمون . - ۵۹ ألمّ أعهد إلیکم یا بنی آدمَ أن لا تعبُدوا الشَّیطانَ إنّه لکم عدوّ مبین . - ۶۰ و أن اعبُدونی هذا صراطٌ مُستقیم . - ۶۱ و لقد أضلّ منکم جبلاً کثیراً أفلمّ تَعقلونَ تعقلون . - ۶۲ هذه جهنّمُ الّتی کنتم تُوعدون . - ۶۳ اِضلّوها الیومَ بما کُنتم تکفرون . - ۶۴ الیومَ نَخِیمُ علی أفواهِهم و تکلّمنا ایدیههم و تشهدُ أرجلُهُم بما کانوا یکسبون . - ۶۵ و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراطَ فأنّی یُبصرون . - ۶۶ و لو نشاء لَمَسَخْنَاهُمْ علی مَکانتِهِم فما استَطاعوا مُضییاً و لا یرجعون . - ۶۷ و من نُعَمِّرُهُ نُنکِسُهُ فی الخلقِ أفلا یعقلون . - ۶۸ و ما علّمناه الشّعرَ و ما ینبغی له إن هو الا ذکرٌ و قرآنٌ مُبینٌ . - ۶۹ .

امتازوا : انفصال ، جدا شدن است .

- الجرمون : قطع ، ذنب ، اثم است .
 جِبِلٌّ : جماعت ، خلقت ، طبیعت است .
 اِصْلَوْهَا : دخول بآتش ، سوختن و سوزاندن .
 طَمَسَ : محو شدن ، دور شدن ، پوشانیدن .
 مَسَخَ : تبدیل صورت بصورت قبیحتر است .
 علی مَكَانَةَ : منزلت ، موضع .
 تنکیس : قرار دادن پایین ببالا .
 تعمیر : بناء کردن ، ساختن است .
 ختم : اتمام عمل است .

می فرماید : و جدا بگردید ای کسانی که مجرم و گنهکارند . - ۵۹ آیا با شما تعهد نکردیم که عبادت نکنید شیطانرا که او دشمن محکم و روشنی است برای شماها . - ۶۰ و مرا پرستش کنید که این صراط مستقیم حق است . - ۶۱ و هر آینه بتحقیق شیطان گمراه کرده است از شماها جماعت بسیاریرا آیا نیستید که متوجه باشید . - ۶۲ راه شیطان جهنمی است که شما تذکر داده میشوید . - ۶۳ وارد بشوید بآن در نتیجه آنچه کافر شدید . - ۶۴ در آنروز ختم میکنم بر دهنهای آنها ، و سخن گوید با ما دستهای آنها و شهادت میدهد پاهای آنها بآنچه عمل کرده اند . - ۶۵ و هرگاه بخواهیم هر آینه محو میکنیم بر چشمهای آنها ، پس سبقت میگیرند در صراط حق و کجا را خواهند دید . - ۶۶ و اگر بخواهیم هر آینه در همان جائیکه هستند آنها را مسخ میکنیم و صورشان عوض میشود ، و نتوانند پیش بروند و یا برگردند . - ۶۷ و کسیکه عمر بلند میدهیم او را از جهت قوای بدنی ضعیف میکنیم او را ، آیا نمی فهمند . - ۶۸ و ما او را شعر گرفتن را تعلیم نکرده ایم ، و برای مقام رسالت او نیز سزاوار نیست ، و نیست آن مگر یاد آورنده خداوند ، و قرآن روشنی

است . - ۶۹ .

نتیجه :

کلمه قرآن از ماده قراءت بمعنی خواندن ، و یا از مفهوم جمع کردنست ، که آیات نازل شده جمع آوری و ترتیب داده شده است .

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ . - ۷۰ أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ . - ۷۱ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ . - ۷۲ وَهُمْ فِيهَا مَنَّاعٌ وَمَشَارِبٌ أَفْلا يَشْكُرُونَ . - ۷۳ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ . - ۷۴ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحَضَّرُونَ . - ۷۵ فَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ . - ۷۶ أَوْلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُمْ خَصِيمٌ مُبِينٌ . - ۷۷ .

يَحِقُّ : ثبوت ، وجوب ، جدیر .

ذَلَّلْنَا : خوار و مطیع کردن است .

رَكُوبٌ : آنچه سوار میشوند .

جُنْدٌ : عسکر ، محلّ معین .

يُسِرُّونَ : از ماده اسرار بمعنی مخفی داشتن است .

خَصِيمٌ : المخاصم ، المنازع .

مُبِينٌ : آشکار ، ظاهر شونده ، جدا کننده .

می فرماید : تا بترساند آنکسی را که قلبش زنده است ، و سزاوار باشد گفتار بر افرادی که کافرند . - ۷۰ آیا ندیدند که بتحقیق ما آفریده ایم برای آنها ، از آنچه

میخواستیم و میتوانستیم چهارپایانی که آنان مالک آنها میشدند . - ۷۱ و آنها را تحت اختیار آنان قرار دادیم که از آنها در جهت سوار شدن و یا غذاء خوردن استفاده کنند . - ۷۲ و از آنها منافعى گرفته و از شیر آنها بخورند ، پس آیا سپاسگزار نمیشوید . - ۷۳ و گرفتند از غیر خداوند متعال خدایانی که شاید یاری کرده شوند . - ۷۴ قدرت ندارند که آنانرا یاری کنند ، و آنها لشگری باشند برای آنان که همیشه در فرمانبرداری حاضرند . - ۷۵ پس محزون نکند شما را گفتار آنها ، و ما میدانیم آنچه را که إخفاء میکنند و یا اظهار مینمایند . - ۷۶ آیا نمی بیند انسان که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم و او دشمن آشکاری شده است برای ما . - ۷۷ .

نتیجه :

مَنْ كَان حَيًّا : مراد حیات روحی است ، یعنی زنده دل بودن و توجه و علاقه داشتن بجهت معنوی و روحی ، تا بتواند از أَسْرار و معارف اَلْهَى بهره‌مند گردد .
 آری کسی میتواند از وجود اَنْبِیاء و اولیاء بهره‌مند گردد که : قلبش نورانی و متمایل بحقایق باشد ، و اَمَّا اَفْرَادِیْکَه چنین توجه و تمایلی ندارند : هرگز نتوانند استفاده روحانی داشته باشند .

چنانکه شخصی که گرسنه است : میتواند از غذای مطبوع استفاده برده ، و از تناول آن لَذَّت ببرد ، ولی اگر میلی بغذا نداشته و احساس گرسنگی نکند : ممکن است از دیدن و خوردن آن ناراحتی احساس کند .

و همینطوریکه انسان در ادامه زندگی بدنی جسمانی خود محتاج به تغذیه است : در ادامه زندگی و حیات روحی نیز احتیاج دارد به تغذیه روحانی و اگر کسی در یکی از این دو جهت خود را محتاج نه بیند : بطور مسلّم فاقد آن جهت خواهد بود ، و لازم است که خود را معالجه نماید .

و ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ . - ۷۸ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ . - ۷۹ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ . - ۸۰ أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ . - ۸۱ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . - ۸۲ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . - ۸۳ .

ضَرَبَ : بمعنی قول ، و بیان ، و تعیین ، و جعل است .

رَمِيمٌ : بالی ، پوسیده است .

الْأَخْضَرُ : سبز ، برنگ اوراق درختها .

توقَدُونَ : شعله ور ساختن .

مَلَكُوتٌ : عزّت و سلطنت و مُلک عظیم .

می‌فرماید : و زده است برای ما مثلی ، و آفرینش خود را فراموش کرده است ، و گفته است که کیست که استخوانهای پوسیده را زنده میکند . - ۷۸ بگو زنده میکند آنها را کسیکه در اولین مرتبه زنده کرده است ، و او بهر چیزی عالم است . - ۷۹ خداوندیکه قرار داده است برای شما از درخت سبز شده آتشی را پس شما از آن آتش گرم میشوید . - ۸۰ آیا نیست آنکسیکه آفریده است آسمانها و زمین را ، اینکه توانا باشد تا امثال آنها را خلق کند ! آری او خلق کننده و عالم است . - ۸۱ اینست که امر او چون اراده کند چیزی را گوید آنرا که باش و آن موجود میشود . - ۸۲ پس منزّه است خداوندیکه بدست او است مالکیت مطلق ، و بسوی او برگشت خواهید شد . - ۸۳ .

نتیجه :

کُن فیکون : إرادة چون قویّ باشد ، آنچه از مادّه و صورت مورد اراده باشد : در خارج مورد أمر قرار گرفته و واقع میشود ، و أوامر خداوند متعال در آغاز تکوین و ایجاد از این نوع باشد .

پس تنها مادّه در تکوین الّهی همان إرادة او است و بس .
تمام شد سوره مبارکه - یس - از جلد پانزدهم از تفسیر شریف - تفسیر روشن ،
و شروع میکنیم با توجّه و توفیق خداوند متعال بسوره - و الصّافات .

سوره و الصافات

سوره - ۳۷ عدد آیات ۱۸۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الصافات صفاً . - ۱ فالزاجرات زجراً . - ۲ فالتاليات ذكراً . - ۳ إن إلهكم
 لواحد . - ۴ رب السموات والأرض وما بينهما ورب المشارق . - ۵ إنا زينا
 السماء الدنيا بزينة الكواكب . - ۶ وحفظاً من كل شيطان مارد . - ۷ لا
 يسمعون إلى الملائكة الأعلیٰ و یقذفون من كل جانب . - ۸ دحوراً و لهم عذاب
 و اصیب . - ۹ إلا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب . - ۱۰ فاستفتهم أهدم
 أشد خلقاً أم من خلقنا إنا خلقناهم من طين لازب . - ۱۱ بل عجبنا و
 یسخرون . - ۱۲ و اذا ذكروا لا یذكرون . - ۱۳ و اذا رأوا آيةً یستسخرون . -
 ۱۴ و قالوا إن هذا إلا سحر مبين . - ۱۵ .

و الصافات : صف کشیدگان در مقابل عظمت پروردگار متعال .

زاجرات : منع کنندگان ، طرد و نهی از آنچه خلاف باشد .

تاليات : خواندن ، تبعیت .

مشارق : جمع مشرق ، طلوع ، إضاءة .

الكواكب : عطف بیان از زینت است ، نه مضاف الیه .

مارد : متجاوز ، عاصی است .

ملائک : جماعت ، مشاوره است .

دحوراً : طرد ، دفع ، تبعید است .

واصیب : دائم ، ثابت .

خطفه : حرکت بسرعت است .

ثاقب : نافذ ، حاذق .

می فرماید : سوگند به ملائکه و انسانهای صف کشیده در پیشگاه پروردگار متعال . - ۱ و سوگند به طرد کنندگان موانع و مخالفین از صراط حق . - ۲ و سپس به آنانکه خوانندگان اذکارِ الهی هستند . - ۳ بتحقیق که خدای شما هر آینه واحد است . - ۴ پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنها است ، و پروردگار طلوع و روشنی هر روشن شونده ایست . - ۵ و بتحقیق ما زینت دادیم آسمان پایین را بزینتی که ستارگانست . - ۶ و حفظ کردیم آسمانها را از شرّ هر شیطان متجاوز . - ۷ نمی شنوند از سخنان جماعت آسمان بالاتر ، و طرد میشوند از هر جانب . - ۸ و دفع می شوند و برای آنها باشد عذاب همیشگی . - ۹ مگر کسیکه بسرعت حرکت کرده و آنرا انجام بدهد پس پشت سر او آید آتشی نافذ . - ۱۰ پس پرس از آنها که آیا آنها از جهت خلقت بالاترند و یا آفرینش ما و ما آفریدیم آنها را از گل چسبیده . - ۱۱ بلکه تعجب کردی ، و مسخره میکنند . - ۱۲ و چون تذکر داده میشوند ، متذکر نمی شوند . - ۱۳ و چون آیتی که الهی است به بینند استهزاء کنند . - ۱۴ و گویند که نیست این مگر سحر آشکار . - ۱۵ .

نتیجه :

سحر آشکار : در سحر بیک مقدماتی تکیه می شود که از نظر بیننده پنهان است و در اغلب اوقات بصورت تردستی عمل میشود ، و طرف توجه ندارد .

أءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ . - ۱۶ أَوْ آبَاءُنَا الْأَوْلُونَ . - ۱۷
 قُلْ نَعْم وَّ أَنْتُمْ دَاخِرُونَ . - ۱۸ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ . - و
 قَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ . - ۲۰ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ

تُكذِّبُونَ . - ۲۱ أَحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا و أزواجهم و ما كانوا يَعْبُدُونَ . - ۲۲ مِنْ
 دُونَ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ . - ۲۳ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ . - ۲۴
 مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ . - ۲۵ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ . - ۲۶ و أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى
 بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ . - ۲۷ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ . - ۲۸ .

مِثْنَا : از مات یمیت ، مانند مات یموت مَوْتاً است .

عِظَام : استخوانها، جمع عَظْم است .

دَاخِر : کوچکی ، ذَلَّت ، حقارت .

زَجْرَةٌ : منع ، دفع است .

جَحِيم : آتش مشتعل است .

تَنَاصَّرُ : همدیگر را یاری کردن است .

اسْتِسْلَام : انقیاد ، قبول سلیم شدن است .

می‌فرماید : گفتند آیا چون مردیم و خاک و استخوان گشتیم ، آیا ما زنده
 خواهیم گشت . - ۱۶ و یا پدران گذشته ما زنده خواهند شد . - ۱۷ بگوی که آری که
 شما در ذَلَّت و حقارت خواهید بود . - ۱۸ اینست که این جریان دفاع و امتناع
 واحدی باشد ، و آنها در حالت انتظار و تسلیم باشند . - ۱۹ و گویند که ای وای باد بر
 ما که این ساعت روز جزاء است . - ۲۰ روز جدا کردنت که بودید آنرا تکذیب
 میکردید . - ۲۱ خطاب میشود به ملائکه که جمع کنید افرادی را که ظالم بودند و
 همسرهای آنها و آنچه را که عبادت میکردند . - ۲۲ از غیر خداوند ، و راهنمایی
 کنید آنها را به راه آتش شعله‌ور . - ۲۳ و متوقف کنید آنها را که مسئولیت
 دارند . - ۲۴ چه شده است آنها را که همدیگر را یاری نمیکنند . - ۲۵ بلکه آنها در
 این روز خواستار تسلیم شدن هستند . - ۲۶ و پیش آید بعضی از آنها که از بعضی

دیگر سؤال میکنند . - ۲۷ و گویند که شماها می‌آمدید بسوی ما از طرف راست . - ۲۸ .

نتیجه :

از طرف راست : منظور راهِ الهی و دینی است ، یعنی بصورتِ حَقِّ و با کلماتِ الهی ما را دعوت کرده ، و با ما تماس پیدا می‌کردید ، و ما هم فریب تظاهر و کلمات جالب شما را می‌خوردیم .

قالوا بل لم تكونوا مؤمنين . - ۲۹ و ما كان لنا عليكم من سلطان بل كنتم قوماً طاعين . - ۳۰ فحق علينا قول ربنا انا لذائقون . - ۳۱ فأغويناكم انا كنا غاوين . - ۳۲ فانهم يومئذ في العذاب مشركون . - ۳۳ انا كذلك نافع بالمجرمين . - ۳۴ انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون . - ۳۵ و يقولون ائنا لتاركوا آلهتنا لشاعر مجنون . - ۳۶ بل جاء بالحق و صدق المرسلين . - ۳۷ انكم لذائقوا العذاب الاليم . - ۳۸ و ما تجزون الا ما كنتم تعملون . - ۳۹ الا عباد الله المخلصين . - ۴۰ اولئك لهم رزق معلوم . - ۴۱ فواكه و هم مكرمون . - ۴۲ في جنات النعيم . - ۴۳ .

سُلطان : حجت ، قدرت .

طاعين : طغیان کنندگان ، از وظایف و حدود خارج شدگان .

غاوین : گمراه شوندگان .

مجرمین : خودشان را قطع کنندگان از مبدء .

الیم : دردناک ، سختی .

مخلصین : خالص شدگان .

فَوَاكِهِ : میوه‌ها جمع فَاكِهَةٌ .
 مُكْرَمُونَ : گرامی شدگان .
 نَعِيمٌ : خوشی و در نعمت بودن .
 يَسْتَكْبِرُونَ : طلب بزرگی کنندگان .
 أَغْوَيْنَاكُمْ : گمراه کردیم شما را .

می‌فرماید : بلکه نبودید از ایمان آورندگان . - ۲۹ و نبوده است ما را بر شما از نفوذ و تسلطی ، بلکه بودید شما جماعتی طغیان کننده . - ۳۰ پس سزاوار شد رأی پروردگار متعال که بتحقیق ما هر آینه چشنده عذاب باشیم . - ۳۱ پس گمراه کردیم شما را که بتحقیق ما گمراه بودیم . - ۳۲ پس آنها در عذاب و گرفتاری شریک خواهند بود . - ۳۳ و ما اینچنین جزاء میدهم به افرادی که منقطع شده‌اند از خداوند متعال . - ۳۴ بتحقیق آنها بودند زمانیکه گفته میشد : لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - معبودی نیست مگر او ، اظهار بزرگ‌طلبی و خودخواهی میکردند . - ۳۵ و گویند که : آیا ما ترک کنیم خدایان خود را بخاطر یک فردی که شاعر و تشخیص ندارد . - ۳۶ بلکه او حق را آورده و انبیای گذشته را تصدیق میکند . - ۳۷ بتحقیق شما چشنده عذابی سخت باشید . - ۳۸ و جزاء داده نمیشوید مگر در نتیجه اعمال گذشته . - ۳۹ و اما بندگان خالص شده . - ۴۰ پس برای آنها است روزی معین شده . - ۴۱ و میوه‌های مخصوص ، و گرامی میشوند . - ۴۲ در بهشت‌های نعمت . - ۴۳ .

نتیجه :

جاءَ بِالْحَقِّ : بزرگترین علامت برای مقام رسالت ، این دو امر است - إظهار حق و واقعیت ، و تصدیق اقوال و اعمال انبیاء که از جانبِ إلهی سخن میگویند .
 و البته تشخیص این دو امر محتاج باشد بخلوص نیت و روحانیت و صفای

باطن .

على سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ . - ۴۴ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ . - ۴۵ بَيِّضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ . - ۴۶ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ . - ۴۷ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَيْنٍ . - ۴۸ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ . - ۴۹ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ . - ۵۰ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ . - ۵۱ يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ . - ۵۲ أءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَءِنَّا لَمَدِينُونَ . - ۵۳ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ . - ۵۴ فَاطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ . - ۵۵ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ . - ۵۶ وَ لَوْ لَا نِعْمَةٌ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ . - ۵۷ أَفَمَا نَحْنُ بِمَعِيَتَيْنِ . - ۵۸ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ . - ۵۹ إِنْ هَذَا لَهِوَ الْفَوْزِ الْعَظِيمِ . - لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ . - ۶۱ .

سُرُرٍ : جمع سریر بمعنی تخت که بالای آن می‌نشینند .

مَعِينٍ : آب جاری ، جریان بسهولت .

بَيِّضَاءَ : نعمت ، احسان صلاح .

غَوْلٌ : هلاکت ، و فساد ، شر .

نَزَفٌ : خارج کردن ، بیرون آوردن .

الطَّرْفِ : چشم و اطراف چشم است .

عَيْنٍ : جمع عیناء که چشم بزرگ و باز و سیاه باشد .

بَيْضٌ : سفیدی ، نعمت .

مَكْنُونٌ : از ماده کُنَّ بمعنی ستر و تغطیه است .

مَدِينُونَ : مجزئی ، جزاء داده شدگان .

می‌فرماید: روی تختهایی در برابر همدیگر باشند. - ۴۴ طواف داده شده و دور زده میشوند با کاسه‌ای از آب جاری. - ۴۵ سفید و خوش و گوارا باشد برای نوشندگان. - ۴۶ و نباشد در آن شرّ و فساد و از آنجا بیرون برده نمیشوند. - ۴۷ و نزد آنها افرادی باشند که چشم ایشان از لحاظ دید محدود باشد، و هم چشم ایشان باز و گشاده و بزرگ و سیاه باشد. - ۴۸ گوئی که آنها سفید و نورانی و پوشیده باشند. - ۴۹ پس روبرو شود بعضی از آنها با بعضی دیگر که با هم مکالمه میکنند. - ۵۰ گوید یکی از آنهايي که بود با من رفیق. - ۵۱ و در پاسخ من که گفتم: آیا پس از مردن زنده نخواهیم شد. - ۵۲ گفتند که آیا زمانیکه ما مرده و خاک و استخوانهای پوسیده گشتیم، زنده شده و جزاء داده خواهیم شد. - ۵۳ آیا شما آگاهی دارید از حالات و جریان امور رفقای ما که در چه حالی هستند. - ۵۴ پس مطلع گشته، و آنها را در وسط آتش مشاهده نمود. - ۵۵ پس گفت: سوگند بخداوند که نزدیک بود که مرا بهلاکت و ضلالت برسانید. - ۵۶ و اگر نبود توجه و نعمت خداوند هر آینه بودم از حاضر شدگان در محیط عذاب. - ۵۷ آیا نیستیم ما از مردگان. - ۵۸ مگر مردن در مرتبه اول، و نباشیم ما از عذاب شدگان. - ۵۹ بتحقیق ما را این فوز و موفقیت عظیمی است. - ۶۰ بمانند این دیگران عمل کنند. - ۶۱.

نتیجه:

قاصرات الطرف: کنایه از طهارت و نجابت و حفظ نظر از منکرات و فحشاء و شهوات است.

أَذْلِكُ خَيْرٌ نَزْلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ . - ۶۲ إِنْآ جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ . - ۶۳
 إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ . - ۶۴ طَلَعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ . - ۶۵

فَانْهَمُ لَّا كَلُونَ مِنْهَا فَمَا لَتَوْنَ مِنْهَا الْبُطُونَ . - ۶۶ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ . - ۶۷ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ . - ۶۸ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ . - ۶۹ فَهَمَّ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ . - ۷۰ وَ لَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ . - ۷۱ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنذِرِينَ . - ۷۲ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذِرِينَ . - ۷۳ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ . - ۷۴ وَ لَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلْنِعْمَ الْمُجِيبُونَ . - ۷۵ وَ نَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ . - ۷۶ وَ جَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ . - ۷۷ .

نُزُل : محلّ نزول .

زَقُّوم : طعامیکه کشته شده باشد .

جَحِيم : آتشیکه تند و یا محلّ آتش مشتعل .

أَصْل : پائین ، ریشه ، مقابل فرع است .

طَلَع : آنچه از درخت و نباتات ظاهر شود از برگ و گل .

شَوْب : خلط ، اخلاط .

حَمِيم : قریب ، قوم و خویش ، و از خواصّ مرد است ، و چیز گرم .

يُهْرَعُونَ : بسرعت و اضطراب رفتن است .

كَرْب : حزن ، مشقت ، تقید .

إِلْفَاء : یافتن ، تلافی ، تدارک است .

می فرماید : آیا این محیط بهشتی بهتر است ، و یا بودن در محیط شجره زقوم که کشته شده است و آن بعمل آید در زمین اصل دوزخ که برگها و گل آن چون سرهای شیاطین باشد . - ۶۵ و دوزخیان از آن تغذی میکنند ، و شکم خودشانرا از آن پر میکنند . - ۶۶ و سپس بتحقیق برای آنها هر آینه چیزبست که آمیخته بآب داغ است . - ۶۷ و پس از آن برگشت آنها بسوی آتش شعله ور باشد . - ۶۸ و بتحقیق

آنها یافتند پدران خودشان را در گمراهی . - ۶۹ و اینها به پشت سر پدرانشان
 سرعت حرکت میکنند . - ۷۰ و بتحقیق گمراه شده است پیش از آنان بسیاری از
 مردم گذشته . - ۷۱ و هر آینه فرستادیم برای آنها رسولانی که ترساننده
 بودند . - ۷۲ پس توجه کن که چه شده است عاقبت زندگی ترسیده شدگان . - ۷۳
 مگر بندگان خالص شده ما . - ۷۴ و بتحقیق نداء کرد ما را در خصوص گرفتاریش
 حضرت نوح نبی ، پس چقدر خوب جواب داده شد او را . - ۷۵ و نجات دادیم او و
 اهلشرا از مشقت و غصه بزرگ . - ۷۶ و قرار دادیم خانواده او را باقیماندگان . - ۷۷ .

نتیجه :

رعوس الشیاطین : افکار مخالف و تخیلات و اوهام باطل در رعوس شیاطین
 جایگیر است ، و تغذی روحی دوزخیان از چنین تخیلات باطل صورت میگیرد ،
 پس شیطنت در هر دو جهان غذای دوزخیان است ، و لازم است فکر انسان همیشه
 در جهت صواب و صلاح و عدالت باشد .

و تَرَکْنَا عَلَیْهِ فِی الْآخِرِینَ . - ۷۸ سَلَامٌ عَلَی نُوْحٍ فِی الْعَالَمِینَ . - ۷۹ اِنَّا
 کَذَلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ . - ۸۰ اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِینَ . - ۸۱ ثُمَّ اَغْرَقْنَا
 الْآخِرِینَ . - ۸۲ و اِنَّ مِنْ شِیْعَتِهِ لِابْرَهِیْمَ . - ۸۳ اِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِیْمٍ . - ۸۴
 اِذْ قَالَ لِأَبِیْهِ وَ قَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ . - ۸۵ اَنْفِکَا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِیدُونَ . - ۸۶ فَمَا
 طُنُّکُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِینَ . - ۸۷ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِی النُّجُومِ . - ۸۸ فَقَالَ اِنِّی سَقِیْمٌ . - ۸۹
 فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِینَ . - ۹۰ فَرَاغَ اِلَی الْهِتَمِ فَقَالَ اَلَا تَاکُلُوْنَ . - ۹۱ مَا لَکُمْ لَا
 تَنْظِقُوْنَ . - ۹۲ فَرَاغَ عَلَیْهِمْ ضَرْبًا بِالْیَمِینِ . - ۹۳ فَاَقْبَلُوا اِلَیْهِ یَزْفُوْنَ . - ۹۴ قَالَ
 اَتَعْبُدُونَ مَا تَنْجِتُوْنَ . - ۹۵ وَ اللَّهُ خَلَقَکُمْ وَ مَا تَعْمَلُوْنَ . - ۹۶ قَالُوا اِبْنُوا لَه
 بُنِیَانًا فَاَلْقُوْهُ فِی الْجَحِیمِ . - ۹۷ .

- إفك : کذب ، قلب و انصراف است .
 تولی عنه : اعراض از آن است .
 إدبار : ضد اقبال ، پشت کردن ، انقضاء .
 روغ : حرکت مخصوص ، و با تدبیر و حيله .
 یمین : مقابل یسار ، جانب یا دست راست .
 یزقون : عروس را تحویل داماد دادن ، عروسی کردن ، و اسراع .
 تنجوتون : اصلاح ، نجاری ، تراشکاری .
 إلقاء : طرح ، ابلاغ .
 بُنیان : عکس هدم ، ساختن .
 شیعة : اتباع ، پیروان .

می فرماید : و باقی گذاشتیم برای او در میان آیندگان ذکر جمیل . - ۷۸ سلام باد بر نوح در میان جهانیان . - ۷۹ بتحقیق ما اینچنین جزاء میدهیم نیکوکارانرا . - ۸۰ بدرستیکه او از بندگان مؤمن ما بود . - ۸۱ سپس غرق کردیم دیگرانرا . - ۸۲ و از پیروان او حضرت ابراهیم بود . - ۸۳ که آمد بسوی پروردگار با قلب سالم . - ۸۴ زمانیکه گفت بپدر و قومش که چیست آن که پرستش میکنید . - ۸۵ آیا روی دروغ خدایانی را که غیر از خداوند باشند ، قصد می کنید . - ۸۶ پس چیست گمان شما به پروردگار جهانیان . - ۸۷ پس نگاه کرد در ستاره ها . - ۸۸ و گفت بتحقیق من بیمار باشم . - ۸۹ پس روی گردانیدند از او بحالت پشت کردن . - ۹۰ پس پیچید بسوی خدایان آنان ، پس گفت چه شده است شما را که حرف نمیزنید ، و چیزی نمیخورید . - ۹۱ - ۹۲ پس بسرعت رفت بسوی آنها ، و حرکت مخصوصی کرده و ناگهان دست تند بآنها زده ، و آن خدایانرا سرنگون کرد پس بسرعت پیش او آمدند . - ۹۳ - ۹۴ گفت آیا پرستش میکنید چیزیرا که

خود ساخته و درست کرده‌اید . - ۹۵ و خداوند آفریده است شما را و آنچه را که آنرا پرستش می‌کنید . - ۹۶ گفتند که بسازید برای او ساختمان مخصوص پس آتشی در آنجا مهیّا کرده پس او را در آن آتش بیندازید . - ۹۷ .

نتیجه :

من بیمار باشم : با این جمله خودشرا تبرّاه کرده و از شرّ آنها راحت گردیده ، و از سؤال و جواب قوم بعنوان مرض آسوده خاطر شد .

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَا لَهُمُ الْآسْفَلِينَ . - ۹۸ و قَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَّهْدِين . - ۹۹ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ . - ۱۰۰ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ . - ۱۰۱ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا آبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ . - ۱۰۲ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِين . - ۱۰۳ وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمَ . - ۱۰۴ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . - ۱۰۵ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِين . - ۱۰۶ وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ . - ۱۰۷ وَ تَرَكَنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ . - ۱۰۸ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ . - ۱۰۹ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . - ۱۱۰ إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ . - ۱۱۱ وَ بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ . - ۱۱۲ وَ بَارَكْنَا عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ إِسْحَاقَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِين . - ۱۱۳ .

کید : خدعه ، مکر است .

أسفلين : نقيض العلوّ و الأعلى .

جبین : پیشانی ، جبهه .

تلّ : صرع ، انداختن بصورت .

تَرَکْنَا عَلَیْهِ : إهمال ، إغفال ، آزاد کردن .
 مُبِین : روشن کننده ، جدا کننده است .
 حَلِیم : سکوت ، صبر ، عقل است .
 السَّعَى : عمل با کوشش ، دویدن است .

می فرماید : پس قصد کردند باو مکر و خدعه را ، و قرار دادیم آنها را در مرتبه پائین تر و نازلتر . - ۹۸ گفت بتحقیق من حرکت میکنم بسوی خداوند و او هدایت میکند مرا . - ۹۹ خداوندا قرار بده مرا از جمله صالحین . - ۱۰۰ پس بشارت دادیم او را بفرزندیکه حلیم و عاقل باشد . - ۱۰۱ و زمانیکه رسیدند بآخر کوشش و حرکت خودشان ، گفت ای فرزند من ! می بینم در خواب که تو را ذبح میکنم ! پس فکر کن تا چیست نظر تو ! گفت ای پدر من بجا آور آنچه را که تو مأمور شدی ! می یابی مرا از صابرین . - ۱۰۲ پس زمانیکه خودشانرا تسلیم کردند ، و صورت فرزند را روی خاک گذاشت . - ۱۰۳ خطاب آمد که ای ابراهیم . - ۱۰۴ بخواب خود عمل کردی ، و ما اینچنین نیکوکارانرا جزاء میدهیم ، و سلامتی باد بر تو . - ۱۰۵ و بتحقیق این ابتلای بزرگیست . - ۱۰۶ و فداء دادیم او را با ذبح کردن بزرگی . - ۱۰۷ و ترک کردیم برای او در میان آخرین . - ۱۰۸ سلام باد بر ابراهیم . - ۱۰۹ اینچنین جزاء میدهیم نیکوکارانرا . - ۱۱۰ و ابراهیم از بندگان مؤمن ما بود . - ۱۲۱ و مژده دادیم او را به إسحق فرزندش که از صالحین بود . - ۱۱۲ و ترک کردیم برای ابراهیم و فرزندش إسحق ، که از ذرّیه آندو مؤمن بودند ، و بعضی ظالم بودند آشکار . - ۱۱۳ .

نتیجه :

إسحق : فرزند ابراهیم خلیل از مادر ساره ، و پدر حضرت یعقوب نبی است .
 و برادرش اسمعیل از مادر هاجر مصریّه بود که پدر عرب مستعربه است .

و لَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ . - ۱۱۴ و نَجَّيْنَاهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ . - ۱۱۵ وَ نَصَرْنَا هُم فَكَانُوا هُم الْغَالِبِينَ . - ۱۱۶ وَ آتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ . - ۱۱۷ وَ هَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ . - ۱۱۸ وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ . - ۱۱۹ سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ . - ۱۲۰ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . - ۱۲۱ إِنَّهُمَا مِنَ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ . - ۱۲۲ وَ إِنَّ إِيَّاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ . - ۱۲۳ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ . - ۱۲۴ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَ تَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ . - ۱۲۵ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمِ الْأُولِينَ . - ۱۲۶ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ . - ۱۲۷ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ . - ۱۲۸ وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ . - ۱۲۹ .

مَنَّ : إِنْعَام ، إعطاء .

كَرْب : حَزَن ، مَشَقَّة ، أُنْدُوه .

مُسْتَبِينَ : رُوشَن شُونْدَه .

تَرَكْنَا عَلَيْهِمَا : إِهْمَال وَ إِغْفَال .

بَعْل : نَام بْتِي اسْت .

مُحْضَرُونَ : حَاضِر كَرْدَه شَدَّگَان .

إِيَّاس : يَكِي از انبِيَاء بَنِي اسْرَائِيل .

مُخْلِصِينَ : خَالِص كَرْدَه شَدَّگَان .

می فرماید : بتحقیق عطاء کردیم ما بر موسی و هارون . - ۱۱۴ و نجات دادیم آندو و قوم آنها را از غصه و اندوه بزرگ . - ۱۱۵ و یاری دادیم آنها را ، و بودند آنها غلبه کنندگان . - ۱۱۶ و آوردیم آنها را کتاب روشن کننده . - ۱۱۷ و هدایت کردیم آنها را بر راه حق راست . - ۱۱۸ و وا گذاشتیم برای آنها از ذکر مقامات در میان

آیندگان متأخر . - ۱۱۹ سلامتی باد بر موسی و هارون . - ۱۲۰ بتحقیق ما اینچنین جزاء میدهیم نیکوکارانرا . - ۱۲۱ و آنها حقاً از بندگان با ایمان ما بودند . - ۱۲۲ و بتحقیق که ایاس از رسولان ما بوده است . - ۱۲۳ زمانیکه گفت به قوم خود آیا تقوی نمیخواهید داشته باشید . - ۱۲۴ آیا دعوت میکنید صنمی را که بعل است و ترک میکنید بالاترین آفریننده را . - ۱۲۵ خداوندی را که آفریننده شما و آفریننده آباء و پدران شما است . - ۱۲۶ پس تکذیب کردند او را ، و آنها حاضر شدگان باشند در صحرای قیامت . - ۱۲۷ مگر بندگان خالص شده باشند . - ۱۲۸ و ترک کردیم برای او در میان آیندگان متأخرین . - ۱۲۹ .

نتیجه :

مخلصین : کسانی که قلوبشان از توجه بغیر خداوند ، و از مطلق شرک ، و از تمایل بهوی و هوس و امور مادی پاک شده است .

و سلامٌ علیٰ ایل یاسین . - ۱۳۰ انا کذلک نجزی المحسنین . - ۱۳۱ انه من عبادنا المؤمنین . - ۱۳۲ و ان لوطاً لمن المرسلین . - ۱۳۳ اذ نجیناه و اهله اجمعین . - ۱۳۴ اِلَّا عَجُوزاً فی الغابِریں . - ۱۳۵ ثم دمرنا الآخرین . - ۱۳۶ و انکم لتمرؤن علیهم مُصبحین . - ۱۳۷ و باللیل افلا تعقلون . - ۱۳۸ و ان یونس لمن المرسلین . - ۱۳۹ اِذَا اَبَقَ اِلَى الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ . - ۱۴۰ فساہم فکان من المدحضین . - ۱۴۱ فالتقمه الحوت و هو ملیم . - ۱۴۲ فلو لا انه کان من المسبحین . - ۱۴۳ للبت فی بطنه اِلی یوم یبعثون . - ۱۴۴ فنبذناه بالعرء و هو سقیم . - ۱۴۵ و اُنبتنا علیه شجرة من یقطین . - ۱۴۶ و ارسلناه اِلی مائة الف او یزیدون . - ۱۴۷ .

إِلْ : جزو کلمه - ایلیاس است که بصورت جمع آمده است .
 عَجُوزٌ : پیرزن عاجز که زن حضرت لوط بوده است .
 غَايِرٌ : مکث ، تأخیر است .
 تَدْمِيرٌ : هلاک کردن .
 أَبَقٌ : فرار کردن ، مخفی شدن .
 الْمَشْحُونُ : پر شده ، مَمْلُوءٌ .
 سَاهَمٌ : قرعه زد .
 مُدْحَضٌ : دور کرده شده ، و کنار شده .

می فرماید : و سلام بر ایلیاس و پیروانش . - ۱۳۰ بتحقیق ما اینچنین جزاء میدهیم نیکوکارانرا . - ۱۳۱ و حقاً ایلیاس از بندگان مؤمن ما بود . - ۱۳۲ و بتحقیق لوط از رسولان ما بود . - ۱۳۳ زمانیکه نجات دادیم لوط و اهل او را همگی . - ۱۳۴ مگر پیره زنی را که بود از ماندگان در عذاب . - ۱۳۵ و سپس هلاک کردیم دیگرانرا . - ۱۳۶ و بتحقیق شما مرور میکنید بآنها و بسرزمین آنها زمان صبح در مسافرت خودتان . - ۱۳۷ و یا در زمان شب و متوجه نمیشوید . - ۱۳۸ و بتحقیق یونس نیز از رسولان ما بود . - ۱۳۹ زمانیکه فرار کرد از میان قومش بسوی کشتی که پر شده بود . - ۱۴۰ پس بخاطر سنگینی کشتی قرعه انداختند پس از افرادی که بیرون شوند ، معین گردید . - ۱۴۱ پس او از کشتی بیرون شد و ماهی بزرگی او را بلعید ، و او خود را سرزنش میکرد . - ۱۴۲ و اگر او نمی بود از تسبیح کنندگان خداوند . - ۱۴۳ هر آینه باقی میماند در شکم آن ماهی تا روزیکه مبعوث گردند . - ۱۴۴ پس آزاد کردیم او را بمحیط بیرون و او کسل شده بود . - ۱۴۵ و رویاندیم برای او درخت کدو را . - ۱۴۶ و مبعوث کردیم بر جمعیتی که بیش از صد هزار نفر بودند . - ۱۴۷ .

نتیجه :

حفظ کردن خداوند متعال برای او ، تنها به اراده او صورت میگیرد (کُن فیکون) و مخصوصاً اگر از بندگان مخصوص و از اولیاء او باشند ، نه در کشتی و دریا و بلکه در شکم ماهی او را حفظ میکند ، و در وسط بیابان خشک برای او کدو که با مزاج او سازگار است می‌رویاند .

فَأَمَّنُوا فَمَتَّعْنَاهُم إِلَىٰ حِينٍ . - ۱۴۸ فَاسْتَفْتِهِمَ الرَّبُّكَ الْبَنَاتُ وَ لَهُمُ الْبَنُونَ . - ۱۴۹ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَ هُمْ شَاهِدُونَ . - ۱۵۰ أَلَا إِنَّهُمْ مِّنَ الْبَنِينَ . - ۱۵۱ وَلَدَ اللَّهُ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ . - ۱۵۲ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ . - ۱۵۳ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ . - ۱۵۴ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ . - ۱۵۵ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ . - ۱۵۶ فَآتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . - ۱۵۷ وَ جَعَلُوا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَ لَقَدْ عَلِمْتِ الْجِنَّةَ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ . - ۱۵۸ فَسُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ . - ۱۵۹ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ . - ۱۶۰ فَانْكُم وَ مَا تَعْبُدُونَ . - ۱۶۱ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ . - ۱۶۲ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ . - ۱۶۳ وَ مَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ . - ۱۶۴ وَ إِلَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ . - ۱۶۵ . وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ . - ۱۶۶ .

حِين : وقت نزدیک ، وقت .

استفتاء : طلب حکم و فتوی .

إفک : دروغ ، قلب ، صرف .

جِنَّة : مخلوق ما بین انسان و ملائکه که دیده نمیشوند .

نَسَب : قرابت ، تناسب بین شیئین .

فاتنین : گمراه کنندگان ، فتنه کنندگان در پیشگاه خدا .

صالی : وارد شونده .

جَحیم : آتش مشتعل ، سوزان شدید .
 أَصطَفی : آیا برگزیده است خداوند .

می فرماید : پس ایمان آوردند ، و لذت و استفاده دادیم آنها را تا زمان معین نزدیکی . - ۱۴۸ پس بپرس از آنها که آیا برای آنها است فرزندان پسر و برای خدا باشد دخترها . - ۱۴۹ و آیا اینکه ما ملائکه را بصورت دختر آفریدیم و آنها شاهد بودند . - ۱۵۰ آگاه باشید که آنها در اثر دروغگویی گویند که خداوند فرزندی آورده است . - ۱۵۱ و بتحقیق آنها دروغ میگویند . - ۱۵۲ آیا انتخاب کرده است بنات را بر ذکور . - ۱۵۳ چه شده است و چگونه شما حکم میکنید . - ۱۵۴ آیا متوجه نمیشوید . - ۱۵۵ و یا برای شما برهان و دلیل محکمی هست . - ۱۵۶ پس بیاورید دلیل و نوشته خودتانرا اگر راستگو هستید . - ۱۵۷ و قرار داده‌اند در میان خداوند و مخلوق قرابتی را ، در حالیکه ملائکه میدانند که در پیشگاه خداوند حاضر خواهند شد . - ۱۵۸ منزّه است خداوند متعال از آنچه وصف میکنند . - ۱۵۹ مگر بندگان خالص شده پروردگار . - ۱۶۰ پس آنها و آنچه پرستش میکنند . - ۱۶۱ نباشند که بتوانند ایجاد اختلاف کنند . - ۱۶۲ مگر کسانی که وارد آتش سوزان گردند . - ۱۶۳ و نیست از ما کسی مگر آنکه برای او مقام معینی باشد . - ۱۶۴ و بتحقیق ما در پیشگاه خداوند صف کشندگانیم . - ۱۶۵ و ما پیوسته تسبیح گویانیم . - ۱۶۶ .

نتیجه :

صف کشندگان : اشاره باشد بمقام اطاعت و عبودیت و قیام کردن برای پرستش کامل و خالص ، و ملائکه از لحاظ صفای ذات و خلوص از ظلمت طبیعت ، بهتر میتوانند در مقام عبودیت و اطاعت قرار بگیرند .

و إن كانوا ليقولون . - ۱۶۷ لو أن عندنا ذكراً من الأولين . - ۱۶۸ لکننا عبادَ
 اللّهِ الْمُخْلِصِينَ . - ۱۶۹ فکفروا به فسوف يعلمون . - ۱۷۰ و لقد سبقت کلمتنا
 لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ . - ۱۷۱ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ . - ۱۷۲ و إن جُندنا لَهُمْ
 الْعَالِيُونَ . - ۱۷۳ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ . - ۱۷۴ و أَبْصَرَهُمْ فَسَوَّفَ
 يُبْصِرُونَ . - ۱۷۵ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ . - ۱۷۶ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ
 الْمُنْذَرِينَ . - ۱۷۷ و تَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ . - ۱۷۸ و أَبْصِرْ فَسَوَّفَ
 يُبْصِرُونَ . - ۱۷۹ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ . - ۱۸۰ و سَلَامٌ عَلَى
 الْمُرْسَلِينَ . - ۱۸۱ و الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۱۸۲ .

و إن كانوا : و اینهم كانوا ، است .

جُند : العسکر ، و در مفرد جُندی گویند .

مُخْلِصِينَ : خالص کرده شدگان از خلاف .

تَوَلَّ عَنْهُمْ : برگرد ، اعراض کن از آنها .

سَاحَةٌ : ناحیه ، قطعه .

رَبِّ الْعِزَّةِ : صاحب قوت و شدت و عظمت .

حَتَّى حِينٍ : تا انتهای زمان معین .

می فرماید : و بدرستکه بودند آنها هر آینه میگویند : هرگاه نزد ما آثاری بود از
 گذشتگان . - ۱۶۸ لکن ما هستیم بندگان خالص شده . - ۱۶۹ پس کافر شدند باو و
 خواهند فهمید . - ۱۷۰ و هر آینه بتحقیق گذشته است کلمه ما برای بندگان ما که
 رسولان ما هستند . - ۱۷۱ و بتحقیق آنها یاری شده هستند . - ۱۷۲ و بتحقیق
 سپاه ما آنها غالب باشند . - ۱۷۳ پس برگرد از آنها تا زمان معین . - ۱۷۴ و روشن و
 بینا کن آنها را که خواهند فهمید . - ۱۷۵ آیا بعد از ما شتاب میکنند . - ۱۷۶ پس

زمانیکه نازل گردید بناحیه و اطراف آنها بد میشود صبح آنها که آغاز برنامه زندگی آنها باشد . - ۱۷۷ و منصرف باش از آنها تا زمان معین . - ۱۷۸ و روشن کن آنها را که روشن و متوجه خواهند شد . - ۱۷۹ و منزّه است پروردگار تو که صاحب قدرت و عظمت است از آنچه او را توصیف میکنند . - ۱۸۰ و درود و سلام باد بر رسولان ما . - ۱۸۱ و ستایش برای او است که خدای جهانیان است . - ۱۸۲ .

نتیجه :

فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ : یعنی فعلاً زندگی مادّی وجود آنها را احاطه کرده است ، و بجز امور مادّی و جریانهای طبیعی دنیوی از ماورای آنها آگاهی ندارند .
و توجهی ندارند که این زندگی سپری شده ، و جهان دیگر برای آنها رو خواهد آورد که دقیقتر و لطیفتر باشد ، و در آن عالم از حقیقت زندگی خود و از آینده و نتیجه امور خود آگاه خواهند شد .

سوره ص
سوره - ۳۸ عدد آیات ۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص ، و القرآن ذی الذکر . - ۱ بل الذین کفروا فی عِزَّةٍ و شِقَاقٍ . - ۲ کم
أهلکنا من قبلهم من قرن فنَادُوا و لَاتَ حینَ مَنَاصٍ . - ۳ و عَجِبُوا أن جَاءَهُم
مُنذِرٌ مِنْهُمْ و قَالَ الْکَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ کَذَّابٌ . - ۴ أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ
هَذَا لَشِئْءٌ عُجَابٌ . - ۵ و انطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا و اصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ إِنَّ
هَذَا لَشِئْءٌ يُرَادُ . - ۶ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ . - ۷
أُنزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابٍ . - ۸
أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ . - ۹ .

ص : بعدد نود است ، و پس از نود عدد صد باشد = ق ، که کلمه قرآن ذکر شده
است ، و قرآن محتوی نودها است چون - صبر ، صفی ، صلی ، و غیره .
عِزَّةٌ : قوَّت ، شدت ، عظمت و بلندی .
شِقَاقٍ : عداوت ، اختلاف ، تفرق .
قَرْنٌ : أهل زمان واحد ، و صد سال .
مَنَاصٍ : تنحی ، تأخر ، مفارقت .
عُجَابٌ : آنچه متجاوز از حد باشد عَجَب است ، برای مبالغه است .
مَلَأٌ : بزرگان ، اشراف قوم که بچشم آیند .
اخْتِلَاقٌ : افتراء : ساختن چیزی است .

می فرماید : ص ، و سوگند بقرآنیکه صاحب ذکر است . - ۱ بلکه آنهایکه کافر

شدند در مقام شدت و اختلاف هستند . - ۲ و چقدر بهلاکت رسانیدیم از پیش از آنها از زمانهائیرا ، پس نداء کردند ما را ، و نبود زمان مهلت و تأخیر . - ۳ و تعجب کردند که آمد برای آنها ترساننده‌ای از خودشان ، و گفتند مردم که این آدم سحر کننده و دروغگو است . - ۴ آیا قرار داده است خدایان ما را خدای واحد ، و بتحقیق این موضوع یک چیز عجیبی است . - ۵ و گفتند جماعتی از آنها که بروید و استقامت داشته باشید درباره خدایان خودتان ، و این جریان چیز است که برای ما خواسته‌اند . - ۶ بتحقیق این موضوع ساختگی است ، و نشنیده بودیم نظیر آنرا از گذشتگان . - ۷ آیا نازل شده است بر او ذکری از میان ما ، بلکه در شک هستند از ذکر من بلکه هنوز نچشیده‌اند عذاب مرا . - ۸ و یا اینکه نزد آنها است خزینه‌های رحمت پروردگاریکه صاحب عزت و عظمت بوده و بخشنده است . - ۹ .

نتیجه :

خدای واحد : هو الله أحد ، خداوند متعال واحد حقیقی است و هیچگونه تعدد در ذات او نباشد ، زیرا تعدد مستلزم احتیاج و فقر ذاتی است، و استغنا ذاتی در صورتی محقق گردد که وجود واحد از همه جهات و مستغنی باشد ، یعنی با اینکه وحدت تمام دارد ، فی نفسه قادر و عالم و ثابت و قدیم و ابدی باشد .

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ . - ۱۰
 جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب . - ۱۱ كذبت قبلهم قوم نوح و عاد و
 فرعون ذو الأوتاد . - ۱۲ و ثمود و قوم لوط و أصحاب الأيكة اولئك
 الأحزاب . - ۱۳ إن كل إلا كذب الرسل فحق عقاب . - ۱۴ و ما ينظر هؤلاء إلا
 صيحة واحدة ما لها من فواق . - ۱۵ و قالوا ربنا عجل لنا قطننا قبل يوم
 الحساب . - ۱۶ اصبر على ما يقولون و اذكر عبدنا داوود ذا الأيد إنه

أَوَابٌ . - ۱۷ إِنْ سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ . - ۱۸ وَالطَّيْرُ
مَحْشُورَةٌ كُلُّ لَهَا أَوَابٌ . - ۱۹ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَلَ
الْخِطَابِ . - ۲۰ .

إِرْتِقَاءٌ : صعود ، بلند شدن .

مَهْزُومٌ : منكسر ، مغلوب .

أَوْتَادٌ : جمع وَتَدٌ که بمعنی چیز است که در دیوار و یا زمین فرو رود .

أَيْكَةٌ : درخت پیچیده .

فَوَاقٌ : بلندی و ارتفاع است .

قِطٌّ : محصول ، کوتاه شده و قطع از عرض .

أَيْدِيٌ : جمع يد ، نعمت .

أَوَابٌ : قصد کننده ، رجوع کننده .

الْحِكْمَةُ : علم ، معرفت دقت .

فَصَلَ الْخِطَابِ : جدا کردن حق و باطل .

مَحْشُورَةٌ : مجموعه فی محلّ .

إِشْرَاقٌ : روشن کردن .

می فرماید : آیا برای آنها است مالکیت آسمانها و زمین و آنچه در میان آنها
است ؟ پس بالا روید بوسیله اسباب . - ۱۰ لشگرهای بیست ، که در آنجا مغلوب
شده اند از احزاب . - ۱۱ تکذیب کرد پیش از آنها قوم نوح ، و عاد ، و فرعون که
صاحب ساختمانهای نصب شده و کوبیده بود . - ۱۲ و ثمود و قوم لوط و أصحاب
ایکه (درخت پیچیده) که آنها احزاب و گروههای مختلفی بودند . - ۱۳ نبودند آنها
مگر اینکه رسولان ما را تکذیب کردند ، و ثابت گردید برای آنها عقاب من . - ۱۴ و

اینها منتظر نمی‌شوند مگر شنیده شدن صیحه آسمانی را و نباشد برای آن که تحت نفوذ و تأثیر دیگری قرار بگیرد . - ۱۵ و گویند که خداوند سرعت کن در معین شدن وظیفه ما پیش از روز حساب . - ۱۶ پس صبر کن بر آنچه میگویند ، و بیاد آور زندگی بنده ما را که داوود بود که صاحب نعمتها بود و او برگشت بسوی ما . - ۱۷ و ما مسلط کردیم برای او کوهها را که همراه او تسبیح میکردند بوقت عشاء و صبح . - ۱۸ و پرندهها را که جمع می‌شدند بأطراف او که همگی او را قصد میکردند . - ۱۹ و ما محکم و ثابت کردیم ملک او را و دادیم او را حکمت و معرفت و فصل خطاب . - ۲۰ .

نتیجه :

خطاب بمعنی مخاطبه و مکالمه است ، و فصل بمعنی جدا کردن حق از باطل است ، و اینمعنی بزرگترین موفقیت و سعادت و کمال انسانی است .
و اما صیحه : صدای بلند است آسمانی که همه موجودات را فرا میگیرد .

و هَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ . - ۲۱ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصِمَانِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ . - ۲۲ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ . - ۲۳ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ . - ۲۴ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ . - ۲۵ .

نَبُو : إدبار ، آمدن صدا .
 تَسْوُرُ : بالا رفتن بر چیزی است .
 مِحْرَاب : محلّ نماز است که در مقابل شیطان عمل میشود .
 تَشْطِیْط : تجاوز ، ظلم ، افراط است .
 نَعِجَة : گوسفند ماده و جمع آن نِعَاج است .
 أَكْفَلْنِي : قیام بامر طرف .
 عَزَّيْنِي : غلبه کردن ، تفوّق .
 فَتْنَاهُ : اختلاف ، ابتلاء ، المحنة ، العذاب .
 خَرَّ : سقوط از بالا بزمین ، برو آمدن بزمین ، سجده .
 زُلْفِي : نزدیکی ، تقدّم .
 مَثَاب : قصد ، جهة ، عادت ، طریق .

می‌فرماید : آیا آمده است تو را خیر دشمن زمانیکه در بالای محراب قرار گرفتند . - ۲۱ چون داخل شدند به نزد داوود ، پس مضطرب شد داوود ، و اظهار داشتند که مضطرب و خائف مباش ! ما دو گروه مخاصم یکدیگر هستیم که یکطرف بر دیگری ظلم کرده است ، و آمدیم که در میان ما قضاوت نمایی ، پس حکم حق کن و از مرحله حق تجاوز مکن ! و هدایت کن ما را بر راه راست . - ۲۲ این برادر من برای او نود و نه گوسفند ، ماده هست و مرا تنها گوسفندیست ، پس گفت بمن که اداره و کفایت آنها را به من واگذار ، و مرا در گفتگو مغلوب کرده است . - ۲۳ گفت : بتحقیق ظلم کرده است تو را بسبب درخواست گوسفند تو را که ملحق کند بگوسفندهای خودش ، و بتحقیق بسیاری از مردم آشنا هر آینه ظلم میکنند بعضی از آنها بعضی دیگر ، مگر آنهایکه ایمان آورده و اعمال صالح بجا آورند ، و کم هستند آنها ، و گمان کرد داوود که ما او را مبتلا کردیم ، پس طلب مغفرت کرد از

پروردگارش ، و افتاد بخضوع و سجده ، و توبه کرد بسوی خداوند . - ۲۴ پس
آمرزیدیم برای او اینجهت را و او را نزد ما نزدیکی و حسن خاتمه باشد . - ۲۵ .

نتیجه :

یکی از آثار محبت دنیا و ماده پرستی اینستکه چون قدرتی پیدا کرده ، و
طرفیرا ضعیف دیده ، و در دست او اموال و امور مادی قرار گرفت : بهرحیله‌ای که
باشد فعالیت میکند که تسلط باو پیدا کرده و اختیارات خود را توسعه بدهد .

يا داوودُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ
الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ اِنَّ الَّذِيْنَ يَضِلُّوْنَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ
بِمَا نَسُوْا يَوْمَ الْحِسَابِ . - ۲۶ و ما خلقنا السماء و الارض و ما بينهما باطلاً
ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنَ النَّارِ . - ۲۷ اَمْ نَجْعَلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا
عَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ كَالْمُفْسِدِيْنَ فِي الْاَرْضِ اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِيْنَ كَالْفُجّٰرِ . - ۲۸ كِتَابُ
اَنْزَلْنَاهُ الْيَك مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوْا آيٰتِهٖ وَ لِيَتَذَكَّرَ اُولُو الْاَلْبَابِ . - ۲۹ وَ هَبْنَا لِدَاوُدَ
سُلَيْمٰنَ نَعَم الْعَبْدُ اِنَّهٗ اَوْابٌ . - ۳۰ اِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصّٰفِيٰتُ
الْجِيّٰدُ . - ۳۱ .

خلیفه : جانشین ، نائب .

الهُوٰى : تمایل ، خواستن میل .

يَضِلُّوْنَ : گمراه میشوند ، منحرف گردند .

باطل : مقابل حق ، لغو ، بیفائده .

فُجّٰر : فجور میل از صدق و حق است ، جمع فاجر باشد .

أَوْابٌ : رجوع کننده .

الصافِنات : اسبهای سبک و آماده بحرکت است .
 الجِياد : جمع جَيْد مقال رَدی که پست است .
 عَشِيٌّ : اوائل شب است .

می فرماید : آی داوود ما خلیفه قرار دادیم تو را خلیفه خود در روی زمین ، پس حکم کن در میان مردم بحق و پیروی مکن از هوی و دلخواه خود ، پس گمراه میکنند تو را از راه حق ، بتحقیق آنهایکه گمراه می شوند از راه خداوند برای آنها باشد عذاب سخت ، بسبب آنچه فراموش کرده ، و غفلت میکنند از روز حساب و جزاء . - ۲۶ و نیافریدیم آسمانها و زمین را باطل و بیهوده ، این معنی تصوّر کسانی است که کافر شده اند ، و وای باد برای کفار از آتش . - ۲۷ آیا قرار میدهیم مؤمنین و آنهائیرا که اعمال صالح بجای میآورند مانند افراد مفسد در روی زمین ! و یا قرار میدهیم پرهیزکارانرا چون افراد تبه کار و آزاد . - ۲۸ این کتابیست که نازل کرده ایم بتو و پربرکت است ، تا تدبّر کرده و دقت کنند در آیات آن ، و متذکّر باشند افراد عاقل و فهمیده . - ۲۹ و عطا کردیم برای داوود فرزندش سلیمان را ، چه بنده خوبی بوده و او قصدش بسوی خداوند بود . - ۳۰ زمانیکه نشان داده شد برای او هنگام عشاء ، اسبهای آماده و نیکو . - ۳۱ .

نتیجه :

خلیفه : آری انبیاء خلیفه های خداوند متعال هستند در روی زمین ، و علماء روحانی هم خلیفه های انبیاء باشند ، و باید خودشانرا کاملاً تهذیب کرده و تمام اعمال و رفتار و نیات آنها : خدمات دینی و سوق دادن افراد بسوی دین و حقیقت و خدا باشد ، نه خودپرستی و دنیاپرستی و جمع مال ، و چنین افرادی مبعوض ترین مردم باشند .

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ . - ۳۲
 رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ . - ۳۳ و لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا
 عَلَيَّ كُرْسِيَهُ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ . - ۳۴ و قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي
 لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ . - ۳۵ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً
 حَيْثُ أَصَابَ . - ۳۶ وَ الشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَ غَوَاصٍ . - ۳۷ وَ آخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي
 الْأَصْفَادِ . - ۳۸ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ . - ۳۹ إِنَّ لَهُ عِنْدَنَا
 لَزُلْفَى وَ حُسْنَ مَّآبٍ . - ۴۰ .

إِحْبَاب : محبت داشتن ، دوست داشتن است .

تَوَارَى : مستور شدن ، و پنهانی .

طَفِقَ : أخذ ، شروع است .

سُوق : جمع ساق ، و بالای زانو است .

رُخَاءً : نرم ، آرام .

غَوَاصٍ : نزول و فرو رفتن در آب ، صیغه مبالغه است .

مُقَرَّنِينَ : نزدیک شده و ضمیمه شده بهمديگر .

أَصْفَادٍ : جمع صَفَدَ که اسیر را بآن مقید میکنند .

زُلْفَى : قرب ، منزلت .

می فرماید : پس گفت که من دوست گرفتم چون دوست گرفتن امور خیر ، از یاد پروردگارم ، تا وقتی که پوشیده گشت با حجاب ، پس گفت که آن اسبان را برگردانید بمن ، پس شروع کرد و می مالید به ساقهای اسبان و گردنهای آنها . - ۳۳ و آزمایش کردیم سلیمان را ، و انداختیم در روی تخت او جسدی مرده ، و سپس توبه کرد بسوی خداوند و استغفار کرده و سجده نمود . - ۳۴ گفت پروردگارا آمرزش کن مرا ،

و ببخش برای من ملک و قدرتی که سزاوار نباشد پس از من برای دیگری ، و تو هستی بخشنده مطلق . - ۳۵ پس مسخر ساختیم برای او باد را که جاری شود با خواسته او بگریان نرم بهر کجایی که برسد . - ۳۶ و شیاطین را نیز مسخر او ساختیم ، که هر کدام برای ساختن و فرو رفتن در آب مهارت داشتند . - ۳۷ و جمعی دیگر را که مقید و بسته شده بودند در بندها . - ۳۸ این عطاء و بخشش ما باشد که احسان و انعام کن از آن ، و یا منع و خودداری کن از هر کسی که میخواهی ، بدون اینکه رسیدگی بشود بعمل تو . - ۳۹ و بتحقیق برای او نزد ما مرتبه قرب و بازگشت نیکویی باشد . - ۴۰ .

نتیجه :

و الشیاطین : جمع شیطان است که بمعنی متمرد و شریر و دور از برنامه حق است .

و اطلاق میشود با افرادی از جنّ و انس که شریر و متمرد هستند .
و اغلب افرادی که در امور دنیوی و مادی متخصص و برتری دارند : از برنامه‌های روحانی و معنوی محروم میشوند .

و اذکر عبدنا یُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ . - ۴۱
أَرْكُضْ بَرَجْلِكَ هَذَا مَغْتَسلَ بَارِدٍ وَ شَرَابٍ . - ۴۲ وَ وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ
رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرِي لِأُولَى الْأَلْبَابِ . - ۴۳ وَ حُذِّ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَا
تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ . - ۴۴ وَ اذکر عبدنا ابراهیم وَ
إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ أُولَى الْأَیْدِی وَ الْأَبْصَارِ . - ۴۵ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِکْرِي
الدَّارِ . - ۴۶ وَ إِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَیْنَ الْأَخْیَارِ . - ۴۷ وَ اذکر اسمعیلَ وَ الْیَسَعَ
وَ ذَا الْکِفْلِ وَ کُلِّ مِنَ الْأَخْیَارِ . - ۴۸ هَذَا ذِکْرٌ وَ إِنَّا لَلْمُتَّقِیْنَ لِحُسْنِ مَأَبٍ . - ۴۹

جَنّاتٍ عَدْنٍ مَفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ . - ۵۰ مَتَكَبِّرِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهِةٍ كَثِيرَةٍ وَ شَرَابٍ . - ۵۱ .

- أَيُّوبُ : از انبیای بنی اسرائیل است .
- نُصِبُ : بلاء ، داء ، جمع آن أنصاب است .
- أُرْكُضُ : حرکت و اضطراب است .
- صِغْتُ : مخلوط به گل و یا بچوب خشک است .
- لَا تَحْنُتُ : عمل خلاف و باطل است .
- أَوَّابٌ : رجوع کننده بسوی خداوند .
- أَيْدِيٌ : جمع یدی بمعنی دست است .
- مَأْبٌ : از اوب بمعنی رجوع است .

می فرماید : و یاد کن بنده ما ایوب را که نداء میکرد پروردگارش را که مس کرده است مرا شیطان بزحمت و ابتلاء و عذاب . - ۴۱ حرکت بده پای خود را که اینجا جای شستشو و سرد و نوشیدنست . - ۴۲ و بخشیدیم برای او عائله اش را ، و مانند آنها را باضافه عائله ، رحمتی از جانب پروردگار و تذکر باشد برای صاحبان عقول . - ۴۳ و بگیر با دست خود گل آلوده و بزنی با آن ، و متمایل مباش ! و ما یافتیم او را صبر کننده ، چه خوب بنده ای بود ، و او توجه داشت بخداوند . - ۴۴ و یاد کن بنده ما را که ابراهیم بود و اسحاق و یعقوب بودند ، و آنها صاحبان نعمت و بصیرت بودند . - ۴۵ و بتحقیق ما خالص ساختیم آنها را برای یاد خانه آخرت . - ۴۶ و آنها در پیشگاه ما از برگزیدگان و از بندگان نیکو باشند . - ۴۷ و یاد کن اسماعیل و الیسع و ذا الکفل را که همگی از نیکان بودند . - ۴۸ این یادیست از آنها ، و برای پرهیزکاران در نزد ما برگشت نیکویی باشد . - ۴۹ جنّات همیشه گی که باز میشود

برای آنها در بهشتها . - ۵۰ و میخواهند در آنجا میوه‌های بسیار و آب آشامیدنی . - ۵۱ .

نتیجه :

إِيشَع : در اواخر زمانهای انبیاء بنی اسرائیل ، و شاگرد ایلای نبی بود که پس از درگذشت او نبوت کرد . ایلای نبی در زمان - ۸۵۰ قبل از میلاد بوده است .

و عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أُتْرَابٍ . - ۵۲ هذا ما توعَدون لِيَوْمِ الْحِسَابِ . -
 ۵۳ إِنْ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ . - ۵۴ هذا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَأْبٍ . - ۵۵ جَهَنَّمَ
 يَصْلَوْنَهَا فَيُبَسِّسُ الْمِهَادَ . - ۵۶ هذا فليذوقوه حَمِيمٌ و غَسَّاقٍ . - ۵۷ و آخِرُ مِنْ
 شَكْلِهِ أَزْوَاجٍ . - ۵۸ هذا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا
 النَّارَ . - ۵۹ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبَسَّسَ الْقِرَارُ . - ۶۰
 قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ . - ۶۱ و قَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى
 رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ . - ۶۲ أَتَّخَذْنَاكُمْ بِسَخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ
 الْأَبْصَارُ . - ۶۳ إِنْ ذَلِكَ لَحَقُّ تَخَاصُّمِ أَهْلِ النَّارِ . - ۶۴ .

قاصراتُ الطرف : دید چشمهای آنها محدود باشد .

أُتْرَابٍ : دخترهای همسین با خضوع باشند .

نَفَادٍ : تمام شدن ، باخر رسیدن .

مَأْبٍ : مرجع از ماده اوب است .

يَصْلَوْنَ : داخل میشوند ، می‌سوزند .

المِهَادَ : بسط کردن ، و آماده کردن .

غَسَّاقٍ : تاریکی و ظلمت شدید .

- مُقتَحِم : وارد شونده بدون فکر .
 زاغت : متمایل شدن .
 تخاصم : خصومت و مخالفت .
 فَوْج : الجماعة من الناس .

می‌فرماید : و نزد آنها زنهای چشم محدود و همسال باشند . - ۵۲ این چیز است که وعده داده میشوید برای روز بررسی . - ۵۳ بتحقیق این روزی مقرر ما است و آن همیشگی است و تمام نمیشود . - ۵۴ اینست که برای طغیان کننده‌ها برگشت شری باشد . - ۵۵ جهنمی است که وارد میشوند بآن ، و بد آمادگی است . - ۵۶ اینست که بچشید آنرا که آتش و محیط تاریکی است . - ۵۷ و شبیه جهنم عذابهای دیگری باشد . - ۵۸ این گروهی است که بدون فکر وارد این میدان میشوند و با شما همراهند ، خوشی و وسعت مباد برای آنها ، و آنها وارد آتش خواهند شد . - ۵۹ گویند که شما را خوشی مباد که بما هم چنین گرفتاری و عذابی آوردید . - ۶۰ گویند که خداوندا کسیکه ما را اینچنین مبتلا ساخته است ، عذاب او را چند برابر کن در آتش . - ۶۱ و در آنجا گویند که چیست که ما نمی‌بینیم افرادی را که آنها را از آشرا حساب می‌کردیم . - ۶۲ آیا ما آنها را بمسخره و حقارت می‌گرفتیم و یا چشمهای ما منحرف شده بود . - ۶۳ بتحقیق این حق بوده ، و نزاع و خصومت آتشیانست . - ۶۴ .

نتیجه :

آتش و محیط تاریک : در عالم ماوراء ماده در اثر طغیان و ظلم و انحرافات اخلاقی و افکار باطل و تعلقات بمادّیات و شهوات نفسانی صورت می‌گیرد .

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِن إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ . - ۶۵ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ . - ۶۶ قُلْ هُوَ نَبِيُّ عَظِيمٍ . - ۶۷ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ . - ۶۸ مَا كَانَ لِي مِن عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ . - ۶۹ إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ . - ۷۰ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ . - ۷۱ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ . - ۷۲ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ . - ۷۳ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ . - ۷۴ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ . - ۷۵ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ خَلْقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ . - ۷۶ .

المَلَأُ الأعلى : جماعت در مرتبه بالا ، علویین .

مِن رُّوحِي : مابِه حیاة الأنفس ، و جمع أرواح است .

قَعُوا : أمر است از وقع يقع وقوعاً ، نزول ، سقوط .

إِبْلِيس : کسی است که خیری ندارد ، و علم است بجنس شیطان .

بِإِيْدِي : أصل آن يَدِينِ نفسی - یدینی .

عَالِينَ : از علو که بمعنی بلندی است .

طِين : گِل است .

مُنذِر : ترساننده .

العَزِيز : با عظمت و با عزّت .

نَبِيُّ عَظِيمٍ : خبر بزرگ .

می فرماید : بگوی که من نباشم مگر مُنذِر و ترساننده ای ، و نیست پروردگاری مگر خدای یکتای غلبه کننده . - ۶۵ و پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در وسط آنها است ، و خداوند با عزّت و بخشنده است . - ۶۶ بگوی که آن خبر بزرگی

است . - ۶۷ که شماها از آن اعراض کننده هستید . - ۶۸ و نباشد برای من آگاهی به خصوصیات مخلوقات بالا که با هم اختلاف پیدا میکنند . - ۶۹ وحی نمیشود بر من مگر اینکه من ترساننده آشکاری هستیم . - ۷۰ زمانیکه گفت به ملائکه که من خلق میکنم بشری را از گِل . - ۷۱ پس چون او را انجام دادم پس بیفتید در مقابل او بحالت سجده کردن . - ۷۲ پس سجده کردند ملائکه همگی مگر ابلیس که اظهار بزرگی کرده و از کافرین گردید . - ۷۳ فرمود خداوند ای ابلیس چه مانع شد که سجده نکردی بآنچه من آنرا بنحو خصوصی آفریدم ، آیا بزرگ منشی کردی و یا از کافرین شدی . - ۷۴ گفت : من بهتر از او هستم که او را از گل و مرا از آتش آفریدی . - ۷۶ .

نتیجه :

از آتش تولید حرارت و نور و روشنایی میشود ، و از خاک تولید محجوبیت و ظلمت و گرفتگی و محدودیت گردد .
و منشأ حرارت از حرکت در اجزاء و ذرات جسم باشد .
و در ذرات خاک چنین تحرکی نیست که ایجاد حرارت شود .

قال فاخرج منها فانك رجيم . - ۷۷ و انّ عليك لعنتي الي يوم الدين . - ۷۸
قال ربّ فانظرنى الى يوم يُبعثون . - ۷۹ قال فانك من المنظرين . - ۸۰ الى يوم
الوقت المعلوم . - ۸۱ قال فبعزتك لأغوينهم أجمعين . - ۸۲ إلا عبادك منهم
المخلصين . - ۸۳ قال فالحقّ و الحقّ أقول . - ۸۴ لأملأنّ جهنّم منك و ممّن
تبعك منهم أجمعين . - ۸۵ قل ما أسألكم عليه من أجر و ما أنا من
المتكلفين . - ۸۶ انّ هو إلا ذكرٌ للعالمين . - ۸۷ و لتعلمنّ نبأه بعد حين . - ۸۸ .

رَجِيم : طريد ، لعن ، شتم ، هَجْر است .
 لَعْنَة : طرد ، تبعيد ، عذاب .
 إِنْظَار : مهلت دادن ، تأخير کردن است .
 يُبْعَثُونَ : برانگیخته میشوند .
 مُنْظَرِينَ : مهلت داده شدگان .
 مُتَكَلِّفِينَ : متحمل روی مشقت و برخلاف عادت است .
 حِين : زمان ، وقت .

می‌فرماید : پس خارج شو از این مقام که تو طرد شده هستی . - ۷۷ و بتحقیق بر تو باد لعنت من تا روزیکه جزاء داده میشوند . - ۷۸ گفت پروردگارا مهلت بده مرا تا روزیکه برانگیخته میشوند . - ۷۹ فرمود که تو از مهلت داده شدگان هستی . - ۸۰ تا روز وقت معین شده . - ۸۱ گفت سوگند بعظمت تو که من إغواء میکنم همه اینها را که هستند . - ۸۲ مگر بندگان خالص شده تو را از میان آنها . - ۸۳ فرمود : حق است که میگویم . - ۸۴ هر آینه پر میکنم جهنم را از آنها همگی (از تو و افرادی را که از تو پیروی میکنند) . - ۸۵ بگوی باین مردم که نمیخواهم از شما مزدی ، و نیستم من از تکلف و زحمت دهندگان . - ۸۶ نیست او مگر یاد آورنده برای جهانیان . - ۸۷ و هر آینه خواهید دانست خبر او را پس از زمانی . - ۸۸ .

نتیجه :

قال فَاخْرُجْ مِنْهَا : شیطان از انس باشد و یا از جنّ ، هرگز راه بمقام قرب خداوند متعال و انس با حضرت او ندارد ، و در ذیل آیه ۳۷ گفتیم که شیطان بمعنی شخص متمرّد و شریر که نیت او همیشه سوء است ، و نیت خیر و هدایت را بخود راه نمیدهد ، و چنین موجودی هیچگونه قابل هدایت نباشد .

و در اینجا ترجمه و توضیح سوره مبارکه - ص ، بآنجام رسید .
و شروع میکنیم با توفیق و یاری پروردگار متعال به ترجمه سوره زُمر .

سوره زُمر

سوره - ۳۹ عدد آیات ۷۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تنزیلِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ . - ۱ اِنَّا اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ . - ۲ اَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوا مِنْ دُوْنِهِ اَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ اِلَّا لِيُقَرِّبُوْنَا اِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ اِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِى مَا هُمْ فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ اِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ . - ۳ لَوْ اَرَادَ اللَّهُ اَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفٰى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحٰنَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ . - ۴ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ يُكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرٰى لِاَجَلٍ مُّسَمًّى اَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ . - ۵ .

الحكيم : صاحب حکم قاطع و حکم واقعیت دار .

مُخْلِصٌ : خود را خالص و صاف کردن از آلودگی است .

تَكْوِيرٌ : دور زدن ، پیچاندن ، جمع کردن .

مُسَمًّى : معین ، نامیده شده .

غَفَّارٌ : پوشانیدن ، بخشیدن است .

حَقٌّ : واقعیت دار ، با حقیقت .

كَاذِبٌ : کسیکه برخلاف حق سخن گوید .

كَفَّارٌ : کسیکه حق و واقعیت را می پوشاند .

لَا يَهْدِى : هدایت باید بسوی حق باشد .

می فرماید : بنام خداوند بخشنده مهربان ، نازل کردن این کتاب است از جانب

خداوند عزیز و حکیم . - ۱ - بتحقیق ما نازل کردیم برای تو کتاب را روی برنامه حق ، پس ستایش کن خداوند را با خالص کردن خود از افکار و اعمال آلوده ، که برنامه دینی تو با خلوص و صفاء صورت بگیرد . - ۲ - و متوجه باش که دین خالص را میتوان بحساب خداوند آورد ، و افرادی که میگیرند بجز پروردگار متعال ، اولیائی که آنها را نزدیک کنند بسوی خداوند متعال ، و خداوند حکم میکند درباره آنها که اختلاف پیدا میکنند درباره پروردگار یگانه ، و خداوند هدایت نمیکند افرادی که دروغ گویند و کفر میورزند . - ۳ - و هرگاه بخواهد خداوند متعال اینکه فرزندی برای خود بگیرد : هر آینه اختیار میکند از میان مخلوق خود هر کسی را که بخواهد ، منزّه است او ، و او یکتا و غالب است . - ۴ - آفریده است آسمانها و زمین را بحق ، و می‌پیچاند شب را بروز ، و می‌پیچاند روز را بشب ، و مسخر کرده است برای شما آفتاب و ماه را که هر کدام جاری میشود روی زمان معین ، و او صاحب قدرت و عظمت بوده و آمرزنده است . - ۵ .

نتیجه :

دین خالص : برنامه‌ای که خالص برای خداوند باشد ، مورد قبول پروردگار متعال خواهد بود ، ولی اگر مقاصد و نیات مختلفی در میان باشد : در حقیقت آن عمل تقسیم بآن نیات و مقاصد خواهد بود .

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ
 أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ
 رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ . - ۶ - إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ
 عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ
 إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ . - ۷ - وَإِذَا

مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو
إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ
أَصْحَابِ النَّارِ . - ۸ .

نفس : شخص ، حقیقت .

زوجها : جفت آنرا .

ثمانیه أزواج : هشت جفت = گوسفند ، گاو ، شتر ، بز است .

بطون : اختفاء ، پنهانی .

وزر : حمل چیز سنگین است .

تخویل : عطاء کردن .

انداد : أمثال ، نظیرها .

إنابه : برگشتن بسوی او .

نوب : برگشتن ، نائب شدن از دیگری .

میفرماید : آفریده است شما را از یکنفس و سپس قرار داده است از آن ، زوج و
همسر او را و نازل کرده است برای شما از چهارپایان ، هشت زوج ، و خلق کرده
است شماها را در شکمهای مادرها ، خلق کردنی پس از خلق کردن ، در سه نوع از
تاریکی ، این پروردگار شما است ، و برای او باشد مطلق مالکیت ، و خدایی نیست
مگر او ، پس بکجا متوجه میگردید . - ۶ و اگر کفر بورزید پس خداوند بی نیاز است
از شماها ، و راضی نیست برای بندگانش که کافر شوند ، و اگر سپاسگزار باشید :
خداوند راضی میشود از آن برای شماها و هرگز حمل نمیکند بردارنده ای حمل
دیگریرا ، و سپس بسوی خداوند است برگشت شما و خبر میدهد شما را از آنچه
عمل میکردید ، و او عالم است بآنچه در سینهها باشد . - ۷ و زمانیکه رسید بانسان

ضرری میخواند خداوند را با توجه کردن بسوی او ، و چون نعمتی او را بخشید : فراموش می کند دعوت خود را و قرار میدهد برای خداوند شریکی ، بگو لذت بگیرید از کفر خودتان مدت کمی را که برگشت شما بسوی آتش خواهد بود . - ۸ .

نتیجه :

سه نوع تاریکی : اول - رحم مادر . دوم ظلمت مَشیمه که پرده و کیسه بچه است . سوم - صُلب پدر که در مرتبه اول بوده است .
از یکنفس : البته اینمعنی پیش از تکمیل وجود خارجی مادی او باشد ، و منظور تجزّی در عالم ارواح است . نه تجزّی در عالم ابدان ، و اینمعنی مربوط می شود به عالم پیش از عوالم ماده ، و شبیه میشود به تقدیرات .

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ
قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ . - ۹
قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ
اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُؤَفِّقُ الصَّابِرِينَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ . - ۱۰ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ
أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ . - ۱۱ وَ أُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ . - ۱۲ قُلْ إِنِّي
أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ . - ۱۳ قُلْ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ
دِينِي . - ۱۴ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ
أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ . - ۱۵ .

قَانِتٌ: عبادت کننده .

آنَاءَ اللَّيْلِ : أوقات شب .

أُولُو الْأَلْبَابِ : صاحبان عقول .

- توفیه : اتمام ، و باآخر رسانیدن .
- الدین : برنامه الٰہی ، عبودیت .
- خاسرین : زیانکاران .
- المبین : آشکار ، روشن .
- یحذرُ : پرهیز کردن ، خودداری .
- حساب : رسیدگی کردن .

می فرماید : آیا کسیکه او عبادت کننده است در اوقات شب ، بحال سجود و قیام که خودداری می کند از آفات و گرفتاریهای زمان آخر ، و امید دارد رحمت و مهربانی پروردگار را ؟ بگوی که آیا برابر است کسانیکه میدانند با آنهایکه نمیدانند ، اینست که متذکر میشود صاحبان عقول . - ۹ بگوی ای بندگان من تقوی داشته باشید در مقابل پروردگار خودتان ، برای کسانیکه تقوی دارند و نیکوکارند در زندگی دنیا جزای نیکو هست ، و زمین خداوند وسیع است ، اینست که مزد صابرین داده میشود ، بدون حساب . - ۱۰ بگو که من مأمور هستم که پرستش کنم بحالت إخلاص درباره آیین و مقررات دینی خودم . - ۱۱ و مأمور هستم که باشم در مرتبه اوّل از ایمان آورندگان . - ۱۲ بگو که من می ترسم از اینکه معصیت کنم پروردگار را از عذاب روز بزرگ . - ۱۳ بگو که من خداوند را پرستش می کنم و خالص می کنم برای او برنامه دینی خودم را . - ۱۴ پس عبادت کنید آنچه را که می خواهید ، بگو که زیانکاران کسانی هستند که بضرر خودشان و خانواده شان عمل کنند ، و این خسران و زیان بزرگیست . - ۱۵ .

نتیجه :

زمان آخر : برای هر جریان و برنامه عملی عاقبتی هست که عاقبت جریانهای

دنیوی را معاد و آخرت گویند ، و هرکس در معاد نتیجه تمام اعمال و فعالیت‌های خود را که در زندگی دنیوی انجام داده است ، خواهد دید ، و کوچکترین عملی از خوب و بد در آنجا ، مورد غفلت و فراموشی نخواهد شد .

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ . - ۱۶ و الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوا وَ أُنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ . - ۱۷ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَيْهِمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَالُونَ الْأَلْبَابِ . - ۱۸ أَمْ مَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ . - ۱۹ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ عَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ . - ۲۰ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتْرِيهِ مَصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولَى الْأَلْبَابِ . - ۲۱ .

ظُلُلٌ : جمع ظلّه بمعنی سایه است .

طَّاغُوت : شخص طغیان‌گر ، متجاوز ، متکبر .

إِنَابَهُ : برگشتن است .

بُشْرَىٰ : مزده .

أُولَا : صاحبان .

أَلْبَابِ : عقول جمع لبّ است .

حَقٌّ : ثبوت ، وجوب .

إِنْقَاذٌ : نجات دادن ، بیرون آوردن .

غُرَفٌ : جمع عُرفه - اتاق بالا .

سَلَكَهُ : راه برد ، جریان داد .

یَهیجُ : بلند میشود .

مُضَفَّرٌ : زرد شده .

میفرماید : برای آنها از بالای سرشان سایه‌هایی از آتش باشد ، و از زیر پاهایشان سایه‌هایی است ، این جریان می‌ترساند خداوند با آن بندگانرا ، که آی بندگان من تقوی داشته و از خلاف خودداری کنید . - ۱۶ و آنانکه اجتناب کردند از پرستش طاغوت ، و برگشتند بسوی خداوند ، برای آنها است بشارت و مژده ، پس مژده بده بندگان مرا . - ۱۷ و آنها کسانی هستند که میشنوند کلامیرا ، و پیروی میکنند از نیکوترین آنها ، و آنها افرادی باشند که هدایت کرده است خداوند آنها را و آنها صاحبان عقلند . - ۱۸ آیا پس کسیکه ثابت شده است برای او عذاب ، آیا تو نجات میدهی کسی را که در آتش است . - ۱۹ لیکن کسانیکه تقوی پیدا میکنند در مقابل پروردگار متعال ، برای آنها باشد غرفه‌هایی که از بالای آنها غرفه‌های دیگری باشد که ساخته شده است ، و جاری میشود از زیر آنها نهرها ، و این وعده خداوند است ، و خدا تخلف نمیکند از وعده خودش . - ۲۰ آیا ندیدی که خداوند نازل کرده است از آسمان آبیرا پس راه برده است آنرا بصورت چشمه‌هایی در روی زمین ، و سپس بیرون آورده است از آن آب نباتات مختلفی را ، و پس از آن زرد و خشک میشود آنها و از آنها بعنوان هیزم و سوزاندن استفاده میشود ، و اینها وسیله تذکر است . تا توجه و تنبه پیدا کنید . - ۲۱ .

نتیجه :

سایه‌های آتش ، سایه و آتش در عالم ماورای ماده بتناسب آن عالم باید باشد . مانند آثار معنوی ظلم و تجاوز و خلاف و معاصی ، که چون آتش گردن‌گیر انسان بوده ، و قلب و باطن او را چون آتش فرا میگیرد .

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . - ۲۲ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَ مَن يُضِلِلِ اللَّهُ فََمَا لَهُ مِن هَادٍ . - ۲۳ أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ . - ۲۴ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَلْبِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِن حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ . - ۲۵ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ . - ۲۶ .

شرح : جمع ، كشف ، فتح .

قاسية : صلب ، غلظت ، ظلمت شدید .

مَثَانِي : انعطافات و برگشتن بعضی بر دیگری

تَقْشَعِرُّ : إرتعاد ، تقبُّض ، تجمُّع .

يَتَّقِي : حفظ ، خودداری .

الْخِزْيَ : خواری ، ذلّت ، بُعد .

لَا يَشْعُرُونَ : علم ، تفتُّن ، است .

عَذَابُ الْآخِرَةِ : آنچه سخت و ناراحت کننده باشد .

جُلُود : غشاء الجسد ، جلد الكتاب .

میفرماید : آیا پس کسیکه شرح کرده سینۀ او را خداوند برای اسلام ، پس او به روی نورانیّت است از پروردگارش پس وای باد برای افرادی که محجوبند قلبیهای ایشان از یاد خداوند ، آنان در گمراهی آشکارند . - ۲۲ خداوند نازل کرده است بهترین گفتار را در نوشته شبيه به هم که عطوفت هاست که می لرزد از آن

پوست‌های کسانیکه می‌ترسند از پروردگارشان ، سپس نرم می‌شود پوستها و قلب‌های آنها بسوی یاد خدا ، این هدایت خداست که هدایت می‌کند بوسیله آن هر کسی را که می‌خواهد و کسی را که گمراه کند خداوند ، هدایت کننده‌ای نخواهد داشت . - ۲۳ آیا پس کسی که حفظ می‌کند صورتش را از عذابِ روز قیامت و گفته می‌شود برای ظالمین که بچشید آنچه را که کسب کردید . - ۲۴ تکذیب کردند کسانیکه از پیشینیان بودند پس آمد برای آنها عذاب از موردی که نمی‌فهمیدند . - ۲۵ پس چشاند خداوند برای آنها خواری را در زندگانی دنیا و هر آینه عذابِ آخرت بزرگتر است هرگاه باشند می‌فهمیدند . - ۲۶ .

و لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ . - ۲۷ قرآناً
عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ . - ۲۸ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ
مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ . - ۲۹ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ . - ۳۰ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ
تَخْتَصِمُونَ . - ۳۱ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ بِالْصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي
جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ . - ۳۲ وَ الَّذِي جَاءَ بِالْصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ
الْمُتَّقُونَ . - ۳۳ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ . - ۳۴ .

ضَرَبْنَا : تبیین ، إمساك ، قول ، ایجاب .

عِوَج : انحناء ، میل .

مَثَل : صورت ، شبیه .

مُتَشَاكِس : مخالفت ، صعب الخلق .

سَلَمٌ : نجات از عیب و آفت .

مَثْوًى : جای اقامت ، منزل .

میفرماید: و هر آینه بتحقیق روشن کردیم برای مردم در این قرآن از هر مثالی، شاید آنها متذکر و متنّبه گردند. - ۲۷ قرآن نیست و بدون تمایل و اعوجاج، شاید آنها تقوی پیدا کنند. - ۲۸ بیان می‌کند خداوند برای مثال مردی را که همراهانی دارد مخالف همدیگر و صُعب الخُلق باشند، و مردی را که تسلیم و موافق است، آیا این دو مرد برابرند، بلکه اکثر مردم توجّه نمیکنند. - ۲۹ و این زندگی دنیوی همیشگی نیست و من و شما خواهیم مرد، و باقی نباشیم. - ۳۰ و سپس در پیشگاه خداوند اختلاف و خصومت خواهید داشت. - ۳۱ پس کیست که ظالمتر باشد از شخصیکه دروغ گوید بخداوند و یا تکذیب کند قول پروردگار را آیا جهنّم محلّ سکونت این افراد نیست. - ۳۲ و کسانی که اظهار صدق و راستی کرده و صدق را قبول کنند آنها پرهیزکارانند. - ۳۳ و برای آنها است آنچه بخواهند در پیشگاه خداوند، و این جزای اعمال افراد نیکوکار باشد. - ۳۴.

نتیجه:

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ: آری این شخص با عمل پاک و صادقانه خویش زمینه را برای توجه و لطف و احسان پروردگار متعال آماده میکند، و خداوند متعال در مورد صدق و صفا و اقبال بحق، هرگز از احسان و دستگیری و یاری چنین فردی کوتاهی و خودداری نخواهد کرد، و حجابی فیما بین او و خداوند متعال باقی نخواهند ماند.

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ. - ۳۵ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ. - ۳۶ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ. - ۳۷ وَلَنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ

مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ . - ۳۸
 قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ . - ۳۹ .

أَسُو : حُزْن .

كَافٍ : كَفَايَتِ كُنْنَدَه .

عَزِيز : شَرِيف ، كَرِيم ، عَظِيم ، قَوِي .

مُمْسِكَات : نَگَهِدَارَنَدَه هَا .

مَكَانَة : مَنزَلَت ، مَوْضِع .

حَسْب : كَافِي .

تَكْفِير : پُوشَانِيدَن .

كَاشِفَات : بَرْدَارَنَدَه ، بَرطَرَف كُنْنَدِگَان .

ذِي انْتِقَام : صَاحِب مَكَافَات بَعْقُوبَت .

تَوَكَّل : تَسْلِيم بَدِيگَرِي ، اِعْتِمَاد كَرْدَن .

میفرماید : تا بیوشاند خداوند از آنها اثر حُزن انگیز آن چیزی را که عمل کردند و پاداش بدهد آنها را به بهترین چیزی که بودند عمل می کردند . - ۳۵ آیا نیست خداوند کفایت کننده بنده اش را و می ترسانند تو را به وسیله کسانی که غیر او هستند و کسی را که گمراه کند خداوند پس نباشد برای او هدایت کننده ای . - ۳۶ و کسی را که هدایت کند خداوند پس نباشد برای او از گمراه کننده ای آیا نیست خداوند با عزت و صاحب انتقام گیرنده . - ۳۷ و هر آینه اگر سؤال کردی از آنها که چه کسی خلق کرد آسمانها و زمین را هر آینه می گویند البتّه خداوند بگو آیا پس دیدید آنچه را که دعوت می کردید از غیر خدا اگر خواست برای من خداوند ضرری

آیا آنها برطرف کننده آن ضرر هستند یا خواست برای من رحمت و خیری را آیا آنها می‌تواند مانع شونده رحمت او باشند بگو کفایت است مرا خداوند بر او توکل می‌کنند توکل کنندگان . - ۳۸ بگو ای قوم من عمل کنید به قوه و قدرتتان همانا من عمل کننده‌ام به وظیفه خودم پس خواهید دید شما . - ۳۹ .

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ . - ۴۰ اِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ . - ۴۱ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ . - ۴۲ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أُولَٰئِكَ لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ . - ۴۳ قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . - ۴۴ .

يُخْزِيهِ : خوار میکند او را ، دور میکند او را .

مُقِيمٌ : ثابت ، اقامت کننده .

يَتَوَفَّى : أخذ میکند ، اتمام میکند .

أَنْفُسٌ : افراد زنده که بدن دارند .

میفرماید : کسیکه آید او را عذابیکه خوار میکند او را و واقع میشود بر او عذابی که ثابت و همیشگی است . - ۴۰ بتحقیق ما نازل کردیم بر تو کتابی را برای مردم و بحق ، پس کسیکه هدایت بشود پس بنفع خود او است ، و کسیکه گمراه گشت پس اینست که گمراه ، شده است روی نفس خود ، و نیستی تو بر او واگذار شونده . - ۴۱ خداوند أخذ میکند نفسها را زمان موت آنها ، و آن نفوسی که نمرده‌اند ، در حال

خواب پس نگه میدارد آن کسی را که حکم کرده بر آن مرگ را و می‌فرستد دیگری را بسوی وقتیکه معین شده است همانا در این جریان هر آینه نشانه هائیت برای قومی که فکر میکنند . - ۴۲ آیا گرفتند از غیر خدا شفیعانی بگو آیا هرگاه بودند مالک نمی‌شدند چیزی را و عقل و فهم نمی‌داشتند . - ۴۳ بگو برای خداست شفاعت در هر مورد و همه جا برای اوست مالکیت آسمانها و زمین سپس در آخر هم بسوی او برگردانده می‌شوید . - ۴۴ .

وَ إِذْ ذُكِّرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ . - ۴۵ قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ . - ۴۶ وَ لَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَدَّلَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ . - ۴۷ وَ بَدَّلَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ . - ۴۸ فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِمَّا قَالِ إِنَّمَا أُوتِيْتَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . - ۴۹ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . - ۵۰ .

أَشْمَأَزَّتْ : انقباض ، جمع کردن خود .

يَسْتَبْشِرُونَ : بشارت میطلبند .

فَاطِرٌ : خلق کننده ، شکافنده .

شَهَادَاتٌ : حضور ، آگاهی .

افْتَدَوْا : فدیة دادن .

بَدَا : ظاهر شد ، آشکار شد .

يَحْتَسِبُونَ : گمان کردن ، حساب کردن .

حَاقٌّ : احاطه ، وارد شدن .

خَوَّلَنَاهُ : انعام کردن .

فِتْنَةٌ : ابتلاء ، گرفتاری ، آزمایش .

مَا أَغْنَىٰ : بی‌نیاز نکرد .

میفرماید : و زمانیکه ذکر شد خداوند بتنهایی ، منقبض و جمع میشود قلوب آنها که ایمان نیاورده‌اند بعالم آخرت ، و چون غیر او یاد بشود ، در آنهنگام آنها بشارت میگیرند . - ۴۵ بگوی پروردگارا که تو آفریننده آسمانها و زمینی ، و عالم بغیب و شهادتی ، و تو حکم میکنی در میان بندگان در مواردیکه اختلاف پیدا کنند . - ۴۶ هرگاه که برای ستمکاران همه آنچه در روی زمین است بوده ، و مثل آنها باز اضافه گشته ، و آنها را در مقابل عذاب و گرفتاری روز قیامت بدهد ، خواهد داد ، و آشکار میشود برای آنها از جانب خداوند ، آنچه بتصور نمیآمد و خیال نمیکردند . - ۴۷ و ظاهر گردد برای آنها آثار سوء افعال خلاف آنها ، و احاطه میکند بآنها نتایج آنچه استهزاء میکردند . - ۴۸ و چون برسد بانسان ضرری ، توجّه پیدا کرده و ما را میخواند ، و سپس که خوشی و نعمتی باو دادیم ، گوید که من آگاهی داشتم از این نعمت ، بلکه آن خوشی و نعمت آزمایش و ابتلائی است از جانب خداوند که اکثر مردم توجّه ندارند . - ۴۹ بتحقیق گفته است آنرا مردم گذشته و بی‌نیاز نکرد از آنها آنچه بودند کسب میکردند . - ۵۰ .

نتیجه :

عالم آخرت : محصول و نتیجه این عالم مادی است ، و در حقیقت باطن او باشد ، که چون پرده مادی آن برطرف گردید : صورت روحانی آن ظاهر گشته ، و باطن و حقیقت او هویدا شود .

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ . - ۵۱ أَوْلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ . - ۵۲ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . - ۵۳ وَ أَنْبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ اسْلَمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ . - ۵۴ وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ . - ۵۵ أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّٰخِرِينَ . - ۵۶ .

سَيِّئَاتُ : أعمال بد و زشت و مخالف حق .

يَقْدِرُ : مقابل بسط ، و تنگ گرفتن است .

أَسْرَفُوا : از حد بیرون شدن ، تجاوز از میزان حق .

لَا تَقْنَطُوا : ناامید شدن ، مأیوس گشتن .

أَنْبِئُوا : رجوع کردن ، برگشتن .

بَغْتَةً : ناگهانی ، یکدفعه اقدام کردن .

السَّٰخِرِينَ : مسخره کنندگان .

جَنْبِ : پهلو .

تَفْرِيطُ : کوتاهی کردن .

میفرماید : پس رسید بآنها آثار بد آنچه عمل کردند ، و آنانکه ظلم کردند از آنها خواهد رسید بآنها آثار سوء آنچه عمل کرده اند ، و هرگز آنها نمیتوانند خودشانرا حاکم قرار بدهند . - ۵۱ آیا نمیدانند که خداوند بسط و گشایش میدهد روزی را برای اشخاصیکه می خواهد و تنگ میگیرد آنرا برای کسانیکه میخواهد و این

جریانها آیتِ اَلْهٰی است برای افرادی که مؤمن هستند . - ۵۲ بگوی ای بندگان من که اِسْرَاف و خودپرستی کرده‌اند بر نفوس خودشان ، ناامید نشوید از رحمت خداوند که خداوند می‌بخشد همه گناهها را ، و او بخشنده و مهربانست . - ۵۳ و برگردید بسوی خداوند و تسلیم شوید در قابل او پیش از اینکه آید شما را عذابِ اَلْهٰی و سپس یاری کرده نشوید . - ۵۴ و پیروی کنید از بهترین دستورهاییکه نازل شده است برای شما از پروردگار شماها ، پیش از اینکه آید شما را عذاب ، و شماها متوجه نگردید . - ۵۵ از اینکه بگوید هر نفسی که ای حسرت است بر آنچه کوتاهی کردم در مقابل وظائفِ اَلْهٰی ، و بودم من از مسخره‌کنندگان . - ۵۶ .

نتیجه :

أی حسرت : موضوع حسرت از عذابهای بسیار سخت و دردناکی است که برای انسان پیش آید ، البته این حسرت در داخل خود انسان و در قلب او پیدا گردد ، و هیچگونه چاره خارجی و دواء و درمانی ندارد ، مگر از جانب خداوند برطرف گردد .

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ . - ۵۷ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ . - ۵۸ بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ . - ۵۹ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجوهُهُمْ مَسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ . - ۶۰ وَ يُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . - ۶۱ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ . - ۶۲ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ . - ۶۳ قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ . - ۶۴ .

- کَرَّةٌ : رجوع ، عود .
 اسْتَكْبَرَتْ : طلب بزرگی ، بزرگ طلبی .
 مُسْوَدَّةٌ : سیاه گشته .
 مَثْوًى : جای اقامت ، منزل .
 مُتَكَبِّرٌ : خودبین که خود را بزرگ بشمارد .
 مَفَازَةٌ : نجات ، ظفر ، موفقیت .
 وَكَيْلٌ : معتمد ، تفویض شده باو .
 مَقَالِيدٌ : جمع مَقْلَاد ، مفتاح است .

و یا بگوید که : هرگاه خداوند مرا هدایت میکرد ، هر آینه می بودم از پرهیزکاران . - ۵۷ و یا گویی که هرگاه برگشتی برای من بود هر آینه می بودم از نیکوکاران . - ۵۸ آری ، آمد تو را آیات من ، پس تکذیب کردی آنها را و خود را بزرگ دیدی و بودی از کافرین . - ۵۹ و در روز قیامت می بینی آنها را که تکذیب کردند آیاتِ اِلهی را که صورتهای آنها سیاه است ، آیا در جهنم جایگاهی نیست برای افرادی که خودبین هستند . - ۶۰ و نجات میدهد خداوند افرادی را که تقوی و پرهیزکاری دارند بسبب موفق بودن آنها در خیرات ، و پیش آمد سوئی برای آنها نرسیده ، و محزون نمیگردند . - ۶۱ و خداوند است که آفریننده هر چیز است ، و او بهر چیزی انجام دهنده است . - ۶۲ و برای او است کلیدهای آسمانها و زمین ، و آنها یکه کفر ورزیدند به آیاتِ اِلهی آنها هستند زیانکاران . - ۶۳ بگوی که آیا من بغیر خدا دستور بدهم که عبادت کنید ای افرادی که توجه نداشته و جاهلید . - ۶۴ .

نتیجه :

صورتهای آنها سیاه است : سیاه بودن صورت در اثر ظلمانی بودن قلب است و

همچنین نورانی بودن صورت ، و ظلمانی و نورانی بودن قلب در اثر حسن و قبح اعمال و نیات باطنی و اخلاق و صفات قلبی است ، و هرکدام از اینها آثار طبیعی نور و ظلمت داشته ، و قلب و صورترا عوض میکند .

و لَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ
 لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ . - ۶۵ بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ . - ۶۶ و مَا
 قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ
 بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ . - ۶۷ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي رِ
 السَّمَاوَاتِ وَ مَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ
 يَنْظُرُونَ . - ۶۸ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ
 الشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ . - ۶۹ .

حَبَطَ : فساد ، بطلان .

خسر : زیان کردن .

قَدْر : تقدیر ، تعیین .

قَبْضَتُهُ : ما يُوْخَذُ فِي الْكَفِّ .

مَطْوِيَّاتٌ : پیچیده ، پنهان شده .

يَمِين : دست راست .

صُور : جمع صورت است ، چهره‌ها .

صَعِقَ : افتادن ، صوت شدید .

إِشْرَاقٌ : نور دادن ، روشن کردن .

میفرماید : و هر آینه بتحقیق وحی شده و فهمانیده شده است برای تو و برای

دیگران که پیش از تو بودند که اگر برای خداوند شریکی قرار بدهید هر آینه باطل و محو گردد عمل تو ، و باشی از زیانکاران . - ۶۵ بلکه خداوند را پرستش کن ، و از سپاسگزاران باش . - ۶۶ و خداوند را نشناخته و آنطوریکه باید قدردانی نکرده‌اند ، و زمین در قبضه و مشیت او است ، و آسمانها پیچیده و بدست راست او باشد در روز قیامت ، و منزّه است خداوند متعال و بلند است از آنچه شرک قرار میدهد . - ۶۷ و دمیده گردد در صورتها ، و بیهوش می‌افتد آنچه در آسمانها و در زمین است ، مگر آنکه خداوند بخواهد ، و سپس دمیده شود در مرتبه دوم و در آنوقت همه آماده شده و منتظر میشوند . - ۶۸ و زمین نورانی شود بنور پروردگارش ، و نوشته‌ها بمیان گذاشته میشود ، و انبیاء و شهداء حاضر آیند ، و حکم میشود در میان آنها بحق . - ۶۹ .

نتیجه :

و زمین نورانی شود : آری زمین در آنروز تحت حکم و فرمان پروردگار متعال قرار میگیرد ، و بجز فرمان و حکم نورانی او چیز دیگری دیده نمیشود ، مخصوصاً اینکه انبیاء و شهداء در تحت فرمان او مأمور میشوند ، و شهادت میدهند بآنچه از جانب خداوند متعال حکم صادر میشود .

و وُقِّيتُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ . - ۷۰ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ . - ۷۱ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ . - ۷۲ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ

فادخلوها خالدین . - ۷۳ .

- وُقِيَّتْ : إتمام میشود برای او ، حفظ میشود .
 سِيق : سوق داده میشود .
 زُمْر : جمع زُمْرَة ، جماعت است .
 حَقَّتْ : ثابت شده است ، سزاوار است .
 متکبرین : آنها که خود پسندند . متکبرند .
 مَثْوَى : محلّ اقامت ، مسکن .
 خَزَنَة : جمع خازن که خزینه دار و حافظ مال است .
 طَبِيتُمْ : پاکیزه شدید .

میفرماید : و تمام میشود برای هر نفسی آنچه عمل کرده است ، و او عالم است بآنچه عمل میکنند . - ۷۰ و سوق داده میشود آنانکه کافر شدند بسوی جهنّم گروه گروه ، تا آنکه دربهای آن باز میشود ، و گوید به آنها خازنها و محافظین جهنّم : آیا نیامد شما را رسولانی از خودتان تا آیاتِ اِلهی را برای شما بخواند ، و از برخورد امروز شما را بترساند ! گویند آری آمدند ؟ ولیکن ثابت است کلمه عذاب بر کافرین . - ۷۱ گفته میشود که داخل شوید از دربهای جهنّم ، و باشید در آنجا همیشگی ، پس جدید است محلّ افرادی که خودپسند و متکبرند . - ۷۲ و سوق داده میشود آنهایکه تقوی داشتند بسوی بهشت گروه گروه ، و چون دربهای بهشت باز میشود ، گوید محافظین بهشت بآنها ، سلام باد بر شما و پاکیزه باشید و داخل شوید که همیشگی هستید در آنجا . - ۷۳ .

نتیجه :

همیشگی هستید : همیشگی بودن تابع ثبوت و پایدار بودن و همیشگی موضوع است ، یعنی عمل و یاصفت که پایدار و باقی باشد .
و مخصوصاً در این مورد اخلاق و صفات نفسانی که در قلب انسان ثابت است ، و همچنین اعمال و عباداتی که دوام داشته باشد .
و مانند اعمال و نیت خیر است : اعمال و نیت شرّ که آثار آنها نیز تابع اندازه بقاء و دوام آن موضوع باشد .

و قالوا الحمد لله الذي صدقنا وعده و أورثنا الأرض تنبؤاً من الجنة حيث نشاء فنعم أجر العاملين . - ۷۴ و ترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم و قضى بينهم بالحق و قيل الحمد لله رب العالمين . - ۷۵ .

صدقنا : راست گفته است در وعده خودش .
أورثنا : و ما را وارث قرار داده است .
تنبؤاً : سکنی میگیریم از بهشت .
حيثُ نشاء : هر جا که بخواهیم .
أجر العاملين : مزد عمل کنندگان .
حافين : احاطه کنندگان .
عرش : سقف مخصوص خداوند .
و قضى : و حکم میشود .

میفرماید : و گفتند ستایش مخصوص خداوند است که وعده‌های خود را دربارهٔ ما واقعیت داده ، و وارث کرده است ما را بر زمین که استفاده میکنیم از آن ، و اخذ

میکنیم از جای بهشت از هر مکانیکه بخواهیم ، پس چقدر خوب است اجر و مزد عمل کنندگان . - ۷۴ و می بینی ملائکه را که احاطه میکنند بعرش الٰهی و تسبیح میکنند با ستایش پروردگار و حکم میشود در میان آنها بحق ، و گفته میشود که ستایش مخصوص خداوند جهانیاست . - ۷۵ .

تمام شد دفتر سوّم از مجلّد پانزدهم از کتاب تفسیر روشن و از خداوند متعال مسألت میکنیم که ما را در اتمام این کتاب شریف موفق بدارد . و پس از این شروع میشود به تفسیر سوره مبارکه - حم = سوره غافر .

سوره غافر

سوره - ۴۰ عدد آیات ۸۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم . - ۱ تنزیلِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ . - ۲ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ
 التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهٌ الْمَصِيرُ . - ۳ مَا يَجْدُلُ فِي آيَاتِ
 اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ . - ۴ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ وَ
 الْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ
 لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ . - ۵ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ
 عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ . - ۶ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ
 يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ
 شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ
 الْجَحِيمِ . - ۷ .

حم : تجلی الحقیقه ، و ظهور وجود محمد و نوره .

عزیزِ عَلِيم : غالب و قاهر - محیط و عالم .

غافرِ الذَّنْبِ : بخشنده و آمرزنده گناه و خطاء .

و قَابِلِ التَّوْبِ : پذیرنده توبه و برگشت بنده .

ذِي الطَّوْلِ : صاحب رفعت و علو .

لَا يَغْرُرْكَ : خدعه کردن .

تَقَلُّبُ : تحوّل زیاد .

أحزاب : جماعتی که متحد باشند در فکر . جمع جِزب .

هَمَّتْ : قصد .

- جادلوا : خصومت ، ادامه بحث .
 دَحَض : إِبْطال ، زائل شدن .
 قِهْمُ : از ماده وقایه - نگهدار آنها را .
 جَحِيم : شعله‌ور ، مشتعل .
 عَرَش : سقف بیت ، تخت جلوس .

می‌فرماید : ظهور حقّ و حقیقت است که پیاده شده است در تجلّی نور رسول خدا حضرت محمّد (ص) ، و در مرتبه سوم نزول کتاب آسمانی قرآن است از جانب خداوند متعال ، بوسیله رسول اکرم (ص) . - ۲ آمرزنده معاصی و قبول کننده توبه و شدید در عقاب ، و صاحب رفعت و بلندی ، و خدایی نیست مگر او ، و بسوی او است برگشتن . - ۳ و خصومت نمیکند در آیات الهی مگر افرادی که خصومت میکنند و کفر میورزند ، پس فریب ندهد شما را آمد و رفت آنها در شهرها . - ۴ تکذیب کرده است پیش از آنها قوم نوح ، و بعد از آنها احزاب مختلف ، و قصد کرده است هر امتی رسول خدا را که أخذ کنند او را ، و جدال و خصومت میکنند بباطل ، تا بوسیله آن باطل حقّ را دفع کنند ، پس أخذ کردیم و گرفتیم آنها را ، و چگونه بود عقاب و مجازات من . - ۵ و اینچنین ثابت شده است حکم الهی درباره کافرین که آنها از اصحاب آتش خواهند بود . - ۶ و آنانکه حمل می‌کنند عرش الهی را و آنها را که در اطراف آن هستند ، تسبیح میکنند خداوند را با حمد و ستایش او ، و ایمان می‌آورند باو و استغفار و طلب مغفرت میکنند برای مؤمنین ، و گویند خداوندا بیامرز آنها را که ایمان آورده‌اند و استغفار میکنند برای مؤمنین ! خداوندا رحمت و علم تو وسعت گرفته است همه موجودات را ، بیامرز آنها را که بسوی تو توبه کرده ، و پیروی نموده‌اند از راه حقّ تو ، و نگهداری کن آنها را از عذاب آتش . - ۷

نتیجه:

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ : عرش خداوند جایگاه نزول و استقرار مقام روحانی و معنوی پروردگار متعال است ، و این بر دوش چهار ملائکه مقرب باشد ، که این ملائکه آن مقام روحانی با عظمت را حمل میکنند .

رَبَّنَا وَاَدْخَلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . - ۸ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ . - ۹ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مَنْ مَقَّتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ . - ۱۰ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ . - ۱۱ ذَلِكُمْ بَأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ . - ۱۲ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلْ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ . - ۱۳ .

عَدْنٌ : إقامت، توطئن .

ذُرِّيَّاتٍ : جمع ذَرِيَّةٍ : نسل و اولاد .

تَقَى : از وقى يقى - از نگهدارى كردن .

مَقَّتْ : بَغْض شديد .

يُنِيبُ : رجوع كردن ، برگشتن .

أَمَتْنَا : مرگ دادن است .

أَحْيَيْتَنَا : زنده كردى ما را در مقابل أَمَتْنَا .

قِهِمْ : أمر است از وقى يقى ، نگهدار آنها را .

می‌فرماید : خداوند داخل کن آنها را به بهشتهای همیشگی که وعده دادی آنها را و افرادی را که سزاوار و شایسته هستند از پدرانشان و از أزواج آنها و از فرزندانشان، بتحقیق تو با عظمت و صاحب حکمت هستی . - ۸ و نگهدار آنها را از اعمال زشت ، و کسی را که نگهداری کنی از اعمال ناشایسته، در آن روز او را مهربانی کردی، و این معنی موفقیّت بزرگی است . - ۹ بتحقیق آنها یکه کافر شدند خطاب میشوند که غضب خداوند بر شما شدیدتر است از سوء عمل خودتان که بضرر خود تمام میشود ، زمانیکه دعوت میشود بسوی ایمان بخدا ، و شما کافر میشوید . - ۱۰ گویند که خدایا دو مرتبه ما را گشتی ، و دو مرتبه زنده نمودی، پس ما اعتراف میکنیم بگناههای خودمان، آیا راهی هست برای خلاصی از گرفتاری . - ۱۱ این جریان بخاطر اینستکه چون دعوت بشوید برای خدای یکتا کافر می‌شوید و اگر شریک داده بشود به او ایمان می‌آورید ، پس حکم قاطع در امروز برای خداوند است ، و او بزرگ و بلند مقام است . - ۱۲ و او است که نشان میدهد شما را آیات خود را و نازل میکند از آسمان برای شما روزی ، و متذکر نمیشود مگر کسیکه بسوی او برگردد . - ۱۳ .

نتیجه :

دعوت بشرک : بر دو قسمت است ، نوعی بقول و گفتاری است ، و نوع دیگر : بعمل ، و مراد دعوت بعمل باشد که رفتار و عمل طوری باشد که موجب توجه بغیر خداوند گردد ، که در حقیقت شرک بخدا خواهد شد.

فَادْعُوا اللَّهَ مَخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ . - ۱۴ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ . - ۱۵ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ

القَهَّار . ۱۶ أَلْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ . - ۱۷ و أَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَ لَا شَفِيعَ يُطَاع . - ۱۸ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُور . - ۱۹ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ . - ۲۰

- مُخْلِصِينَ : خالص کنندگان از نیات مختلف .
- الدِّين : بمعنی طاعت ، عبادت است .
- ذُو الْعَرْش : صاحب تخت که مسکن است .
- يُلْقَى : طرح ، انداختن .
- الرُّوح : آنچه حیات با او است ، نفس انسان .
- التَّلَاق : با همدیگر ملاقات کردن .
- بَارِزُونَ : ظاهر شدن ، برو آمدن .
- الْأَزْفَةُ : نزدیک شونده ، روز قیامت .
- حَنَاجِر : جمع حنجر ، حلقوم و گلو .
- يَقْضَى : اِتمام ، فراغت ، حکم .

پس دعوت کنید خداوند را در حالتیکه خالص کننده باشید برای او پرستش خودتانرا اگرچه کراهت داشته باشد آنرا کافرین . - ۱۴ درجات و مقامات او بلند است و صاحب عرش عظیم است ، و إلقاء و طرح میکند روح را بفرمان خود بهرکسیکه بخواهد از بندگان خود ، تا بترساند روز ملاقات را . - ۱۵ روزیکه آنها ظاهر میشوند و پنهان نمی ماند از آنها برای خداوند چیزی ، برای کیست در آنروز مالکیت ، برای خداوندیکه یکتا و غالب است . - ۱۶ و در آنروز جزاء داده میشود هر

نفسی بآنچه بدست آورده است ، و در آنروز ظلمی بکسی وارد نمیشود ، و خداوند حسابش دقیق و سریع است . - ۱۷ و بترسان مردم را از روزیکه نزدیک است ، زمانیکه قلوب در گلوها میمانند ، و برای ستمگران یاری کننده و شفاعت کننده ایکه مؤثر باشد نباشد . - ۱۸ و میدانند خیانت چشمها و پنهانی سینهها را . - ۱۹ و خداوند حکم میکند بحق ، و کسانیکه دعوت میکنند غیر او را هرگز نمی توانند حکمی داشته باشند ، و خداوند شنونده و بینا است . - ۲۰

نتیجه :

روزیکه نزدیک است : نزدیکی ساعت بنحو مطلق از باب - اقتربت الساعة - باشد ، زیرا چیزیکه وقوعش مسلم و قطعی باشد : مانند چیزیست که نزدیک باشد .

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبة الذین کانوا من قبلهم کانوا هم أشد منهم قوّة و آثارا فی الأرض فأخذهم الله بذنوبهم و ما کان لهم من الله من واق . - ۲۱ ذلک بأنهم کانت تأتیهم رسلهم بالبینات فکفروا فأخذهم الله إنه قویّ شدید العقاب . - ۲۲ و لقد أرسلنا موسی بآیاتنا و سلطانٍ مبین . - ۲۳ الی فرعون و هامان و قارون فقالوا ساحر کذاب . - ۲۴ فلما جاءهم بالحق من عندنا قالوا اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه و استحووا نساءهم و ما کید الکافرین إلا فی ضلال . - ۲۵ و قال فرعون ذرونی أقتل موسی ولیدع ربّه انی أخاف أن یبدل دینکم أو أن یظہر فی الأرض الفساد . - ۲۶ .

واق : حفظ کردن ، نگهداشتن .

بینات : جمع بینه ، دلیل ، حجت ، چیزیکه روشن کند .

هامان : وزیر فرعون که مأمور شد قصری بسازد .

قارون : از ثروتمندان زمان حضرت موسی بود .
 ذرونی : امر است از . وذر یذر بمعنی ترک .
 ساحر : خادع .

می فرماید : آیا سیر نکرده اند در روی زمین تا ببینند که عاقبت زندگی آنها یکه بودند پیش از آنها چگونه صورت گرفته است ، که بودند از پیش از آنها ، و از لحاظ نیرو و قدرت و امکانات برتری داشتند ، پس بسبب معاصی و خطاهای آنها أخذ شدند ، و کسی نبود که آنها را از آن گرفتاریها نجات بدهد . - ۲۱ و این جریان بخاطر آن بود که انبیای الهی برای هدایت آمده و دلیلها و حجتهایی از جانب خداوند آوردند ، پس آنها قبول نکرده و کافر شدند ، پس خداوند توانا و شدید العقاب است . - ۲۲ بتحقیق فرستادیم موسی را به همراه آیات ما و با قدرت و سلطان آشکار . - ۲۳ بسوی فرعون و هارون و قارون ، و گفتند که موسی ساحر زبردست و روشنی است ، و دروغ میگوید . - ۲۴ و چون موسی با برنامه حق بسوی آنها آمد گفتند : بکشید فرزندان افرادی را که ایمان آورده اند بموسی ، و زنده بگذارید زنده های آنها را ، و نباشد حيله و مکر کافرین مگر در گمراهی . - ۲۵ و گفت فرعون که مرا آزاد بگذارید که بقتل برسانم موسی را ، و بخواند پروردگار خود را ، و من ترس دارم از اینکه او دین شما را تغییر بدهد ، و یا در روی زمین فساد برپا کند . - ۲۶ .

نتیجه :

برنامه زندگی امراء و سلاطین دنیوی مادی در مقابل برنامه انبیاء و روحانیین است ، سلاطین تمام توجه و مقصد آنها بتأمین دنیا و پیشرفت در امور مادی باشد ، و از این لحاظ نقطه مقابل انبیاء و روحانیین واقع شده ، و همیشه با افراد روحانی حقیقی عداوت پیدا میکنند - اُقتلوا أبناء الذین آمنوا معه .

و قال موسى إني عذتُ بربي و ربكم من كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب . - ۲۷ و قال رجل مؤمن من آل فرعون يكتم إيمانه أتقتلون رجلاً أن يقول ربي الله و قد جاءكم بالبينات من ربكم و إن يك كاذباً فعليه كذبه و إن يك صادقاً يُصّبكم بعض الذي يعدكم إن الله لا يهدي من هو مُسرف كذاب . - ۲۸ يا قوم لكم الملك اليوم ظاهرين في الأرض فمن ينصُرنا من بأس الله إن جاءنا قال فرعون ما أريكم إلا ما أرى و ما أهديكم إلا سبيل الرشاد . - ۲۹ و قال الذي آمن يا قوم إني أخاف عليكم مثل يوم الأحزاب . - ۳۰ .

عُذْتُ : از عاذَ يَعُوذُ بمعنی پناه بردنست .

بَيِّنَات : أدلّه و حجّتهای روشن .

مُسْرِف : تجاوز کننده از حدّ .

ظَاهِرِينَ : غالب ، تفوّق دارندگان .

بِأَس : شدّت ، قوّت .

رَشَاد : هدایت ، استقامت .

أَحْزَاب : جمع حزب ، جمعیکه متحد و در فکر موافق باشند .

می‌فرماید : و گفت موسی که بتحقیق من پناه بردم به پروردگارم و به پروردگار شما از هر شخص خودپسندیکه ایمان نیاورده است بروز حساب . - ۲۷ و گفت مردی از خانواده فرعون که پوشیده داشته بود ایمانش را : آیا می‌کشید مردی را که می‌گوید : پروردگار من خدا است ، و از جانب خداوند آیاتی نیز آورده است ، اگر دروغگو باشد بر ضرر خود باشد ، و اگر راستگو باشد ، پس خواهد رسید بشما بعضی از آنچه می‌گوید ، و خداوند هرگز هدایت نمی‌کند کسی را که از حدود خود تجاوز کرده و دروغگو است . - ۲۸ ای قوم من امروز مالکیت و اختیار با شما است ، و در روی

زمین غالب و پیشرفت دارید ، پس کیست که یاری کند بما اگر شدت و ناراحتی از جانب خداوند پدید آید ، فرعون گفت : من اظهار نمیکنم مگر آنچه را که برای من روشن است ، و شماها را هدایت نمیکنم مگر براه درست . - ۲۹ و گفت آنمرد مؤمن که : من میترسم برای شما از مثل مبتلا شدن جمعیت احزاب و گروههای گذشته . - ۳۰ .

نتیجه :

خودپسندیکه : خودپسندی و راضی بودن از خود ، مخالف است با ایمان بحساب ، آری تاجر و کاسبی که میدانند بحساب معاملاتش رسیدگی شده ، و از اعمال خلاف و از بی انصافی و تجاوز و ظلم او بازخواست خواهد شد ؛ قهراً معاملاتش روی حساب دقیق و عادلانه صورت گرفته ، از تجاوز و بی انصافی پرهیز خواهد کرد .

مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا
لِلْعِبَادِ . - ۳۱ وَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ . - ۳۲ يَوْمَ تُولُونَ مُدْبِرِينَ
مَالِكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ . - ۳۳ وَ لَقَدْ جَاءَكُمْ
يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ الْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قَلْتُمْ
لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٍ . - ۳۴
الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتِيهِمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ
آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ . - ۳۵ وَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ
ابنِ لِي صَرِّحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ . - ۳۶ .

دأب : تعب ، جریان عمل .

عاد : قومی از عرب بایده بود که پس از ثمود در جنوب حجاز بودند .
 ثمود : از عرب بایده‌اند که ساکن حجاز بودند قبل از عاد .
 تَنَاد : اجتماع ، که همه جمع میشوند در یک محلّ .
 مُرْتَاب : از مادّه ریب و بمعنی شکّ و تردید است .
 مَقْت : بغض شدید .
 جَبَّار : اصلاح کننده ، قاهر ، قطع کننده ،
 صَرْحُ : قصر ، بنای بلند .

می‌فرماید : مانند جریان زندگی قوم نوح و عاد و ثمود ، و آنانیکه پس از آنها بودند ، و نباشد خداوند که ظلم کند به بندگان . - ۳۱ و آی قوم من می‌ترسم برای شما از روزیکه همه مردم اجتماع میکنند . - ۳۲ روزیکه پشت میکنند در حالت عقب رفتن ، و نباشد برای شما از حفظ کننده‌ای از برنامه خداوند ، و کسیکه گمراه کند او را خداوند پس نباشد برای او راهنما و هدایت کننده‌ای . - ۳۳ و بتحقیق آمد برای شما یوسف نبیّ پیش از این با دلائل روشن ، و همیشه بودید در حالت شکّ در مورد آنچه آورده بود ، تا وقتیکه فوت کرد ، گفتید پس از او خداوند کسی را مبعوث نخواهد کرد ، اینچنین منحرف میکند خداوند کسی را که تجاوز کننده و شکّ کننده است . - ۳۴ افرادی که مجادله و بحث طولانی میکنند در آیات خداوند بی‌آنکه دلیل روشنی داشته باشند ، بعضی شدیدی است در نزد خداوند و در نزد مؤمنین ، اینچنین طبع میکند خداوند قلوب کسانی را که خودبین و ستمکار است . - ۳۵ و گفت فرعون بهامان که ساختمان کن برای من قصر بلندی را که شاید بوسیله آن بوسائلی برسم . - ۳۶ .

نتیجه :

قصر بلندی : افراد مادی و ظاهربین تصوّر میکنند که خداوند متعال در مقام بالای مادی و در آسمانها است ، و همیشه توجّه آنها بطرف بالا است ، و در حال توجّه بخداوند و دعا بسوی آسمان متوجّه میشوند .
در صورتیکه خداوند محدود نیست ، و نور وجود او محیط بهمه عوالم و بهمه آسمانها و زمین است ، و لازم است در مقام توجّه از هر جهت فکر را خالی کرد .

أَسْبَابَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَ مَا كِيدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ . - ۳۷ و قَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ . - ۳۸ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ . - ۳۹ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ . - ۴۰ يَا قَوْمِ مَالِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النِّجَاةِ وَ تَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ . - ۴۱ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ أَشْرِكُ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ . - ۴۲ .

أسباب : وسائل ، و اضافه بمعنی فی باشد .

صُدَّ : انصراف ، منع .

تَبَابٍ : قطع ، هلاک ، خسران .

مَتَاعٌ : لذت ، انتفاع .

العزیز : قوی ، غلبه .

الغفار : عفو کننده زیاد ، ستر .

يُرْزَقُونَ : آنچه انتفاع میشود .

النَّجَاةُ : خلاصی ، قطع .

بأسباب و وسائلی که در آسمانها هست ، تا آگاهی پیدا کنم به معبود موسی ، و من تصوّر میکنم او را کاذب ، و اینچنین زینت داده شده برای فرعون سوء أعمالش ، و منع شد از راه حق ، و نبود مکر فرعون مگر در راه هلاکت و انقطاع از حقّ او . - ۳۷ و گفت آنکه ایمان آورده بود ؛ ای قوم من پیروی کنید از من ، تا هدایت کنم شما را براه موقّیّت . - ۳۸ ای قوم من این زندگی دنیا محلّ انتفاع و التذاذ موقّتی است ، و زندگی آخرتی است که خانه همیشگی و پابرجایی باشد . - ۳۹ و کسیکه عمل سوئی انجام بدهد جزاء داده میشود بمثل آن ، و اگر کسی مؤمن باشد و عمل صالحی انجام بدهد . داخل خواهد شد به بهشت ، از مرد باشد و یا از زن ، و منتفع خواهد شد در آنجا بی آنکه بمقدار حساب باشد . - ۴۰ و ای قوم من چیست شما را که من میخوانم شماها را بسوی نجات پیدا کردن از گرفتاری و شما دعوت میکنید مرا بسوی آتش . - ۴۱ دعوت میکنید مرا که کافر بشوم بخدا و شریک قرار بدهم او را به چیزیکه نمیدانم و نمی‌شناسم ، و من دعوت میکنم شما را بسوی خداوند با عزّت و عفو کننده . - ۴۲ .

نتیجه :

و شریک قرار بدهم : شریک داشتن کشف از محدود بودن و عجز میکند ، و اگر نه کسی که قدرت و توانائی کاملی داشت ، در کارهای خود هرگز قبول شرکت نکرده ، و در امور خود دیگری را شریک قرار نمیداد .

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ . - ۴۳ فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفْوُضُ

أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ . - ۴۴ فَوْقِيهِ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا وَحَاقَ
بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ . - ۴۵ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا ، وَيَوْمَ تَقُومُ
السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ . - ۴۶ وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ
الضُّعْفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ
النَّارِ . - ۴۷ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْحَكُمْ بَيْنَ الْعِبَادِ . - ۴۸ .

لَا جَرَمَ : قطع ، ذنب ، قطف ثمر .

مَرَدًّا : برگشتن ، ردّ .

تَفْوِيضُ : واگذار کردن امری بديگری است .

فَوْقِيهِ : حفظ و نگهداری کرد .

حَاقَ : احاطه کرد .

يُعْرَضُونَ : اظهار کردن ، نشان دادن .

غُدُوًّا : اول نهار ، مقابل عشاء .

تَحَاوَى : تَخَاَصَمَ .

نَصِيبَ : سهم ، حصه .

مُغْنُونَ : بی‌نیازکنندگان .

می‌فرماید : ناچار است که آنچه ما را دعوت میکند ، نیست برای او دعوتی در
دنیا و نه در آخرت ، و بتحقیق که برگشت ما بسوی خداوند است ، و افرادی که تجاوز
کارند آنها أصحاب آتش هستند . - ۴۳ پس متذکر میشوید آنرا که می‌گوییم برای
شما ، و واگذار میکنم جریان کار خودمرا بر خداوند ، و بتحقیق که خداوند بینا و
محیط است بر بندگانش . - ۴۴ پس نگهداری کرد از بدیهای آنچه مکر کردند ، و
احاطه کرد به خانواده فرعون عذاب سخت . - ۴۵ و آتش عرضه میشود بآنها هر

صبح و مساء ، و روزیکه قیامت برپا میشود . دستور میرسد که وارد کنید آل فرعون را بشدیدترین عذاب . - ۴۶ و زمانیکه گفتگو میکنند در آتش ، پس میگوید افراد ضعیف به کسانیکه قوی و مستکبر بودند : آیا شما میتوانید که ما را از قسمتی از آتش نجات بدهید ، چون ما از پیروان شما بودیم . - ۴۷ مستکبرین گویند که ما همگی در آتش باشیم و خداوند اینچنین حکم فرموده است . - ۴۸ .

نتیجه :

نیست برای او دعوتی : هر صاحب متاعی خواه متاعش از اجناس مادی خارجی باشد ، و یا از امور ماورای ماده و روحانی ، مانند انواع علوم لازمست که خود را معرفی کند . و اگر نه وجود او بی فائده شده ، و کسی از آنچه او دارد نتواند استفاده کند - قل هو الله احد ، لا اله الا هو الحي القيوم ، و من يتوكل على الله فهو حسبه ، ان الله بالغ امره .

و قال الذين في النار لخزنة جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يوماً من العذاب . - ۴۹ قالوا اولم تك تأتيكم رسلكم بالبينات قالوا بلى قالوا فادعوا و ما دعوا الكافرين الا في ضلال . - ۵۰ انا لننصر رسلنا و الذين آمنوا في الحيوۃ الدنيا و يوم يقوم الأشهاد . - ۵۱ يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم و لهم اللعنة و لهم سوء الدار . - ۵۲ و لقد آتينا موسى الهدى و أورثنا بني اسرائيل الكتاب . - ۵۳ هدى و ذكرى لأولى الألباب . - ۵۴ فاصبر ان وعد الله حق و استغفر لذنبك و سبح بحمد ربك بالعشي و الإبكار . - ۵۵ ان الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان آتية ان في صدورهم الأكبر ما هم بباليغيه فاستعد بالله انه هو السميع البصير . - ۵۶ .

خَزَنَةٌ : جمع خازن بمعنی حفظ‌کنندگان اموال .
 بَيِّنَات : جمع بَيِّنَةٌ ؛ دلیل و حجت واضح .
 أَشْهَاد : جمع شاهد ، کسیکه آگاه و خبیر باشد .
 عَشِيِّ : اوّل تاریکی ، اوّل شب .
 إِپْكَار : غدوة ، اوّل نهار .
 مُجَادَلَةٌ : شدّت ، خصومت .
 سُلْطَان : غالب ، حاکم ، حجت ، دلیل .
 كِبْر : علوّ ، رفعة ، عظمت .

می‌فرماید : و گوید آنهاييکه در آتشند به خازنها و محافظين جهنّم : بخوانيد پروردگارتانرا که تخفیف بدهد برای ما روزيرا از عذاب . - ۴۹ محافظين گویند آیا نیامد برای شما بوسیله رسولان ، آیات و دلائلی از جانب خداوند ؟ گویند: آری آمد . محافظين گویند : بخوانيد خدا را ولی نباشد خواندن و دعوت افراد کافر مگر در گمراهی . - ۵۰ بتحقیق ما یاری میکنیم رسولان خود را و افرادی را که ایمان آوردند . در زندگی دنیا ، در روزیکه برپا شود شواهد و دلائل . - ۵۱ روزیکه نفع نمیدهد ستمکارانرا عذرخواهی آنان ، و برای آنها باشد لعنت و محرومیت و بدی خانه زندگی . - ۵۲ و بتحقیق آوردیم موسی را هدایت ، و ارث گذاشتیم در میان بنی اسرائیل کتاب آسمانی (تورات) . - ۵۳ که هدایت و تذکر است برای صاحبان عقل . - ۵۴ پس صبر کن که وعده خداوند حق است ، و استغفار کن برای ذنوب خود ، و تسبیح کن پروردگار را در هر صبح و شام . - ۵۵ بتحقیق آنانکه خصومت میکنند با آیات إلهی بی‌آنکه دلیل محکمی بدست داشته باشند ، نباشد در سینه‌های آنها مگر خودستایی ، و نباشند برسند بآن ، پس پناه ببر بخداوند ، و او شنونده و دانا است . - ۵۶ .

نتیجه :

دعاء الکافرین فی ضلال : دعوت و درخواست در میان طرفین بمقتضای شخصیت و خصوصیات طرفین میباشد ، چنانکه اقتضای دو مقام الوهیت و عبودیت اینستکه : از جانب عبد اطاعت کامل و تسلیم صرف با نیت خالص صورت گرفته ، و هیچگونه مخالفت و عصیان در میان دیده نشود ، و در این صورت از جانب پروردگار متعال برای همیشه اظهار لطف و رحمت و احسان محقق خواهد شد .

لَخَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرَ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ . - ۵۷ و ما یستوی الأعمی و البصیر و الذین آمنوا و عملوا الصالحات و لا المسیء قلیلاً ما تتذکرون . - ۵۸ إن الساعة لآتیه لا ریب فیها و لکن اکثر الناس لا یؤمنون . - ۵۹ و قال ربکم ادعونی أستجب لکم إن الذین یتکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین . - ۶۰ اللّٰهُ الَّذِیْ جَعَلَ لَکُمُ اللَّیْلَ لِتَسْكُنُوا فِیْهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللّٰهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَی النَّاسِ وَ لَکِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَشْکُرُونَ . - ۶۱ ذَلِکُمْ اللّٰهُ رَبُّکُمْ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانۡیُّ تُؤْفَکُونَ . - ۶۲ کَذَلِکَ یُؤْفَکُ الذِّیۡنَ کَانُوا بِآیَاتِ اللّٰهِ یَجْحَدُونَ . - ۶۳ .

ساعة : مراد ساعت قبل از مرگ است .

رِیْب : تردید و شک است .

یَسْتَكْبِرُونَ : بزرگ طلبی .

داخرین : ذلیل بودن ، کوچک شدن .

مُبْصِرٌ : روشن ، بیننده ، دلیل .

تُؤْفَکُونَ : انصراف ، کذب .

يُوفِكُ : برگشتن .

يَجْحَدُونَ : انکار میکنند .

می‌فرماید : هر آینه آفریدن و آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر است از آفریدن مردم ، و لیکن بسیاری از مردم نمیدانند . - ۵۷ و برابر نمیشود یک فرد نابینا و بینا ، و آنانکه ایمان آورده و اعمال نیکو بجا می‌آورند با کسانی که برنامه خلاف و بدی دارند ، و کمتر متذکر میشوند . - ۵۸ بتحقیق ساعت پیش‌بینی شده خواهد آمد ، و شکی در آن نباشد ولیکن اکثر مردم ایمان ندارند . - ۵۹ و فرمود پروردگار شما که بخوانید مرا تا استجابت کنم دعوت شما را ، و آنانکه خودبینی میکنند از پرستش من داخل خواهند شد بجهت بحالت خواری و ذلت . - ۶۰ خداوندیکه قرار داده است شب را برای استراحت و آسایش ، و روز را برای بینش و انجام وظیفه ، و بتحقیق که خداوند هر آینه صاحب فضل و زیادی است برای مردم ولی اکثر مردم نمیدانند و سپاسگزار نیستند . - ۶۱ این خداوند پروردگار شما است ، پس مبارک است پروردگار جهانیان که آفریننده همه موجودات است ، و معبودی نیست مگر او ، پس بکدام طرف منحرف می‌شوید . - ۶۲ و اینچنین منحرف میشود آنانکه هستند به آیات ما منکر میشوند . - ۶۳ .

نتیجه :

ساعت : هر تشکیلات مفصلی ناچار یک ساعت معین شده‌ای در آینده آن دارد که در آن ساعت بتمام اعمال و فعالیت‌های جزئی و کلی گذشته آن بررسی میشود ، و سپس بمقتضای آن بررسی در آن تشکیلات تجدیدنظر شده ، و اصلاحاتی صورت می‌گیرد ، و بهشت و جهنم نتیجه آن بررسی خواهد بود .
دعوت کنید : آری خداوند پروردگار همه مخلوق است ، و هیچگونه ضعف و

نیازی در وجود او نباشد ، و آفریدن خلق برای إحسان و بخشش بآنها است ، و امکان ندارد که دعوت مخلوق را اگر با خلوص نیت باشد رد کند .

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ . - ۶۴ هو الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۶۵ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۶۶ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلِعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ . - ۶۷ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . - ۶۸ .

قرار : سکون ، استقرار ، ثبوت .

بِنَاءٍ : ساختمان ، تعمیر .

الدِّينِ : طاعت ، عبادت ، جزاء .

بَيِّنَاتٍ : جمع بَيِّن بمعنى ظاهر و واضح ، و بَيِّنَةٌ مؤنث است .

أُسْلِمَ : اطاعت ، انقیاد .

نُطْفَةٍ : آب چکیده که از مرد باشد و یا از زن .

عَلَقَةٍ : خون ، وابسته بودن .

شُيُوخٍ : جمع شیخ بمعنی کسیکه پیر است ، استاد ، عالم .

يُتَوَفَّى : قبض روح ، اتمام ، أخذ .

تَبْلُغُوا : رسیدن ، کامل شدن .

أَجَلًا : وقت تأخیر شده .

می‌فرماید : خداوندیکه قرار داده است زمین را در حالت استقرار و سکون ، و آسمانرا در حالت ساختمان و بناء شده ، و صورت شما را در بهترین صورتها ، و روزی داده است شما را از پاکیزگیهای مأکولات ، این پروردگار شما است ، پس مبارک است پروردگار جهانیان . - ۶۴ و او زنده است و معبودی نیست مگر او پس بخوانید او را و إخلاص داشته باشید در عبودیت و إطاعت او ، و ستایش برای خداوند جهانیانست . - ۶۵ بگوی که من نهی شده‌ام اینکه پرستش کنم آنها را که شماها آنها را پرستش میکنید ، زمانیکه آمده است مرا دلائل روشن از جانب پروردگارم و تسلیم کرده‌ام خود را به پروردگار جهانیان . - ۶۶ او است که آفریده است شماها را از خاک ، و سپس از نطفه مرد و پس از آن از علقه که خون بسته شده است ، پس بیرون آورد آنها بصورت طفلی ، و سپس تا برسد بحالت محکم شدن و پس از آن تا برسد بحالت پیری و سالخوردگی ، و برخی از آنها پیش از این فوت میشوند ، و تا برسید بزمان وقت معین شده ، شاید که شماها بفهمید . - ۶۷ او است که زنده میکند و می‌میراند ، و چون بیک امری حکم کرد : پس میگوید در آنمورد - کُنْ ! پس واقع میشود . - ۶۸ .

نتیجه :

سکون : در عین حالیکه زمین بتندی حرکت کرده ، و بوسیله این حرکت وضعی (بدور خود) و انتقالی (بدور آفتاب) همه رقم احتیاجات انسانها و سائر موجودات زنده را تأمین میکند ، کوچکترین ناراحتی و اضطراب در آنها دیده نمیشود .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنِّي يُصْرَفُونَ . - ۶۹ الَّذِينَ كَذَّبُوا
بِالْكِتَابِ وَ بَمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ . - ۷۰ إِذَا لِأَغْلَالٍ فِي أَعْنَاقِهِمْ
وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ . - ۷۱ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ . - ۷۲ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ

أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ . - ۷۳ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا بَلْ ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ . - ۷۴ ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بغيرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ . - ۷۵ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ . - ۷۶ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَأِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ . - ۷۷ .

مجادله : خصومت ، مخالفت .

أُنِّي : از کلم مجازات و بمعنی آیین است .

أَغْلَالُ : جمع غُلٍّ - آنچه در گردن و یا دست می‌بندند برای مجازات .

يُسْحَبُونَ : کشیدن .

يُسْجَرُونَ : پر کردن ، روشن کردن .

تَمْرَحُونَ : فرح شدید و زیاد .

مَثْوًى : محل اقامت .

تَتَوَقَّيَنَّكَ : اخذ ، اتمام عهد .

می‌فرماید : آیا ندیدی آنهائیرا که خصومت میکردند در مقابل آیات پروردگار متعال که بکجا برمیگردند . - ۶۹ آنهائیکه تکذیب کردند کتاب آسمانیرا و آنچه را که بوسیله رسولان فرستادیم پس خواهند دانست . - ۷۰ زمانیکه زنجیرها بگردن آنها باشد و سلسله‌ها کشیده می‌شوند . - ۷۱ و در آتش و گرما میباشند . - ۷۲ و سپس گفته میشود بآنها که در کجا شریک قرار میدهید . - ۷۳ از غیر خداوند ، گویند بلکه گمراه و گم شد از ما آنچه تصوّر میکردیم . بلکه نبودیم که خوانده باشیم پیش از این چیزیرا ، این چنین فرومیگذاریم افرادیرا که کفر میورزند . - ۷۴ اینها برای شما بسبب آنستکه بودید خوشحال در روی زمین بدون واقعیت و حق ، و بشدت

فرحناک میشدید . - ۷۵ وارد بشوید بجهنّم که بهمیشگی ماندنی در آنجا باشید ، و چه بد است جای اقامت متکبرین . - ۷۶ پس صبرکن که وعده پروردگار حقّ است که یا نشان می‌دهیم بتو برخی از آنهائیرا پیش از فوت و یا اینکه می‌میرانیم و بسوی ما برمی‌گردید . - ۷۷ .

نتیجه :

متکبرین : یعنی افرادی که أخذ بزرگی و کبر کرده و خود را بزرگ می‌شمارند ، و در نتیجه دیگرانرا کوچک دیده ، و در مقابل این تکبر و ظائف و تکالیف الهی را نیز کوچک می‌شمارند ، و حتی در جهت عبودیت خود نیز سست شده و کوتاهی میکنند .

و لقد أرسلنا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ . - ۷۸ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ . - ۷۹ وَ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ لِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَ عَلَيْهَا وَ عَلَى الْفَلَكَ تُحْمَلُونَ . - ۸۰ وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيُّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ . - ۸۱ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَ أَشَدَّ قُوَّةً وَ ءَأْتَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . - ۸۲ .

خسران : زیانکاری ، ضرر .

مبطلون : باطل و لغو بجا آورندگان .

فلك : کشتی که روی آب حرکت می‌کند .

می‌فرماید: و بتحقیق فرستادیم رسولانی پیش از تو، از آنان اشخاصی هستند که حکایت و نقل کردیم برای تو، و از آنها قسمتی را برای تو نقل نکردیم، و نباشد از رسولی که آیتی بیاورد مگر آنکه باذن خداوند باشد، پس زمانیکه حکم خداوند آمد: حکم میشود روی حق، و زیان می‌بیند در آنزمان افرادی که بباطل گرویده بودند. - ۷۸ خداوندیکه برای شماها چهارپایانرا قرار داده است، تا سوار بشوید به بعضی از آنها، و بخورید از بعضی دیگر. - ۷۹ و برای شما در آنها منافی هست، و تا برسید بوسیله آنها به حوائجی که پیدا میکنید، و بر آنها و بر کشتی سوار شوید. - ۸۰ و روشن کند برای شما آیات خود را پس کدام یک از آیات الهی را انکار میکنید. - ۸۱ آیا گردش نمیکنید در روی زمین تا به بینید که چگونه شده است عاقبت زندگی آنهایکه پیش از آنها بودند، و آنها بودند زیادت و قوی‌تر از لحاظ توانایی و آثار درروی زمین، که بی‌نیاز نکرد آنها را از آنچه فعالیت داشتند. ۸۲.

نتیجه:

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ: خوارق عادات و معجزاتی که از انبیاء صادر میشود: قطعاً باید با اذن و اجازه پروردگار متعال باشد، بطور خاص و یا عامّ لازمست که با اجازه و اراده الهی صورت بگیرد، و اراده او است که با قول کن، نتیجه - فیکون، محقق گردد. آری خداوند متعال بطوریکه خودش فرموده است: إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ - سوره یس آیه ۸۲، و در همین سوره غافر فرمود، آیه ۶۸ - هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، یعنی عِلَّتْ تَامَّتْ تَحَقَّقْ هِرْ چیزی درباره خداوند متعال: اراده و خواستن او است - يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. و اینچنین است اراده او در محیط انبیاء.

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا

به یَسْتَهْزِءُونَ . - ۸۳ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّهٖ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ . - ۸۴ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ . - ۸۵ .

بَيِّنَات : جمع بینه بمعنی آیات و دلائل روشن .

حَاق بِهِمْ : احاطه کرد بآنها .

يَسْتَهْزِءُونَ : مسخره و کوچک شمردن .

بَأْسٌ : شدت ، و ناراحتی .

سُنَّتٌ : طریقه و عادت و روش .

خَلَّتْ : گذشته و گذاشته است .

خَسِرَانَ : زیان و ضرر دیدن .

می فرماید : پس زمانیکه آمد آنها را آیات و دلائل روشن ما ، شاد و خوشنود شوند بآنچه نزد آنها است از علم و معرفت ، و احاطه میکند بآنها آنچه بودند بآن استهزاء میکردند . - ۸۳ پس چون دیدند شدت و گرفتن ما را گویند ایمان آوردیم بخداوند یکتا ، و کافر شدیم بآنچه بودیم بآن شریک قرار دهندگان . - ۸۴ پس نفع نمیدهد بآنها ایمان آنها زمانیکه ببینند شدت و گرفتاری را ، این روش پروردگار است که در میان بندگان گذاشته شده است ، و کافرین در آنمورد زیانکار خواهند بود . - ۸۵ .

تمام شد تفسیر سوره مبارکه غافر از تتمه جلد پانزدهم و شروع میشود بتفسیر سوره حم فُصِّلَتْ ، البته با توجّه و توفیق پروردگار متعال .
و أمّا نتیجه چند آیه آخر سوره گذشته - غافر :

اشاره است بآنچه ارزش عمل بآنست که در صورت آزادی و اختیار تمام صورت بگیرد ، و اما آنچه بصورت اضطرار و مقهوریت واقع شود : موجب درجه و مقام نشده و تنها رفع عذاب و دفع گرفتاری خواهد کرد ، آنهم در صورتیست که برخورد بحقوق دیگران نشده و سبب ضایع شدن آنها نگردد .

سوره فصلت

سوره - ۴۱ عدد آیات ۵۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم - تنزيل من الرحمن الرحيم . - ۲ کتابُ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قرآنًا عربيًّا لقوم يعلمون . - ۳ بشيراً و نذيراً فأعرض أكثرهم فهم لا يسمعون . - ۴ و قالوا قلوبنا في أكنة مما تدعونا إليه و في آذاننا وقر و من بيننا و بينك حجاب فاعمل إننا عاملون . - ۵ قل إنما أنا بشرٌ مثلکم یوحى إلي أنما إلهکم إله واحد فاستقيموا إليه و استغفروه و ویل للمشرکین . - ۶ الذین لا یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم کافرون . - ۷ إن الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم أجرٌ غیر ممنون . - ۸ .

حم : در سوره گذشته گفته شد که : حرف - ح اشاره است به تجلی حقیقت و حرف - م : به ظهور نور رسالت حضرت محمد ص . که در مرحله دوّم و مصداق تجلی حقیقت است در خارج .

تنزیل من الرحمن الرحیم : جمله خبر است از مبتدای محذوف ، یعنی این کتاب از جانب پروردگار رحمن و رحیم است .

و رحمن دلالت می کند به صاحب رحمت و مهربانی عمومی که بهمه موجودات رحمت او احاطه کرده است . و رحیم بصاحب رحمت مخصوص بمؤمنین .

فُصِّلَتْ آیاته : تفصیل جدا کردن مطالب است از همدیگر که احکام و مواعظ و اوامر و نواهی و حقایق از همدیگر جدا کردند .

قرآنًا عربيًّا : قرآن و قرء بمعنی جمع کردن و اجزاء را بهم متصل کردنست ، و باین مناسبت قرآن بمجموعه آیات اطلاق میشود .

و عربی: منسوب بلغت عرب و طائفه عرب است، و بمعنی فصیح است. بشیراً و نذیراً: در حالتیکه مژده و بشارت دهنده است بآفراد نیکوکار که گوش میدهند و عمل میکنند بدستورهای آن کتاب آسمانی، و ترساننده است بآنهاییکه اعراض کرده و ترک میکنند آنرا، و جای تأسف باشد که اکثر مردم از این مطالب اعراض کرده، و آنها را گوش نمیدهند. - ۴ و گویند قلبهای ما در پرده است از آنچه دعوت میکنید ما را بآن، و در گوشهای ما سنگینی هست، و در میان ما و شما حجاب هست، پس عمل کنید که بتحقیق ما نیز عمل کننده هستیم. - ۵ و بگو که بتحقیق من بشری هستم بمانند شما که وحی میشود از جانب خداوند بمن، و پروردگار شما خدای یکتا است، پس استقامت داشته باشید در راه او و از او استغفار کنید، و وای باد برای مشرکین. - ۶ آنانکه زکوة اموالشانرا نمیدهند و به عالم آخرت کافر هستند. - ۷ بتحقیق آنانکه ایمان آورده و اعمال صالح بجا میآورند پس برای آنها است اجریکه منّتی در آن نباشد. - ۸

نتیجه:

آنانکه زکوة اموالشانرا نمیدهند: کفر بآخرت در ارتباط اعمال و حرکت خودشان باشد. و زکوة ندادن از جهت متوقف کردن سیر دیگران باشد. آری زندگی دنیا برای رسیدن بزندگی آخرتی است که باطن و لبّ این زندگی دنیوی باشد. و در آنجا است که هرگونه وسائل و اسباب مادی از میان رفته، و روح انسان با قوای روحانی باقی می ماند. و این روح همانست که در آخرین مرتبه آفرینش انسان، در وجود او نفخ و دمیده میشود - و نفخت فیه من روحی. و این روح گذشته از اینکه بوسیله آن قوای باصره و سامعه و ذائقه و لامسه و شامه، بوجود آیند، و اصل حیات هم با آن متحقّق میشود. و با فوت بدن و قوای

بدنی : بقای آن متزلزل نشده ، و برای همیشه باقی و پایدار باشد .
 و او ، همیشگی و ثابت بوده ، و پس از جدا شدن از بدن ، خود بدون واسطه
 قوای باصره و سامعه و مُدرکه بنحوکلی را دارد ، و از این لحاظ است که توسل بآن و
 توجه و درخواست از آن در حال حیات بدنی و پس از فوت فرقی نداشته ، و نتیجه
 گرفته خواهد شد .
 و حقیقت زیارت و توسل بانبیاء عظام و توسل بحضرات ائمه معصومین (ع) از
 این بیانات روشن می‌گردد.

قَلْ أَعْيُنكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَاداً ذَلِكَ
 رَبُّ الْعَالَمِينَ . - ۹ و جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا
 فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ . - ۱۰ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا
 وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ . - ۱۱ فَقَضِيهِنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي
 يَوْمَيْنِ وَ أَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حَفِظْنَا ذَلِكَ
 تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ . - ۱۲ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ
 ثَمُودَ . - ۱۳ إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا
 لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَأَنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ . - ۱۴ .

أنداد : جمع نَدَّ بمعنی مثل و نظیر است .

رَوَاسِيَ : جمع رَاسِيَه ، سفینه و کوه که ثابت شوند .

دُخَانٌ : فساد ، خبث .

قضاء : اِتمام ، فراغ .

مصابيح : جمع مِصباح آلت روشنائی ، چراغ ، نجوم .

صاعقه : صوت شدید رعد ، آتش رعد ، صیحه عذاب .

ملائکة: جمع ملاک که بمعنی صاحب و حاکم است، و اطلاق میشود به خلق عوالم بالا که حاکم بر عوالم مادی و زمینی هستند.

می‌فرماید: بگو آیا شما کافر میشوید به پروردگاری که آفریده است زمین را در دو روز، و قرار می‌دهید برای او نظائر و امثالی، آن پروردگار جهانیان است. - ۹ و در روی زمین کوههایی قرار داده است، و هم کشتیهایی جریان پیدا کرده است، و معین کرده است برای آن وقتهایی معین شده در چهار روز که برابر است برای سؤال کنندگان. - ۱۰ و سپس احاطه کرد بر آسمانها و آنها دখانی بودند، پس خطاب کرد با آسمانها و زمین که بیائید بحالت اطاعت و یا کراحت! گفتند: ما آمدیم اطاعت کنندگان. - ۱۱ پس تمام کرد آنها را در مدت دو روز، و بصورت هفت آسمان، و بهر آسمانی وحی فرمود که وظائف خود را انجام بدهد، و زینت دادیم آسمان پایین دنیوی را با مصابیح و چراغهایی، و هم برای محفوظ ماندن، و این مقدر و معین کردن پروردگار با عزت و علیم است. - ۱۲ و اگر اعراض کردند پس بگو که من می‌ترسانم شما را از صاعقه‌ای چون صاعقه که برای قوم عاد و ثمود بود. - ۱۳ زمانیکه آمدند رسولان از پیشرو و از پشت آنها که پرستش نکنید مگر خداوند را، و گفتند که: اگر خداوند میخواست هر آینه نازل میکرد کسی را از ملائکه، و ما با او مخالفیم. - ۱۴.

نتیجه:

چهار روز: این مقدار یا در حرکت زمین معین میشد، و یا بتقدیر مقداریکه برای یک روز و چهار روز اندازه گرفته میشد، زیرا مقدار حقیقی یک روز از گردش زمین بدور آفتاب معین باشد.

فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أُولَئِكَ يَرَوْنَ
 أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ . - ۱۵ فَأَرْسَلْنَا
 عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ
 لِعَذَابِ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ . - ۱۶ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا
 الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . - ۱۷ وَ
 نَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ . - ۱۸ وَ يَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ
 يُوزَعُونَ . - ۱۹ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ
 بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . - ۲۰ وَقَالُوا لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ لَمَّ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي
 أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تَرْجَعُونَ . - ۲۱ .

عاد : طائفه‌ای بود از عرب که پس از ثمود در جنوب عربستان ساکن شدند .

صَرْصَر : صوت شدید .

نَحِس : مقابل سعد ، جفاء کردن ، ضرر .

ثمود : طائفه‌ای از عرب که پیش از عاد ساکن سرزمین جنوب حجاز بودند ، و ثمود

زمین مجری آب است .

صَاعِقَه : صدا ، صوت تند .

يُوزَعُونَ : تقسیم ، تفریق .

قُوَّة : مقابل ضعف ، نیرومندی .

يَجْحَدُونَ : إنکار ، تکذیب .

الْهُون : لینت ، حقارت .

می‌فرماید : پس آن قوم عاد بزرگ منشی کردند در روی زمین بدون حق ، و
 گفتند که کیست که از ما نیرومندتر باشد ، آیا نمیدانند پروردگاری که آنها را آفریده

است او بالاتر و شدیدتر است از آنها از جهت قدرت ، و آنها هستند به آیات ما منکر میشوند . - ۱۵ پس فرستادیم به آنها بادی صدادار در آیام منحوس و سخت ، تا بچشانیم بآنها عذاب خوار کننده را در زندگی دنیوی ، و هر آینه عذاب آخرت خوار کننده تر است اگر بفهمند و آنها یاری کرده نمی شوند . - ۱۶ و أمّا قوم ثمود : پس ما هدایت کردیم آنها را و دوست داشتند کور بودنرا بر هدایت پیدا کردن ، پس اخذ کرد آنها را باد تند صدادار شدید بسبب آنچه عمل میکردند . - ۱۷ و نجات دادیم مؤمنین را که تقوی داشتند . - ۱۸ و روزی آید که محشور گردند دشمنان خداوند بسوی آتش و در آنموقع تقسیم میشوند . - ۱۹ تا وقتیکه آمدند بانجا شهادت میدهند بانها گوش و چشمها و پوستهای آنها بانچه عمل میکردند . - ۲۰ و گویند برای پوستهای خودشان که برای چه شما شهادت دادید بأعمال ما ؟ گفتند که بنطق آورده است ما را آن کسیکه همه را بنطق آورده است ، و او در نخستین مرتبه همه را آفریده است و بسوی او خواهید برگشت . - ۲۱ .

نتیجه :

پوستهای خودشان : زبان که در دهان وسیله تکلم است ، گوشتی است که بسخن گفتن و حرف زدن آماده میشود ، و با اجازه خداوند حرف میزند .

و ما کنتم تستترون أن يشهد عليكم سمعكم ولا أبصاركم و لا جلودكم و لكن ظننتم أن الله لا يعلم كثيراً مما تعملون . - ۲۲ و ذلکم ظنکم الذی ظننتم برّبکم اُردیکم فأصبحتم من الخاسرین . - ۲۳ فإن یصبروا فالنار مثنوی لهم و إن یستعینوا فما هم من المعتبین . - ۲۴ و قیضنا لهم قرناء فزینوا لهم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و حقّ علیهم القول فی أمم قد حلت من قبلهم من الجنّ و الإنس إنهم كانوا خسرين . - ۲۵ و قال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن و

الغَوَافِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ . - ۲۶ فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ
 أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ . - ۲۷ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارَ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ
 جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ . - ۲۸ .

استتار : پوشیدن ، ستر شدن .

إِرْدَاءُ : اهلاک ، إسقاط .

مَثْوًى : محلّ اقامت است .

استعتاب : ملامت ، عتاب کردن .

تَقْيِيضُ : تقدیر ، مبادله .

قُرْنَاءُ : جمع قرین بمعنی مقارن و مصاحب .

إِلْغَاءٌ وَ لُغَاءٌ : بلغو سخن گفتن .

أَسْوَأُ : اقتداء ، تبعیت .

جَحْدٌ : انکار کردن .

می فرماید : و نبودید که بیوشانید که شهادت بدهند گوشه‌های شما و یا چشمه‌های
 شما و یا پوسته‌های بدن شما ، و تصوّر میکردید که خداوند توجّه نمیکند به بسیاری
 از آنچه عمل میکنید . - ۲۲ و این خیال باطل شما بود که تصوّر میکردید درباره
 خداوند خودتان شما ، هلاک شده اید و برگشتید از زیانکاران شدید . - ۲۳ پس اگر
 صبر کرده و حرکت نکنید : پس آتش جایگاه شما خواهد بود ، و اگر ملامت
 بخواهید : هرگز شما از ملامت شدگان نخواهید بود . - ۲۴ و مقدر کردیم برای آنها
 همراهانی را پس زینت دادند برای آنها پیشروی و عقب سر آنها را ، و ثابت شده
 است برای آنها حکمِ اِلهی که گذشته‌اند از پیش از آنها از جنّ و انس ، و آنها بودند از
 زیانکاران . - ۲۵ و گفتند آنها بیکه کافر شدند : گوش ندهید باین قرآن ، و بلغو سخن

گویید در آن ، شاید که شما غلبه کنید . - ۲۶ پس البته می‌چشانیم برای کافرین عذابی سخت و هر آینه جزاء می‌دهیم آنها را در مقابل آنها بیکه عمل میکردند . - ۲۷ این جزای افرادی است که دشمنان خدا هستند ، و آن خانه آتشی است که همیشگی است . - ۲۸ .

نتیجه :

آتش همیشگی : دائمی و همیشگی بودن محیط تابع اقتضاء و وجود شخصی است که ساکن آنجا باشد ، و چون شخصی وجودش اقتضای آتش دارد : قهراً محیط آتشی را برای او انتخاب خواهند کرد و آتش در محیط و مسکن در آنجا باقتضای خود شخص باشد ، نه آنکه از خارج برای او ایجاد بشود .

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ ضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أقدامنا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ . - ۲۹ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ . - ۳۰ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ . - ۳۱ نَزَّلْنَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ . - ۳۲ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ . - ۳۳ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ . - ۳۴ .

أَسْفَلِينَ : از سفول ضدّ علوّ است .

إِبْشَارٌ : مسرور کردن ، و شاد نمودن .

تَدْعُونَ : از ادّعاء که چیز را خواستن و برای خود دانستن است .

- نُزُلًا: منزل ، نازل شوندگان .
 حَمِيم: گرم ، شدت گرما ، محبّ .
 لَا تَسْتَوِي: اعتدال ، استقامت .
 اِدْفَعُ: ردّ ، دور کردن .
 استقاموا: خواستن برپایی ، معتدل شدن .
 تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ: انحدار از بالا بپایین است .
 تحت أقدام: هدر کردن ، عفو نمودن .
 وَلِيّ: قریب ، ناصر ، محبّ ، مالک است .

می فرماید: و گفتند افرادی که کافرند ، پروردگارا نشان بده بما آنها را که ما را گمراه کردند از جنّ باشند و یا از انس که قرار بدهیم آنها را در زیر پاهای خودمان ، تا باشند از فروما یگان . - ۲۹ بتحقیق آنانکه ایمان آورده و استقامت داشتند: نازل میشود بآنها ملائکه که ترس و حزنی نداشته ، و بشارت باد برای شما بهشتی که بآن وعده داده شده اید . - ۳۰ ما اولیاء و متولیان امور شما هستیم در زندگی دنیوی و در آخرت ، و برای شما باشد در آنجا آنچه میخواهید و آنچه درخواست کنید . - ۳۱ نازل شدنی است از جانب آمرزنده مهربان . - ۳۲ و کیست که نیکوتر باشد از جهت گفتار از آن شخصی که دعوت میکند بسوی خداوند و عمل میکند با برنامه صلاح و خیر ، و اظهار میکند که من از تسلیم شدگانم . - ۳۳ و هرگز برابر و معتدل نمیشود اعمال نیکو و نه اعمال سوء و زشت ، که اینها بر خلاف همدیگرند ، و دفع و دور کن اعمال سوء را بوسیله اعمال پسندیده ، تا در اینصورت آنها بیکه عداوت و دشمنی دارند برمیگردند بمقام دوستی و مهربانی . - ۳۴ .

نتیجه :

نزول ملائکه : در سابق گفته شد که ملائکه از عالم ماورای طبیعتات و از جهان فیما بین طبیعی و ارواح باشد ، و میتواند با ارواح و هم با انسانهای مستعد و پاک تماس و برخورد پیدا کند .

و ملائکه در اثر روحانیت و طهارت و آزادی میتوانند اعمال فوق انسانها را انجام بدهند ، چنانکه انسان اگر خود را از قیود و حدود طبیعی آزاد کند می تواند با ملائکه مرتبط شده و از آنها استفاده نماید .

و ما يُلَقِّيهِا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا و ما يُلَقِّيهِا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ . - ۳۵ و اِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . - ۳۶ و مِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَ لَا لِلْقَمَرِ وَ اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ . - ۳۷ فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُمْ لَا يَسْأَمُونَ . - ۳۸ و مِنْ آيَاتِهِ أَنْكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ إِنْ الَّذِي أَحْيَاهَا لُمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . - ۳۹ إِنْ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفُونَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ . - ۴۰ .

يُلَقِّي : انداخته شدن ، و طرح شده .

حَظٌّ : نصیب .

نَزْغٌ : طعن ، قلع .

سَأَمٌ : ملال .

خَاشِعَةٌ : خاضع و برقرار .

اهتزاز : تحرک .

رَبْتُ : ازدیاد ، نمو .

إِلْحَاد : عدول ، منحرف کردن .

شیطان : دور از حق ، مخالف ، شریر است .

و این عنوان در افراد انس و جنّ پیدا میشود ، و مخصوص یک فرد از جنّ نیست ، و باید از هر شیطانی که از جنّ باشد و یا از انس و شریر و دور از حقّ است دوری و پرهیز کرد .

می‌فرماید : و داده نشود این خصلت که دفع کردن سیئه بحسنه باشد ، مگر بکسی که صاحب نصیب عظیمی است ، و برای افرادی که بصفه صبر و تحمل متّصف هستند . - ۳۵ و اگر طعن و نیشی بشما از شیطان برسد پس پناهنده باش بخداوند ، و او شنونده و دانا است . - ۳۶ و از آیات خداوند است آفتاب و ماه و روز و شب ، سجده و خضوع نکنید بآفتاب و نه بماه ، و سجده کنید بخداوندیکه آنها را آفریده است ، اگر میخواهید که بخداوند سجده کنید . - ۳۷ پس اگر شما طلب بزرگی نمایید ، متوجّه باشید که آنهایکه با خدا بوده و مربوط با خدایند پیوسته در شب و روز او را پرستش و تسبیح کرده و هرگز خسته و ملول نگردند . - ۳۸ و از آیات خداوند است که می‌بینی زمین را برقرار و خاضع ، و چون آب دادیم بآن برمیگردد بحرکت آمده و نموّ پیدا میکند ، و خداوندیکه زمین مرده را احیاء میکند زنده کننده اموات باشد ، و او بهر چیزی قادر و توانا است . - ۳۹ بتحقیق افرادی که منحرف میکنند آیات ما را هرگز مخفی نمیشود بر ما إلحاد آنها ، آیا کسیکه وارد کرده شود به آتش بهتر است و یا آنکه در روز قیامت حاضر شود بحالت أمن و اطمینان ، عمل کنید بآنچه میخواهید که خداوند آگاه است . - ۴۰ .

نتیجه :

دفع سیئه : حقیقت دفع سیئه عبارتست از ادامه اعمال حسنه بطوریکه فرصتی برای اعمال سیئه باقی نباشد ، و هم اقبال برای سیئات پیدا نشود ، زیرا کسی که توجه کامل بحسنات و اطاعات پروردگار متعال پیدا میکند : قلبش از روحانیت و عبودیت خالص مملو شده است ، و هیچگونه حاضر بعضیان نخواهد بود .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لِكِتَابٍ عَزِيزٍ . - ۴۱ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ . - ۴۲ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ . - ۴۳ وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قَلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءً وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ . - ۴۴ وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِّبَ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ . - ۴۵ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ . - ۴۶ .

عزیز : گرامی بودن و برتر است که در مقابل ذلت باشد .

باطل : مقابل حق است ، و چیزی است که ثابت و پابرجا نباشد .

بین دیدیه : مقابل است که در جهت روبرو باشد .

حکیم : متصف بحکم و قاطعیت باشد .

حمید : پسندیده و مطلوب است .

الیم : دردناک شدید است .

وَقْر : سنگینی مادی و یا معنوی است .

عمی : کوری و نابینایی است .

مُرِيب : حیرت آور .
ظَلَّام : ظلم کننده زیاد است .

می فرماید : بتحقیق آنانکه کافر شدند به ذکر الّهی زمانیکه آمد برای آنها ، و بتحقیق آن کتاب عزیزی است که نازل کردنت از جانب خداوند عزیز . - ۴۱
نمی آید آنرا باطل کننده ای از پیشروی و نه از پشت آن ، نازل میشود از طرف کسیکه صاحب حکم قاطع و پسندیده است . - ۴۲ و گفته نمیشود برای تو مگر آنچه گفته شد برای رسولان گذشته ، و بدرستی که پروردگار تو هر آینه صاحب آمرزش و صاحب عقاب سخت دردناکی است . - ۴۳ و هرگاه قرار میدادیم قرآنرا بزبان عجمی ، هر آینه میگفتند که برای چه جدا و روشن نشده است آیات و جملات آن ، آیا عجمی است و یا عربی ؟ بگوی که آن هدایت و شفاء است ، و آنانکه ایمان نمی آورند در قلوبشان پرده سنگینی است و آنان در مقابل آن کتاب کور و نابیناوند ، و آنها خطاب میشوند از مکان دور . - ۴۴ و بتحقیق دادیم بموسی کتاب توراترا پس اختلاف کردند در آن ، و اگر کلمه ای از ما نگذشته بود هر آینه انجام داده می شد آنچه درباره آنها است ، و بتحقیق آنها در اینجهت در شکّ و حیرت باشند . - ۴۵ کسیکه عمل صالحی انجام داد : پس بسود نفس او باشد ، و اگر عمل سوئی بجا آورد بضرر خود او است ، و هرگز خدا ظلمی روا نمیدارد به بندگان . - ۴۶ .

نتیجه :

بظَلَّام لِلْعَبِيد : تعبیر با صیغه مبالغه بمناسبت صیغه جمع متعلّق (عبید) است .
هدایت و شفاء : هدایت نسبت بجریان زندگی آینده است بسوی حقیقت و صلاح و خیر راهنمایی شود . و شفاء نسبت به امور گذشته است که گرفتاریها و

امراض روحی معالجه شده و برطرف گردد .

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ مَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَ مَا تَحْمِلُ مِنْ أُثْمِي
 لَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَ يَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي قَالُوا أَدْنَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ . - ۴۷
 وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَ ظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ . - ۴۸ لَا يَسْأَمُ
 الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَ إِن مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَؤُسُ قَنُوطٌ . - ۴۹ وَ لئن أَدَقْنَا رَحْمَةً
 مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتَهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَ لئن رُجِعْتَ إِلَى
 رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لِلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَ لَنُذَيِّقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ
 غَلِيظٍ . - ۵۰ .

غلیظ : ضدّ لینت و رقت و دقت است .

ساعة : وقت قیامت . اول وقت قیامت .

أكمام : آنچه می پوشاند ، غلافیکه بشکوفه احاطه میکند ، جمع کیم است .

أدناک : از ایذان ، صیغه متکلم مع الغیر است ، خبر دادیم .

شَهِيد : حاضر ، آگاه .

ضَلَّ : ضد هدایت است .

مَحِيص : عدو ، تخلص ، فرار ، از ماده مَحْص است .

لَا يَسْأَمُ : ملال .

يَؤُسُ : قنوط : نا امید شدن .

ضَرَاءٌ : ضرر رساننده .

نُنَبِّئَنَّ : از تنبئ ، خبر دادن .

حُسْنَى : خوبی .

می‌فرماید: بسوی او برمیگردد علم و آگاهی از ساعت، و آنچه خارج میشود از غنچه و شکوفه از غلافهای خودش، و آنچه حمل میکند از زنها و وضع حمل نمیکند، مگر با احاطه و علم او و روزیکه خطاب میکند آنها را که در کجا است شریکان من؟ گویند: ما خبر دادیم بشما که اطلاع نداشته و حضور نداشتیم. - ۴۷
و گم شد از آنها آنچه قبلاً میگفتند، و تصوّر کردند که هیچگونه خلاصی ندارند. - ۴۸ و ملول نمیشود انسان از دعوت خیر، و اگر شرّ و ابتلائی رو آورد پس ناامید باشد. - ۴۹ و اگر بچشانیم او را رحمتی پس از ناراحتی و ضرریکه او را رسیده است، هر آینه گوید که این مخصوص و سزاوار من باشد، و تصوّر نمیکنم که قیامت برپا شود، و عالم دیگری رو آورد، و اگر بسوی خداوند برگردم، برای من نزد او جزای بهتری خواهد بود، پس خبر خواهم داد کافرین را به نتیجه اعمال آنها، و خواهم چشانید بآنها از عذاب سخت. - ۵۰.

نتیجه:

از غلافهای خود: اشاره است بآنچه پوشیده است از غلاف شکوفه، و از رحم مادر که بچه را پوشانیده است، و شرکائی که امور جهانرا بعقیده مشرکین متصدی شده‌اند، و این فکر حاجب و مانع شده است از درک واقعیت.
آری افراد محجوب همیشه در ستر و پرده بوده، و در دیدن حقایق و از درک واقعیات محروم هستند.

و إِذْ أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأْبَجَانِبَهُ و إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُوْ دُعَاءِ عَرِيضٍ . - ۵۱ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ . - ۵۲ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ و فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ . - ۵۳ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِنَ

لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ . - ۵۴ .

نَأَى : قصد ، عجز ، ضعف .

عَرِيضٌ : مقابل طویل ، وسیع .

أَرَأَيْتُمْ : آیا دیدید ، آیا گمان کردید .

شِقَاقٌ : مخالفت ، عداوت است .

بعید : دور ، شدید .

مِرِيَةٌ : مجادله ، شک .

لِقَاءٌ : برخورد ، بهم رسیدن ، دیدن .

أَفَاقٌ : جمع أَفُقٍ و بمعنی ناحیه ، و آخرین نقاط زمین .

شهید : حاضر ، آگاه ، محیط .

مُحِيطٌ : احاطه کننده .

می فرماید : و زمانیکه نعمت و وسعت دادیم بر انسان اعراض کرده، و سست میکنند جانب خودش را ، و چون شترّی باو رسید : پس برمیگردد و مشغول دعای طولانی میشود . - ۵۱ بگوی آیا دیدید که اگر بود از جانب خداوند و شما کافر شدید بآن ! کیست که گمراهتر باشد از کسیکه در مخالفت شدید و عداوت باشد . - ۵۲ و نشان خواهیم داد آیات خودمانرا در اطراف و در وجود خودشان تا روشن شود که او حقّ است ، آیا کفایت نمیکند برای آنها که او بهمه امور آگاه است . - ۵۳ آگاه باشید که آنها در شکّ هستند از ملاقات پروردگارشان ، و او بهر چیزی آگاه باشد . - ۵۴ .

نتیجه :

مُحِيطٌ است : آری نور وجود او را زمان و مکان احاطه نمیکند ، و آن بهمه

موجودات و عوالم احاطه کرده است ، و نمونه‌ای از احاطه نور او فراگیری نور آفتاب است به تمام مجموعه شمسی ، که همه موجودات مجموعه در ذیل او زنده هستند ، و از او استفاده میکنند .

و این آفتاب و نورش یکی از هزاران آفتابها است که اطراف خود را روشن کرده ، و پخش نور و حرارت میکند .

سوره شوری

سوره - ۴۲ تعداد آیات ۵۳

بسم الله الرحمن الرحيم

حم . - ۱ عسق . - ۲ كذلك يوحى اليك و الى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم . - ۳ له ما فى السموات و ما فى الأرض و هو العلى العظيم . - ۴ تكاد السموات يتفطرن من فوقهن و الملائكة يسبحون بحمد ربهم و يستغفرون لمن فى الأرض الا ان الله هو الغفور الرحيم . - ۵ و الذين اتخذوا من دونه اولياء الله حفيظ عليهم و ما انت عليهم بوكيل . - ۶ و كذلك اوحينا اليك قرآناً عربياً لتنذر أم القرى و من حولها و تنذر يوم الجمع لا ريب فيه فريق فى الجنة و فريق فى السعير . - ۷ .

حم : ح - حق مطلق و مبدء است که جلوه آن در وجود محمد (ص) باشد .

عسق : و سپس در وجود على و حسنین (ع) ظاهر میشود .

يَتَفَطَّرْنَ : از فطر بمعنی شق ، و طلوع است ، و شکافتن .

وکیل : تسلیم و تفویض باو کردندست .

أمُّ الْقُرَى : مکه ، أصل قُرَى ، جمع قریه بمعنی تجمّع افراد است .

سَعِير : شعله ور بودن آتش .

يَوْمُ الْجُمُعِ : روزیکه جمع میشوند مردم ، قیامت .

می فرماید : حم عسق : رمزی است که اشاره می شود به جلوه نور حق تعالی در عالم آفرینش ، و سپس در وجود مبارک رسول اکرم و ائمه اطهار که اشاره کرده شد . - ۲ اینچنین وحی و إلقاء میکند خداوند عزیز و حکیم ، برای تو و بانهاییکه

پیش از تو بودند . - ۳ برای او باشد آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ، و او بلند و بزرگ مطلق است . - ۴ نزدیک می شود که آسمانها شکافته شوند از بالای سر آنها ، و ملائکه آسمانها تسبیح میکنند بستایش پروردگارشان و طلب آمرزش میکنند بآنها بیکه در روی زمین هستند ، آگاه باشید که خداوند بخشنده و مهربانست . - ۵ و آنها بیکه أخذ کرده اند از غیر خداوند اولیائیرا ، خداوند است که آنها را محفوظ میدارد و نمی باشی تو که بامور آنها رسیدگی کنی . - ۶ و اینچنین وحی کردیم بر تو قرآناً بزبان عربی ، تا بترسانی اهل مکه و اطرافیان آنرا و بترسانی از روز قیامت که مورد شک نبوده ، و جمعی در بهشت و جمعی در دوزخ باشند . - ۷ .

نتیجه :

وحی : عبارتست از إلقاء بقلب که شبیه فهمانیدن بکلام و سخن گفتن باشد ، و این إلقاء و فهمانیدن که بصورت تفهیم مطالب بوسیله نفوذ روحی است ، از شخص عالی در باطن افراد ضعیف صورت میگیرد ، و مخصوصاً از جانب خداوند متعال در مقابل موجوداتی که لغتی ندارند با همین إلقاء ، بباطن إجراء می شود .

و لو شاء الله لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً و لَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ و الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ و لَا نَصِيرٍ . - ۸ أم اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ و هو يُحْيِي الْمَوْتَى و هو عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . - ۹ و ما اختلفتم فيه من شَيْءٍ فحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ و إِلَيْهِ أُنِيبُ . - ۱۰ فَاطْرُ السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا و مِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ و هو السَّمِيعُ الْبَصِيرُ . - ۱۱ .

- أُمَّةٌ : جماعت و جمع آن اُمَم است .
 الْوَلِيُّ : قریب ظاهراً و یا از جهت معنی با کمک و قیام بامور .
 الْمَوْتِيُّ : جمع مَیِّت چون اموات .
 أَنْیَبٌ : برگشتن است از اِنابَه .
 فَاطِرٌ : شقّ کننده ، خارج کننده .
 یَدْرُؤُ : خلق ، تکثیر است .

توضیح :

السمیع البصیر : سمیع و بصیر و بودن سائر جوارح و اعضای مخصوص در موجودات مخصوص عالم ماده است ، و اما در عالم ماورای ماده و در عالم روحانی نورانی ، احتیاجی بوسائل و اعضاء مخصوصی نیست ، زیرا خود وجودیکه روحانی و نورانی است. سراپا مجمع همه قوی باشد . النفسُ فی وَحدته کلُّ القوی .

می‌فرماید : و هرگاه میخواست خداوند متعال ، هر آینه قرار میداد آنها را یک اُمّت و جمعیت واحد ، ولی داخل میکند هر چه را که بخواهد در سایه رحمت خود ، و افراد ستمکار نباشد برای آنها ولی (متولی امور) و نه نصیر و یاوری . - ۸ آیا می‌گیرند برای خودشان اولیائیرا که متولی باشد به امور آنها ، و خداوند متعال او است متولی امور ، و او زنده میکند امواترا و او بهر چیزی توانا است . - ۹ و آنچه را که اختلاف کردید در آن : پس حکم آن با خداوند است ، و خداوند با شما است و خدای منست ، و بر او توکل می‌کنم ، و بسوی او برخواهم برگشت . - ۱۰ و او شکافنده و آفریننده آسمان‌ها و زمین است ، و او قرار داده است برای شماها از خودتان همسرهایی ، و همچنین قرار داده است برای چهارپایان از نوع خودشان ، که زیاد میکند افراد شما را بوسیله آنها ، و برای او نظیری نباشد ، و او شنونده و

بینا است . - ۱۱ .

نتیجه :

کثرت جمعیت با اختلاف آنها علامت کثرت و اختلاف صفات خداوند متعال است که در مقام آفرینش و ایجاد خلق ظاهر گشته و در خارج جلوه نموده است ، و این اختلافست که خود رحمتی بوده و موجب ادامه زندگی و رفع احتیاجات در میان خلق گشته است ، و هم کاشف از قدرت کامل باشد .

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ . - ۱۲ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ ، اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ . - ۱۳ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْغًا بَيْنَهُمْ وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِّبَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٌ . - ۱۴ .

مَقَالِيدُ : جمع مَقْلَاد بمعنی خزینه ، کلید .

يَقْدِرُ : تضییق ، و باندازه بودن .

شَرَعَ : ایضاح ، و اظهار کرد .

دِّين : طاعت ، جزاء ، حساب .

اجْتِبَاءُ : اختیار ، اصطفاء .

إِنَابَهُ : برگشت کننده ، رجوع کننده .

بَعْغٌ : جنایت ، ظلم .

أَجَلٌ مُّسَمًّى : وقت معین نامیده شده .
مُریب : شک آور .

میفرماید : برای او است خزائن و کلیدهای آسمانها و زمین ، که بسط و وسعت میدهد روزی مردم را برای هر کسیکه میخواهد ، و محدود کرده و تنگ میگیرد بأفراذیکه میخواهد ، و او بهر چیزی دانا است . - ۱۲ راه نشان داده است برای شما از دینِ اِلَهِی آنچه را که به نوح پیغمبر توصیه کرده است ، و آنچه را که ما وحی کردیم ، و آنچه که توصیه کرده ایم به ابراهیم و موسی و عیسی که دینِ اِلَهِی را برپا بدارید و متفرّق نگردید ، و بزرگ است برای مشرکین و کافرین آنچه که دعوت میکنید آنها را بسوی خداوند ، و خدا اختیار و انتخاب میکند برای سیر بسوی او هر کسی را که میخواهد ، و هدایت میکند بسوی خود کسی را که برمیگردد بجانب او . - ۱۳ و متفرّق نشدند مگر پس از آنچه علم برای آنها حاصل شد بحقیقت دینِ اِلَهِی در حالیکه تجاوز بود در میان آنها ، و اگر نبود کلمه اِلَهِی که آجالی معین کرده است برای امور ، هر آینه جریان امور آنها را خاتمه میداد ، و آنها یکباره کتابِ اِلَهِی بدست آنها رسیده است پس از آنها در شکّ و تردید هستند . - ۱۴ .

نتیجه :

توسعه در زندگی مادّی ، قهراً مانع می شود از گرفتن برنامه روحانی و معنوی ، و بسط و وسعت در امور مادّی برخلاف سیرِ اِلَهِی می شود ، و از این لحاظ وسعت ندادن برای بنده خود لطفی و رحمتی است برای او .

فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا اُمِرْتَ وَاَلَّا تَتَّبِعَ اَهْوَاءَهُمْ وَاَقُلَّ اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ
مِنْ كِتَابٍ وَاَمِرْتُ لَأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللّٰهُ رَبُّنَا وَاَرْبَابُكُمْ لَنَا اَعْمَالُنَا وَاَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ لَا

حجّة بیننا و بینکم الله یجمع بیننا و الیه المصیر . - ۱۵ و الذین یُحاجُّون فی الله من بعد ما استُجیب له حُجَّتُهُمْ داحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ و عَلَیْهِمْ غَضَبٌ و لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ . - ۱۶ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ الْمِيزَانَ وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ . - ۱۷ یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا یُؤْمِنُونَ بِهَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَشْفِقُونَ مِنْهَا وَ یَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ یُمارُونَ فی السَّاعَةِ لَفی ضَلالٍ بَعیدٍ . - ۱۸ .

- حجّة : دلیل و برهان .
- یُحاجُّون : یُخاصمون .
- داحِضَةٌ : زائله ، باطله .
- و ما یُدْرِيكَ : إعلام ، إفهام .
- مَشْفِقُونَ مِنْهَا : خوف .
- یُمارُونَ : تردید و شكّ .
- اسْتَعْمَلُوا : ایستادگی ، و ثبات قدم .
- أَهْوَاءٌ : تمایلات ، خواهشهای نفس .
- أَعْدِلُ : عدالت ، مساوات .

می‌فرماید : پس بخاطر این پس بخوان خدا را و ثبات قدم داشته و ایستادگی کن آن چنانکه مأمور هستی ، و پیروی مکن از خواسته‌های آنها ، و بگوی که ایمان آوردم بآنچه نازل کرده است خداوند از کتاب آسمانی ، و مأمور هستم که اجرای عدالت کنم در میان شماها ، خداوند است پروردگار من و شما ، برای ما باشد اعمال ما و برای شما است اعمال شما ، و غلبه‌ای نیست در میان ما و شما ، و خداوند جمع خواهد کرد ما و شما را و بسوی او است برگشتن . - ۱۵ و آن افرادی که مخاصمت میکنند درباره خداوند پس از آنکه باستجابت رسیده است برای او حجّت و دلیل آنها ، و حجّت آنها در پیشگاه پروردگار متعال باطل و زائل باشد ، و غضب

خداوند بر آنها باد ، و برای آنها است عذاب شدید . - ۱۶ خداوندیکه نازل کرده است کتاب آسمانی را بحق ، و میزان را ، و چه میفهماند تو را ، و شاید که ساعت قیامت نزدیک است . - ۱۷ شتاب میکند برسیدن ساعت قیامت افرادی که ایمان بآن ندارند ، و آنها ییکه ایمان دارند خائفند از نزدیک شدن آن در عین حالیکه می دانند که آن حق است ، آگاه باشید بدرستی که کسانی که شک میکنند در قیامت هر آینه در گمراهی دوری هستند . - ۱۸ .

نتیجه :

ساعت قیامت : از اصول مسلم ادیان الهی است ، و آیات و روایات بسیاری در این موضوع وارد شده است ، و از لحاظ عقل هم بودن روز قیامت از مسلمات است که انسان نتیجه اعمال خود را مشاهده کند .

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ . - ۱۹ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ . - ۲۰ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . - ۲۱ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَ هُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ . - ۲۲ .

لَطِيفٌ : مهربان و دقیق .

العَزِيزُ : غلبه کننده .

حَرْثٌ : زراعت ، پاشیدن تخم .

نَصِيبٌ : سهم ، حصه .

شَرَعُوا : راه بردن ، راه نشان دادن .

فَصْل : جدا کردن ، قطع .
 مُشْفِقِينَ : خائفین .
 رَوْضَات : باغها ، حدائق .
 فَضْل : زیادی ، احسان افزون .
 أَلِيم : دردناک .
 الْقَوَى : توانا - خلافِ ضعف است .

می فرماید : خداوند مهربان و دقیق است نسبت به بندگانش و روزی میدهد بهر کسیکه میخواهد ، و او توانا و غلبه کننده است . - ۱۹ کسیکه زراعت و تخم پاشی در آخرت و برای آنجا میخواهد : خداوند او را یاری فرموده ، و زراعت او را توسعه میدهد ، و چون کسی زراعت مادّی بخواند : از خواسته او انجام میدهیم ولی در آخرت نصیبی نخواهد داشت . - ۲۰ یا برای آنها شریکانی هستند که راه نشان داده اند برای آنها از دین آنچه را که اذن نداده است خداوند ، و اگر نبود کلمه فصل و جدا کردن مردم در روز قیامت هر آینه در میان آنها حکم را تمام میکردیم ، و افراد ستمکار آنها را عذاب سختی باشد . - ۲۱ و می بینی ظالمین را که می ترسند از آنچه عمل کرده اند ، و آن بهر صورت خواهد رسید بآنها ، ولی آنهائیکه ایمان آورده و اعمال صالح بجا آورده اند در باغهای بهشتها خواهند بود ، و برای آنان خواهد بود آنچه بخوانند در جوار رحمت پروردگار و این فضل بزرگی باشد از جانب خداوند متعال . - ۲۲ .

نتیجه :

و فضل بزرگ : فضل بالاتر از عدل است ، در عدل مساوات عمل با جزاء باشد که در جزاء دادن کوتاهی و تقصیر نباشد ، ولی در مقام فضل : توجه بافزونی دادنست

که بالاتر از ارزش عمل باشد .

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ . - ۲۳ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ . - ۲۴ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ . - ۲۵ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ . - ۲۶ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَّوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ . - ۲۷ .

تبشیر : بشارت دادن و مزده .

مَوَدَّةٌ : دوستی و محبت .

قُرْبَىٰ : نزدیکی ، و نزدیکیان .

اقتراف : نزدیک شدن ، عمل کردن ، کسب .

افتری : ساختن نادرست .

بَعَّوْا : تجاوز ، طلب مطلق .

قَدَرٌ : مقدار .

إِحْقَاقٌ : تثبیت .

شَكُورٌ : سپاس گزار ، جزاء دهنده .

می فرماید : این جنات است که بشارت می دهد خداوند بآفراد مؤمن که اعمال صالح بجا آورده اند ، بگویی که من نمی خواهم در مقابل این بشارت اجر و مزدی مگر

اینکه درباره اقارب من نیکی و احسان کنید ، و کسیکه عمل و کسب کند نیکی را : زیاد می‌کنیم برای او در آن عمل نیک ، بتحقیق خداوند آمرزنده و جزای خوب دهنده است . - ۲۳ آیا می‌گویند که رسول خدا دروغ ساخته است بخداوند ، و اگر بخواهد خداوند محو میکند باطل را ، و مهر میکند بر قلب تو ، و تثبیت میکند حق را بوسیله کلمات خودش ، و او عالم است بصاحب سینه‌ها . - ۲۴ و او است که قبول می‌کند توبه را از بندگان ، و عفو میکند از اعمال بد آنها ، و عالم است بآنچه بجا می‌آورد . - ۲۵ و طلب اجابت میکنند افرادی که ایمان آورده و اعمال صالح بجای می‌آورند ، و زیاد میکند آنانرا خداوند از فضل و احسان خود ، و کافران را عذاب شدیدی خواهد بود . - ۲۶ و هرگاه توسعه بدهد خداوند رزق را برای بندگان هر آینه تجاوز میکنند در طلب امور دنیا ، ولیکن عطا میکند بقدریکه می‌خواهد ، و خداوند آگاه و بینا است به بندگان . - ۲۷ .

نتیجه :

خداوند متعال آنچه را که بندگان از امور دنیوی و مادی بخواهند بمقدار لازم و صلاح عطا می‌فرماید ، ولی در امور روحانی آنچه بطلبند مضایقه نمی‌کند .

و هو الذی یُنزِلُ الغیثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا و ینشُرُ رَحْمَتَهُ و هو الوَلِيُّ الحَمیدُ . - ۲۸ و مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ و الأَرْضِ و ما بَثَّ فیهِما مِنْ دَابَّةٍ و هو عَلی جمیعهم إِذا یَشاءُ قَدیر . - ۲۹ و ما أَصابکم مِنْ مُصِیْبَةٍ فَبِمَا کَسَبَتْ أیدیکم و یَعْفُو عن کثیر . - ۳۰ و ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزینَ فی الأَرْضِ و ما لَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِیٍّ و لا نَصیر . - ۳۱ و مِنْ آیاتِهِ الْجَوَارِ فی الْبَحْرِ کَالْأَعْلَامِ . - ۳۲ إِنْ یَشاءُ یُسْکِنُ الرِّیحَ فِیظَلِّلَنَّ رِواکِدَ عَلی ظَهْرِهِ إِنْ فی ذلکَ لآیاتٍ لِکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ . - ۳۳ .

- غَيْث : باران .
 قَنَطُوا : از قنوط بمعنی ناامیدی .
 بَثٌّ : پراکنده کردن ، و نشر .
 يَظْلَلْنَ : برمیگردند .
 رَوَاكِدٍ : جمع راكد و بمعنی متوقّف و ساکن است .
 أَصَابِكُمْ : از إصابه بمعنی رسیدن .
 الْوَلِيِّ الْحَمِيدِ : متولّی اموریکه پسندیده است .
 آیات : جمع آیت بمعنی علامت و اثر است .
 الْجَوَارِ : جمع جاریه بمعنی کشتی ، جاری شونده و غیر آن .

می‌فرماید : و خداوند است که نازل میکند بارانرا پس از آنکه ناامید و مأیوس شدند و نشر میکند رحمت خود را ، و او متولّی امور است و پسندیده . - ۲۸ و از آیات خداوند است آفریدن آسمانها و زمین ، و آنچه منتشر است در میان آنها از موجودات جنبنده‌ای ، و او برای جمع آنها هر زمانیکه بخواهد قادر است . - ۲۹ و آنچه برسد بشما در جریان زندگی از ناملائی : پس بسبب اموریست که دستهای شما کسب کرده است ، و گذشت میکند از بسیاری از آنها . - ۳۰ و نیستید شما عاجز کننده و مغلوب کننده دیگران در روی زمین ، و نباشد برای شما متولّی امور و نه یاری کننده‌ای . - ۳۱ و از آیات إلهی است که کشتیها در روی آب حرکت میکنند و مانند کوههای بلند باشند . - ۳۲ و اگر بخواهد متوقّف میکند باد را پس برمیگردند کشتیها ایستاده و متوقّف در روی آب ، و در این جریان هر آینه آیاتی است برای هر دقت کننده و صبر کننده سپاسگزار . - ۳۳ .

نتیجه :

فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ : خداوند همه انسانها را بسلامتی و خوشی آفریده ، و تمام لوازم زندگی مادّی و معنوی آنها را فراهم ساخته است ، و متأسفانه در اثر استکبار به تنازع و اختلاف کشیده شده است .

أَوْ يُوَبِّهِنَّ بَمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ . - ۳۴ و يَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ . - ۳۵ فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ . - ۳۶ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَاءَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ . - ۳۷ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ . - ۳۸ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُم الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ . - ۳۹ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ . - ۴۰ .

إِيْبَاق : إهلاک ، حبس ، ابتلاء .

مَحِيص : رفتن ، خلاص شدن .

يَتَوَكَّلُونَ : خدا را وکیل قرار دادن ، و باو واگذاشتن .

الْإِثْم : گناه ، خلاف .

فَوَاحِش : أعمال زشت ، جمع فاحشه است .

بَغْي : طلب و تجاوز از حدّ .

سَيِّئَةٌ : بد و زشت .

شُورَى : مشورت ، و اتفاق کردن با همدیگر .

و از صفات پسندیده مؤمنین : مشورت کردن با همدیگر است در امور خود .

می‌فرماید: و یا هلاک میکند آنها را بسبب آنچه عمل کردند، و عفو و اغماض میکند از بسیاری از اعمال آنها، و می‌فهمند آنانکه مجادله میکنند در آیات ما که برای آنها خلاصی نباشد. - ۳۵ پس آنچه داده شده‌اید از چیز مختصری: پس وسیله التذاذ مادی است، و آنچه نزد خداوند است از نتایج اعمال: بهتر و همیشگی است برای مؤمنین و آن افرادی که بخدا توکل میکنند. - ۳۶ و آنانکه پرهیز میکنند از معصیتهای بزرگ و فواحش، و در هنگام غضب می‌بخشند. - ۳۷ و آنانکه جواب می‌طلبند برای پروردگارشان و برپا میدارند نماز را و در امور مشکل خود با همدیگر مشورت میکنند و از آنچه بآنها دادیم بدیگران که احتیاج دارند می‌بخشند. - ۳۸ و آنانکه چون در مقابل تجاوز دیگران قرار می‌گیرند از دیگران یاری می‌طلبند. - ۳۹ و جزاء عمل خلاف، خلافی است بمثل آن، و کسیکه بخشیده و اصلاح نماید پس اجر او با خدا است، و خداوند دوست نمیدارد ستمکارانرا. - ۴۰.

نتیجه:

دوست نمیدارد: ستمکاری و ظلم از سه جهت برخلاف حقیقت باشد.
 أولاً - تجاوز بحقوق و زندگی بنده است. ثانیاً - تجاوز به برنامه جهانی الهی است. ثالثاً - تجاوز بأحكام و خواسته‌ها و برخلاف قوانین حق و عدل است.

و لَمَنْ اَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ . - ۴۱ اِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . - ۴۲ وَ لَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ . - ۴۳ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَ تَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ . - ۴۴ وَ تَرِيَهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ

و قال الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا
إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ . - ۴۵ .

انتصار : کمک گرفتن ، غلبه پیدا کردن .

سَبِيلٌ : حَجَّت ، طریق .

يَبْغُونَ : طلب ، تجاوز .

عَزَمَ الامور : تصمیم گرفتن در کارها و امور .

وَلِيٌّ : متولی امور ، رسیدگی کننده .

مَرَدٌّ : ردّ کردن ، برگردانیدن .

يُعَرِّضُونَ : نشان داده میشوند .

طَرَفٍ حَقْفَى : گوشه چشم ، پنهانی .

عذاب مقيم : عذاب پایدار و ثابت .

می‌فرماید : و هر آینه کسی که یاری بطلبد پس از مظلوم شدن او ، برای او راه محدود کردن و منعی نباشد . - ۴۱ اینست که محدود کردن و مانع شدن درباره افرادی باشد که ظلم میکنند بر مردم ، و برخلاف حق تجاوز میکنند بر حقوق دیگران ، و برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود . - ۴۲ و آنانکه صبر کرده و عفو کنند : پس خداوند مورد ستایش قرار داده ، و این عمل از عزم و تصمیم در امور خواهد بود . - ۴۳ و کسیکه گمراه کند او را خداوند : پس نخواهد بود برای او شخصیکه متولی امور او باشد ، و خواهی دید افراد ستمکار را که چون عذابرا مشاهده میکنند ، گویند آیا برای ردّ کردن این عذاب راهی هست . - ۴۴ و می‌بینی آنها را که چون نشان داده میشوند بآتش در حال خشوع نظر میکنند بگوشه چشم از ذلّت و خواری ، و گویند مؤمنین که زیانکاران کسانی هستند که در این روز

قیامت ، خود و أهل آنها خسارت دیده‌اند ، آگاه باش که ستمکاران در عذاب ثابتی هستند . - ۴۵ .

نتیجه :

زیانکاران کسانی : آری کسی زیانکار و گرفتار است که در عاقبت زندگی خود مبتلا و متضرر باشد ، و شخص ظالم و متجاوز بخيال خود برنده و موفق است ، ولی از عاقبت زندگی خود غافل است ، و هرگز از حساب اندیشه‌ای ندارد .

و ما كان لهم من أولياء ينصرونهم من دون الله و من يضل الله فما له من سبيل . - ۴۶ استجيبوا لربكم من قبل أن يأتي يوم لا مرد له من الله ما لكم من ملجأ يومئذ و ما لكم من نكير . - ۴۷ فإن عرضوا فما أرسلناك عليهم حفيظاً إن عليك إلا البلاغ و أنا إذا أذقنا الإنسان مناً رحمةً فرح بها و إن تُصِبهُم سيئة بما قَدَمْت أيدِيهم فإنَّ الإنسانَ كَفُورٌ . - ۴۸ لله ملك السموات و الأرض يخلق ما يشاء يهب لمن يشاء إناثاً و يهب لمن يشاء الذكور . - ۴۹ أو يزوجهم ذكراً و إناثاً و يجعل من يشاء عقيماً إنه عليمٌ قدير . - ۵۰ .

استجابة : طلب جواب ، قبول درخواست کردن .

مردّ : ردّ کردن ، انصراف ، ارجاع .

ملجأ : پناهگاه .

نكير : انكار و ردّ .

كفور : كفران کننده .

إناث : زنها ، جمع أنثى .

ذُكران : مردها ، جمع ذَكَر است .

عقیم: کسیکه فرزند قبول نکند، زن یا رَجَم .
 يُرْوَجُّ: تزویج و زناشویی میکند .

می فرماید: و نباشد برای آنها از اولیائی که یاری کنند از غیر خداوند، و کسیکه گمراه و منحرف کند آنها خداوند: نباشد برای او پناهگاهی از غیر خداوند. - ۴۶
 جواب بطلبید برای پروردگارتان پیش از آنکه آید از جانب خداوند روزیکه ردّ و برگشتنی نباشد از او که در آنروز پناه و انکاری نخواهد بود. - ۴۷ پس اگر اعراض کردند، پس ما تو را نفرستاده‌ایم که آنها را نگهداری کنی، و نیست برای تو مگر ابلاغ و رسانیدن دستورها و احکامِ اِلهی، و ما چون رحمتی به انسان بچشانیم: خوشحال و شاد گردند، و اگر برسد بآنها یک امر ناملائمی در اثر اعمال خودشان: در اینصورت شروع میکنند به کُفران. - ۴۸ برای خداوند است آنچه از آسمان و زمین است از مُلک، خلق میکند آنچه را که بخواهد، و عطا میکند کسی را که بخواهد از اِناث و دیگریرا که بخواهد از ذکور. - ۴۹ یا به ازدواج در می آورد آنها را از مردان و زنان و قرار میدهد کسی را که می خواهد عقیم، و او عالم و قادر است. - ۵۰.

نتیجه:

آری در عالم آخرت گذشته از انقضاء و تمام شدن مرحله عمل و فعالیت، امکان پناهنده شدن بشخص یا محلّی نباشد، و هرگز کسی نتواند بواسطه عمل و عبادت موفقیتی حاصل کند، زیرا زمان عمل و اطاعت و اختیار تمام شده است، و زمان نتیجه گرفتن و درو کردن محصول و بدست آوردن نتایج اعمال باشد.

و ما كان لبشر أن يكلمه الله إلا وحياً أو من وراء حجاب أو يرسل رسلاً
 فيوحى بآذنه ما يشاء إنه على حكيم. - ۵۱ و كذلك أوحينا إليك روحاً من

أمرنا ما كنت تدري ما الكتبُ و لا الإيمانُ و لكن جعلناه نوراً نهدي به من
نشأ من عبادنا و إنك لتهدى إلى صراطٍ مستقيم . - ۵۲ صراطِ الله الذي له ما
في السمواتِ و ما في الأرضِ إلا إلى الله تصيرُ الأمور . - ۵۳ .

بَشَر : انسان که مذکر باشد و یا مؤنث و یا مفرد و یا جمع .

وَحَى : سخن گفتن سرّی ، إلهام .

وراء حِجَاب : پشت پرده .

رُوح : چیزیکه حیات با آن باشد ، نَفْس .

صراط : راه ، طریق .

صراطِ الله : راه خداوند .

توضیح :

صراط مستقیم : عبارتست از صراط خداوند متعال ، یعنی راه و برنامه ایکه
انسانرا بخداوند نزدیک کند ، و حقیقت این صراط عبارتست از متّصف بودن بصفات
جمال و جلال ، و رسیدن بحقیقت کمال هم همین است ، و مقام عبودیت نیز با
همین اتّصاف کامل گشته ، و هرگونه ضعف و عجز را میتواند از خود دور کند .

می فرماید : و نباشد برای فردی از انسان که خداوند او را بسخن آورد مگر از راه
إلهام و فهمانیدن که وحی است ، و یا از پشت حجاب که برای افراد معمولی باشد ، و
یا بوسیله مبعوث کردن انبیاء که واسطه میشوند در میان خالق و مخلوق ، و خداوند
متعال آنچه را که بخواهد بوسیله آنها و بوحی بآنها برای مردم إبلاغ می فرماید ، و او
در مقام اعلای موجودات و محیط بهمه باشد . - ۵۱ و اینچنین وحی کردیم بتو
حقیقتی را از امر خودمان که نبودی بدانی که چیست کتاب و ایمان ، ولیکن قرار

دادیم او را نوری که بوسیله آن هدایت میکنیم کسیرا که بخواهیم از بندگان ما ، و بتحقیق تو هدایت میکنی بسوی صراط مستقیم . - ۵۲ صراط خداوندیکه برای او است آنچه در آسمانها و زمین است ، آگاه باشید که بسوی او برمیگردد امور . - ۵۳ .
تصیر الأمور : جمع أمر که بمعنی شأن است ، یعنی جریانهای مادی و روحانی که در جهان صورت گرفته و واقع میشود ، همه آنها برگشت میکند بخداوند متعال و باراده و حول و قوت او .
و چیزی در جهان صورت نمیگیرد که از علم و خواسته او بیرون باشد .

سوره زُخْرُف

سوره - ۴۳ عدد آیات ۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم - ۱ و الْكِتَابِ الْمُبِينِ - ۲ اِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ - ۳
 و اِنَّهٗ فِى اُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيْمٌ - ۴ اَفَنْضِرُبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا اَنْ كُنْتُمْ
 قَوْمًا مُّسْرِفِيْنَ - ۵ و كَمْ اَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِى الْاَوَّلِيْنَ - ۶ و مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ اِلَّا
 كَانُوْا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ - ۷ فَاَهْلَكْنَا اَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا و مَضٰى مَثَلُ الْاَوَّلِيْنَ - ۸ و
 لِيْنِ سَاَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ و الْاَرْضَ لِيَقُوْلُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيْزُ الْعَلِيْمُ - ۹ الَّذِى
 جَعَلَ لَكُمْ الْاَرْضَ مَهْدًا و جَعَلَ لَكُمْ فِيْهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ - ۱۰ .

حم : گذشت که حرف حاء رمزیست برای جلوه حق متعال در جهان ، و سپس
 جلوه آن در وجود رسول اکرم (ص) و سپس در قرآن مجید .
 مُبِين : آشکار کننده است .
 عَرَبِيٌّ : و بزبان عربی است که فصیح و روشن باشد .
 لَدَيْنَا : ظرف مکان است مثل عندنا به معنی نزد ما .
 صَفْح : إِعْرَاض ، روى برگردانیدن .
 بَطْش : حرکت شدید ، فَعَالِيَّت .
 مَهْد : گهواره ، آماده .
 سُبُل : جمع سبیل که بمعنی راه است .

می فرماید : . - ۱ و حق مطلق است که در وجود رسول اکرم و سپس در وجود
 کتاب آسمانی قرآن جلوه گر گشته است . - ۲ و ما قرار دادیم آنرا کتابی عربی روشن

و فصیح که شاید شماها تفکر کنید . - ۳ و بتحقیق آن قرآن در کتابی که نزد ما است ، هر آینه بلند مرتبه و با حکمت است . - آیا پس بزنیم از آن یاد خدا را از لحاظ اعراض از آن که بودید قومی اسراف کننده که خارج میشوید از حدود خودتان . - ۵ و چقدر فرستادیم از انبیایِ اَلْهٰی از پیش از زمان آنها . - ۶ و نیامد از پیغمبری مگر اینکه بودند او را استهزاء میکردند . - ۷ پس هلاک کردیم آنها را که شدیدتر بودند از آنها در جهت فعالیت و حرکت ، و گذشت نظیر و مثال ملت‌های گذشته که بهلاکت رسیدند . - ۸ و اگر سؤال کنی از آنها که کیست آفرید آسمانها و زمین را ؟ گویند که خلق کرد کسی که عزیز و علیم است . - ۹ کسی که قرار داده است برای شما زمین را گهواره و قرار داده است برای شما در روی آن راههایی که شاید شما هدایت پیدا کنید . - ۱۰ .

نتیجه :

قرآناً عربیاً : زبان عربی از جهت فصاحت و لطافت و مشتقات و اشاره بتمام خصوصیات و دقائق ظاهری و معنوی بهترین و جامعترین زبانست ، و در تعبیرات قرآن مجید همه این خصوصیات منظور شده است .

و الَّذِی نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأُنشِرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ . - ۱۱ و الَّذِی خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَ جَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعَامِ مَا تَرَكُونَ . - ۱۲ لِيَتَسْتَوْوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ . - ۱۳ وَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ . - ۱۴ وَ جَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ . - ۱۵ أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَ أَصْفِيكُمْ بِالْبَنِينَ . - ۱۶ .

- قَدَر : مقدار معین .
 أنشرنا : احیاء ، بسط و متفرّق کردن .
 بلدة : هر محیطی که احیاء و آباد شود .
 فُلک : کشتی ، در مفرد و جمع استعمال میشود .
 أنعام : چهارپایان ، جمع نَعَم است .
 استواء : استقامت ، اعتدال ، استقرار .
 ظُهور : جمع ظهر بمعنی پشت ، مقابل بطن است .
 مُقرّنین : جمع کردن و بهم بستن است .
 کفور : کفران کننده .
 بنات : دخترها ، جمع بنت است .
 إصفاء : اخلاص ، انتخاب کردن .

می فرماید : و کسیکه فرود آورده از آسمان آب را بمقدار معین ، پس احیاء میکنیم با آن سرزمین مرده را ، و اینچنین خارج میشوید از زمین . - ۱۱ و کسی که آفریده است همه رقم از أزواج را ، و قرار داده است برای شما از کشتی‌ها و از چهارپایان آنچه را که سوار میشوید . - ۱۲ تا استقرار پیدا کنید در پشت آنها و یاد کنید نعمت الهی را و چون برقرار شدید بر آنها بگویید که منزه است خداوندیکه مسخر کرده این وسایل را برای ما و نبودیم اینها را که جور و ردیف کنیم . - ۱۳ و بتحقیق ما بسوی او خواهیم برگشت . - ۱۴ و قرار دادند برای او از میان بندگان جزئی ، بتحقیق انسان هر آینه کفران کننده آشکاریست . - ۱۵ آیا أخذ کرده است از آنچه خلق میکند دختران را و انتخاب کرده است شما را برای پسران . - ۱۶ .

نتیجه :

چشم زدن : عبارتست از تأثیر نفس در نگاه و نظریکه بطرف معین صورت میگیرد ، و البته نظر مخصوص و تند و با تعجب واقع شده ، و مانند اینستکه آنشکل بسیار جالب بنظر آید .

و إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ . - ۱۷ أَوْ مَنْ يُنشِئُ فِي الْحَلِيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ . - ۱۸ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ . - ۱۹ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَا هُمْ مَالَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ . - ۲۰ أَمْ آتَيْنَهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ . - ۲۱ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ . - ۲۲ .

تبشیر : مژده دادن ، از بشارت .

ظَلَّ : برگشتن به محیط تاریک .

کظیم : حبس غیظ ، پنهان کردن آن .

حلیة : زینت است ، و جمع آن حلی است .

يَخْرُصُونَ : افتراء ، کذب گفتن .

استمساك : مانع شدن ، نگهداری کردن .

يُنشِئُ : تربیت ، حیاة ، بزرگ شدن .

خِصَام : منازعه ، دشمنی .

أُمَّةٌ : جمع مردم را گویند ، و برنامه معین ، طریقه .

و اکثر مردم در جهت برنامه زندگی و اخلاقی و دینی تابع پدران خود و اجداد

خود هستند ، و اینمعنی را از شئون شخصیت خود میدانند .

می‌فرماید: و زمانیکه بشارت داده شد بیکی از آنها بآنچه مثل میزنند برای خداوند: برمیگردد صورت او گرفته و سیاه میشود، و او حالت خودداری غیظ پیدا میکند. - ۱۷ آیا کسیکه تربیت پیدا کرده و بزرگ شده با زینت و آرایش، و او در مقام خصومت و مقابله آشکار کننده نیست. - ۱۸ و قرار داده‌اند ملائکه را که بندگان مطیع خدا هستند، از جنس زن، آیا حاضر بودند هنگام خلقت آنها، و نوشته میشود شهادت آنها، و مورد بازپرسی قرار میگیرند. - ۱۹ و گفتند که اگر خدا میخواست هرگز پرستش نمی‌کردیم آنها را، و نبود برای آنها علمی، به آن و نباشند مگر آنکه دروغ میگویند. - ۲۰ آیا بآنها کتابی داده‌ایم پیش از آن که بآن کتاب پابند هستند. - ۲۱ بلکه گویند که ما یافتیم پدران خودمانرا بر طریقه و برنامه‌ای که ما از آن پیروی میکنیم. - ۲۲.

نتیجه:

انسان باید در گفتار و مخصوصاً در اعتقادات و افکار خود، روی تحقیق و بررسی عمل کند، و هرگز درست نیست که از اجداد و پدران و قوم و طائفه خود تبعیت کند.

و هر کسی موظف است که خود در افکار و عقائد از روی تحقیق و دقت پیش برود، و در اینجهت نباید تقلید باشد.

و کذلک ما أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ. - ۲۳ قَالَ أُولُو حِجَّتِكُمْ بَأْهَدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ. - ۲۴ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ. - ۲۵ وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ. - ۲۶ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ. - ۲۷ وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ . - ۲۸ بل مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وء آباءَهُمْ حَتَّى جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ . - ۲۹ .

- قریه : مجتمَع افراد که محدود باشد و کوچک .
 نذیر : پرهیز دهنده ، ترساننده .
 مُتْرَفُونَ : متنعمون ، آنهایکه در وسع باشند .
 أَهْدَى : هدایت کننده تر .
 انتقام : طعن ، کراهت ، عقاب .
 بَرَاءٌ : دور ، کنار .
 فَطَّرَ : شقّ ، جدا کردن ، خلق .
 کلمة باقیة : کلمه توحید ، خدا پرستی .
 مُبِينٌ : روشن و آشکار کننده .

می فرماید : اینچنین نفرستادیم از پیش از تو رسولی در قریه‌ای مگر آنکه متنعمین آنها گفتند که ما یافتیم پدران خود را روی برنامه و طریقه‌ای که ما هم پیرو آنها حرکت میکنیم . - ۲۳ آنرسول گوید : آیا اگر من راهی برای شما نشان بدهم که بهتر هدایت کند و مفیدتر باشد از راه و روش آنها نمی‌پذیرند؟ گفتند ما بحرفها و افکار شما معتقد نیستیم . - ۲۴ پس مبتلا ساختیم آنها را ، و متوجه باش که چگونه هست انجام زندگی آنها که تکذیب میکنند . - ۲۵ و زمانیکه گفت ابراهیم به پدر و قوم خود که من دور هستم از آنچه شما پرستش میکنید . - ۲۶ مگر آنکسیکه مرا آفریده است که او مرا هدایت خواهد کرد . - ۲۷ و قرار داد خداوند این جمله را باقی در باقیمانندگان او ، شاید درباره آنها مفید و مؤثر باشد و برگردند . - ۲۸ بلکه لذت دادم آنها را و پدرانشانرا ، تا آمد برای آنها حق و رسولی

آشکار کننده حقایق . - ۲۹ .

نتیجه :

خداوند متعال بندگان خود را همینطوریکه بزرگترین نعمت خود را که هستی و قوای هستی و نعمتهای خارجی از هر رقم عطا فرموده است ، برای هدایت آنها هم رسولان و کتب آسمانی و آیاتی فرستاده است ، تا راه سعادت و کمال و خوشبختی را سیر کرده ، و بمقامات روحانی نائل گردند .

و لَمَّا جَاءَهُم الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ . - ۳۰ و قَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ . - ۳۱ أَهْمُ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ . - ۳۲ و لَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ . - ۳۳ و لِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ . - ۳۴ .

سِحْر : اظهار باطل بصورت حق ، بوسائل مخفی از نظر .

قریتین : دو آبادی بزرگ که مکه و طائف بود .

مَعِيشَت : عیش و زندگی دنیوی .

سُخْرَى : مسخره و استهزاء ، مسخر بودن .

سُقْف : جمع سَقْف که بالای اطاق است .

مَعَارِج : جمع مِعْرَاج که وسیله بلند و بالا رفتن است .

يَظْهَرُونَ : بالا آمدن .

سُرُر : تختها که روی آنها نشسته و تکیه میکنند .

می فرماید : و زمانیکه آمد آنها را حق ، گفتند که این سحریست که آشکار کننده باشد ، و ما بآن کفر میورزیم . - ۳۰ و گفتند : چرا نازل نشده است این قرآن بیکی از مردان بزرگ این دو شهر . - ۳۱ آیا این مردم رحمت پروردگار را در میان خودشان قسمت میکنند ، و ما قسمت کرده ایم معیشت و وسائل عیش آنها را در میان آنها در زندگی دنیا ، و بالا بردیم مراتب و درجات بعضی از آنها را ببعضی دیگر ، تا بگیرد بعضی از آنها برخی دیگر را در تسخیر و تحت حکم خود ، و رحمت و مهربانی پروردگار تو بهتر است از آنچه برای خود جمع میکنند . - ۳۲ و اگر نبود که مردم امت واحد و در یک طبقه قرار میگرفتند ، هر آینه قرار میدادیم برای کافرین مسکنهایی که سقفهای آنها از نقره و بلندیهائی که روی آن ظاهر می شوند . - ۳۳ و برای خانه های آنها دربها و تختهایی است که به آنها تکیه و استراحت میکنند . - ۳۴ .

نتیجه :

و بهر صورت چون برای استفاده دنیوی بود ، قهراً از مواد و وسائل مادی (نه روحانی) آماده میشد ، و چنین زندگی متغیر و متحول بود .

و زُخْرُفًا و إِن كَلَّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ، و الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ . - ۳۵ و مَن يَعِشْ عَنِ الذِّكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ . - ۳۶ و إِنَّهُمْ لَيُضِدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ و يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ . - ۳۷ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي و بَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ . - ۳۸ و لَن يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَلَمْتُمْ أَنكُم فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ . - ۳۹ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ

تَهْدِي الْعَمَىٰ وَ مَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . - ۴۰ فَاِمَا نَذِهْبِنَّ بَكَ فَاِنَا مِنْهُمْ
منتقمون . - ۴۱ .

زخرف : زینت ، طلا .

مَتَاع : لذت بردن .

يَعِشُ : محجوب بودن ، بسته شدن چشم .

نُقِيضُ : تقدیر ، تهیه کردن .

صَدٌّ : مانع شدن .

مَشْتَرِك : شریک گیرنده .

انتقام : معاقب .

شیطان : وجود مخالف رحمن و دور از حق .

مَشْرِقَيْنِ : مشرق و مغرب .

می فرماید : و زینت و طلا باشد ، و همه اینها نباشد مگر زینت در زندگی دنیوی
مادی ، و زندگی اخروی در پیشگاه خداوند مخصوص باشد برای پرهیزکاران . - ۳۵
و کسیکه چشم پوشد از یاد کردن خداوند : مقدر میکنیم برای او شیطانی که برای
همیشه همراه او خواهد بود . - ۳۶ و بتحقیق آنها مانع میشوند از راه خداوند ، و
تصور میکنند که آنها در هدایت هستند . - ۳۷ تا زمانیکه آید به نزد ما و خطاب
میکند بشیطان که ای کاش که در میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود ، پس
چه بد همراهی بود . - ۳۸ و هرگز سود نمیدهد شما را امروز که در گذشته ستمکار
بودید ، همانا شما در این عذاب شریک هستید . - ۳۹ آیا تو میتوانی بشنوانی کسیرا
که از شنیدن محروم بوده و گوشش سنگین است ! و یا راهنمایی کنی کسی را که
نابینا است ! و یا کسیکه در گمراهی عمیق است . - ۴۰ و یا تو را می بریم ، و از آنها

انتقام و عقاب می‌گیریم . - ۴۱ .

نتیجه :

شیطان بمعنی دور از خیر و رحمت است، و بکسی از جنّ و یا انس اطلاق می‌شود که از قرب و لطفِ اِلَهِی محروم شده و از رحمت او دور باشد ، و مخصوص جنّ نیست .

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَا هُمْ فَأِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ . - ۴۲ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوْحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . - ۴۳ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ . - ۴۴ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ءِالِهَةً يُعْبَدُونَ . - ۴۵ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۴۶ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ . - ۴۷ وَ مَا نُزِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَا هُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ . - ۴۸ .

نُزِيَنَّ : متکلم مع الغير با نون تأکید از باب افعال .

اقتدار : اختیار قدرت کردن .

استمساك : طلب مانع شدن و نگهداری .

آلهة : جمع إله که بمعنی معبود است .

مَلَأَ : جماعت و قوم .

لَعَلَّ : از حروف ششگانه که شبیه به فعلند .

إِنَّ و أَنَّ كَأَنَّ لَيْتَ لَكَنَّ لَعَلَّ : ناصب اسمند و رافع در خبر ضدّ ما و لا

می‌فرماید: یا نشان می‌دهیم البتّه تو را آنچه را که وعده دادیم بآنها، پس بتحقیق ما بر آنها توانا هستیم. - ۴۲ پس خودداری کن بوسیله آنچه وحی کرده شد برای تو، بتحقیق تو روی صراط مستقیم هستی. - ۴۳ و بتحقیق آن هر آینه یاد آورنده است برای تو و قوم تو و سؤال خواهید شد. - ۴۴ و سؤال کن از آنکه پیش از تو فرستادیم از رسولانمان آیا قرار دادیم از غیر پروردگار خدایانی را که عبادت می‌شوند. - ۴۵ و بتحقیق فرستادیم موسی را بسوی فرعون بضمیمه آیات خودمان و بقوم او، و گفت که من فرستاده شده از جانب پروردگار جهان هستم. - ۴۶ و چون آیات ما را در مقابل آنها آشکار کرد در آنزمان آنها از آن می‌خندیدند. - ۴۷ و نشان نمی‌دهیم آنها را از آیتی مگر آنکه آن مهمتر از گذشته بود، و گرفتیم آنها را بعذاب تا شاید متنبّه باشند. - ۴۸.

نتیجه:

إرسال رسل و إنزال کتب و إظهار آیات إلهی، همه بخاطر هدایت مردم و سوق آنها بسوی حق و حقیقت و تنزیه و تطهیر قلوب، و برطرف کردن گرفتاری و ابتلاءات افراد، و نورانیت و طهارت محیط است، و برای همین جهات است که در تمام ملل و اقوام رسولان و کتابهای آسمانی فرستاده میشود.

و قالوا یا ایّه السّاحر اذع لنا ربّک بما عهد عندک اننا لمهتدون. - ۴۹ فلما کشفنا عنهم العذاب إذا هم ینکثون. - ۵۰ و نادى فرعون فى قومه، قال یا قوم ائیس لی ملک مصر و هذه الأنهار تجرى من تحتی أفلا تبصرون. - ۵۱ أم أنا خیر من هذا الذی هو مهین و لا یکاد یبین. - ۵۲ فلو لا الّقیّ علیه أسورة من ذهب أو جاء معه الملائکة مقترنین. - ۵۳ فاستخف قومه فأطاعوه انهم کانوا قوماً فاسقین. - ۵۴ فلما آسفونا انتقمنا منهم فأغرقناهم أجمعین. - ۵۵.

ساحر: کسیکه اظهارات خلافی بصورت حقّ کند .
 نکث: نقض عهد ، شکستن پیمان .
 مصر: شهر مصر و مملکت مصر .
 مهین: حقیر ، ضعیف .
 یبین: آشکار کردن و بیان مقصود .
 أسورة: جمع سوار - زینتی که ببازو میکنند چون النگو .
 اقتراف: معیوب کردن ، خلاف کردن .
 استخفاف: سبک شمردن .
 آسفونا: محزون کردن ، بغضب آوردن .

می‌فرماید: گفتند آی آنکه ساحر است ، بخوان برای ما خدای خودت را که یاری کند ما را ، بوسیله آنکه در میان شما عهدی است از جانب او ، تا ما هدایت پیدا کنیم . - ۴۹ و زمانیکه برطرف کردیم از آنها عذاب را شروع کردند به شکستن تعهد خودشان . - ۵۰ و نداء کرد فرعون در میان قومش که : آیا پادشاهی مصر از من نیست ، و آیا این نهرها که از سرزمین ما جاری است ، مخصوص ما نیست ، آیا با چشم خودتان مشاهده نمیکنید . - ۵۱ آیا من برتر و بهتر نیستم از اینکه او ضعیف بوده و نمیتواند سخن روشنی گوید . - ۵۲ پس چرا افکنده نشد برای او دستبندهایی از طلا ، و یا چرا نیامد با او ملائکه‌ای که مختلط باشند . - ۵۳ پس سبک شمرد قوم خودشرا ، و اطاعت او را کردند ، و آنها قومی بودند فاسق . - ۵۴ پس زمانیکه ما را بغضب واداشتند : انتقام گرفتیم از آنها و همه آنها را غرق کردیم . - ۵۵ .

نتیجه :

این نهرها : افتخار و تکیه فرعون بآن نهرها و آبها شد ، و این توجه و تکیه کردن بآن نهرها چنانکه در آیه ۵۱ بود ، موجب شد که بوسیله همان نهرها و آبها ، هلاکت او و أصحابش فراهم گردید .

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ . - ۵۶ و لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ . - ۵۷ و قَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ . - ۵۸ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ . - ۵۹ و لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلَفُونَ . - ۶۰ و إِنَّهُ لَعَلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ . - ۶۱ و لَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ . - ۶۲ و لَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لِأَبِينَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا . - ۶۳ .

سَلَفٌ : پیشرو .

يَصِدُّونَ : منع میکنند .

جَدَلٌ : صُلَب ، خصومت شدید .

خَصِمٌ : نزاع ، مخاصم .

يَخْلَفُونَ : بجای گذشته بودن .

عِلْمٌ : دانستن .

امْتَرَاءٌ : شک و تردید کردن .

مَثَلٌ : نمونه .

می‌فرماید : پس قرار دادیم آنها را پیشرو و نمونه برای متأخرین و زمانیکه زده

شد عیسی بن مریم مثال و نمونه‌ای برای آیندگان ، در آنهنگام قوم تو از او مانع می‌شوند ، و گویند که آیا خدایان ما بهتر است یا او ، و نزدند این مثل را مگر از راه خصومت و مجادله ، بلکه آنها قومی هستند که خصومت و دشمنی میکنند . - ۵۶ . - ۵۷ . - ۵۸ نبود او مگر بنده ایکه نعمت و احسان کردیم در حق او ، و قرار دادیم او را نمونه‌ای برای بنی اسرائیل . - ۵۹ و اگر می‌خواستیم هر آینه قرار می‌دادیم از میان شما ملائکه‌ای را که از شما جانشین باشند . - ۶۰ و او وسیله آگاهی از ساعت قیامت است ، پس شک نداشته باشید بآن و پیروی کنید از من که این صراط مستقیم است . - ۶۱ و مانع نشود شما را شیطان که او دشمن آشکار شما باشد . - ۶۲ و زمانیکه آمد عیسی و آورد دلائل روشن ، گوید : آوردم برای شما حکمت را ، و تا بیان کنم برای شما موضوعاتیرا که اختلاف دارید در آنها ، پس تقوی پیدا کرده و مرا پیروی کنید . - ۶۳ .

نتیجه :

حکمت : صیغه بناء نوع است ، یعنی انواع حکم که مربوط میشود بمعارف و حقایق و اصول اُدیان ، چون توحید و نبوت و معاد ، و آنچه مربوط بآن اصول میشود ، از اصول فلسفی .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ . - ۶۴ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ . - ۶۵ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ . - ۶۶ الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ . - ۶۷ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ . - ۶۸ الَّذِينَ آمَنُوا بآيَاتِنَا وَ كَانُوا مُسْلِمِينَ . - ۶۹ أَدْخِلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أَزْوَاجَكُمْ تُحِبُّونَ . - ۷۰ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهُه

الأنفس و تلذ الأعین و انتم فیها خالدون . - ۷۱ .

الأحزاب : جماعتها ییکه قلوب آنها متحد باشند .

ألیم : دردناک و دردآور .

بَغْتَة : ناگهان و بی مقدمه .

الأخِلَاء : الأصدقاء ، دوستان .

تُحَبَّرُونَ : تزیین ، تحسین .

صِحَاف : جمع صَحْفه ، کاسه بزرگ است .

أَكْوَاب : جمع كُوب که کاسه کوچک که عروه ندارد .

تَشْتَهِيه : محبّت و میل شدید بآن دارند .

می فرماید : بتحقیق که خداوند پروردگار من و پروردگار شما است ، پس او را پرستش کنید ، و این صراط مستقیم است . - ۶۴ پس اختلاف پیدا کردند گروهها از میان آنها ، و وای باد برای آنها ییکه ظلم کردند از عذاب روزیکه دردناک است . - ۶۵ آیا منتظرند مگر اینکه آید ساعة قیامت ناگهانی و آنها نفهمند . - ۶۶ دوستان در آنروز بعضی از آنان دشمنی دارند با بعضی دیگر مگر پرهیزکاران . - ۶۷ ای بندگان من ترسی نیست برای شما در آنروز و نه محزون میشوید . - ۶۸ آنانکه ایمان آورده اند بآیات و برنامه های ما و در مقابل احکام ما تسلیم بوده اند . - ۶۹ وارد شوید ببهشت شماها و أزواج شما که زینت کرده میشوید . - ۷۰ طواف داده میشود بآنها به کاسه هایی از طلا و با ظرفهای کوچکتر ، و در آنجا هر چیز است که چشمها از آن لذت برده و نفسها خواستارند ، و شما در آنجا همیشگی هستید . - ۷۱ .

نتیجه :

در روز قیامت چند طائفه در عذاب میشوند : اول - افرادی که ستمکار بودند .
دوم - آنهاییکه مؤمن بآیات نبوده و تسلیم در مقابل احکام او نباشند . و چند طائفه
در امن قرار می‌گیرند : اول - مؤمنین بأحکام و آیات الهی . دوم - پرهیزکاران که
إقبالی به متاع و لذات نفس ندارند .

و تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . - ۷۲ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ
مِنْهَا تَأْكُلُونَ . - ۷۳ إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ . - ۷۴ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ
وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ . - ۷۵ و مَا ظَلَمْنَا هُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ . - ۷۶ و نَادُوا
يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ . - ۷۷ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنْ
أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ . - ۷۸ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْ آفَأَنَّا مُبْرَمُونَ . - ۷۹ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا
لَا نَسْمَعُ سُرَّهُمْ وَ نَجْوِيَهُمْ بَلَىٰ وَ رُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ . - ۸۰ .

اورث : میراث داده شد .

مجرمین : گنهکاران .

فتر : سست شدن .

إبلاس : کم خیر بودن ، شکسته شدن .

ماکتون : تأخیر کنندگان .

إبرام : محکم کردن امری است .

لدى : از کلمات ظروف مکانست ، مثل عند به معنی نزد .

قضاء : حکم کردن ، انجام دادن عمل .

يکتبون : ثبت و ضبط کردن است .

می‌فرماید : و آن بهشت میراث داده میشوید بآن بسبب آنکه اعمالی انجام میدادید . - ۷۲ برای شما در آنجا میوه‌های بسیاری باشد که از آنها میخورید . - ۷۳ و بتحقیق گنهکاران در عذاب جهنم همیشگی باشند . - ۷۴ و سست نمیشود عذاب از آنها و آنها در آن عذاب محکوم باشند . - ۷۵ و ظلم نکردیم ما بآنها ، ولی بودند بخودشان ظلم میکردند . - ۷۶ و نداء میکنند مالک را که درخواست کن تا خداوند حکم کند درباره ما ، مالک جواب میدهد که شما در جهنم ماندنی هستید . - ۷۷ هر آینه به تحقیق آوردیم برای شما حق را ولی اکثر شما برای حق کراهت می‌ورزید . - ۷۸ آیا محکم کردند موضوعی را که میخواهند ، و ما هم محکم کننده هستیم . - ۷۹ و آیا تصوّر میکنند که ما متوجه نمیشویم به باطن و ظاهر آنها ، آری و مأموران ما نزد آنها مینویسند همه امور را . - ۸۰ .

نتیجه :

در جهنم همیشگی :

رحمت و عذاب آخرت : تابع خصوصیات و مقدار اعمال و افکار است ، و اعمال و افکار آدمی در نفس او منتقش می‌شود ، و بهر مقداریکه آثار اعمال در نفس او ثابت و راسخ شده است بهمان اندازه متنعم و یا معذب خواهد شد - و مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ، و مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ .

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ . - ۸۱ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ . - ۸۲ فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ . - ۸۳ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ . - ۸۴ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . - ۸۵ وَ لَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ . - ۸۶ و لئن سألْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ
اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ . - ۸۷ و قِيلَ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ . - ۸۸ فاصْفَحْ
عَنَّهُمْ وَ قُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ . - ۸۹ .

وَلَد : فرزند .

عَرْش : سقف محیط .

سَبْحَانَ : منزّه است .

خَوْض : فرو رفتن .

إِلَه : معبود .

يُؤْفَكُونَ : انصراف و قلب .

أَنَّى : ظرف مکان و برای شرط است .

صَفَح : برگشتن ، رو برگردانیدن .

می‌فرماید : بگوی که اگر برای خداوند فرزندی باشد ، من نخستین پرستش
کننده او خواهم بود . - ۸۱ منزّه است پروردگار آسمانها و زمین پروردگار عرش از
آنچه توصیف میکنند . - ۸۲ پس ترک کن آنها را که فرو بروند در گمراهی و بازی
کنند تا وقتیکه برسند بروزیکه وعده داده می‌شوند . - ۸۳ و او کسی است که در
مرتبّه علویین معبود است و در مرتبه سفلی معبود است ، و او حکم کننده دانا
است . - ۸۴ و مبارکست آنکه برای او است مالکیت آسمانها و زمین و آنچه در میان
آنها است ، و نزد او باشد علم ساعت قیامت و بسوی او برگشت میشود . - ۸۵ و
مالک نمیشود بشفاعت از آنهایکه میخوانید از غیر خداوند ، مگر کسیکه شهادت
بدهد بحق و آنها میدانند . - ۸۶ و اگر بپرسی از آنها که کیست که آنها را آفریده
است ؟ گویند : خداوند ، پس بکجا برمیگردید . - ۸۷ و نزد او است علم گفتار آنها

که : و بتحقیق آنان قومی هستند که ایمان نمی آورند . - ۸۸ پس روی برگردان از آنها و بگوی سلامتی باد بر شما ، پس خواهند فهمید . - ۸۹ .

نتیجه :

عرش : سایبان است ، و برای مواردی زده میشود که محلّ سکناى فرد مخصوصی باشد که در زیر سایه آن زندگی نمایند .

سوره دخان

سوره - ۴۴ عدد آیات ۵۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمَّ . - ۱ و الْكِتَابِ الْمُبِينِ . - ۲ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا
 مُنذِرِينَ . - ۳ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ . - ۴ أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا
 مُرْسِلِينَ . - ۵ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . - ۶ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَ مَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ . - ۷ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ
 رَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ . - ۸ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ . - ۹ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي
 السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ . - ۱۰ يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ . - ۱۱ رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا
 الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ . - ۱۲ .

حم : جلوه حق است که در مرتبه دوّم با ظهور نبی اکرم ، و با کتاب آسمانی
 باشد .

و الكتاب المبين : کتابیکه روشن کننده حقایق است .

لیلة مبارکة : که در شب قدر بود - أنزلناه فی لیلة القدر .

فیهما یفرق : در آنشب جدا میشود همه اموریکه محکم است .

بدخان مبين : دود و گرفتگی روشن که پوشاننده است .

فارتقب : پس منتظر و متوجه باش که روزی آید شما را دخانی روشن .

می فرماید : بنام خداوند بخشنده مهربان ، جلوه حق است که در وجود رسول
 اکرم (ص) ظاهر شده است . - ۱ و سپس با کتاب آسمانی بطور روشن آشکار
 می شود . - ۲ و بتحقیق ما نازل کردیم آن کتابرا در شب مخصوص قدر ، و ما در این

کتاب انذار کننده هستیم بندگان را از انحراف و تجاوز از حق . - ۳ و در آن شب از جانب خداوند جدا شده و تمییز پیدا میکند هر آمریکه محکم و واقعیت دارد . - ۴ حکم و فرمانی است از جانب ما بدرستیکه ما هستیم فرستنده . - ۵ این کتاب رحمتی است از جانب پروردگار متعال ، و او شنونده و عالم و محیط است . - ۶ و او پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در آنها باشد ، اگر توجه پیدا کنید و بدانید . - ۷ و معبودی نیست مگر او که زنده میکند و می‌میراند و او پروردگار شما و پروردگار پدران گذشته شما است . - ۸ بلکه آنها در حالت شک هستند و بازی میکنند . - ۹ مراقب و منتظر باش روزی را که می‌آورد آسمان دود غلیظی را . - ۱۰ که می‌پوشاند مردم را و آن عذاب دردناکیست . - ۱۱ پروردگارا برطرف کن از ما عذابا بدرستیکه ما ایمان آورندگانیم . - ۱۲ .

نتیجه :

دخان : گرفتگی و دود غلیظی است که مانع از رؤیت و تنفس و ادامه زندگی شود ، و این دود در اثر جنایات و تجاوزات و ستمگریها و معاصی صورت میگیرد . طاعات و عبادات و توجهات بحق تعالی همینطوریکه در موارد اشخاص موجب نورانیت و رفع کدورات گردد : در مورد جامعه نیز چنین است .

أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ . - ۱۳ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ . - ۱۴ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ . - ۱۵ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ . - ۱۶ وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ . - ۱۷ أَنْ أَدَّوْا إِلَىٰ عِبَادَةِ اللَّهِ إِنَّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . - ۱۸ وَ أَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ . - ۱۹ وَ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ . - ۲۰ وَ إِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتَرِلُونِ . - ۲۱ فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لِأَنَّ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ . - ۲۲ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ . - ۲۳ .

- أَنْبِيَّ : ظرف مکان و برای شرط است .
 الذِّكْرَى : تذکر و یادآوری .
 مَعْلَمٌ : یاد داده شده ، تعلیم شده .
 بَطْشَةٌ : أخذ و گرفتن با حرکت و شدت .
 فِتْنًا : به فتنه و گرفتاری انداختن .
 لَا تَعْلُوا : علوّطلبی و بلندی نگیرید .
 سُلْطَانٌ : دلیل و بینه محکم .
 تَرْجُمُونِ : سنگسار کردن .
 إِسْرَاءٌ : سیر دادن ، و بردن .
 مَجْرَمُونَ : گنهکاران که مرتکب جرم میشوند .

می‌فرماید : در کجا است برای آنها متذکر شدن در حالیکه آمده است برای آنها از جانب خداوند رسولی آشکار کننده . - ۱۳ سپس پشت کردند باو و گفتند او تعلیم داده شده و مجنون است . - ۱۴ و بتحقیق ما رفع کننده عذاب هستیم بنحو اجمال ، و شماها برمیگردید به برنامه‌های خودتان . - ۱۵ روزیکه آید که ما أخذ کرده و میگیریم بنحو شدید و محکم و بتحقیق ما انتقام گیرنده هستیم . - ۱۶ و بتحقیق بگرفتاری انداختیم پیش از آنها در حالیکه آمد بآنها از جانب ما رسولی گرامی قوم فرعون را . - ۱۷ اینکه تحویل بدهید بمن بندگان خدا را که من برای شما رسول امینی هستم . - ۱۸ و در مقابل خداوند علوّ نطلبید ، و من می‌آورم بشما حجت و دلیل روشنی . - ۱۹ و من پناهنده شدم بخدای خودم و خدای شما که بمن آزار نرسانیده و سنگ نزنید . - ۲۰ و اگر بمن ایمان نمی‌آورید پس از من دوری و کناره جویی کنید . - ۲۱ پس درخواست کرد از خداوند که اینقوم گنهکارند . - ۲۲ پس خطاب آمد که شبانه اهل بیت خود را بیرون ببر که همانا شما پیروی شونندگانید . - ۲۳ .

نتیجه :

مجنون : بعقیده افراد دنیا پرست کسیکه از منافع و عناوین مادی روگردان باشد : آدم معتدل و عاقلی نیست ، زیرا منافع و لذائذ دنیوی در دنیا مورد ابتلاء است ، و آنیکه نقداً بدرد میخورد همین زندگی مادی است مگر افرادیکه آخرت را محسوس بدانند بعلم الیقین .

و اَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوَاً إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ . - ۲۴ کم تَرَکُوا مِنْ جَنَاتٍ و عُیُونَ . - ۲۵ و زُرُوعٍ و مَقَامٍ کَرِيمٍ . - ۲۶ و نَعْمَةً کَانُوا فِیْهَا فَاکِهِینَ . - ۲۷ کَذَلِکَ و أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِینَ . - ۲۸ فَمَا بَكَتْ عَلَیْهِمُ السَّمَاءُ و الْأَرْضُ و مَا کَانُوا مُنْتَظَرِینَ . - ۲۹ و لَقَدْ نَجَّیْنَا بَنِی إِسْرَائِیلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِینِ . - ۳۰ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ کَانَ عَلِیًّا مِنَ الْمُسْرِفِینَ . - ۳۱ و لَقَدْ اخْتَرْنَا هُمْ عَلِیَّ عِلْمٍ عَلِی الْعَالَمِینَ . - ۳۲ و آتَيْنَا هُمْ مِنَ الْآیَاتِ مَا فِیْهِ بَلَاءٌ مُّبِینٌ . - ۳۳ إِنَّ هَؤُلَاءَ لَیَقُولُونَ . - ۳۴ .

رَهْوُ : سَهْلَ گیری ، سستی .

جُنْدٌ : العَسْکَرُ ، لشکر .

عیون : چشمه ها .

زُرُوعٍ : جمع زَرَعٍ بمعنی مزروع است .

مَقَامٌ : محلّ اقامت ، مَسْکَنٌ .

نَعْمَةٌ : رفاه ، طَیِّبٌ ، خوشی .

فَاکِهِینَ : متنعمین .

مُنْتَظَرِینَ : انتظار شدگان .

مُهِینٌ : ضعیف و خوار کننده .

بلاء : تحوّل ، نعمت .

مُبین : آشکار کننده .

و ترک کن دریا را بحال سستی که آنها لشگری باشند غرق شده . - ۲۴ و چقدر ترک کردند از باغها و چشمه‌ها . - ۲۵ و مزرعه‌ها و جاهای گرمی . - ۲۶ و خوشی که بودند در آن متنعم و خوشحال . - ۲۷ اینچنین که باقی گذاشتیم آنها را بقومی دیگر . - ۲۸ پس گریه نکرد بآنها آسمان و زمین ، و نبودند منتظر شدگان . - ۲۹ و بتحقیق نجات دادیم ما بنی اسرائیل را از عذابیکه خوار کننده بود . - ۳۰ از فرعون بتحقیق او بود علوّ طلب و از اسراف کنندگان . - ۳۱ و برگزیدیم او را با آگاهی بر همه اهل جهان . - ۳۲ و آوردیم ما آنها را از آیاتِ اِلَهِی آنچه در آن ابتلای آشکاری بود . - ۳۳ و بدرستیکه آنها هر آینه می‌گویند . - ۳۴ .

نتیجه :

البحر رهواً : تا گفته نشود که تندی در جریان دریا بود که آنها را گرفته و در آب متلاطم غرق کرد ، و آنها غفلت کرده بودند .
گریه نکرد : آری تشکیلات دنیا پابرجا و روی جریان خود ثابت بوده و توجّهی بتحوّلات و خصوصیات و حوادث آن ندارد .
و هرگونه تحوّلات در تشکیلات مادی دنیا ، و در تحوّلات ساکنین و اهل آن ، همه تحت اختیار و حکم پروردگار متعال بوده است .

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتْنَا الْأُولَىٰ وَ مَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ . - ۳۵ فَأَتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . - ۳۶ أَهْمُ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبَّعُ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ . - ۳۷ وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِينَ . - ۳۸ وَ مَا

خَلَقْنَا هُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . - ۳۹ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتِهِمْ
 أَجْمَعِينَ . - ۴۰ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئاً وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ . - ۴۱ إِلَّا مَنْ
 رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . - ۴۲ إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ . - ۴۳ طَعَامُ
 الْأَثِيمِ . - ۴۴ كَالْمُهْلِ يَغْلَى فِي الْبُطُونِ . - ۴۵ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ . - ۴۶ .

مُنشَرِينَ : نشر شده ، بعث شدگان .

قَوْمٌ تُبَّعُ : در یمن بودند .

مجرمین : گنهکاران .

لَاعِبِينَ : بازی کنندگان .

فَصْل : جدا کردن .

مِيقَاتٍ : وقت معین ، وعده گاه .

مَوْلَى : متوالی ، رفیق .

زَقُّومِ : طعام بسیار تلخ .

مُهْل : چیز سفت گداخته شده ، معدنیات .

يَغْلَى : جوشیدن .

می فرماید : نیست این مردن مگر مردن در مرتبه اول و نیستیم ما از نشر و زنده
 شدگان در مرتبه دوم . - ۳۵ گویند که بیاورید پدران ما را اگر هستید از
 راستگویان . - ۳۶ آیا آنها بهترند یا قوم تُبَّع و آنانکه پیش از آنها بودند که هلاک
 ساختیم آنها را و آنها بودند جنایتکار . - ۳۷ و نیافریدیم آسمانها و زمین و آنچه را
 که در میان آنها بود بقصد بازی کردن . - ۳۸ و خلق نکردیم آن دو را مگر با برنامه
 حق ولیکن اکثر آنها نمیدانند . - ۳۹ و روز فصل و جدایی وعده گاه آنها است
 بهمگی . - ۴۰ روزیکه بی نیاز نمیکند دوست متوالی دوست خود را از چیزی و نه

آنها یاری کرده میشوند . - ۴۱ مگر کسی که خداوند در حق او رحم و مهربانی فرماید ، و او مهربان و با عزت است . - ۴۲ بتحقیق شجره زقوم غذای شخص گنهکار است . - ۴۳ . - ۴۴ مانند فلز گداخته است که میجوشد در شکم ، چون آب جوشیده . - ۴۵ . - ۴۶ .

نتیجه :

مردن در مرتبه اول : در صورتیکه به خارج روح از بدن باشد بنحو کلی ، موت حقیقی محقق میشود ، و در این صورت است که تعلق روح ببدن قطع گشته است . و روز فصل : روز قیامت است که انسان در صورت تحقق قیامت از زندگی مادی بدنی بکلی منقطع گردد .

خُذُوهُ فَاَعْتَلُوهُ اِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ . - ۴۷ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَاسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ . - ۴۸ ذُقْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ . - ۴۹ اِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُوْنَ . - ۵۰ اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ مَقَامٍ اَمِيْنٍ . - ۵۱ فِيْ جَنَّاتٍ وَ اَعْيُوْنٍ . - ۵۲ يَلْبَسُوْنَ مِنْ سُنْدُسٍ وَ اِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِيْنَ . - ۵۳ كَذٰلِكَ وَ زُوْجُنَا هُمْ بِحُوْرٍ عِيْنٍ . - ۵۴ يَدْعُوْنَ فِيْهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ اٰمِنِيْنَ . - ۵۵ لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا الْمَوْتَ اِلَّا الْمَوْتَةَ الْاُولٰى وَ وَقِيْهِمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ . - ۵۶ فَضَلًا مِّنْ رَّبِّكَ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ . - ۵۷ فَاِنَّمَا يَسْرِنَا هٗٓ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ . - ۵۸ فَارْتَقِبْ اِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُوْنَ . - ۵۹ .

اعتلاء : بلند کردن و بالا بردن .

سَوَاءِ الْجَحِيمِ : وسط دوزخ .

صُبُّوا : بریزید .

حَمِيم : گرم و داغ .
 تَمْتَرُونَ : شک میکنید .
 سُنْدُس : پارچه‌ای از حریر است .
 اسْتَبْرَق : پارچه از حریر غلیظ است .
 فارتَقِبُ : مراقب و مواظب باش .
 حُور : جمع حَوَراء ، زنیکه چشمش از سواد و بیاض فراخ باشد .
 عَيْن : جمع عَيْناء کسیکه چشمش جالب باشد .

می‌فرماید : بگیریید او را و بلند کنید تا وسط جهنم . - ۴۷ و سپس بریزید بالای سرش از عذاب آب گرم . - ۴۸ بچش که تو بتحقیق شخص با عزت و کرامت بودی . - ۴۹ و این چیز است که در آن شک میکردید . - ۵۰ بتحقیق افراد پرهیزکاران در محیط امنی باشند . - ۵۱ در باغها و با چشمه‌ها هستند . - ۵۲ می‌پوشند از لباس حریر و از حریر غلیظ و می‌نشینند در مقابل یکدیگر . - ۵۳ چنین است و تزویج میکنیم برای آنها از زندهای حُور العین که فراخ چشم و جالب باشند . - ۵۴ و میخواهند در آنجا از میوه‌های بهشتی در حالت امن و اطمینان . - ۵۵ نمی‌چشند در آنجا عذاب موت را پس از موت اول که گذشته است ، و حفظ میشوند از عذاب جهنم . - ۵۶ فضلی باشد از جانب پروردگار تو ، و این فضل بزرگی است . - ۵۷ اینست که آسان و روان کردیم آنها بزبان تو که شاید آنها متذکر باشند . - ۵۸ پس مراقب باش که آنها مراقب هستند . - ۵۹ .

نتیجه :

محیط امن : محیط امن و اطمینان که از پیش آمد حوادث در امن خاطر بودن بزرگترین نعمت و خوشی را دارد ، مخصوصاً که در محیط سبز و خرم و باغ و بوستان بوده ، و همراه دوستان صورت بگیرد .

سوره الجاثیه

سوره - ۴۵ عدد آیات ۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم . ۱ - تَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ . ۲ - إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ . ۳ - وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ . ۴ - وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ . ۵ - تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبَأَى حَدِيثَ بَعْدِ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ . ۶ - وَيَلُ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ . ۷ - يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ . ۸ .

حم : حقّ مطلق که در مرتبه دوّم در وجود محمّد (ص) جلوه میکند .

عزیز : کسیکه برتری طلب باشد .

بثّ : نشر ، تفریق .

دابةّ : هر حیوان جنبنده است .

أیّ : کدام یک .

تتلوها : میخوانیم آنها را .

أفّاك : دروغگو .

إصرار : طلب مؤکّد .

اثیم : کسیکه عمل خلافی میکند .

مستکبر : کسیکه خودبین است .

می‌فرماید : او خدای حَقّ مطلق ، و فرستاده او خاتم انبیاء محمد (ص) باشد . ۱ - کتاب آسمانی نازل کردن باشد از جانب خداوند متعال که با عزّت و حکیم است . ۲ - و بتحقیق در آسمانها و زمین هر آینه آیات است برای قومی که ایمان می‌آورند . ۳ - و در خلق شما و در آنچه متفرّق کرده است از جنبنده‌ها هر آینه آیات است برای قومی که یقین دارند . ۴ - و در مختلف بودن روز و شب ، و آنچه نازل کرده است خداوند از آسمان از روزی و رزق ، پس زنده کرد بوسیله آن رزق زمین را بعد از موت او ، و در حرکت دادن بادها ، آیات است برای قومیکه عقل می‌دارند و می‌فهمند . ۵ - اینها آیات الهی است که میخوانیم برای تو بحقّ و واقعیت ، پس بکدام حدیثی پس از پروردگار متعال و آیات او ایمان دارید . ۶ - وای بر هر دروغگوی گنهکاری باد . ۷ - که می‌شنود آیات الهی را که خوانده میشود برای او ، و سپس اصرار میکند در انکار آنها که گویا نشنیده است آنها را ، پس بشارت بده آنها را بعذاب دردناک . ۸ -

نتیجه :

عزیز : در مقابل ذلیل است ، یعنی بلند مرتبه و در مقام عالی بودن که مورد تکریم دیگران بوده ، و در مقابل او خضوع و تواضع و نیازمندی کنند . و عزیز مطلق منحصر است بوجود پروردگار .

و اذا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئاً اتَّخَذَهَا هُزُوّاً أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ . - ۹ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئاً وَ لَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ . - ۱۰ هَذَا هُدًى وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزِ أَلِيمٍ . - ۱۱ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . - ۱۲ وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ . - ۱۳ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا

لِّلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . - ۱۴ .

هُزُوٌ : استهزاء .

مُهَيِّنٌ : خوار کننده .

رَجَزٌ : پلید .

أَلِيمٌ : دردناک .

أَيَّامَ اللَّهِ : روزهای منسوب بخداوند .

وَرَائِهِمْ : از پشت سر آنها .

فُلُكٌ : جمع و بمعنی کشتیها است .

يَتَفَكَّرُونَ : اندیشه کنند .

می‌فرماید : و زمانی که آگاه شد از آیات ما چیز را می‌گیرد آنرا بمسخره ، و آنان برای آنها است عذاب خوار کننده . - ۹ و از پشت سر آنها جهنم است و بی نیاز نمیکند آنها را آنچه کسب کردند چیز را ، و نه آنچه از غیر خداوند برای خودشان اولیائی گرفتند ، و برای آنها باشد عذاب بزرگ . - ۱۰ این هدایت است از جانب خداوند ، و آنانکه کافر شدند به آیات خداوند برای آنها است عذاب دردناک شدید . - ۱۱ خداوندیکه مسخر کرده است برای شما دریا را ، تا جریان پیدا کند کشتی‌ها در آب آن بفرمان او ، و بدست آورید از فضل و احسان او ، و شاید که شما سپاسگزار باشید . - ۱۲ و مسخر ساخته است برای شما آنچه را که در آسمان‌ها و در زمین است همگی ، و در این جریان آیاتی است از جانب خداوند برای اشخاصیکه تفکر کنند . - ۱۳ بگوی بمؤمنین که بیخشند برای آنانکه امید ندارند به روزهای خداوند ، تا خداوند پاداش بدهد قومی را به آنچه بودند کسب میکنند . - ۱۴ .

نتیجه :

آیات الله : روزهای بیست که منسوب بخداوند است ، و خداوند متعال در آن آیات توجه مخصوص به بندگان خود دارد ، مانند موالید حضرات ائمه علیهم السلام و روزهاییکه از اعیاد دینی حساب می شود .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ . - ۱۵ و لَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ النُّبُوَّةَ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ . - ۱۶ وَ آتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ . - ۱۷ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ . - ۱۸ إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ . - ۱۹ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ . - ۲۰ .

إساءة : عمل بد انجام دادن .

حكمة : نوعی از حکم و معرفت است .

و النبوة : پیغام آوردن از جانب خداوند .

کتاب : مجموعه‌ای از نوشته‌ها .

نبوت : مبعوث شدن از طرف خداوند .

بغی : طلب شدید ، و تجاوز .

شریعت : طریقه ، راه ، دستوره‌ای مخصوص .

اغناء : بی نیاز کردن .

بنی اسرائیل : فرزندان اسرائیل .

می‌فرماید: کسیکه عمل صالحی انجام داد پس بنفع خود او است، و اگر کسی عمل بدی داشته باشد بضرر خود او خواهد بود، و سپس بسوی پروردگار متعال برمیگردید. - ۱۵ و بتحقیق آوردیم به بنی اسرائیل کتاب و حکمت و نبوت، و روزی دادیم آنها را از پاکیزگیها و برتری دادیم آنها را بهمه اهل عالم. - ۱۶ و دادیم آنها را چیزهای روشن و محکمی از امور، پس اختلاف نکردند مگر پس از آمدن علم و یقین، برای تجاوز کردن در میان خودشان، بتحقیق پروردگار تو حکم میکند در میان آنها در روز قیامت در آن اموریکه اختلاف میکردند. - ۱۷ سپس قرار دادیم تو را روی راه مستقیمی از حق پس پیروی کن از آن و پیروی مکن از خواسته‌های کسانیکه نمی‌فهمند. - ۱۸ بتحقیق آنها هرگز نمیتوانند تو را بی نیاز کنند از خداوند به چیزی، و بتحقیق ستمکاران برخی از آنها متولیان بعضی دیگرند، و خدا متولی پرهیزکارانست. - ۱۹ و این کتاب بصیرتهاست برای مردم، و هدایت و رحمت است برای قومیکه یقین پیدا میکنند. - ۲۰.

نتیجه :

بصیرت است: خداوند محیط بهمه امور گذشته و آینده است، و تمام جزئیات و کلیات در مقابل احاطه علم او مشهود باشد.

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ . - ۲۱ و خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ . - ۲۲ أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبَهُ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ . - ۲۳ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَىٰ وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ

إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ . - ۲۴ .

اجتراح : اکتساب ، و در موارد سیئات استعمال میشود .

سواء : برابر ، مساوی .

حیاتنا الدنيا : زندگی مادی .

الدَّهْر : روزگار .

حَسِبَ : تصوّر ، خیال .

محیا ، ممات : شخص مؤمن در آیام حیوة پیوسته متوجه عبادت و اعمال خیر و اطاعت است ، و در روزگار بعد از فوت آثار و نتایج اعمال خود را مشاهده خواهد کرد . ولی شخصیکه کافر است تا زنده است ، شب و روز مشغول عصیان و خلاف و اعمال سوء بوده ، و پس از فوت آثار سوء اعمال خلاف خود را خواهد دید .

می فرماید : آیا خیال کرده است آنانکه کسب کرده اند بديها را اینکه قرار میدهیم آنها را مانند اشخاصیکه ایمان آورده و اعمال صالحی دارند ، که زنده بودن و موت آنها برابر باشد ، چه بد قضاوت میکنند . - ۲۱ آفریده است خداوند آسمانها و زمین را روی برنامه حق ، و برای اینکه جزاء داده میشود هر کسی بآنچه کسب کرده است ، و آنها ظلم نمیشوند . - ۲۲ آیا دیدی کسیرا که گرفته است هوی خود را معبود ، و گمراه کرده است او را خداوند با داشتن علم و آگاهی ، و مهر زده است بر گوش و قلب او ، و قرار داده است بر چشم او پرده ای ، پس کیست که هدایت کند او را پس از خداوند ، آیا متذکر نمیشوید . - ۲۳ و گفتند که نیست این زندگی ما مگر زندگی مادی که در همین دنیا و در جریان آن زنده و مرده میشویم ، و هلاک نمیکند ما را مگر همین جریان روزگار ، و اینمردم توجه و علم ندارند ، و روی تصوّر ظنی حرف میزنند . - ۲۴ .

نتیجه :

مگر زندگی مادی : کسیکه معرفت بخداوند متعال پیدا کرده ، و او را عالم و قادر و عادل و بی نیاز دانست : متوجه خواهد شد که خلق کردن او روی حساب و غرض عقلانی و مقصد عالی بوده ، و هرگز بدون برنامه و بیغرض صحیح ممکن نباشد که عملی را انجام بدهد .

و إِذَا تُلِي عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتُوا بآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . - ۲۵ قل الله يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم إلى يوم القيامة لا ريب فيه و لكن أكثر الناس لا يعلمون . - ۲۶ و لله ملك السموات و الأرض و يوم تقوم الساعة يومئذ يخسر المبطلون . - ۲۷ و ترى كل أمة جاثية كل أمة تدعى إلى كتابها اليوم تجزون ما كنتم تعملون . - ۲۸ هذا كتابنا ينطق عليكم بالحق إنا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون . - ۲۹ فأما الذين آمنوا و عملوا الصالحات فيدخلهم ربهم في رحمته ذلك هو الفوز المبين . - ۳۰ و أما الذين كفروا أفلم تكن آياتي تلي عليكم فاستكبرتم و كنتم قوماً مجرمين . - ۳۱ .

بیّنات : جمع بیّنه = دلیل و حجّت است که روشن باشد .

المبطلون : افرادی که اعمال باطل و لغو بجا آورند .

جاثیه : نشسته بزانو .

استنساخ : نسخه و صورت برداشتن .

می فرماید : و زمانی که خوانده شود بآنها آیات ما که روشن باشند ، گویند که : اگر سخنان شما راست است ، بیاورید و زنده کنید پدران مرده ما را . - ۲۵ بگویی که خداوند در مرتبه اول در آغاز بچه بودن شما را در شکمهای مادر زنده میکند ، و

سپس از عمریکه زنده هستید می‌میراند ، و باز برای آخرت بصورت آخرتی زنده کرده و همه شماها را برای روز قیامت جمع و حاضر میکند که شکی در آن نیست ، و اکثر مردم از این موضوع غفلت داشته و علم ندارند . - ۲۶ و برای خداوند است مالکیت آسمانها و زمین و روزیکه برپا میشود ساعت قیامت ، و در آنروز زیانکار میشود افرادی که باطل گرویده بودند . - ۲۷ و می‌بینی در آنروز همه گروهها که بحالت نشسته بودند ، و هر گروهی به کتاب آسمانی خود خوانده میشوند ، و آنروز جزاء داده میشود هر کسی بآنچه بودید عمل میکردید . - ۲۸ این کتاب ما باشد که گفتگو میکند بر شما به حق ، و ما ضبط میکنیم آنچه را که بودید عمل میکردید . - ۲۹ پس اَمَّا کسانیکه ایمان آورده و اعمال صالح بجا آوردند : پس داخل میکند آنها را پروردگارشان در رحمت خود و این موفقیت بزرگی است . - ۳۰ و اَمَّا آنهایکه کافر شدند : آیا نبود که آیات ما خوانده میشد بر شما پس خودستائی کردید و بودید قوم و طایفه گنهکاران . - ۳۱ .

نتیجه :

جائیه : اشاره به توقف و انتظار حکم است تا نتیجه زندگی دنیوی او معلوم گردد ، و این نشستن در مورد همه رقم از طوائف صالح و غیر صالح شامل میشود ، چون همه منتظر حکم و روشن شدن تکلیف باشند - ۲۸ .

و إِذَا قِيلَ إِنَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ السَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَ مَا نَحْنُ بِمُستَيقِنِينَ . - ۳۲ وَ بَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ . - ۳۳ وَ قِيلَ الْيَوْمَ نَنسِيكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَاؤْيِكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ . - ۳۴ ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَ غَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَ لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ . - ۳۵ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۳۶ وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي

السمواتِ و الأرض و هو العزيز الحكيم . - ۳۷ .

ساعة : زمان قیامت است که برپا میشود .

مستیقن : طلب کننده و خواهان یقین .

حاق : نازل و وارد شدن .

هُزُو : مسخره و استهزاء .

غرّکم : فریب داده شما را زندگی دنیا .

یُسْتَعْتَبُونَ : درخواست عتاب کردن .

الکبرياء : بزرگواری .

و هو العزيز الحكيم : صاحب عزّت ، و صاحب قدرت باشد .

و حکیم : صاحب حکمت است . و آن نوعی از حکم یقینی است که از حقایق و

معارف باشد .

می فرماید : زمانیکه بآنها گفته شد که بتحقیق ساعت قیامت حقّ است ، و وعده خداوند حقّ باشد ، و شکی در آنها نیست گفتید که ما نمیدانیم که ساعت چیست ، گمان نمی کنیم مگر گمانی و نیستیم ما یقین کنندگان . - ۳۲ و آشکار شد برای آنها بدیهیهای آنچه عمل میکردند ، و وارد شد بآنها آنچه بودند به آن استهزاء میکردند . - ۳۳ و خطاب میشود که امروز شما را فراموش میکنیم بآنطوریکه شما فراموش میکردید ما را ، و جایگاه شما آتش است ، و نباشد برای شما از یاری کننده ای . - ۳۴ و جریان عمل شما این بود که أخذ کردید آیات خدا را بمسخره ، و فریب داد شما را زندگی دنیوی ، پس امروز از محیط جهنّم نمیتوانید خارج شوید ، و عتاب هم نمیشوید . - ۳۵ پس ستایش برای خداوند است که خداوند آسمانها و زمین ، و پروردگار جهانیان است . - ۳۶ و برای او است بزرگواری در آسمانها و زمین

و او عزیز و حکیم است . - ۳۷ .

نتیجه :

و عتاب نمیشوید : عتاب توبیخ کردن و ملامت نمودنست ، و این خود بحساب مجازات آید ، و کسیکه مجازات میشود ، توبیخ او معنی ندارد ، و ممکن است که زبان اعتراض بگشاید برای توبیخ کردن او اضافه بر مجازات ، و تن به مجازات ندهد و توبیخ را راضی نباشد .

سوره الأحقاف

سوره - ۴۶ عدد آیات ۳۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم . ۱ - تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم . ۲ - ما خلقنا السموات والأرض وما بينهما إلا بالحق وأجل مسمى والذين كفروا عما أنذروا معرضون . ۳ - قل أرأيتم ما تدعون من دون الله ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموات اننوني بكتاب من قبل هذا أو أثارة من علم إن كنتم صادقين . ۴ - ومن أضل ممن يدعو من دون الله من لا يستجيب له إلى يوم القيامة وهم عن دعائهم غافلون . ۵ - وإذا حشر الناس كانوا لهم أعداء وكانوا بعبادتهم كافرين . ۶ .

بمناسبت کلمه - حم ، می فرماید که : ما آسمانها و زمین را روی برنامه حق ، و با مدّت تعیین شده آفریدیم .

قید - مدّت معین داشتن از لوازم امکان است ، و در عالم وجوب هرگز مدّت و أجل معین شده‌ای ملحوظ نمیشود ، چون موجود واجب از خود و بذاته ثبوت و دوامی دارد و فانی نمیشود .

و أمّا إعراض کافرین از آنچه موجب گرفتاری و عذاب آنها است : این معنی نهایت ضعف عقل و سستی إدراک آنها است ، که اینچنین برخلاف خودشان قدم برداشته و عمل کنند .

آری این برنامه خلاف عقل و شعور : درباره همه کفار و مخالفین ادیان إلهی جاری است ، و باید بخود آمده و متوجه باشند .

حقّ : مطلق و ثابت که پابرجا و غیرمتغیر است ، و فی نفسه نیازمند نیست .
 أَجَلٌ مُّسَمًّى : و زمان محدود و معین شده دارد ، و دائمی نباشد .
 دُونَ اللَّهِ : غیر خداوند که در مرتبه پایین خداوند باشد .
 اِتُونِي : بیاورید مرا کتابی دیگر که آسمانی باشد .
 حُشِرٌ : جمع شدن ، اشاره بقیامت است .
 عزیز : صاحب عزّت و برتری و تفوّق باشد .
 حکیم : صاحب حکم قاطع در همه امور و موضوعات .

بنام خداوندیکه بخشاینده و مهربانست . او حقّ است ، و در خارج بصورت وجود محمد (ص) ظاهر شده است . - ۱ و این نازل کردن کتابست از جانب پروردگاریکه عزیز و حکیم است . - ۲ نیافریده‌ایم آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آنها است ، مگر با برنامه حقّ و واقع بینی و بصورت محدود و مدّت معین شده ، و افرادی که کافر شده‌اند ، از آنچه پرهیز داده شده‌اند ، اعراض کرده و مخالفت میکنند . - ۳ بگو آیا دیدید آنها را که میخوانید از غیر خداوند ، نشان بدهید به من چه آفریدند در زمین ، و آیا برای آنها شرکت بوده است در آسمانها ؟ بیاورید کتاب و نوشته‌ای از پیش از اینها ، و یا دلیل علمی اگر راست می‌گوئید . - ۴ و کیست که گمراهتر باشد از کسی که میخواند از غیر خداوند که تا روز قیامت جواب نمیدهد او را ، و آنها از دعوت خودشان غافلند ، و مدعوین نیز از دعوت افراد خواننده غفلت دارند . - ۵ و زمانیکه همه محشور و جمع میشوند برای حساب قیامت : دعوت شدگان مخالفت و کفر میورزند بعمل دعوت کنندگان . - ۶ .

نتیجه :

توجه بدعوت در صورتیست که خود را محتاج و نیازمند بیند ، نه مستغنی و

بی نیاز .

و إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ
مُبِينٌ . - ۷ أم يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئاً هُوَ
أَعْلَمُ بِمَا تَفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . - ۸ قُلْ
مَا كُنْتُ بَدْعاً مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرَىٰ مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعَ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ
وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ . - ۹ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ
شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ . - ۱۰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ
لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَيَقُولُونَ هَذَا افْكٌ قَدِيمٌ . - ۱۱ .

بَيِّنَاتٍ : جمع بَيِّنَةٌ ، دليل و حَجَّتْ ، و آنچه روشن است .

سِحْرٍ : ارائه باطل بصورت حق .

افْتَرَاءً : بافتن ، دروغ گویی .

إِفَاضَةً : وارد شدن ، پایین آمدن .

بِدْعٍ : بی سابقه ، ابتدائی .

میفرماید : و زمانی که خوانده شود بر آنها آیات ما گوید کسانی که کافر شدند برای
حق وقتیکه آمد به سوی آنها این سحر آشکاریست . - ۷ آیا گویند بافته است آنرا
بگو اگر من بافتم آنرا پس مالک نمی شوید برای من از خدا چیزی را او داناتر است
به آنچه وارد می شوید در آن کفایت است به آن که خداوند شاهد است بین من و
بین شما و او بخشنده و مهربانست . - ۸ بگو نبودم تازه از رسولان و نمیدانم آنچه
انجام داده می شود برای من و نه به شما پیروی نمیکنم مگر آنچه وحی می شود به

من و نیستم من مگر ترساننده محکم و آشکار . - ۹ بگو آیا دیدید آنچه اگر باشد از طرف خدا و شما کفر بورزید به آن و شهادت بدهد شهادت دهنده‌ای از بنی اسرائیل بر مثل آن پس ایمان بیاورد و شما بزرگ منشی کردید بدرستیکه خداوند هدایت نمیکنند جماعت ستمکاران را . - ۱۰ و گفتند کسانی که کفر می‌ورزیدند برای کسانی که ایمان آوردند اگر این جریان خیر بود سبقت نمی‌گرفتند به ما به سوی او و زمانیکه هدایت نشدند به آن پس می‌گویند این دروغ گذشته است . - ۱۱ .

نتیجه :

پدع : در انتخاب این کلمه بجای ابتداء ، اول ، أسبق ، و أمثال آن : لطف بسیاری هست ، و از جمله اینکه هر کدام از آن کلمات و نظائر آنها ، دلالت میکند بوجود شخص لاحق ، دوّمی ، آخری و أمثال آنها .

و مِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بُشْرَى لِّلْمُحْسِنِينَ . - ۱۲ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ . - ۱۳ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . - ۱۴ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدِيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنَّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ . - ۱۵ .

إمام : مقتدی ، پیشوا و مورد تبعیت است .

مُصَدِّقٌ : تصدیق کننده ، موافق .

أُشُدُّ : بصورت جمع و واحد ندارد ، زمانهای شدید .
فِصال : جدا شدن ، فاصله پیدا کردن .

می فرماید : و پیش از این کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود ، و این قرآن تصدیق کننده و بزبان عربی است که بترساند ستمکارانرا ، و بشارت باشد برای نیکوکاران . - ۱۲ بتحقیق آنانکه گفتند پروردگار ما خدا است ، واستقامت کردند ، پس ترسی برای آنها نبوده و محزون نباشند . - ۱۳ آنان اصحاب بهشتند همیشگی ، و جزای اعمال آنها باشد . - ۱۴ و توصیه کردیم انسانرا بوالدینش نیکوئی کردن را که مادرش او را بکراهت حمل کرده و وضع حمل کرد به سختی و حمل او و جدا شدنش از شیر خوردن سی ماه ادامه پیدا کرد تا زمانیکه رسید به محکم بودن آن و رسید به چهل سال گفت پروردگار من قسمت کن مرا که سپاسگزاری کنم در مقابل نعمتهای تو که بمن عطاء فرمودی ؟ و اینکه إحسان کردی برای والدین من و اینکه توفیق دادی مرا که اعمالی بجای آورم که موجب رضایت تو باشد ، و اصلاح فرما ذرّیه مرا و من برمیگردم بسوی تو و من از تسلیم شوندهگان هستم . - ۱۵ .

أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ نَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ . - ۱۶ وَ الَّذِي قَالَ لَوَالِدِيهِ أَفِّ لَكُمْ أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَ قَدْ حَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَ هُمَا يَسْتَعِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ . - ۱۷ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ . - ۱۸ وَ لِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ لِيُؤْفَقِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ . - ۱۹ .

- تَقَبَّلُ : اخذ می‌کنیم بعنوان قبول کردن .
 تَجَاوَز : تجاوز و گذشت و عفو میکنیم .
 أُفَّ : اسم فعل است بمعنی منزجر و آزرده می‌شوم .
 خاسرین : زیانکاران .
 أساطیر : جمع أسطار که جمع سَطْر است .
 أُمَّمٌ : جمع أُمَّت ، جمعیت محدود است .
 توفیهه : اتمام عهد و تکمیل وعده است .

میفرماید : آنان کسانی هستند که قبول میکنیم ما بهترین آنچه را که عمل کردند و ردّ می‌شویم از بدی‌های آنها در ساکنین بهشت وعده درستی آن چنانکه بودند وعده داده می‌شدند . - ۱۶ و کسی که گفت به پدر و مادرش که اینجار باشد برای شما آیا وعده می‌دهید مرا به اینکه خارج بشوم و به تحقیق گذشته است زمانها و قرن‌ها پیش از من و آندو پناه می‌بردند به خدا وای بر تو ایمان بیاور همانا وعده خداوند حق است پس می‌گوید که نیست این مگر نوشته‌های گذشتگان . - ۱۷ آنان کسانی هستند که ثابت شده است بر آنها گفته خدا در میان اُمّت‌هایی که به تحقیق گذشته‌اند از پیش از آنها از جنّ و انس بدرستیکه آنها بودند از زیانکاران . - ۱۸ و برای هر کسی درجاتی است از آنچه عمل کردند و برای اینکه تمام و کامل میکند برای آنها اعمالشان را و آنان ظلم نمی‌شوند . - ۱۹ .

و يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ . - ۲۰ و اذكر أخاعاد إذ أنذر قومَه بالأحقاف و قد خلتِ النُّذر من بين يديه و من خلفه أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ

يَوْمَ عَظِيمٍ . - ۲۱ قالوا أَجِئْنَا لِنَتَأَفَّكُنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأَتْنَا بِمَا تَعَدْنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ . - ۲۲ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرِيكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ . - ۲۳ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمَطِّرٌ نَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ . - ۲۴ .

يُعْرَضُ : إظهار ، إراءه می شود .

الهُون : خفیف و ذلیل و حقیر .

أحقاف : جمع حقف بمعنی رملستان که منحنی باشد .

نُدْرُ : جمع نذیر بمعنی تخویف است .

تَأْفِكُنَا : کذب، صرف از رأی است .

عارضاً : ظاهر .

أودية : جمع وادی زمین مجری آب است .

مُمَطِّرٌ : باران دهنده است .

می فرماید : و روزیکه نشان داده میشوند آنانکه کافر شده اند به آتش که از میان بردید پاکیزگیهای خود را در زندگی دنیوی ، و لذت بردید بآن ، و امروز جزاء داده میشود برای اعمال خودتان بعداب خواری و حقارت ، بسبب آنچه در دنیا خودبینی داشتید و بخاطر اینکه از راه حق خارج شده و منحرف گشتید . - ۲۰ و یاد کن و متذکر باش برادر و پیشوای قوم عاد را که ترسانید قوم خودشرا در سرزمین أحقاف که رملستان بود ، و پیش از او و پس از او در میان آنها انبیائی مبعوث شدند که : پرستش نکنید مگر پروردگار را که می ترسم برای شما از عذاب روزیکه بزرگ است . - ۲۱ گفتند که : آیا آمدی ما را از خدایان خود منحرف کنی ! پس آنچه را که ادعاء میکنی ظاهر کن ، اگر سخنان شما راست است . - ۲۲ فرمود :

خداوند عالم است بآنچه من می‌گویم ، و آنچه را که مأمور هستم برای شما ابلاغ میکنم و من می‌بینم شماها را که فرو رفته در جهالت هستید . - ۲۳ و چون دیدند که هوای بادی بسوی آنها حرکت می‌کند ، گفتند که این بسوی سرزمین ما حرکت کرده است ، گفتند این پیش آمدیست که باران دهنده است ما را بلکه آن چیزی است که شتاب کردید خودتان به آن و آن بادبست که در آن عذاب سختی است . - ۲۴ .

نتیجه :

هر نعمت و رحمتیکه از حدّ متعادل تجاوز کرده ، و افراط در تظاهر خود نمود : مبدل میشود بعذاب ، و موجب گرفتاری گردد .

تُدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ . - ۲۵ و لَقَدْ مَكَّنَّا هُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَ أَبْصَارًا وَ أَفئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَ لَا أَبْصَارُهُمْ وَ لَا أَفئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ حَاقَّ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ . - ۲۶ وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَ صَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ . - ۲۷ فَلَوْ لَا نَصْرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَ ذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ . - ۲۸ وَ إِذْ صَرَّفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ . - ۲۹ .

تدمیر : هلاک کردن .

مُجْرِمِينَ : جرم و گناه کنندگان .

أَفئِدَه : جمع فؤاد که بمعنی قلب است .

يَجْحَدُونَ : انکار میکنند .

حاق : نازل شدن ، فرود آمدن .

اتَّخَذُوا قُرْبَاناً : آنهاييکه معبودهايي گرفتند و ميخواستند تقرب کنند بآنها .

نَفراً مِنَ الْجِنَّ : جماعتي از طائفه جنّ که براي شنیدن قرآن حاضر شدند .

بهلاكت مي‌رساند اين باد تند بفرمان پروردگار هر چيزيرا پس ديده نميشود چون صبح کنند مگر زمين آنها ، و اينچنين و جزاء ميدهيم قوم مجرمين را . - ۲۵ و بتحقيق متمکن ساختيم آنها را در محيطي که شماها را متمکن نساخته‌ايم در آن محيط ، و قرار داديم براي آنها نيروهاي شنوائی و بينائی و قلوب باطني ، و بي نياز نکرد آنها را قواي شنيدن و ديدن و نه قلوب باطني از چيزي ، زمانیکه منکر ميشدند آيات ما را ، و وارد شد بآنها آنچه که بودند استهزاء ميکردند . - ۲۶ و بتحقيق هلاک ساختيم از اطراف شما از آباديهاي کوچک را و آيات خودمانرا در آنجاها آشکار کرديم تا شايد آنها برگردند . - ۲۷ پس اگر نبود که ياري کرد آنها را خداوند ، چون گرفتند از غير خداوند معبودهايي که بوسيله آنها تقرب پيدا کنند ، بلکه گمراهي پيدا کردند از آنان ، و اينمعني انحراف و گمراهي آنها را بود که در مقابل خداوند افتراء و دروغ بافتند . - ۲۸ و زمانیکه برگردانيديم بسوي تو جماعتي از جنّ را که قرآنرا بشنوند ، و چون حاضر شدند گفتند که ساکت باشيد ، پس زمانیکه تمام شد ، برگشتند بسوي طائفه خودشان ، در حالیکه ترساننده بودند آنها را . - ۲۹ .

نتيجه :

انس از مادّه مؤانست ، و مادّي است ، برخلاف جنّ که بمعني ستر است ، و بمناسبت مستور شدن آن از چشمها جنّ گفته ميشود . و فرق جنّ با ملائکه از

لحاظ قدس و روحانیت و طهارت است .

قالوا يا قومنا إنا سمعنا كتاباً أنزل من بعد موسى مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَالْإِسْرَافِ طَرِيقَ مُسْتَقِيمٍ . - ۳۰ يا قومنا أحيبوا داعِيَ اللَّهِ وَآمَنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ . - ۳۱ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ . - ۳۲ أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ لَمْ يَعْزَمْ بِأَنْ يُخْلِقِ بَقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى بَلَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . - ۳۳ وَ يَوْمَ يَعْرُضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَ رَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ . - ۳۴ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَ لَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ فَبَلَّغْ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ . - ۳۵ .

داعِيَ اللَّهِ : دعوت کننده بسوی خداوند ، و رسول خدا .

يُجِرْكُمْ : پناه بدهد شما را .

فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ : آری کسیکه ارتباطی با خداوند متعال پیدا نکرده ، و با نیروی ازلی و قدرت نامحدود عوالم وجود مربوط نیست : هرگز نخواهد توانست تسلط و نفوذی پیدا کند ، و حاکم بر موجودی باشد .

أفرادی از جنّ که بملاقات رسول اکرم موفق شده بودند گفتند : آری قوم ما شنیدیم از کتابی که پس از حضرت موسی نازل شده است ، و تصدیق کننده است کتابهای آسمانی گذشته را ، و هدایت میکند بحق و بسوی صراط مستقیم . - ۳۰
 آری قوم ما اجابت کنید دعوت کننده خدا را و ایمان بیاورید باو تا بیاورد خداوند متعال گناهان شما را و پناه بدهد شما را از عذاب دردناک . - ۳۱ و کسی که اجابت

نکند دعوت خدا و رسول خدا را پس در روی زمین مؤثر و عاجز کننده مطلوب خود نخواهد بود ، و از غیر خداوند متعال متولّی امور خود نخواهد داشت و آنان در گمراهی آشکار و محکمی هستند . - ۳۲ آیا متوجّه نشدند که خداوند متعال که زمین و آسمانها را خلق کرد و عاجز نشد به سبب آفریدن و خلق آنها قادر باشد که مردگانرا زنده کند ، آری او بهر چیزی توانا است . - ۳۳ و روزیکه عرضه میشود کافرین بر آتش دوزخ ، آیا این حقّ و واقعیت ندارد ؟ گویند که آری سوگند بخداوند ، پس بچشید عذاب را در نتیجه کفر و افکاریکه داشتید . - ۳۴ پس صبر کن آنطوریکه انبیای اولوالعزم صبر کردند و عجله نکن برای آنها ، گویا که آنها روزیکه درک میکنند عذاب را درنگ نکرده‌اند مگر ساعتی از روز این موضوع ابلاغی است از طرف خدا به آنها پس هلاک کرده نمی‌شود مگر قوم تجاوز کنندگان . - ۳۵ .

نتیجه :

در اینجا پایان رسید جلد پانزدهم از تفسیر روشن ، و از سوره مبارکه محمد شروع میکنیم بجلد شانزدهم ، با توفیق و توجّه خداوند متعال .

فهرست سوره‌ها

شماره صفحه	نام سوره
۱	روم
۱۸	لقمان
۲۹	سجده
۳۸	احزاب
۶۴	سبا
۸۰	فاطر
۹۵	یس
۱۱۰	الصافات
۱۲۹	ص
۱۴۵	زمر
۱۶۷	غافر
۱۹۱	فصلت
۲۰۸	شوری
۲۲۶	زخرف
۲۴۵	دخان
۲۵۳	جاثیه
۲۶۳	أحقاف